مجاهد
نشریه مجاهدین خلق ایران
شمارهٔ ۸۶۶

Mojahed
866
دوشنبه
۵شهریور
۱۳۸۶
۱۳شعبان
۱۴۲۸
August 27
2007

2US$ 1.5Pounds 3SFR 3C$ 2€

بیانیه بیست و ششمین سالگرد تأسیس شورای ملی مقاومت ایران

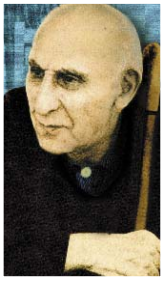

در بیست وششمین سالگرد تأسیس شورای ملی مقاومت ایران و در پنجاه وپنجمین سالگرد قیام ۳۰تیر ۱۳۳۱ در حمایت از دکتر محمد مصدق، رهبر نهضت ملی کردن نفت ایران، به همه زنان و مردان ایران زمین که برای برچیدن نظام ارتجاعی ولایت فقیه به‌پا خاستهاند، به کارگران، زحمتکشان و معلمان محروم کشورمان، که در سال گذشته دلیرانه در برابر استبداد ایستادگی کردند، به جوانان و دانشجویان ایران که صدای حق‌طلبی مردم ما را در جنبشهای خود بازتاب دادند، به زنان ستمدیده که در هر گوشه کشور در مقابل تهاجم وحشیانه مزدوران رژیم مقاومت کردند، به همه مجاهدان و مبارزان راه آزادی و به‌ویژه به زنان و مردان مقاوم شهر اشرف و به همه زندانیان سیاسی و عقیدتی درود می‌فرستیم. یاد همه زنان و مردانی را که طی یک سال گذشته در مبارزات آزادیخواهانه مردم ایران شرکت داشته و همچون قهرمان پایداری، مجاهد خلق ولی‌الله فیض مهدوی، در این راه پرافتخار جان باختهاند، گرامی می‌داریم.

در سال گذشته، مبارزه مردم ایران با رژیم ولایت‌فقیه گسترش تازه‌یی یافت که یک فراز پرشکوه آن خیزش و قیام مردم در اعتراض به طرح جبرمندی بنزین بود. شورای ملی مقاومت ایران، طی سال گذشته، به‌رغم تمامی فشارها و توطئه‌های رژیم و حامیان بین‌المللی‌اش که به‌خاطر معاملات و زدوبندهای ننگینشان با این رژیم و نیز به مقتضای روحیه استعمارگرانه‌شان، که پیشروی و قدرت گرفتن یک مقاومت مستقل را برنمی‌تابد، پیشتازی و پایداری خود را در مبارزه برای سرنگونی استبداد مذهبی و استقرار دموکراسی، بدون تزلزل و انحراف، ادامه داد. ما ضمن قدردانی از تلاشهای بی وقفه خانم مریم رجوی، رئیس‌جمهور برگزیده شورای ملی مقاومت، از حمایتهای بیدریغ هموطنانمان در داخل و خارج کشور از مقاومت سازمان‌یافته در رویارویی سیاسی، اجتماعی، حقوقی و دیپلوماتیک با رژیم ضدمردمی حاکم، و همچنین از پشتیبانی مداوم زنان و مردان آزادیخواه و نیروهای دموکراتیک و مدافع حقوق‌بشر در سراسر جهان، به‌ویژه مردم شریف عراق، از مقاومت ایران، سپاسگزاری می‌کنیم.

در آغاز بیست و هفتمین سال حیات شورای ملی مقاومت و در شرایطی که در جبهه‌بندی بین مقاومت و استبداد دینی حاکم بر کشور با چشم‌اندازها و تعادل قوای جدیدی به‌سود مقاومت مواجه هستیم، باردیگر با مردم ایران تجدید پیمان می‌کنیم و دیدگاههای اساسی خود را پیرامون تحولات کشور با هموطنانمان در میان می‌گذاریم:

الف ـ مشکل اصلی مردم ایران چیست؟

۱ـ برای همه کسانی که تحولات ایران را دنبال می‌کنند، به ویژه برای مبارزان راه آزادی و بهروزی مردم ایران، همواره این سؤال مطرح است که مشکل اصلی مردم ایران چیست و چه نیرویی مانع رسیدن این مردم به یک زندگی انسانی است؟

شورای ملی مقاومت طی ۲۶سال گذشته، همواره بر این نکته پافشرده است که نظام استبدادی ـ دینی حاکم برکشور دشمن اصلی مردم ایران و مانع اصلی تحقق یک جامعه آزاد، دموکراتیک و پیشرو می‌باشد. گفته‌ایم و باز تأکید می‌کنیم که مرکز ثقل و کانون تحولات ایران تضاد مردم با رژیم ولایت‌فقیه است. تمام تلاشهای مقاومت ایران و تمام هزینه‌های کلانی که این مقاومت پرداخت کرده، همچنان که تمام پیشروپها و پیروزیهایی که این مقاومت به‌دست آورده، به‌خاطر پافشاری برهمین اصل اساسی بوده است. به‌سبب پایبندی به این اصل و تلاش برای رسیدن به آزادی بود که یکصدو بیست هزار تن از زنان و مردان ایران زمین بر چوبه‌های دار استبداد مذهبی بوسه زدند و یا در پیکارهای پرشکوه و پرفراز و نشیب راه آزادی جان باختند.

یک دهه پیش، در سال۱۳۷۷، در بیانیه ملی ایرانیان تحت‌عنوان «دفاع از دموکراسی با توجیه همکاری با رژیم؟»، که به اتفاق آرا از سوی شورای ملی مقاومت تصویب شد و به امضای هزاران تن از هموطنانمان در کشورهای مختلف هم رسید، گفته شده بود: «ما مرزبندی قاطع با رژیم ضدبشری ولایت‌فقیه را عمده‌ترین معیار برای ارزیابی ادعاهای افراد و گروهها و شناسایی دوست و دشمن تلقی می‌کنیم» و «بنابراین، تأکید می‌کنیم که هرکس حق دارد مخالف شورای ملی مقاومت ایران و سازمان مجاهدین خلق باشد و انتقاداتش را آزادانه ابراز کند. اما بهانه‌کردن این مخالفت برای مخدوش کردن مرزبندی با رژیم یا مشروعیت بخشیدن به یکی از جناحهای درونی آن،را خیانت به مصالح ملت می‌دانیم».

در آن بیانیه همچنین آمده بود: «از آن‌جا که موجودیت و قانون اساسی رژیم آخوندی بر سلب حق حاکمیت ملت مبتنی است و از آن‌جا که این رژیم با اعدام یکصد و بیست هزار تن از آگاهترین و فداکارترین فرزندان مردم ایران، با شکنجه و قتل‌عام زندانیان سیاسی، با سرکوب و کشتار اقلیتهای ملی و مذهبی، با جنگ ضدمیهنی، با صدور تروریسم و ارتجاع، با برقرار کردن خفقان مطلق و با مجازاتهای وحشیانه‌یی مانند سنگسار، دریایی از خون بین خود و مردم ستمدیده ایران ایجاد کرده است، دفاع از این رژیم و هر یک از جناحهای آن و برقرارکردن رابطه با آنها پایمال‌کردن خون شهیدان و دشمنی با آزادی و حاکمیت مردم ایران است». و بالاخره این بیانیه نتیجه می‌گرفت که«طرد کامل رژیم ولایت‌فقیه، مرز متمایز و خط قرمز پیکار آزادی به‌شمار می‌رود. عبور از این خط قرمز که حصار حیاتی و مرزبندی ملی ایرانیان در برابر حاکمیت آخوندی است، هر فرد یا جریان سیاسی را، هرچند سابقه یا داعیه مخالفت با رژیم داشته باشد، از جرگه مخالفان رژیم خارج و به‌ورطه خیانت می‌کشاند».

۲ـ پس از برگزاری گردهمایی با شکوه «بیعتی پیروزی»، آقای مسعود رجوی، مسئول شورای ملی مقاومت ایران، در تاریخ ۱۲تیر امسال طی پیامی خطاب به مردم ایران اعلام کرد: «می‌خواهم به همه شما در هر کجا و در هر شرایطی که هستید، این ملاک و معیار و این خط قرمز و این حصار حیاتی و مرزبندی مقدس ملی و میهنی و ضرورت نگاهبانی از آن را یادآوری کنم.

در برخورد و تنظیم رابطه با همه افراد، اگر با دشمن مردم ایران و هلاک‌کننده حرث و نسل این میهن خط قرمز و مرز سرخ دارد، قدمش به‌روی چشم. از دادن جان هم برای او دریغ نکنید. اما اگر با این رژیم، که پلیدی و نحوست اول و آخر است، مرز سرخ ندارد؛ اگر با این رژیم، به‌نحوی درهم و هم‌جبهه و هم‌خط و هم‌موضع شده و مرزبندی و روزه ملی و میهنی دربرابر این رژیم را ولو به‌اندازه یک قطره یا یک گرم و به اندازه یک قدم یا یک قلم شکسته باشد؛ هرکس که می‌خواهد باشد، در هر رده و مقام و مرتبت و مسئولیتی هم که بوده، خائن و خیانت‌پیشه حقیری بیش نیست».

۳ـ رژیم ولایت فقیه با آگاهی از تنفر و انزجار مردم ایران از حاکمیت ننگینشان و با آگاهی از پایداری و تمرکز مقاومت ایران بر مسأله اصلی و در واکنش به پیشرفتهای جایگزین دموکراتیک با تمام نیرو و به اشکال مختلف علیه مقاومت سازمانیافته مردمی دست به توطئه می‌زند.

رژیم در سال گذشته مرزهای جدیدی را در اقدامات و توطئه‌های خود درنوردید و با برنامه‌ریزی و صرف بودجه کلان، یک کارزار سیاسی، دیپلوماتیک، روانی توأم با اقدامات سرکوبگرانه را به‌پیش برد. تمامی سفارتخانه‌ها و لانه‌های جاسوسی رژیم موظف به اجرای پروژه‌های سیاسی و دیپلوماتیک علیه مقاومت ایران بودند و در این راه هیچ محدودیتی برای هزینه کردن وجود نداشت.

کارگزاران خامنه‌ای با «کارزار حیرت‌انگیز شیطان‌سازی و دروغپراکنی» در هر مذاکره سیاسی با طرفهای خارجی بر خواست محدودکردن مقاومت ایران و سازمان مجاهدین خلق ایران تأکید می‌کنند. رژیم برای پاک کردن صورت مسأله اصلی و ایجاد گفتمانهای انحرافی دهها سایت اینترنتی را سازماندهی کرده و، با صرف هزینه‌های کلان، مزدوران خود را در اروپا و آمریکا به لجن‌پراکنی علیه مقاومت وادار می‌کند یا به کمک لابیهای در خارج از کشور می‌کوشد تا صورت مسأله را محدوش سازد و جنبش مقاومت و مجاهدین را، که راه‌حل مشکل هستند، مشکل اصلی امروز ایران و جهان قلمداد کند.

۴ـ روی‌آوردن ارتجاع مذهبی به ساختن سریالهای تلویزیونی آکنده از لجن‌پراکنی و جعل و دروغ علیه مقاومت و ارتش آزادیبخش ملی و سازمان مجاهدین خلق ایران، که با صحنه‌های سرهم‌بندی‌شده و نشخوار مجعولات مصرف‌شده پیشین درمورد متهم‌کردن مجاهدین به قتل‌عام شیعیان و کردهای عراقی همراه است، علاوه بر تلاش مذبوحانه به تلافی افشاگریهای مقاومت درباره پروژه‌های اتمی، لیست ۳۲هزارنفره مزدوران اطلاعات و سپاه تروریستی قدس در عراق، بلاکشیدن بیش از ۲۰میلیارد دلار نفت عراق و انبوه مداخلات و جنایتها و شکنجه‌گاههایشان در این کشور؛ جزئی از پروژه گفتمان‌سازی رژیم ولایت فقیه برای انحراف از تضاد اصلی و نوعی واکنش بیهوده و مسخره برای مقابله با گرایش فزاینده جوانان و زنان و کارگران و معلمان به‌پاخاسته به این مقاومت است. هرچند که هموطنان آگاهمان به روشنی می‌دانند که در این تلاش دیوانه‌وار تبلیغاتی، به استثنای فیلمها و تصاویری که از دو دهه پیش راجع به ملاقاتهای مسئولان این مقاومت با مقامات دولت سابق عراق در رسانه‌های مقاومت منتشر شده و اخبار آن در اطلاعیه‌های رسمی به اطلاع افکار عمومی رسیده، رژیم تاکنون، هنری جز جعل و تحریف و مونتاژ و جابه‌جا کردن مطالب با آلوده کردن آنها با پیش‌پردده‌ها و پس‌صحنه‌های ساختگی خود به‌خرج نداده و در این راستا، از هیچ شایعه‌پراکنی و ترفند و خبرسازی و جعل مدرک فروگذار نکرده است و از آن جمله‌اند: وصیت‌نامه‌های مجعول به نام مجاهدان شهید محمدرضاسعادتی و علی زرکش، صحنه‌سازیهای تلویزیونی برای اعتراف پیرامون انفجار حرم امام هشتم شیعیان در مشهد، کشتار کشیشهای مسیحی، جاسوسی برای عراق با نیروهای آمریکایی و قطارکش‌کردن مأموران بدنام اطلاعات تحت‌عنوان «اعضای سابق مجاهدین» برای شهادت‌دادن در مورد پنهان‌کردن تسلیحات شیمیایی و میکربی و اتمی در قرارگاههای مجاهدین؛ همچنین پیشنهاد رشوه‌های کلان ۵۰میلیون دلاری و ۱۲۰میلیون دلاری به وکلای فرانسوی و عراقی به منظور جعل سند برای «متهم‌کردن مجاهدین به بمباران شیمیایی حلبچه، یک وکیل عراقی در فوریه۲۰۰۶ فاش کرد:«رژیم ایران مبلغی بالغبر۲۰میلیون دلار به هیأت وکلای مدافع صدام حسین در امان، پایتخت اردن، و مبلغی بالغبر ۱۰۰میلیون دلار به‌بخشی از اعضای این هیأت در پاریس پیشنهادکرده است تا در مورد قضیه حلبچه صحبتی نشود و بمباران شیمیایی حلبچه به گردن مجاهدین خلق انداخته شود»(تلویزیون ابوظبی ۱۷ فوریه ۲۰۰۶).

اما به‌رغم همه یاوه‌ها و مجعولات و تبلیغات دیوانه‌وار مطبوعات و شبکه‌های تلویزیونی رژیم، بنابر گزارشهای رسیده از داخل ایران، این ترفندها نتایج معکوس به‌بار آورده و از قضا توجه و حمایت هرچه بیشتری را به سود مقاومت در میان اقشار مختلف مردم، به‌ویژه جوانان آگاه و آزاده که به‌خوبی از صنعت جعل و تزویر وسرهم بندی وتحریفهای رژیم آخوندی مطلعند، برانگیخته است.

خانم مریم رجوی درسخنرانی خود در دهم تیرماه امسال در این باره گفت:«آخوندها ناگزیر شده‌اند با ساختن سریالهای تلویزیونی با موج تسمیلی جوانان نسبت به این مقاومت مقابله کنند. شهامت ندارند که بگویند آن همه ادعا و نمایش درباره تمامشدن کار این مقاومت شکست خورد و می‌ترسند بگویند که آن همه پرونده‌سازی و اتهامهای رنگارنگ علیه مقاومت به گل نشست. در نتیجه، به تبلیغات هیستریک روی آورده‌اند. ولی اگر در تمام ۲۴ساعت هم در رادیو تلویزیون و روزنامه‌هایتان علیه این مقاومت جیغ بکشید، نمی‌توانید رژیم ولایت‌فقیه را از سرنگونی نجات بدهید».

ب ـ موقعیت داخلی و بین‌المللی رژیم و پیشروی راه‌حل سوم

۵ـ در سال گذشته ولی‌فقیه نظام و گماشته گوش‌به فرمانش در رأس فوج اجرایی سیاست یکپایه کردن و انقباض حاکمیت و اعلان جنگ به مردم ایران و جامعه جهانی را پیگیری کردند. خامنه‌ای به مناسبتهای مختلف در مقابل باندهای درونی نظام که سیاستهای احمدی‌نژاد را بهزیان رژیم می‌دانند، از دست نشانده خود حمایت نمود. این حمایت در حالی صورت می‌گیرد که تضاد بین جناحها و باندهای حاکم بی‌وقفه تشدید می‌شود و روزی نیست که گوشه‌یی از این کشمکشها در رسانه‌های حکومتی بازتاب پیدا نکند.

شورای ملی مقاومت در بیانیه سال گذشته خود گفته بود که «گذشت زمان، موجب تشدید انقباض و رشد بیشتر اختلافها و تضادهای درونی حاکمیت می‌شود». تحولات درون حاکمیت در سال گذشته صحت این ارزیابی را به اثبات رسانده است. خامنه‌ای می‌داند که درصورت عقب‌نشینی در مقابل جناحها و باندهای رقیب مجبور به هماهنگ‌کردن نظام با آرایش جدید جهان و منطقه می‌شود و در نتیجه باید با نوشیدن پیاپی جامهای زهر، شرایط لازم را برای فروپاشی نسبتاً مسالمت‌آمیز نظام ولایت‌فقیه فراهم کند. تحولات یک سال گذشته نشان داد که ولی‌فقیه نظام در مقابل سیاست عقب‌نشینی، سیاست تشدید انقباض درونی و توسعه بیش‌آیینش صدور ترور و بنیادگرایی را برگزیده است.

۶ـ در سال گذشته در مدیریت اقتصاد کلان کشور شاهد تحولات زیر بودیم:

الف ـ دولت احمدی‌نژاد سازمان مدیریت و برنامه‌ریزی و دفاتر این مدیریت در مراکز استانها را منحل کرد و تصمیم‌گیری در مورد برنامه‌ریزی، سیاستگذاری مالی و تخصیص بودجه را، در مقیاس کشوری، به‌عوامل امنیتی مستقر در «ستاد ریاست‌جمهوری» رژیم، و در مقیاس استانی، به‌عوامل امنیتی تحت‌امر استانداران واگذار کرد. با این اقدام، متخصصان شاغل در دستگاههای دولتی به تبعیت و دنباله‌روی از مدیران امنیتی کشانده شدند و ریخت‌وپاش درآمدهای نفتی و سایر درآمدهای دولت برای تأمین اهداف امنیتی با سهولت و سرعتی بیشتر ادامه یافت.

دولت احمدی‌نژاد، از سوی دیگر، با خلیعد از «شورای پول واعتبار» و انحلال «هیأت امنای حساب ذخیره ارزی»، دست بازتری در هزینه پول بانکها و منابع ارزی کشور پیدا کرد.

برآثر ریخت‌وپاش بی‌سابقه درآمدهای بودجه و منابع بانکی، میزان نقدینگی کشور طی دوران دوساله روی‌کارآمدن دولت احمدی‌نژاد از ۶۰هزار میلیارد تومان به‌بیش از ۱۲۰هزار میلیارد تومان رسید. رشد جهش‌وار میزان نقدینگی به همراه دیگر اقدامات تورم‌زای دولت پاسداران، نظیر جیره‌بندی و گرانی بنزین، تاختو تاز شرکتهای اخصارگر متعلق به سپاه پاسداران، بسیج و بنیادهای تحت امر رهبری رژیم، آتش تورم را به شدت شعله‌ور کرد و از این طریق فقر گسترده‌تر وعمیق‌تری به مردم ایران تحمیل شد. دولت احمدی‌نژاد برای سرپوش‌گذاشتن روی گسترش فقر درایران، به‌رغم «الزام قانونی» که دارد، ارسال ۸۴ تا به‌حال از اعلام رقم خط فقر خودداری کرده است (رقم خط فقر در نیمه اول سال ۱۳۸۴ در شهرها به طور رسمی ۳۵۰هزارتومان اعلام شد)

ب ـ افزایش ناامنی سیاسی ـ اقتصادی ناشی از مدیریت دولت پاسداران، به فرار سرمایه‌های داخلی و انزوای بین المللی اقتصاد ایران شدت بخشید. در این فضای ناامن، سرمایه‌گذاری اشتغالزا در اقتصاد کشور به حدی پایین آمده که تقاضای اکثریت حدود یک میلیون جوین ایرانی جویای کار، که هرساله وارد بازار کار می‌شوند، بی‌جواب می‌ماند و بر شمار ارتش چند میلیونی بیکاران کشور افزوده می‌شود. ازسوی دیگر افزایش واردات کالاهای مصرفی و قاچاق کالا، به‌خصوص از اسکله‌های متعلق به سپاه‌پاسداران، کارخانه‌های تولیدی کشور را درمعرض ورشکستگی قرار داده و مشاغل تولیدی در ایران را به حدی ناامن و ناپایدار کرده که به اقرار وزیر کار دولت احمدی‌نژاد «اگر وضع بدین منوال پیش رود در نهایت طی پنج‌سال آینده کارگر دائمی در واحدها باقی نخواهد ماند»(خبرگزاری فارس ۲۲تیر۸۵). ظفرزاده، عضو مجلس رژیم نیز در این مورد اعتراف کرد که «امروز کارگر رسمی را اخراج می‌کنند و با همان کارگر اخراج شده قرارداد موقت می‌بندند»(خبرگزاری کار ۱۵ بهمن ۸۵).

جـ مدیریت اقتصادی فقرافزای دولت احمدی‌نژاد حتی صدای برخی از اقتصاددانان برکنارشده از مقامهای دولتی را نیز درآورده است. اما انتشار نامه انتقادآمیز ونشست و برخاست این گروه از اقتصاددانان با احمدی‌نژاد، کمترین اثری در تغییر سیاست دولت نداشته است. این دولت، درحالی‌که آگاهانه به اقدامات محروميت‌زای خود ادامه می‌دهد، با تیغ دولبه تهدید و تطمیع، به‌جنگ جامعه محروم ایران آمده است و سودای آن دارد که با یک لبه آن فریاد اعتراض قربانیان سیاست ضدمردمی خود را سرکوب کند و با لبه دیگرش به تطمیع این محرومان بپردازد و با حیله‌های مالی نظیر تشکیل «بانک قرض‌الحسنه»، دادن وعده توزیع «سهام عدالت» و وعده وام بانکی برای ایجاد «کارگاههای زودبازده»، جنبش حق‌طلبانه آنها را مهار نماید.

۷ـ در سال گذشته با وجود تشدید اختناق و سرکوب، کارگران، دانشجویان، معلمان، زنان و سایر قشرهای محروم و ستمدیده مردم ایران، با قیامها و حرکتهای اعتراضی گسترده، خشم و نفرت خود را از استبداد مذهبی حاکم برایران ابراز داشتند.

قیام دلیرانه سراسری در اعتراض به جیره‌بندی بنزین، حرکتهای بیشمار اعتراضی کارگران محروم و ستمدیده، به‌ویژه گردهمایی پرشکوه کارگران در روز اول ماه مه با شعارهای «آزادی تشکل حق ماست»، «اعتصاب اعتصاب حق ماست»، «ما انرژی اتمی نمی‌خواهیم» و «زندگی آینده حق مسلم ماست» (که شعار عوام‌فریبانه«انرژی اتمی حق مسلم ماست» را نقش برآب کرد)، جنبش سراسری و اعتصابها وحرکتهای اعتراضی معلمان، مقاومت دلیرانه زنان در مقابل یورش نیروهای سرکوبگر به آنان، جنبشهای مداوم دانشجویی و به‌ویژه گردهمایی دانشجویان پلی‌تکنیک با شعار «مرگبر دیکتاتور»؛ از نمونه‌های برجسته ایستادگی و مقاومت خاموش‌ناپذیر زنان و مردان ایران‌زمین در برابر نظام نامشروع ولایت‌فقیه است.

نیروهای مقاومت سازمانیافته در داخل کشور، با وجود فضای سرکوب و اختناق، توانستند با شعارنویسی و نصب پلاکارد در بزرگراهها، کوهستانهای اطراف شهرها، خیابانها و اماکن عمومی، و با توزیع سراسری جزوه‌ها و اوراق تبلیغی حاوی اطلاعیه‌ها، مواضع، طرحها و برنامه‌های شورای ملی مقاومت، و همچنین با دامن‌زدن به اعتراضهای مردمی و هدایت آنها در راستای سرنگونی استبداد مذهبی و تحقق آزادی وحاکمیت مردم نقشی مداخله‌گر و اثرگذار ایفا کنند.

این حرکتها نه فقط از نظر کمیت و گستردگی، بلکه به لحاظ کیفیت و قاطعیت مرزبندی با رژیم آخوندی ارتقای چشمگیری پیدا کردهاند. تداوم این حرکتهای اعتراضی، نشانه بارز پیشرفت انقرانتیو دموکراتیک و راه‌حل سوم در میان مردم و ناتوانی رژیم در خاموش‌کردن آنها گواه ضعف بنیادین رژیم است.

شورای ملی مقاومت به همه زنان و مردانی که در این پیکارها شرکت داشتند، درود می‌فرستد و از تمامی مجامع و نهادهای بین‌المللی خواستار اعمال‌فشار به رژیم ایران برای رعایت حقوق‌بشر و آزادی زنان و مردانی است که برای احقاق ابتدایی‌ترین حقوق خود به‌پاخاسته اند و در چنگال نیروهای سرکوبگر استبداد مذهبی با اسارت و شکنجه واعدام مواجهند.

۸ـ در یکسال گذشته سیاستهای انقباضی و سرکوبگرانه رژیم ولایت‌فقیه ابعاد هولناکی به خود گرفت. دستگیریهای گسترده همراه با شکنجه وحشیانه جوانان در خیابانها، مجازاتهای غیرانسانی مانند قطع اعضای بدن و سنگسار و حلق‌آویزکردن درملاءعام با هدف ایجاد رعب و وحشت و کنترل جامعه جوشان و به‌ستوه آمده، شدت یافت.

در ماههای گذشته در تهران، اصفهان، نیریز، کرمانشاه، زاهدان، مشهد، ساری، زابل، شیراز، اهواز، تبریز، جیرفت، نشتارود، نکا، قم، مبارکه، رودان، رفسنجان، لنگرود، سراوان، خرم‌آباد، بم، بابل، شاهرود، قم، کرج، بروجرد، نطنز، منجیل، اراک، نسا، ایرانشهر، گرگان و سایر شهرهای میهنمان موج جدیدی از احکام حلق‌آویز و اعدام برای مرعوب‌کردن مردم و مقابله با جنبشها و حرکتهای اعتراضی به اجرا درآمد.

همچنین زنجیره‌یی از طرحهای «امنیت اجتماعی» برای کنترل جامعه ناراضی، تحت عناوین مسخره و آخوندساخته، به اجرا درآمده‌اند از آن جمله‌اند: طرحهای«مبارزه با مفاسد اجتماعی»، «بدحجابی»، «برخورد با ناهنجاریهای اجتماعی»، «امنیت اجتماعی»، «سامانده‌ی مد ولباس»، «عفاف»، «برخورد با مانکنهای فساد در خیابانها»، «صدور کارت زرد و قرمز به زنان بدحجاب»، «گشتهای ثابت وسیار»، «اخذتعهد حجاب از دانشجویان»، ایجاد «کلانتری بانوان»، «اخراج دبیران مرد از مدارس دخترانه»، «ایجاد بیمارستان بانوان»، «جابجایی در ادارات»، «جداکردن درهای ورود وخروج برای زن ومرد»، «سهمیه‌بندی جنسی تحصیلات عالیه» و... بالاخره «طرح جداسازی و زنانه ـ مردانه کردن تاکسیها»که اخیراً در دستورکار رژیم قرار گرفته است.

علاوه براین، حکومت آخوندی طرحهای متعددی را برای سانسور اخبار و اطلاع‌رسانی به‌اجرا درآورده است که با یورشهای وحشیانه به خانه‌های مردم و تخریب آنتنهای گیرنده تلویزیونهای ماهواره‌یی همراه است. به‌نوشته مطبوعات حکومتی«مأموران یکان ویژه» مؤظفند با «حضور بر بام ساختمانها، به غیرقابل استفاده‌کردن آنتنهای ماهواره‌یی» بپردازند.

طبق دستورالعمل وزارت ارشاد آخوندها، کلیه مطبوعات موظف و محدود به استفاده از مطالب خبرگزاریهای کنترل‌شده حکومتی هستند. روزنامه‌ها و نشریات کردی و ترکی به اتهام «دامن‌زدن به مسائل قومی، ترویج افکار چپ، تضعیف حکومت اسلامی و اقدام علیه امنیت ملی» بسته می‌شوند. در سال ۸۵ مجموعاً ۲۶۴نشریه تعطیل شدند.

در سال۱۳۸۵ حداقل یازده نهاد سرکوبگر جدید به منظور ایجاد وحشت و پیشگیری از گسترش حرکات اعتراضی به‌راه افتادند که عبارتند از پلیس محله، پلیس باران جوان، پلیس خوابگاه، پلیس نامحسوس، پلیس کوهستان، پلیس انتظامی مهر، پلیس مدرسه، پلیس مترو، پلیس گردشگر، پلیس زنان و پلیس پایانه.

در ۴دی‌ماه۸۵ مدیرکل فرهنگی و تربیتی سازمان زندانهای رژیم اعلام کرد که طی ۹ ماه اول همین سال «۶۰۰ الی ۷۰۰هزار نفر» به زندانهای کشور وارد شده‌اند در ۱۱دی‌ماه رئیس کمیسیون امنیت مجلس از صدور حکم اعدام برای ۳۰۰زندانی سخن گفت و شمار بازداشتگاههای اختصاصی و خارج‌از نظارت سازمان زندانها را «یکصد بازداشتگاه» اعلام نمود.

در همین اثنا اجرای احکام سنگسار، که رژیم قبلاً وعده توقف آن‌را داده بود، تجدید شد. در روز۱۱خرداد۸۶ محمدجواد لاریجانی معاون قوه قضائیه رسماً از اجرای احکام سنگسار دفاع کرد و در روز ۱۴تیرماه مردی را که ۱۱سال در زندان بود در تاکستان قزوین سنگسارکردند. هم‌اکنون نام ۱۱زندانی محکوم به سنگسار اعلام شده است.

۹ـ در یک سال گذشته سیاست حکومت آخوندی در استفاده از «حربه اتمی» و «فرصت عراق» با مداخله‌گری در رویدادهای لبنان و فلسطین ابعاد جدیدی پیدا کرد.

رژیم ایران نه فقط به قطعنامه‌های شورای امنیت ملل متحد پاسخ مثبت نداد، بلکه روند دستیابی به سلاح اتمی را با افزایش غنی‌سازی تسریع کرد و با مداخلات ماجراجویانه‌اش در تجاوز عراق، لبنان و فلسطین بر عزم خود در صدور ترور و بنیادگرایی تاکید ورزید.

رویدادهای یکسال گذشته به‌ویژه صدور سه قطعنامه شورای امنیت ملل متحد، صحت افشاگریهای شورای ملی مقاومت در مورد اعلان جنگ رژیم به جامعه بین‌المللی را به اثبات رساندورشکستگی سیاست مماشات برملا گردید و اعتبار کارآیی این سیاست در عرصه جهانی مورد شک و تردید قرار گرفت، هر چند که دلبستگانش باز هم در اروپا و آمریکا همچنان آب در هاون می‌کوبند و فریبکارانه از دوراهی کاذب مماشات یا جنگ سخن می‌گویند. آنان جنگ را بدیل اجتناب‌ناپذیر سیاست مماشات قلمداد می‌کنند، حال آن که جنگ دقیقاً ادامه و حاصل مماشات با فاشیسم مذهبی است. دراین میان استبداد مذهبی حاکم بر ایران به‌طور نقد از سیاست مماشات سود می‌برد و در عین حال تلاش می‌کند تا با سوارشدن بر موج مخالفت جامعه بین‌المللی با جنگ، جنبشهای صلح‌طلب جهان را به حمایت از خود سوق دهد و از احساسات انساندوستانه ضدجنگ و اشتیاق عمومی به صلح، به سود فاشیسم بحران‌زدی و جنگ‌افروز مذهبی سوءاستفاده کند.

شورای ملی مقاومت ایران هم‌چنان که بارها اعلام کرده است، مخالف هرگونه مداخله نظامی خارجی در ایران و مخالف هرگونه آلترناتیوسازی از جانب قدرتهای بزرگ است و با شعار «نه جنگ نه مماشات، راه‌حل سوم: تغییر دموکراتیک به‌دست مردم ومقاومت ایران» برتغییر بنیادین و سرنگونی رژیم نامشروع آخوندی به‌دست مردم و مقاومت ایران تأکید می‌کند.

بقیه در صفحه۲

زنده باد ارتش آزادیبخش ملی بازوی استوار و پراقتدار خلق قهرمان ایران

بیانیــه بیست و ششمین سالگرد تأسیس شــورای ملی مقاومت ایــران

بقیه از صفحه اول

این راه‌حل، همان‌گونه که در بیانیه سال قبل شورا اعلام شد،«بویژه بر رزم و جانفشانی اعضا و رزمندگان مقاومت دراشرف تکیه دارد»و «تنها راه جلوگیری از جنگ خارجی است و مضمونی دموکراتیک، آزادیخواهانه، استقلال‌طلبانه و جوهری عمیقاً صلح‌طلبانه دارد»،«تنها در این صورت است که شهروندان صلح و دموکراسی جایگزین جنگ و دستیابی رژیم آخوندی به بمب اتمی می‌شود». بنابراین «تا وقتی رژیم قرون‌وسطایی آخوندها، به مثابه کانون صدور بحران و بنیادگرایی وتروریسم برسرکار است، خفقان و نقض حقوق‌بشر درایران، تلاش آخوندها برای دستیابی به بمب اتمی، سیاست صدور بنیادگرایی و تروریسم، کارشکنی در روند صلح خاورمیانه و به‌خصوص تشدید بحران و دامن‌زدن به جنگ داخلی و بی‌ثباتی در عراق، یعنی در یک کلام چشم‌انداز تاریک جنگ، در تقدیر جهان است. صلح و دموکراسی در ایران و در خاورمیانه با ازمیان رفتن رژیم جنگ‌افروز آخوندها و جایگزینی آلترناتیو دموکراتیک و صلح طلب امکانپذیر است».

سیاست مماشات با استبداد و بنیادگرایی آخوندهای حاکم بر ایران، که برجسته‌ترین نمود آن برجسب بی‌مینا و بی‌اعتبار تروریستی به سازمان مجاهدین خلق ایران است، تاکنون زیانهای بیشماری را به مبارزه آزادیخواهانه مردم ایران وارد کرده و تغییر این رژیم را عقب انداخته است. این سیاست هم‌چنین دست رژیم بنیادگرای ایران را برای مداخله و ماجراجویی در خاورمیانه باز گذاشته است.

همان‌طور که شورا در بیانیه سال قبل خود اعلام کرده بود: «قدرتهای بزرگ اگر بخواهند در مبارزه سرنوشت‌ساز بین مردم ایران با رژیم حاکم، دست‌کم بی‌طرف باشند، باید به همه حمایتها و امدادرسانیهای خود به رژیم تروریستی حاکم برایران ـ که برجسب تروریستی علیه مقاومت مشروع مردم ایران مهمترین آنهاست ـ خاتمه دهند. علاوه براین، تحریم سیاسی، دیپلوماتیک، نظامی، تکنولوژیک، و نیز، تحریم نفتی(مگر در مواردی که به خرید غذا و دارو اختصاص دارد) و هم چنین مشروط‌کردن مبادلات تجاری به مراعات حقوق‌بشر در ایران، لازمه فاصله گرفتن از رژیم حاکم بر ایران است».

۱۰ـ در سال گذشته، دادگاه عدالت اروپا یک رأی تاریخی صبنی‌بر«لغوتصمیم مشترک شورای وزیران اتحادیه اروپا» در الصاق برچسب تروریستی به سازمان مجاهدین خلق ایران و تمامی محدودیتهای ناشی از آن صادر شده که حقوقدانان برجسته اروپایی آن‌را یک انقلاب حقوقی و قضایی توصیف کردند. ۵۰۱روز پس از صدور این حکم، شورای وزیران اتحادیه اروپا درسرپیچی آشکار از اجرای حکم این دادگاه، «برلفاه این سازمان دریلست» تصمیم گرفت و با رسمیت‌دادن به آن در روز۲۸ ژوئن این قانون‌شکنی را به مثابه جایزه به آخوندهای خون‌آشام تقدیم کرد. این در حالی بود که ۱۰۰۰پارلمانتر ازکشورهای مختلف اروپا پیشاپیش چنین تصمیمی را مردود اعلام نموده و کمیسیونهای پارلمانی در مجالس انگلستان، ایتالیا، دانمارک، هلند و فنلاند با بیانیه‌ها و صدور قطعنامه‌های لازم‌الاجرا خواستار اجرای حکم دادگاه شده بودند.

اما کوبنده‌ترین پاسخ به این بی‌عدالتی که همانا پاسخ مردم ایران بود، دو روز بعد در ۳۰ژوئن ۲۰۰۷ (۹تیر۱۳۸۶) از سوی ۵۰هزار تن از هموطنانمان در بزرگترین اجتماع ایرانیان در خارج کشور به‌منصه ظهور رسید.

دراین گردهمایی، که در ویلینت در حومه پاریس برگزار شد، رئیس‌جمهور برگزیده شورای ملی مقاومت تأکید کرد که شورای وزیران اتحادیه اروپا «باید یکی از این دو راه را انتخاب می‌کردند یا حذف نام مجاهدین از لیست و بوخه‌خوردن رابطه‌شان با رژیم آخوندی، یا بی‌آبرویی و بدنامی ناشی از نقض حکم دادگاه و همکاری با رژیم آخوندی. آنها البته رسوایی را انتخاب کردند. اما باید بدانند که همدستی با اعدام‌کنندگان کودکان و نوجوانان ایران، همراهی با مسئولان کشتار مردم وفای دشمنان صلح در منطقه و یاری‌رساندن به بانکدار جهانی تروریسم، یک ننگ بزرگ است که در تاریخ اروپا باقی خواهد ماند. من، همه زنان و مردان شریف اروپا را در هر مقامی که هستند، فرامی‌خوانم که از این ننگ فاصله بگیرند و شورای وزیران اتحادیه اروپا را به تسلیم در برابر حکم دادگاه و قانون وادار کنند. مقاومت ایران با استفاده از همه راهها و امکانات مشروع سیاسی و حقوقی، علاوه رسوایی عدم اجرای حکم دادگاه، حذف نام مجاهدین از لیست را نیز به آنان تحمیل خواهد کرد».

۱۱ـ آن روی سکه برچسب تروریستی، چشم‌پوشی بر جنایتهای ضدانسانی آخوندها در سرکوب مردم ایران است که چکیده سیاست مماشات محسوب می‌شود و دامنه باخیچاهی و مبدل پیشبرد توطئه‌های تروریستی آخوندها را به خارج از مرزهای ایران گسترش می‌دهد.

این‌چنین بود که در بحبوحه قتل ولی‌الله فیض مهدوی در زندان گوهردشت و در حالی‌که دادگاه استیناف پاریس برابطال کلیه ممنوعیتهای ظالمانه علیه اعضای مقاومت حکم کرده و ورود عوامل وزارت اطلاعات به‌عنوان پناهجو به خصوصی به پرونده ساختگی ۱۷ژوئن را رد کرده بود، مزدوران شناخته‌شده وزارت اطلاعات به‌عنوان پناهجو به کشورهای اروپایی ازجمله فرانسه اعزام شدند و لابی فاسد آخوندها، برخلاف تصمیم شورای وزیران اروپا (آوریل ۱۹۹۷)، برای آنان راه باز کردند تا تحت‌عنوان «انجمن نجات» از بلندگوی بخش فارسی رادیو بین‌المللی فرانسه، «امرکمک به آزادی» را «در ایران و خارج از ایران» سرلوحه کار خود اعلام کنند و با تأسیس «انجمن حمایت از مهاجران و ایرانیان مقیم فرانسه» نقش سربل اطلاعاتی رژیم را برای سرپناهگاه داشتن پرونده بی‌پایه ۱۷ژوئن و اعمال‌فشار بیشتر به مقاومت ایران، به عهده بگیرند. انجمن پوششی نامبرده در اولین نشست علنی خود، پناهندگان ایرانی معترض را با چاقو، قمه، پنجه بوکس و گاز اشک‌آور مورد «حمایت» قرار داد. پس از چاقوکشی و شروع به قتل، برخی از مأموران اعزامی به همراه مزدوران سفارت رژیم از صحنه گریختند. اما چندتن از آنان توسط پلیس بازداشت و زندانی شدند. این وحشت‌آفرینی‌های نفرت‌انگیز و رسوا با همدستی برخی رسانه‌ها و از طریق خرید خدمات آنها صورت می‌گیرد تا با شیطان‌سازی از مقاومت به سران جنایتکار رژیم کمک رسانده شود.

ج ـ چالشهای عراق: جنگ آلترناتیوها

۱۲ـ جنگ و اشغال عراق بزرگترین فرصت را برای رژیم ایران به‌منظور مداخله در این کشور و توسعه بنیادگرایی فراهم کرد. برای رژیم ولایت‌فقیه، از آغاز، عراق اولین هدف صدور بنیادگرایی بوده است. اکنون نیز این رژیم تمام قوا و کلیه ارگانهای حکومتی و نهادها و توانمندیهای مالی، سیاسی و نظامی خود را برای حداکثر مداخله در عراق و جلوگیری از تبدیل‌شدن این «فرصت» به «تهدید» به کار گرفته است. برای نظام ولایت‌فقیه با سابقه جنگ ویرانگر هشت ساله، که هیچ‌گاه به صلح تن نداده، حالا پس از سقوط دولت سابق عراق بلعیدن این کشور و سلطه بر مردم ستمدیده آن یک راهبرد حیاتی است. از نگاه آخوندهای حاکم بر ایران، عراق یک «تالانگ» برای خنثی‌کردن تهدیداتی است که آنها را احاطه کرده است. بقای رژیم استبدادی- مذهبی ولایت‌فقیه به سرکوب در داخل و صدور انقلاب به خارج گره خورده است. اگر توسعه‌طلبی ارتجاعی این حکومت میرا شود، تبغ سرکوب کند می‌شود و اگر سرکوب مردم به سستی رو کند، صدور بنیادگرایی از حرکت باز می‌ماند. موجودیت سپاه‌پاسداران به‌عنوان مهمترین نهاد پاسدار امنیت نظام، به گسترش سرکوب داخلی و صدور بنیادگرایی تحت نام اسلام بستگی دارد. عصاره قانون اساسی ولایت‌فقیه بر انکار حق حاکمیت مردم و تئوری صدور انقلاب اسلامی بناشده است. دست‌برداشتن از سرکوب مردم و صدور بنیادگرایی به عراق، به‌عنوان جبهه مقدم، به معنای گام‌برداشتن در جهت استحاله و فروپاشی ولایت فقیه است.

مسئول شورای ملی مقاومت در پیام به کنگره همبستگی برای صلح و آزادی، که روز ۲۶خرداد۸۶ در شهر اشرف برگزار شد، در مورد ویژگی شرایط کنونی عراق گفت «جبهه‌بندی اصلی سیاسی در عراق، بین نیروهای دموکراتیک (با انواع تمایلات وتفکرات) و جریانهایی می‌باشد که وابسته به رژیم ایران هستند. این وضعیت ناشی از جغرافیای سیاسی خاص این دو کشور می‌باشد که مرزبندی و تنظیم رابطه با دیکتاتوری دینی ایران را به مشخصه اصلی و خط قرمز جبهه‌بندی نیروهای سیاسی در عراق تبدیل کرده است. زیرا دموکراسی در عراق و دموکراسی در ایران در این موقعیت ژئوپلیتیکی و در این برهه تاریخی، لازم و ملزوم و تضمین یکدیگرند».

دو سال قبل مسئول مقاومت در بیانیه خود خطاب به مردم و نیروهای دموکراتیک و میهن‌دوست عراقی، با هر دین و مذهب، و با هرمرام و ملیت، اعلام کرد که«ما این‌همه درد و رنج و با این همه خونی که هر روز از پیکر عراق بر زمین می‌ریزد، دیگر در عراق جایی برای هیچ‌گونه افراطی‌گری باقی نمانده است. پاسخ، در یک دولت دموکراتیک ملی و مستقل و معتدل است تا بتواند وحدت سیاسی و تمامیت ارضی کشورتان را در دیالوگ مستمر با همه جریانهایی که به قواعد دموکراتیک پایبند هستند حفظ کند و به اشغال پایان دهد».

شورا در آن بیانیه هم‌چنین اعلام کرده بود «تهدید مبرم تمامیت و آزادی عراق و به‌خصوص آن‌چه مانع اصلی استقلال آن و خروج هر چه سریعتر نیروهای چند ملیتی است، همان "جنگ پنهان و اشغال اعلام‌نشده"یی است که ۲میلیون و ۸۰۰هزار تن ازمردم عراق بر آن انگشت گذاشته‌اند...

امنیت و صلح و ثبات با اعاده و تضمین حقوق و احترامات همه مردم عراق بویژه زنان آزاده عراقی و با پلورالیسم سیاسی و مذهبی و قومی محقق می‌شود».

بیانیه ۵میلیون و۲۰۰هزارتن ازمردم عراق و اعلام همبستگی نیروهای ملی و دموکراتیک این کشور با مقاومت ایران، یک گواهی انکارناپذیر اجتماعی و سیاسی بر حقانیت ارزیابی و مواضع شورای ملی مقاومت ایران بود.

۱۳ـ رژیم ولایت‌فقیه در واکنش به این بیانیه تاریخی و اعلام همبستگی مردم عراق، تمام نیروی حکومتی درایران و همه گماشتگان و عواملش را در قوای مجریه و مقننه و قضائیه عراق برای طراحی و اجرای زنجیره‌یی از توطئه‌ها علیه مجاهدین و حضورشان در این کشور به‌کار گرفت.

روز ۲۷تیرماه سال گذشته، در هجدهمین سالگرد زهرخوردن خمینی و قبول آتش‌بس، مزدوران جنایتکار آخوندها، لوله‌های آبرسانی قرارگاه اشرف را منفجرکردند. علاوه‌بر این، تله‌های انفجاری متعددی در نزدیکی محل انفجار کار گذاشتند تا تعمیرکنندگان لوله‌ها را بفتل برسانند. سپس روز ۳۱تیرماه به دومین بمبگذاری و انفجار لوله‌های آبرسانی اشرف مبادرت کردند. این لوله‌ها علاوه‌برآب مصرفی اشرف آب مورد نیاز اهالی ۱۵روستا و مدارس مجاور آن‌را به رایگان تأمین می‌کردند. هزینه‌های آبرسانی در ۲۰سال گذشته تماماً توسط مجاهدین پرداخت شده است.

در روز ۲۸تیر۱۳۸۵، در فردای انفجار لوله‌های آبرسانی، دولت مالکی برخلاف قوانین وکنوانسیونهای بین‌المللی دستور دیکته‌شده آخوندها را برای اخراج اجباری مجاهدان از یک مهلت گماهه اعلام کرد. از این پیشتر، سهمیه سوخت دولتی و مواد غذایی مجاهدین به‌درخواست آخوندها قطع شده بود. از آن‌جا که مدیرکل توزیع فرآورده‌های نفتی عراق درحضور نماینده نیروهای چندملیتی پذیرفته بود که سوخت مورد نیاز بیمارستان اشرف را تأمین کند، او را هم از کار برکنار نمودند.

به موازات جنایتها و توطئه‌های رژیم، در داخل عراق و در عرصه بین‌المللی، جنبش قدرتمندی در حمایت از حقوق و حضور مجاهدین در عراق برانگیخته شد که هزاران وکیل و حقوقدان و پارلمانتر و شخصیت سیاسی و بسیاری از احزاب و نیروها و عشایر عراقی را دربرمی‌گرفت. آنان به محاصره اشرف، نقض آزادی بیان، نقض حق تردد و اجتماعات و محروم‌کردن ساکنان اشرف از سهمیه غذایی و آب و برق و سوخت اعتراض کردند و پایمال‌کردن حق پناهندگی و اقامت ۳۰ساله ونقض آشکارکنوانسیون چهارم ژنو و قوانین انساندوستانه بین‌المللی را جنایت جنگی خواندند.

از آن سو سردمداران رژیم، از ولی‌فقیه تا رئیس‌جمهور، وزیرخارجه، رئیس مجلس، دبیر شورای عالی امنیت و رئیس مجمع تشخیص مصلحت، سراسر، برای اخراج مجاهدین و اودن آنها به انواع و اقسام اتهامات بسیج شدند. اما نه وعده کمک یک میلیارد دلاری، نه کشتارهای یومیه و نه سیل سلاح و مواد انفجاری و مأموران اطلاعاتی و تروریستی نیروی قدس که رژیم به عراق سرازیر کرد در برابر اراده پولادین فرزندان رشید ملت ایران و چتر گسترده حمایت داخلی و بین المللی از آنان، کاری از پیش نبردند و طرحهای رژیم برای اخراج مجاهدین یکی پس از دیگری در دولت و مجلس و دستگاه قضاییه عراق شکست خورد.

۱۴ـ ایرانیان طرفدار مقاومت و خانواده‌های مجاهدین مستقر در اشرف به یک تحصن فداکارانه و روشنگرانه در مقابل مقر کمیساریای عالی پناهندگان در ژنو دست زدند که ۸ماه ادامه داشت. ۴۰هزار شهروند سوئیسی و شورای عالی وکالتون ژنو آنها را با تأکید بر حق پناهندگی مجاهدین در عراق که سابقه‌یی ۲۰ساله دارد، مورد حمایت قرار دادند.

کمیساریای عالی پناهندگی ملل متحد اعلام کرد: «مجموعه‌یی از قوانین بین‌المللی، به‌طور خاص قانون اسناددوسته علیه پناهندگی و حق‌بشر وجود دارد» که از ساکنان اشرف حفاظت می‌کند. از این‌رو کمیساریا «مکرراً از مقامات ذیصلاح عراقی و نیروهای چند ملیتی درخواست کرده است که از هر نوع اقدامی که جان و امنیت این افراد را به‌خطر بیندازد، از قبیل اخراج اجباری آنها از عراق یا جابه‌جایی اجباریشان در داخل عراق، خودداری ورزند».

هم‌چنین کمیته بین‌المللی صلیب سرخ در مورد اعضای سازمان مجاهدین خلق ایران مستقر در قرارگاه اشرف نوشت که به‌طور مکرر التزامات مقامهای ذیربط آمریکایی و عراقی را به‌عمل‌کردن طبق اصل نان رفولمان(اصل ممنوعیت اخراج و برگرداندن اجباری)، خاطرنشان کرده است.

کمیته بین‌المللی صلیب سرخ روشن ساخت که: «باید ساکنان قرارگاه اشرف را، با نقض این اصل، دیپورت یا اخراج کرد یا به کشور خود برگرداند، یا آنها را در داخل عراق، برخلاف مقررات مربوطه در قانون انساندوسته بین‌المللی، جابه‌جا کرد». هم‌چنین «در مورد گزارشهای پیگرد قضایی ساکنان اشرف، کمیته بین‌المللی صلیب سرخ به طرفهای ذیربط در این امر، التزاماتشان را طبق قوانین بین‌المللی(به‌ویژه ماده سوم مشترک در تمامی کنوانسیونهای ژنو) خاطرنشان» نمود و تأکید کرد: «اصول قوانین بین‌المللی می‌باید در قبال ساکنان قرارگاه اشرف محترم شمرده شوند».

به این ترتیب پرونده‌سازی و تشبثات پرهزینه رژیم آخوندی و مزدورانش برای کشانیدن مجاهدین به دادگاه علی جنایی عراق نیز نقش برآب گردید.

همچنان که واشینگتن‌پست (۲۳اسفند۸۵)بنقل از رهبر جبهه گفتگوی ملی عراق نوشت، بیش ازپیش روشن شد که تصمیم به اخراج مجاهدین«فقط نشان می‌دهد که تصمیم‌گیرندگان از رژیم ایران دستور می‌گیرند». این روزنامه هم‌چنین یادآوری کرد که «مقامات اف‌بی‌آی و وزارت خارجه آمریکا ساکنان اشرف را تحت بررسی قرار دادند، ولی هیچ مدرکی که هیچ‌کدام از آنها را مظنون به ارتکاب جرمی بکند، پیدا نکردند».

در روز پایان تحصن ژنو، خانم رجوی از سوی شورا و تمامی فعالان و حامیان مقاومت به هموطنانی که در این تحصن شرکت داشتند، درود فرستاد و گفت: «شما برای دفاع از اشرف سرازیا نشناختید، دست از خانه و زندگی و شغل و آسایش خود شستید و طولانی‌ترین تحصن تاریخ مقاومت ایران را به مدت هشت ماه در دفاع ازحق پناهندگی ۲۰ساله مجاهدان اشرف برپا کردید. تحصنی که در روزهای داغ تابستان شروع شد، در سوز زمستان با گرمای عشق و همبستگی ادامه یافت و سرانجام به هدف برحق خود دست یافت».

۱۵ـ در روز ۲۱تیر امسال، پارلمان اروپا به‌اتفاق آرا قطعنامه‌یی در مورد حقوق پناهندگان در عراق به تصویب رساند که در ماده۷ آن برحق پناهندگی مجاهدان اشرف تأکید شده است. در این قطعنامه آمده است: «درحالی که بر اساس قوانین مرسوم بین‌المللی، التزام قانونی وجود دارد که نبایستی پناهجویان مورد اذیت و آزار قرار گیرند یا آسیب ببینند...»، پارلمان اروپا «قطع تدارکات و سوخت و آب آشامیدنی و تهدیدهای اخیراً که از سوی برخی از مقامات بالای دولت عراق علیه ۴هزار عضو اپوزیسیون ایران به‌عمل آمده است، قویاً رد می‌کند. ۴هزار عضو اپوزیسیون ایران به‌مدت ۲۰سال در عراق پناهنده سیاسی بوده‌اند و از موقعیت حقوقی "افراد حفاظت‌شده تحت‌کنوانسیون چهارم ژنو" برخوردار می‌باشند. پارلمان اروپا از دولت عراق می‌خواهد حقوق آنان را طبق قوانین بین‌المللی محترم بشمارد».

۱۶ـ اکنون برای همگان روشن گردیده است که حکام ستمگر ایران پیشرفت پروسه سیاسی درعراق را برنمی‌تابند و تلاش می‌کنند تا سیاستهای موردنظر خود را تمام وکمال به دولت کنونی عراق دیکته کنند. فضیحت به آن‌جا رسید که پس از برگزاری کنگره همبستگی برای صلح و آزادی در شهر اشرف، دولت عراق زیر فشار رژیم آخوندها مقرر کرد عراقیانی که به اشرف بیایند به‌عنوان مجرمین علیه امنیت کشور محسوب می‌شوند و محکومیتی تا ۱۵سال زندان در انتظار آنها خواهد بود. حتی ورود کودکان عراقی زیر۱۲سال به اشرف را هم مانع شدند تا مبادا پیشنهاد رئیس‌جمهور برگزیده شورا مبنی بر سرپرستی هزار کودک یتیم عراقی در شهر اشرف جامه عمل بپوشد. این نمونه‌یی‌است از آن «رأفت اسلامی» و «مهرورزی»، که رژیم ولایت‌فقیه می‌خواهد آن را به افغانستان و یمن و لبنان و فلسطین و سراسر خاورمیانه گسترش دهد. از نظر فاشیسم مذهبی، هرگونه صحبت و ارتباط با اعضای مقاومت ایران ۱۵سال حبس دارد، البته اگر ۱۵روز بعد جسد مثله‌شده زندانی در خیابانهای بغداد پیدا نشود. به‌راستی که خشم جنون‌آمیز رژیم آخوندی از روشنگریهای مقاومت ایران در باره دخالتها و جنایتهای این رژیم در عراق، به‌ویژه پس از افشای پی‌درپی لیستهای اسامی مزدوران اطلاعات و سپاه تروریستی قدس، حدومرز نمی‌شناسد.

۱۷ـ یک سال پس از انتشار بیانیه ۵میلیون و ۲۰۰هزار شهروند عراقی که در سومین سالگرد یورش ارتجاعی ـ استعماری علیه مقاومت ایران در فرانسه، در کنگره همبستگی مردم عراق در شهر اشرف اعلام گردید، کنگره همبستگی برای صلح و آزادی با شرکت بیش از ده هزار تن از مردم عراق و شماری از برجسته‌ترین شخصیتهای سیاسی، اجتماعی و فرهنگی عراق در ۲۶خرداد امسال در شهر اشرف برگزار شد.

مسئول شورای ملی مقاومت در پیام خود به این کنگره، بر «مسألهٔ اصلی» در وضعیت کنونی عراق انگشت گذاشت و گفت:«صورت مسأله، تقابل و جنگ دو آلترناتیو عمده در خاک عراق در این وضعیت به‌خصوص است: آلترناتیو ملایان حاکم بر ایران در برابر آلترناتیو عراقی. آلترناتیو رژیم فاشیستی ولایت‌فقیه با همه شبکه‌ها و مزدوران و پشتیبانانش در برابر آلترناتیو ضدفاشیست عراقی با همه جریانها و گروهها و احزاب وشخصیتهای دموکراتیک و میهن‌پرست و حامیان آنها در عرصه عربی و بین المللی».

در این کنگره، بیانیه امضاشده توسط ۴۵۰هزار تن از مردم دیالی قرائت گردید. امضا کنندگان همگی ۱۸ساله به بالا و دارای اسم و آدرس مشخص و مورد تأئید وکلا و معتمدین محلی هستند. مردم دیالی در این بیانیه راجع به توطئه‌های رژیم ایران علیه مجاهدان اشرف که با سوءاستفاده از ارگانهای دولت عراق صورت می‌گیرد، خاطرنشان می‌کنند:

«بیش‌ازهفدهمیلیون و۲۰۰هزار نفر از مردم عراق در بیانیه خود در ژوئن ۲۰۰۶ "مجاهدین خلق را شریک استراتژیک خود برای دستیابی به امنیت و صلح و دموکراسی و مشوق خود برای شرکت در انتخابات و پروسه سیاسی یافتند". متقابلاً رژیم ایران یک کارزار حیرت‌انگیز شیطان‌سازی و دروغپردازی علیه آنها به‌راه انداخت.یک مأموریت عمده ۹کانال تلویزیونی عرب زبان این رژیم، دروغپردازی و شایعه‌سازی و اتهام‌زنی علیه سازمان مجاهدین خلق ایران است. هدف از تشکیل جلساتی که با شرکت عناصر معلوم‌الحال در بغداد، به‌دروغ بنام مردم دیالی، برگزار می‌شود، تکرار اتهامات واهی علیه این سازمان است تا مورد مصرف مکرر رسانه‌های عربزبان و فارسی‌زبان رژیم ایران قرار بگیرد. رژیم ایران با نفوذ در ارگانهای امنیتی عراق، برای پرونده‌سازی علیه این سازمان تلاش می‌کند».

بیانیه مردم دیالی ضمن برشمردن موارد متعدد توطئه‌های رژیم و عوامل در عراق با استناد به‌حقوق و موقعیت قانونی مجاهدان اشرف، به «پایان‌دادن به اتهامات و شکایات و پرونده‌سازیها وسناریوهای ساخته‌شده در ایران» و به «اذعان و التزام دولت عراق به قوانین و کنوانسیونها و توافقات بین‌المللی درباره موقعیت مجاهدین» فرامی‌خواند.

شورای ملی مقاومت با درودهای گرم به مردم شریف و نیروهای دموکراتیک در عراق برادر، روشن‌بینی استراتژیکی و کارزار ترقیخواهانه و میهنی و انسانی آنان را در مقابله با خطرنیدگرایی برای دفاع از دموکراسی و ثبات و استقلال میهنشان ستایش می‌کند.

دـ تهدید جهان توسط آخوندهای اتمی و نتایج افشاگریهای مقاومت ایران

۱۸- شورای ملی مقاومت ایران طی دو دهه گذشته مستمراً در مورد تهدید جهانی صدور بنیادگرایی ازسوی رژیم ولایت فقیه هشدار داده و ضمن افشای پروژه‌های مخفیانه این رژیم برای دستیابی به سلاح اتمی، پیوسته خواستار ارجاع پرونده اتمی این رژیم به شورای امنیت ملل متحد بوده است. مقاومت ایران تنها نیرویی بود که به‌رغم سیاستهای مماشاتگرانه دولتهای بزرگ و عوامفریبی‌های داردوسته‌ها و گروههای سازشکار بر نظامی‌بودن و امنیتی بودن پروژه اتمی رژیم پافشاری می‌کرد. در بیانیه سال گذشته شورای ملی مقاومت خاطرنشان شده بود که «اگر کارزار ارزشمند مقاومت در افشای مراکز و پروژه‌های اتمی رژیم نبود، چه بسا تاکنون فاجعه دستیابی ملایان به سلاح اتمی رخ داده بود».

سرانجام در مرداد سال گذشته قطعنامه۱۶۹۶ شورای امنیت ملل متحد در مورد برنامه اتمی رژیم ایران بر اساس بند هفتم منشور ملل متحد به اتفاق آرا به تصویب رسید و پس از آن قطعنامه‌های ۱۷۳۷ و ۱۷۴۷، در دی‌ماه ۱۳۸۵ و فروردین۱۳۸۶، بر اساس ماده۴۱ فصل هفتم منشور ملل متحد، برخی تحریمها را علیه رژیم تجویز کردند.

ارجاع پرونده اتمی رژیم به شورای امنیت و صدور سه قطعنامه علیه رژیم یک دستاورد بزرگ برای مقاومت ایران بود که توانست با افشاگریهای پی‌درپی، راه هرگونه سازش و مماشات در مورد طرحهای خطرناک و فاجعه‌بار آخوندها را مسدود کند. این امر نه تنها به سود مردم ایران و آینده کشور است، بلکه خدمتی بزرگ به صلح جهانی است. با صدور قطعنامه‌های شورای امنیت اکنون دیگر جهانیان می‌دانند که ادعای رژیم مبنی‌بر مسالمت‌آمیزبودن پروژه اتمیش فریبی بیش نیست. از این‌رو، باز دیگر تأکید می‌کنیم که: «افراد و محافلی که از پروژه‌های اتمی رژیم تحت هرعنوان حمایت می‌کنند (چه کسانی که آن‌را صلح‌آمیز می‌دانند و چه، به طریق اولی، کسانی که بمب اتمی در دست ملایان مخالفتی ندارند) و هم‌چنین کسانی که بدون نفی دیکتاتوری مذهبی حاکم‌بر ایران و بدون نفی پروژه اتمی این رژیم، علیه جنگ موضع‌گیری می‌کنند، در عمل به‌پیشبرد اهداف شورانه این رژیم علیه مردم ایران و جامعه بین‌المللی کمک می‌کنند».

۱۹ـ صدور قطعنامه‌های شورای امنیت به‌اتفاق آرا، شکست بزرگی برای رژیم آخوندی و خنثی‌شدن ماموراد و موش و گربه بازیهای آن است. برای اولین بار رژیم ایران در معرض یک اجماع علمی بین‌المللی قرارگرفت. سران و کارگزاران رژیم این اجماع بین‌المللی را یک تهدید و خطر جدی برای نظام ارزیابی کرده‌اند. محسن امین‌زاده که ۸سال معاونت وزارت خارجه رژیم را برعهده داشته، گفته است: «ارجاع پرونده ما به شورای امنیت به معنای آن است که همه کشورهای موثر جهان برسر برخورد با ما به یک نظر مشترک رسیده‌اند و این یک شکست بزرگ ملی و تاریخی برای ایران است»(۳۰آبان ۸۴).

رفسنجانی، رئیس مجمع تشخیص مصلحت رژیم هم گفته است: «میزان خسارات ناشی از تحریم کمتر از حمله نظامی نیست و حتی خطرناکتر از آن نیز هست»(۴بهمن۸۵).

حکومت آخوندی در مقابل تصویب قطعنامه‌های شورای امنیت، بر سیاست انعطاف‌ناپذیری، مقابله و اعلان جنگ با جامعه بین‌المللی پافشاری می‌کند. اگرچه احمدی‌نژاد در یک موضع ضدملی و ضدمردمی این قطعنامه‌ها را ورق‌پاره‌یی بیش ندانست، اما همین میزان محدود فشار بررژیم آخوندها، بزرگترین بحران و آشفتگی را در درون رژیم ایجاد کرده است. هرچه خامنه‌ای و پاسدار گوش به فرمان او بر مواضع جنگ طلبانه خود پافشاری کنند، هزینه عقب‌نشینی را برای نظام سنگین‌تر خواهند کرد. مسئول شورای ملی مقاومت در پیام نوروزی خود در این باره گفت: «هرچند مطمئن بودیم که آخوندها در بازی اتمی کوتاه نمی‌آیند، اما من دلم می‌خواست، و باز هم می‌خواهد، که زودتر و بر سر همین قطعنامه، جامی‌زدند و همان‌طور که نرم‌تنان نظام می‌خواستند، در همین مرحله، عقب می‌نشستند. در این صورت، رژیم زودتر وامی‌رفت. مثل روزگار پایانی شاه، به ترک برداشتن و درهم شکستن طلسم اختناق راه می‌برد و ما قیمت کمتری می‌پرداختیم. اما ثابت شد که فاشیسم مذهبی، جز با بمب اتمی، تضمین و شانس بقا نمی‌بیند».

۲۰ـ تصویب قطعنامه۱۷۴۷ در فروردین امسال، یک نقطه عطف سیاسی شایان توجه در سرنوشت این رژیم است. از یک طرف صف‌بندی و جهت‌گیری دولتهای بزرگ را در برابر این رژیم نشان می‌دهد و از طرف دیگر رژیم را در منگنه انتخاب بین بد و بدتر می‌گذارد.

گروگان گرفتن ملوانان انگلیسی، هر چند که رژیم با فضیحت تمام ناگزیر از خاتمه‌دادن به آن گردید، نخستین واکنش آخوندها در برابر این قطعنامه بود. به‌دنبال آن عوامل تروریست و جنگ افروز ولایت‌فقیه در کشورها و نقاط مختلف به سیمه آخر زدند.

از سوی دیگر جامعه بین‌المللی نیز شتابان در معرض تعیین‌تکلیف با این رژیم قرار می‌گیرد. اندیشه تغییر رژیم قوت می‌گیرد و راه‌حل سوم هر روز گوشهای شنواتری پیدا می‌کند. در عین‌حال مماشاتگران، که البته در وضعیت تدافعی قرار گرفته‌اند، بازهم برطبلهای آزموده شده مذاکره و کنارآمدن با این رژیم می‌کوبند و تا کنون مانع اتخاذ یک روش قاطع در قبال سیاستهای ماجراجویانه استبداد مذهبی و تروریستی حاکم بر ایران شده‌اند. در همین خصوص خبرگزاریها در روز۲۹تیر از قول دیپلوماتهای غربی اعلام کردند که، به‌رغم سیاستهای ماجراجویانه رژیم ایران، تلاش برای تصویب و اعمال تحریمهای شدیدتر علیه حکام ایران، با این امید که همکاری رژیم ایران با بازرسان آژانس بین‌المللی انرژی اتمی گسترش یابد، به ماه سپتامبر موکول شده است. متقابلاً بسیاری هم گفتند و نوشتند که حکام ایران از «فرصت مذاکره» برای خرید وقت به‌منظور پیشبرد پروژه دستیابی به سلاح اتمی استفاده می‌کنند. این در حالی است که آخوندها تاکنون به بسته‌های تشویقی فریب شده کشورهای ۵+۱ و هم‌چنین به قول‌و قرارهای آقای سولانا کوچکترین توجهی نکرده و هیچ نشانه‌یی از انعطاف نشان نداده‌اند. پس با سیاست عدم قاطعیت و غنی‌سازی مماشات، چگونه می‌توان استبداد دینی و تروریستی حاکم بر ایران را به عقب‌نشینی واداشت؟!

شورای ملی مقاومت بر اساس وظیفه میهنی خود در قبال مردم ایران و بنابر شناختی که از ماهیت و خصلت حاکمیت آخوندها دارد، یکبار دیگر بر این حقیقت انگشت می‌گذارد که اهداف وبرانگر نظام ولایت‌فقیه به مرزهای ایران محدود نمی‌شوند. هدف استبداد دینی و تروریستی حاکم بر ایران گسترش سلطه نکبت‌بار خود در سراسر خاورمیانه و ایجاد امپراتوری اسلامی براساس ولایت مطلقه‌فقیه و بنیادگرایی اسلامی است. مبلغان سازش و مماشات با این رژیم ضدبشری نه فقط درقبال درد و رنج مردم ایران مسئول هستند، بلکه در قبال فجایع ناشی از سیاست شوم آخوندها در کشورهای همجوار ایران، به‌ویژه درقبال مردم رنجدیده عراق، که جبهه مقدم تعدی و پیشروی رژیم آخوندهاست، مسئولیت دارند. مسأله ایران اکنون نه فقط با سرنوشت ایران وایرانی، بلکه با سرنوشت منطقه و بشریت معاصر مرتبط است.

هموطنان عزیز،

۴سال پیش شورای ملی مقاومت در بیانیه ۳۰تیر۱۳۸۲ با توجه به پیامدهای جنگ در عراق و استراتژی رژیم مبنی‌بر صدور بنیادگرایی، خاطرنشان کرد:

«رژیم آخوندها با بلید مسیر گذشته را با اصالت دادن به صدور بنیادگرایی ادامه دهد، که در این صورت، با ادامه پیشروی و دخالت بیشتر در عراق وسنگ‌اندازی در روند صلح خاورمیانه، در داخل کشور به انقیاض و سرکوب بیشتر و جراحی در درون رژیم متمایل می‌شود. در اجرای این سیاست، رژیم باید انرژی هرچه بیشتر بین‌المللی و تشدید فشارهای جهانی را بپذیرد و برای آن برنامه‌ریزی کلان انجام دهد... در حالت دیگر، رژیم باید از صدور بنیادگرایی دست بردارد و درصدد پیروزدگانش در عراق را، که برای آنان انرژی و هزینه بسیار صرف کرده، رها کند و در صدد انطباق خود با آرایش جدید منطقه برآید و جامهای زهر را یکی پس از دیگری بنوشد».

سیر حرکت فاشیسم دینی در ۴سال گذشته به روشنی ثابت کرده است که این رژیم ظرفیت انعطاف و عقب نشینی ندارد و «بی‌دنده و ترمز» در مسیر انقیاض قدم برمی‌دارد. به‌نحوی که اگر در این اثنا «ترمز» کند، با خطر شکسته‌شدن طلسم اختناق و درنتیجه قیام و واژگونی نظام روبه‌رو می‌شود. از همین جا می‌توان ابعاد بحرانی را که از درون و بیرون گریبانگیر رژیم است، دریافت. هرچند که این رژیم قیمت هر روز ادامه حاکمیت خود را به سخت‌ترین و سنگین‌ترین صورت از مردم ما وصول می‌کند.

علیرضا جعفرزاده: سپاه پاسداران با استفاده از شرکتهای پوششی مشغول نقض تحریمهای شورای امنیت ملل متحد برای کسب تجهیزات و تدارکات برای برنامه تسلیحات اتمی است

افشـــای شرکتهای پوششی سپاه پاســـداران در کنفرانس مطبوعاتی مقاومت در واشینگتن

مقاومت ایران در یک کنفرانس بزرگ مطبوعاتی در واشینگتن، شرکتهای وابسته به سپاه پاسداران رژیم آخوندی را که با استفاده از پوششهای تجاری به خرید وسایل ضروری جهت برنامه تسلیحات اتمی رژیم مشغول هستند و تحریمهای ملل متحد را نقض می کنند، فاش کرد.

در این کنفرانس که با شرکت حدود ۵۰تن از نمایندگان رسانه‌های جمعی برگزار گردید، علیرضا جعفرزاده با استناد به مدارک و اطلاعات دقیقی که از طریق شبکه هواداران سازمان مجاهدین خلق ایران از داخل کشور بدست آمده، روشن نمود که سپاه پاسداران از این طریق به نقض قطعنامه‌های ۱۷۳۷ و ۱۷۴۷ شورای امنیت پرداخته است.

وی به‌طور خاص نقش سازمان صنایع هوا و فضا، یکی از ارگانهای سپاه پاسداران در این زمینه را افشا نمود. این سازمان که یکی از زیر مجموعه‌های سپاه پاسداران و از ارگانهای اصلی نظامی رژیم ملایان است، ۱۲هزار پرسنل دارد و ساخت موشکهای پیشرفته زمین به هوا، زمین به زمین، دریا به دریا و زمین به دریا و دریا به زمین و همچنین راکت، بمب، سکوهای پرتاب موشک، زیردریایی و مشخصاً موشکهای شهاب۳ را به‌عهده دارد.

علیرضا جعفرزاده، با ارائه سندی با سربرگ وزارت دفاع و پشتیبانی نیروهای مسلح و با امضای مدیرعامل سازمان صنایع هوا و فضای رژیم، سرتیپ پاسدار احمد وحیدی، به‌تاریخ ۱۶ اسفند۱۳۸۵، گفت: احمد وحیدی، معاونت تجارت و امور بین‌المللی این سازمان، سرتیپ پاسدار رضاقلی اسماعیلی را به‌عنوان مدیرکل دفتر امور واردات گمرک جمهوری اسلامی معرفی کرده است و امامی ۱۲نفر از مسئولین و رابطین وزارت دفاع با گمرک کل ایران را معرفی کرده و به آنها حق امضا برای ترخیص کالا داده است. این افراد نماینده ۱۳کارخانه و مجتمع بزرگ سازمان صنایع هوا و فضا هستند که اسامی آنها در لیست آورده شده است، درحالی‌که ۳کارخانه از این مجموعه قبلا توسط قطعنامه شورای امنیت ملل متحد شماره۱۷۳۷ تحت تحریم قرار داشتند. این سند به‌خوبی مبین ابعاد شکسته‌شدن تحریمها توسط این سازمان و حجم مراودات بین‌المللی آن است.

در این کنفرانس به یک نمونه از معاملات صنایع سازمان هوا و فضا که در آوریل۲۰۰۷ صورت گرفته اشاره شد و تصریح گردید که وزارت دفاع از بندر چابهار یک محموله شامل ۱۰۸ کاتینر را در تاریخ ۲۱ آوریل ۲۰۰۷ ترخیص کرده است. این محموله با کشتی یمین رژیم از مبدأ چین به مقصد بندر چابهار برای صنایع دفاع وارد شده بود و بارنامه‌های آن مهر «کاملا محرمانه» خورده بود.

در کنفرانس بزرگ مطبوعاتی واشینگتن، علیرضا جعفرزاده، همچنین، لیستی از سازمانهای پوششی سپاه پاسداران را در اختیار خبرنگاران قرار داد. این لیست نشان می‌دهد که چگونه حساسترین فعالیتها ازجمله ساخت تأسیسات اتمی، تونلها و تأسیسات زیرزمینی، پروژه‌های نفتی، و راهسازی توسط شرکتهای عظیم پوششی سپاه پاسداران انجام می گیرد.

نقش سپاه پاسداران در داخل رژیم، به‌ویژه‌بعد از روی کارآمدن احمدی‌نژاد، در همه زمینه‌ها افزایش چشمگیری داشته است. هم‌اکنون ۱۴تن از اعضای کابینه احمدی‌نژاد از فرماندهان سابق سپاه می‌باشند، ۴۰تن از سفرای جدید رژیم از فرماندهای سابق سپاه یا مسئولین وزارت اطلاعات هستند، شورای امنیت ملی رژیم نیز، اکنون توسط سپاه قبضه شده است و در یک کلام با تأیید و تأکید ولی‌فقیه رژیم، اقتصاد و امور سیاسی کشور تحت کنترل سپاه پاسداران رژیم است.

سپاه پاسداران ارگان اصلی سرکوب و تروریسم ملایان است که در دو سال گذشته نقش فزاینده‌یی در تمامی زمینه‌های حکومت ملایان یافته است و خیلی زودتر از این می‌بایست در لیست تروریستی قرار می‌گرفت... هم‌چنان‌که بسیاری از اعضای کنگره آمریکا معتقدند اکنون زمان آن فرا رسیده است که بدون فوت وقت یک سیاست قاطع در قبال ایران اتخاذ شود و سپاه پاسداران رژیم در لیست تروریستی قرار گرفته و مجاهدین خلق ایران، به‌مثابه ستون فقرات اپوزیسیون ایران از لیست سازمانهای تروریستی خارج گردد.

دیدار رضا اولیا با رومانوپرودی نخست‌وزیـر ایتالیا

آقای رضا اولیا، مجسمه‌ساز و هنرمند عضو شورای ملی مقاومت، در دیدار با رومانوپرودی نخست‌وزیر ایتالیا، خواستار آن شد که شورای اروپا اعدامهای جمعی جوانان توسط فاشیسم مذهبی حاکم بر ایران را محکوم کند.

دیدار و گفتگوی آقای رضا اولیا با نخست‌وزیر ایتالیا سه‌شنبه شب ۲۴مرداد در روکاماره در استان توسکانا صورت گرفت.

آقای رضا اولیا در این دیدار، نقض وحشیانه حقوق‌بشر در ایران و به خصوص بالا گرفتن اعدام جوانان ایران در ملاءعام را که آخوندهای حاکم آن را برای حفظ رژیم پوسیده خود انجام می‌دهند، تشریح نمود و بر ضرورت یک موضعگیری قاطع از جانب اروپا علیه ترازدی اعدامها در ایران تأکید کرد.

آقای رضا اولیا از نخست‌وزیر ایتالیا خواست تا این فاجعه نکاندهنده را در اجلاس آتی شورای اروپا مطرح کند.

در این دیدار، آقای رضا اولیا از جانب شورای ملی مقاومت ایران، از نخست‌وزیر ایتالیا به‌خاطر موضعگیری وی علیه سیاست اعدام و شکنجه در ایران تقدردانی کرد.

دولت ایتالیا اخیراً به‌طور رسمی از موج جدید اعدامها در ایران و به‌خصوص صدور حکم اعدام برای دو خبرنگار کرد انتقاد کرد. متعاقباً هنگامی که سخنگوی وزارت خارجه ملایان با نکوهش ایتالیا مواجه شد، مدعی گردید که «اعدام مجرمین در ایران، یک مسأله داخلی است»، آقای پرودی نخست‌وزیر ایتالیا گفت: «اعتراض به صدور احکام اعدام و اجرای این چنین احکامی بخشی از سیاست ایتالیا است و بدیهی است که ایتالیا حق خود می‌داند نظراتش را در این باره رسماً اعلام کند».

لوکزامبورگ وورت: اروپا در کانون جاسوسی ملایان

مصاحبه با محمد محدثین، مسئول کمیسیون خارجه شورای ملی مقاومت ایران

محمد محدثین، مسئول کمیسیون خارجه شورای ملی مقاومت ایران، در مصاحبه با روزنامه لوکزامبورگ وورت، از اتحادیه اروپا خواست به‌جای اعمال محدودیت برای اپوزیسیون ایران، رژیم ملاها را تحت فشار قرار دهد و این اتحادیه را به اتخاذ یک سیاست جدید در قبال رژیم و حمایت از تغییر دموکراتیک توسط مردم و مقاومت ایران فراخواند.

لوکزامبورگ وورت، باعنوان «اروپا در کانون جاسوسی ملایان»، ابتدا به هشدارهای مجاهدین نسبت به توطئه‌های رژیم در اروپا علیه مقاومت ایران، اشاره کرد و نوشت: محمد محدثین می گوید ما هیچ ارتباطی با هشدار تروریستی مربوط به‌خط آهن لوکزامبورگ ـ بازل در روز هشتم اوت(۱۷مرداد) نداشتیم. ما هرگونه تروریسم و بنیادگرایی را قاطعانه رد می‌کنیم.

لوکزامبورگ وورت پس از اشاره به توطئه خبرسازی اخیر تروریستی رژیم ایران علیه مجاهدین در فرانسه، افزود: شورای ملی مقاومت، دربرگیرنده نیروهای اپوزیسیون ایرانی در تبعید شامل سازمان مجاهدین خلق ایران است. آتی‌تز این اپوزیسیون در قبال بنیادگرایی ملایان یک «اسلام مدرن و دموکراتیک» می‌باشد. مریم رجوی رئیس‌جمهور برگزیده شورای ملی مقاومت ایران، برای رژیم تهران خاری در چشم و در مقابل برای هواداران‌شان، یک سمبل به‌شمار می‌رود. رجوی در روز ۳۰ژوئن موفق شد حدود ۵۰هزار ایرانی در تبعید را در پاریس گرد آورد و خواستار حمایت بیشتر برای اپوزیسیون ایران و مجاهدین خلق بشود.

این روزنامه در ادامه باشاره به رویارویی مجاهدین و رژیم آخوندی، احمدی‌نژاد را «مترسک» این رژیم توصیف کرد.

لوکزامبورگ وورت، نوشت: محدثین از یک «جنگ» میان اپوزیسیون ایران و بنیادگرایی اسلامی سخن می گوید.

سیاستمداران ارشد آلمان نیز در از نظر محدثین در مورد کارزارهای اطلاع‌رسانی غلط از سوی رژیم ایران اتفاق نظر دارند. گونتر بکاشتاین، وزیر خارجه ایالت بایرن، در آستانه بازیهای جام جهانی آلمان، اظهار داشت: این یک شیوه کلاسیک «سیاست جاسوسی» رژیم ایران است که سوءقصدهایی را به گردن مجاهدین خلق می‌اندازد. شورای ملی مقاومت معتقد است، حتی تهدیدات جانی علیه اعضای اپوزیسیون ایران در اروپا، امر نادری نیست. محمد محدثین می گوید: ما اطلاعاتی در اختیار داریم که نشان می‌دهد، رژیم ایران در اروپا همچنان بر روی عملیات تروریستی کار می‌کند، تا بعداً مسئولیت آن را متوجه ما سازد. به گفته وی در همین رابطه رژیم ایران از ارتباطات خوبی با تعداد زیادی از رسانه‌ها در اروپا برخوردار می‌باشد. او خود نیز از مواردی از نفوذ مأموران رژیم ایران مطلع است. محدثین می گوید رژیم ایران از زمان بازیهای جام جهانی، شبکه جاسوسی خود را در اروپا به‌تنها محدود نکرده بلکه آن را گسترش داده است. وی توضیح می‌دهد: «ما از حضور ۱۵دیپلومات که در سفارت رژیم ایران در برلین مشغول به‌کار هستند مطلعیم، اما آنها در واقع، مأموران سرویس مخفی این رژیم هستند. طی سالهای گذشته تعداد جاسوسان احمدی‌نژاد در اروپا سه برابر شده است. ملایان امروز از شبکه جاسوسی بسیار قوی برخوردارند. به‌گفته او علت این امر اهمیت اقتصادی اتحادیه اروپا برای رژیم تهران می‌باشد. درحال‌حاضر حجم مبادلات تجاری میان دو طرف نزدیک به ۳۰میلیارد یورو در سال است. محدثین می گوید اتحادیه اروپا نباید بازی مطلوب تهران را به پیش ببرد و به‌جای احمدی‌نژاد ما را تحت فشار قرار دهد.

لوکزامبورگ وورت، تصریح می کند: در این جا نیز مجدداً مجاهدین خلق، بروکسل را متهم می کنند که به منافع تجاری نسبت به رعایت قانون، اولویت می‌دهد. به‌گفته محدثین، این رویکرد در درازمدت بسیار خطرناک است. مسلح‌شدن رژیم ایران به بمب اتمی، برای اروپا به‌وضوح خطر بسیار بیشتری از آمریکا در بردارد. محمد محدثین در پایان مصاحبه خود گفت: آنچه که ضرورت دارد، اتخاذ یک سیاست جدید در قبال ایران از سوی اروپا است. سیاستی که از گشایش و تغییر دموکراتیک حمایت به‌عمل بیاورد(لوکزامبورگ وورت ۲۶مرداد۸۶).

انعکاس کنفرانس افشاگرانه مقاومت ایران در رسانـه‌های خبری

خبرگزاری رویتر اول شهریور۸۶

REUTERS

NEWS.scotsman.com

سایت نیوز اسکاتسمن اول شهریور۸۶

سپاه پاسداران به‌طور مستمر قطعنامه‌های ۱۷۳۷ و ۱۷۴۷ را نقض کرده است تا از تحریمها طفره برود و تجهیزات را به ایران وارد کند

خبرگزاری رویتر اول شهریور۸۶: یک مخالف حکومت ایران روز چهارشنبه گفت سپاه پاسداران ایران از شرکتهای پوششی به‌منظور مقابله با تحریمهای شورای امنیت و به‌دست‌آوردن تجهیزات لازم برای برنامه اتمی رژیم تهران «استفاده می کند. علیرضا جعفرزاده که در سال۲۰۰۲ جزئیات مهمی راجع به برنامه اتمی ایران فاش ساخته است خواهان محدودیتهای شدیدتر ملل‌متحد علیه سپاه پاسداران گردید.

جعفرزاده طی یک کنفرانس خبری در واشینگتن اعلام کرد: «سپاه پاسداران طی چند ماه گذشته به‌طور مستمر قطعنامه‌های ۱۷۳۷ و ۱۷۴۷ را نقض کرده است تا از تحریمها طفره برود و تجهیزات و مواد مهم را به ایران وارد کند.

جعفرزاده که اسامی و جزئیات ۱۵شرکت را ارائه می‌کرد، گفت: این شرکتها به‌عنوان پوشی برای سپاه پاسداران و نهادهای وابسته به آن کار می کنند. وی افزود تحریمهای ملل‌متحد همه این شرکتها که به برنامه اتمی ایران کمک می‌رسانند را شامل نشده است. این وضعیت شوک‌آور است زیرا ما شاهد افزایش ناگهانی فعالیتهای رژیم ایران توسط این‌گونه شرکتها هستیم. یعنی آنها در زمینه اقدامات تروریستی در عراق و تلاش برای دستیابی به تسلیحات کشتارجمعی فعالیتهای خود را گسترش داده اند.

جعفرزاده افزود: شرکتهایی در دوبی و ایتالیا کار می کنند که متعلق به رژیم ایران می‌باشند و نقشی زیرزمینی برای پیشبرد برنامه‌های تسلیحاتی و اتمی این رژیم ایفا می کنند. جعفرزاده گفت: نامگذاری تروریستی سپاه پاسداران توسط آمریکا می‌بایست مدتها قبل انجام می شد. سپاه پاسداران یک ارگان مافیایی است که تمامی جنبه‌های زندگی مردم را تحت کنترل خود گرفته است و توسط خامنه‌ای و احمدی نژاد کنترل می شود.

علیرضا جعفرزاده که در سال۲۰۰۲ جزئیات مهمی را در مورد برنامه هسته‌یی ایران به‌طور دقیق افشا نمود، خواستار محدودیتهای بیشتر ملل متحد و اقدام سریع آمریکا در افسارزدن به پاسداران نخبه گردید. جعفرزاده در یک کنفرانس مطبوعاتی در واشینگتن، گفت: پاسداران انقلاب اسلامی، به‌طور موفقیت‌آمیزی طی چند ماه گذشته، با استفاده از شیوه‌های مختلف برای گریز از تحریمها و دست‌یافتن به مواد اولیه و کالاهای مهم، قطعنامه‌های ۱۷۳۷ و ۱۷۴۷ ملل متحد را نقض کرده‌اند... جعفرزاده اسامی و جزئیات ۱۵ شرکت را ارائه داد و گفت که این شرکتها به‌عنوان موارد پوششی برای پاسداران انقلابی و وابستگان آن عمل می کنند. وی گفت که تحریمهای ملل متحد همه شرکتهایی که در فعالیت هسته‌یی ایران نقش دارند را در بر نمی گیرد.

خبرگزاری فرانسه اول شهریور۸۶

AFP

جعفرزاده جزئیات لیست اشخاص و کمپانیهای پوششی سپاه پاسداران را ارائه داد

خبرگزاری فرانسه اول شهریور۸۶: روز چهارشنبه علیرضا جعفرزاده اعلام کرد: سپاه پاسداران از شرکتهای پوششی برای طفره‌رفتن از تحریمهای بین‌المللی استفاده می کند و مواد ممنوعه را به ایران وارد می‌نماید.

جعفرزاده گفت: سازمان صنایع هوا و فضا به‌ریاست احمد وحیدی دستجردی که توسط سپاه پاسداران تأسیس شده مشغول ساختن سیستم موشکی پیشرفته است و بمب، سکوی پرتاب موشک و زیردریاکوب تولید می کند.

این سازمان از ۹گروه صنعتی تشکیل شده و در برگیرنده ۲۹کارخانه می‌باشد.

او گفت چندین شرکت تابعه سازمان صنایع هوا و فضا طبق قطعنامه۱۷۳۷ سازمان ملل تحت تحریم قرار دارند.

جعفرزاده جزئیات لیست اشخاص و کمپانیهایی در ایران را ارائه داد که به‌عنوان پوششی برای فعالیتهای مخفیانه سپاه پاسداران فعالیت می کنند.

جعفرزاده هم‌چنین اعلام کرد رژیم ایران در شهر نطنز به‌طور مخفیانه در حال ساختن سانتریفوژهایی است که برای غنی‌سازی اورانیوم به‌منظور تولید بمب اتمی به‌کار می‌روند.

روزنامه کویتی الوطن ۲شهریور۸۶

الوطن

افزایش ناگهانی فعالیتهای رذیلانه رژیم ایران ازجمله کارهای تروریستی در عراق و توسعه تسلیحات کشتار جمعی و اتمی

الوطن(کویت)۲شهریور۸۶:

یک مخالف حکومت ایران گفت سپاه پاسداران ایران از شرکتها به‌عنوان پوش برای مقابله با تحریمهای ملل متحد و کسب تسلیحات و مصالح برای برنامه اتمی تهران استفاده می‌کند. جعفرزاده روز چهارشنبه طی یک کنفرانس خبری در واشینگتن اعلام کرد سپاه پاسداران به‌طور مستمر طی چند ماه گذشته قطعنامه های ۱۷۳۷ و ۱۷۴۷ را به‌اتحاء مختلف نقض کرده است تا از تحریمها طفره برود و کالاها و مصالح مهم را به‌ایران وارد کند.

جعفرزاده که اسامی و جزئیات ۱۵ شرکت را ارائه می کرد گفت این شرکتها به‌عنوان پوشی برای سپاه پاسداران و نهادهای وابسته به‌آن کار می کنند. وی گفت: «این وضعیت شوک‌آور است زیرا که ما شاهد افزایش ناگهانی فعالیتهای رژیم ایران به‌لحاظ این‌گونه فعالیتهای رذیلانه هستیم. یعنی آنها در گیرودشنان در کارهای تروریستی در عراق و هم به‌خصوص در زمینه تسلیحات کشتارجمعی و برنامه تسلیحات اتمی را افزایش داده اند».

جعفرزاده گفت اطلاعات او از اعضای سازمان مجاهدین خلق که در ایران مستقر هستند به‌دست آمده است. این سازمان در صدد است که حکومت ایران را سرنگون سازد... جعفرزاده از منتقدان آتشین تهران است.

وی گفت بعضی از شرکتهای بزرگ به‌عنوان پوشی برای سپاه پاسداران فعالیت می کنند درحالی‌که شرکتهای دیگر ازجمله شرکتهایی که رژیم ایران در دبی و ایتالیا دارد در آن‌چه که آن‌را برنامه مخفی انرژی هسته‌یی و مسلح ایران می‌نامید نقش دارند» از سوی دیگر الوطن درهمین گزارش بنقل از یک مقام دولت مصر رژیم حاکم بر ایران را «مسبب بروز عوارض منفی در صحنه کشورهای عربی دانست و نوشت: احمد ابوالغیط دیروز اتهامات کشورش به ایران را مبنی بر این‌که تلاش می‌کند از بحرانهای منطقه برای بهبود موقعیتش در گفتگو با غرب بر سر پرونده هسته‌یی سوءاستفاده کند تکرار کرد.

خبرگزاری عراق: رژیم ایران در شهر نطنز به‌طور مخفیانه در حال ساختن سانتریفوژهایی است که به‌منظور تولید بمب اتمی به کار می‌روند

خبرگزاری اخبار عراق با استناد به افشاگری مقاومت ایران نوشت: رژیم ایران در شهر نطنز به‌طور مخفیانه در حال ساختن سانتریفوژهایی است که به‌منظور تولید بمب اتمی به‌کار می‌روند. علیرضا جعفرزاده در این کنفرانس مطبوعاتی با مدارک و اطلاعات دقیقی که از طریق شبکه هواداران سازمان مجاهدین خلق ایران از داخل کشور به‌دست آمده روشن نمود که سپاه پاسداران از این طریق به نقض قطعنامه‌های ۱۷۳۷ و ۱۷۴۷ شورای امنیت پرداخته است(خبرگزاری اخبار عراق ۲شهریور۸۶).

الشرق‌الاوسط: دولت آمریـکا بـا گنجـاندن نـام سپاه پاسـداران در لیست تروریستی، نیروی اصلی رژیم ایران را هدف قرار می‌دهد

روزنامه الشرق‌الاوسط چاپ لندن در روز ۲شهریور، نوشت: دولت آمریکا با گنجاندن نام سپاه پاسداران در لیست تروریستی، نیروی اصلی که بقای رژیم ایران را تضمین کرده است را هدف قرار می‌دهد. تروریست نامیدن این نیرو هرگونه معامله و دادوستد با آن را مشکل خواهد کرد.

این روزنامه افزود: هم اکنون بیش از نیمی از وزیران کابینه دولت احمدی‌نژاد و خود وی، یک سوم نمایندگان مجلس و ۲۰ تن از ۳۰استاندار رژیم از سپاه پاسداران هستند. علاوه بر این مناصب کلیدی سیاسی نیز دست اعضای سپاه پاسداران است. هم‌چنین اکنون برای اولین بار سفیران رژیم ایران در جایگاههای مهم مانند سازمان ملل متحد و سفارتخانه‌های ایران در دوازده کشور اروپایی از اعضای سپاه پاسداران می‌باشند. مهمتر از اینها این است که سپاه پاسداران مانند یک مؤسسه تجاری با منافع زیادی در بخشهای اقتصادی فعالیت دارد. بر اساس برخی برآوردها سپاه سومین شرکت بزرگ پس از شرکت ملی نفت و آستان قدس رضوی در مشهد است.

براساس تحقیق و بررسی که سال۲۰۰۴ در دانشگاه تهران به‌عمل آمد، درآمد سالانه طرحهای سپاه به ارزش دوازده میلیارد دلار برآورد شد. احتمال دارد طرح خصوصی‌سازی که احمدی‌نژاد قصد انجام ان را دارد نفوذ اقتصادی سپاه را افزایش دهد و شرکتهای بخش خصوصی با ارزش ۱۸میلیارد دلار به دست سپاه بیفتد.

الشرق‌الاوسط در ادامه نوشت: سپاه پاسداران بر طرحهای سودآور به ارزش ۲,۱میلیارد دلار در سال در چارچوب صدور انقلاب تسلط دارد و حداقل در بیست کشور ازجمله کشورهای اروپایی شاخه‌های حزب‌الله را حمایت مالی می کند و به‌گروههای تندرو شبه‌نظامی سلاح و پول می‌دهد.

تجمع اعتراضی ایرانیان آزاده در آرکانزاس آمریکا علیه اعدامهای وحشیانه توسط رژیم آخوندی مورد توجه رسانه‌های ایالت آرکانزاس قرار گرفت

روز جمعه، ۲شهریور (۲۴ اوت) ایرانیان آزاده و حامیان مقاومت ایران در آرکانزاس آمریکا، در یک اقدام مشترک با شهروندان آمریکایی یک تجمع اعتراضی علیه موج اعدامهای وحشیانه و سنگسار در ایران، برگزار کردند. شرکت کنندگان در این حرکت اعتراضی با در دست داشتن بنرهایی در محکومیت اعدامها، توجه شهروندان را به این جنایات وحشیانه در ایران جلب کردند. در پایان این تجمع اعتراضی که در خیابان تاریخی دیکسن در شهر «فیت ویل» برگزار شد، قطعنامه‌یی قرائت گردید. در این قطعنامه، هموطنانمان خواستار موضعگیری و اقدام قاطع جامعه بین‌المللی علیه موج سرکوب و اعدام در ایران شدند، این قطعنامه به‌طور گسترده در ایالت آرکانزاس توزیع گردید.

تلویزیونهای فاکس و سی.بی.اس و روزنامه مورنینگ نیوز اقدام به تهیه فیلم وگزارش از این تجمع اعتراضی نمودند و با شرکت‌کنندگان در این تجمع اعتراضی مصاحبه به‌عمل آوردند. تلویزیون فاکس در شمال غربی آرکانزاس با پخش گزارشی از این تجمع بنقل از گزارشگر خود درصحنه گفت:

یک گروه محلی علیه نقض حقوق‌بشر اعتراض می‌کند

این یک اقدام اعتراضی در فیت‌ویل است. صبح جمعه یک گروه در اعتراض به اعدامهایی که در ایران توسط رژیم ملاها انجام می گیرد، در خیابان دیکسون تجمع کردند.

اعضای این گروه می‌گویند آمریکا بامذاکرات بین مقامات رسمی رژیم ایران هیچ کمکی به شهروندان ایرانی که هر روز کشته می‌شوند، نمی‌کند.

این گروه که متشکل از ایرانیان و آمریکاییان است از فعالیتهای اتمی رژیم ایران نگران هستند...

روزنامه مورنینگ نیوز شنبه ۳شهریور (۲۵ اوت ۲۰۰۷) نیز با عنوان آگاهی از حقوق‌بشر تجمع ایرانیان آزاده در اعتراض به اعدامهای وحشیانه با چاپ خبری همراه با عکسی از این تجمع اعتراضی نوشت:

روز جمعه هوشنگ نظرعلی از کراسس درحالی‌که عکسی از مریم رجوی، رئیس‌جمهور منتخب شورای ملی مقاومت ایران، در دست دارد، به اعتراض می‌پردازد. وی می‌خواهد، روی نقض حقوق بشر در ایران نور بیندازد و به ایالات متحده و اتحادیه اروپا تأکید کند تا روابط خود را با رژیم ایران قطع کنند.

حمایت تام تانکردو کاندیدای ریاست جمهوری و باب فیلنر عضو کنگره آمریکا از تظاهرات حامیان مقاومت ایران علیه موج اعدامهای وحشیانه در ایران

گروه پارلمانی حقوق بشر و دموکراسی ایران در کنگره آمریکا، با هزاران ایرانی که گسترش اعدامها را در ایران محکوم می کنند، اظهار همدردی می کند

گروه پارلمانی، از آژانسهای دولتی، سازمان ملل متحد، سازمانهای غیرانتفاعی فعال در زمینه حقوق بشر و همه شهروندان خواست که از اعتراضات ایرانیان حمایت کنند

گروه پارلمانی حقوق بشر و دموکراسی در کنگره آمریکا که ریاست آن‌را باب فیلنر، عضو ارشد حزب دموکرات و از مدافعان جنبش مدنی مردم آمریکا و تام تانکردو، عضو کمیتهٔ خارجی کنگره و کاندیدای ریاست‌جمهوری از حزب جمهوریخواه به‌عهده دارند، اطلاعیه‌یی در همبستگی با اعتراضات ایرانیان که از روز اول اوت(۱۰مرداد) در ایالتهای مختلف آمریکا جریان دارد، صادر کرده و در اختیار سازمانهای حقوق بشری و ارگانهای سازمان ملل متحد قرار داده‌است، متن این اطلاعیه به قرار زیر است:

حداقل سه دهه است که دولت افراط‌گرای ایران به‌طور سیستماتیک حقوق‌بشر را همزمان با گسترش خشونت‌آمیز تروریسم نقض می‌کند. مقامات ایرانی به‌طور سیستماتیک مخالفان خود را تحت عناوین موهوم مثل قاچاقچی موادمخدر، بزهکار و دزدان مسلح اعدام می‌کنند. در ۲۷آوریل(۷ اردیبهشت) عفو بین‌الملل گزارش کرد که «اعدامها در ایران در سال۲۰۰۶ حدوداً دو برابر اعدامهای سال۲۰۰۵ بوده که طی آن، ۱۷۷تن اعدام شده بودند».

در هشتم ماه مه(۱۸اردیبهشت) امسال، نیویورک‌تایمز گزارشی از دستگیری دانشجویان ایرانی داد. این روزنامه به‌نقل از یک دانشجو نوشت که «دانشجویان به این نتیجه رسیده‌اند که تنها راه این است که در مقابل این رژیم ایستادگی کنند». این روزنامه افزود: دانشجویان دموکراسی‌خواه به مقاومت خود علیه تهدید و ارعاب رژیم ایران ادامه می‌دهند.

گروه پارلمانی حقوق‌بشر و دموکراسی در کنگره آمریکا حمایت خود را از هزاران ایرانی که در سراسر آمریکا سرگرم برگزاری تظاهرات و سازمان‌دادن اعتراضات در حمایت از دانشجویان، زنان و مقاومت سازمانیافته در ایران هستند، اعلام می‌کند و تشدید نقض وحشیانه حقوق‌بشر توسط رژیم آخوندی حاکم بر ایران را محکوم می‌نماید. گروه پارلمانی، از آژانسهای دولتی، سازمان ملل متحد، سازمانهای غیرانتفاعی فعال در زمینه حقوق‌بشر و همه شهروندان می‌خواهد که از اعتراضات ایرانیان حمایت کنند. ما باید آرزوهای مردم ایران را برای تغییر و برقراری حاکمیت مردمی، محقق کنیم.

باب فیلنر، عضو کنگره آمریکا
تام تانکردو، عضو کنگره آمریکا

اعتراضات علیه اعدامهای وحشیانه در ایـران ادامه دارد

شیکاگو ـ آمریکا

روز یکشنبه ۲۸مرداد، هواداران مقاومت در شیکاگو اقدام به برگزاری یک تجمع اعتراضی کردند.
آنها با سر دادن شعارهایی علیه دژخیمان پلید حکومت آخوندی، خواستار متوقف کردن موج اعدام و سنگسار در ایران شدند.
تظاهر کنندگان که زیر باران شدید، در مقابل ساختمان روزنامه شیکاگو تریبیون تجمع کرده بودند، با سر دادن شعارهایی، اعدام و سرکوب در ایران را محکوم کردند.

مریلند ـ آمریکا

روز یکشنبه ۲۱ مرداد ماه جمعی از حامیان مقاومت ایران در آمریکا جهت افشای اعدامهای اخیر در ایران اقدام به برپایی میزکتاب در کلیسای بزرگی در مریلند نمودند. . کشیش اصلی کلیسا که از دیرباز از حامیان مقاومت ایران بوده است، در جمع ۳۰۰۰ نفری شرکت کنندگان در کلیسا از اعدامهای وحشیانه در ایران ابراز انزجار کرد و خواهان محکومیت رژیم توسط کنگره آمریکا شد.

لانگ بیچ ـ آمریکا

در ادامه سلسله تجمعات اعتراضی به اعدامهای وحشیانه اخیر در ایران، ایرانیان آزاده در جنوب کالیفرنیا، روز جمعه ۲۶ مرداد ماه در لانگ بیچ لس‌آنجلس یک تجمع اعتراضی برپا کردند.
در سراسر مسیری که هموطنانمان به افشاگری پرداخته بودند، پلاکاردها و بنرهایی بل صحنه‌های اعدامهای شنیع اخیر، عکسهای شهدا و مطالب روشنگرانه‌یی در همین رابطه به‌صورت نمایشگاهی در معرض دید عموم قرار گرفته بود.

کنفرانس مطبوعاتی نمایندگی شورای ملی مقاومت در کشورهای نوردیک در اعتراض به اعدامهای وحشیانه در ایران

نماینده شورای ملی مقاومت ایران در کشورهای نوردیک موج فزاینده اعدامهای وحشیانه و سرکوب مردم ایران توسط رژیم ضدبشری آخوندی را محکوم کرد

روز پنجشنبه اول شهریور در یک کنفرانس مطبوعاتی در اسلو، نماینده شورای ملی مقاومت ایران در کشورهای نوردیک موج فزاینده اعدامهای وحشیانه و سرکوب مردم ایران توسط رژیم ضدبشری آخوندی را محکوم کرد. در این کنفرانس، خانمها توه راسک، وکیل دادگستری و عضو انجمن بین‌المللی حقوقدانان نروژ و اینگر یوهانه کریستانسن، کشیش کلیسای اسلو، طی سخنانی ضمن ابراز همدردی با مردم ایران، جنایات رژیم آخوندی در سرکوب مردم را محکوم کردند.
در ابتدای این کنفرانس آقای خزایی ضمن خوشامدگویی به حاضران، اعلام نمود که رئیس‌جمهور برگزیده شورای ملی مقاومت ایران، طی یک فراخوان از سازمان ملل متحد و کلیه دولتها برای توقف اعدامهای گسترده در ایران یاری خواسته است. خانم رجوی ضمن اشاره به افزایش آمار اعدامهای اعلام شده، خاطرنشان ساخت که آمار زندانیانی که در انتظار اجرای حکم اعدام بسر می‌برند، تنها در یکی از زندانهای کشور بیش از ۶۰۰نفر اعلام شده است.
نماینده شورا در کشورهای نوردیک، در این کنفرانس که با حضور خبرنگاران رسانه‌های گروهی نروژ برگزار شد، با ارائه آخرین آمار اعدامها، گفت که تنها در یک ماه اخیر ۳۱ نفر در ایران، به‌دار آویخته شده‌اند. وی افزود: چنان‌چه جامعه بین‌المللی برای توقف این جنایات، اقدامات اساسی به‌ویژه در سطح سازمان ملل متحد انجام ندهد، ابعاد این آدمکشیهای شنیع در ملأعام روز به‌روز بیشتر خواهد شد.
خانم توه راسک، وکیل دادگستری و عضو انجمن بین‌المللی حقوقدانان نروژ نیز، طی سخنانی ضمن ابراز انزجار از این قبیل مجازاتهای ضدبشری از دولتهای غربی به‌خاطر عدم قاطعیت در مقابل این اعمال غیرقابل‌توجیه انتقاد نمود.
آخرین سخنران خانم اینگر یوهانه کریستانسن کشیش کلیسای نروژ بود که ضمن ابراز تأسف به خاطر ارتکاب جنایات هولناک توسط رژیم ایران آن‌هم به‌نام دین، خطاب به نمایندگان رسانه‌های حاضر در کنفرانس تشریح نمود و تأکید کرد که این قبیل اعمال ضدبشری را در رسانه‌های خود بازتاب داده و وجدان جهانیان را در قبال آن بیدار نگهدارید.
در جریان این کنفرانس، یکی از زندانیان سیاسی سابق که هشت سال را در سیاهچالهای رژیم ضدبشری آخوندی گذرانده است، مختصری از شرح‌حال خود و تعدادی از همبندانش و نیز نمونه‌هایی از شکنجه‌های ضدانسانی رژیم را تشریح نمود وی که در جریان قتل‌عام زندانیان سیاسی سال ۱۳۶۷ در زندان بوده، به بیان مشاهداتش برای شرکت‌کنندگان در جلسه پرداخت.
در پایان این کنفرانس مطبوعاتی، آقای پرویز خزایی قوانین جزایی رژیم و مجازاتهای غیرانسانی در رژیم آخوندی را به‌طور مفصل تشریح نمود و تأکید کرد که در ایران این خود قانون است که ناقض حقوق‌بشر و تمامی ارزشها و موازین حقوق شناخته شده می‌باشد.

سیدنی ـ استرالیا

روز چهارشنبه۲۷ مرداد، هواداران مقاومت در استرالیا، طی تظاهراتی در شهر سیدنی، ادامه نقض حقوق‌بشر و اعدامهای وحشیانه در ایران را محکوم کردند.
حامیان مقاومت در این آکسیون، در نوزدهمین سالگرد قتل‌عام زندانیان سیاسی در سال ۶۷، یاد و خاطره شهیدان گرانقدر این جنایت وحشیانه را گرامی داشتند.
تظاهر کنندگان شعار می‌دادند: اعدام و شکنجه در ایران را متوقف کنید، به‌دار آویختن جوانان ایرانی تحت عناوین کذب و بی‌اساس را متوقف کنید.
آنها هم‌چنین در شعارهایشان خواهان حذف نام مجاهدین از لیست تروریستی شدند.
در پایان این تظاهرات، بیانیه‌یی درمورد محکومیت موج اعدامهای اخیر، و دستگیریهای خیابانی و سرکوب زنان و جوانان، قرائت شد.
در بخشی از بیانیه پایانی این تظاهرات آمده است:
ما هواداران و حامیان مقاومت مردم ایران در استرالیا، از همه ارگانها و سازمانهای بین‌المللی مدافع حقوق‌بشر، به‌طور خاص از سازمان ملل متحد، شورای حقوق‌بشر ملل متحد و دولت استرالیا می‌خواهیم که با قاطعیت هر چه بیشتر اعدامهای افسار گسیخته اخیر در ایران را محکوم نمایند. هم چنین از کشورهای عضو شورای امنیت ملل متحد می‌خواهیم که پرونده جنایات رژیم علیه بشریت را به شورای امنیت ارجاع نمایند.
درنوزدهمین سالگرد قتل‌عام ۳۰هزار زندانی سیاسی یاد و خاطره تابناک این شهیدان بزرگوار را گرامی می‌داریم و از جامعه جهانی می‌خواهیم که این جنایت علیه بشریت را محکوم کنند و مجریان آن‌را به بالاترین مقامات قضایی بین‌المللی به جرم جنایت علیه بشریت تحویل دهند.
ما هم‌چنین خواهان حفاظت و امنیت کامل مجاهدان ساکن شهر اشرف هستیم و از دولت استرالیا می‌خواهیم هرچه سریعتر نام سازمان مجاهدین خلق ایران را از لیست سازمانهای تروریستی خارج نماید.

سیدنی ـ استرالیا

آتلانتا ـ آمریکا

روز شنبه ۲۷مرداد جامعه ایرانیان ایالت جرجیا ـ آتلانتا (هواداران مقاومت ایران)، دومین آکسیون خود را در اعتراض به ادامه اعدامهای وحشیانه در ایران، در منطقه لیتل فایو پوینت در مرکز شهر آتلانتا، برگزار کرد.
در این آکسیون، شرکت‌کنندگان نقض حقوق‌بشر در ایران را محکوم کرده و خواهان متوقف کردن اعدامها و سنگسار در ایران شدند.
صدها تن از شهروندان آتلانتا نیز در حمایت از این آکسیون اعتراضی، با امضای بیانیه‌یی انزجار خود را از قاتلان مردم ایران ابراز کرده و خواستار توقف اعدامها در ایران شدند.

آتلانتا ـ آمریکا

یوتوبوری ـ سوئد

تظاهرات و اجتماعات اعتراضی حامیان مقاومت ایران در یوتوبوری از روز چهارشنبه ۲۴مرداد شروع شد. در ۲۷مرداد و چهارمین روز تجمع هموطنان، استاد محمد شمس، عضو شورای ملی مقاومت وآهنگساز برجسته در سخنرانی خود از پایداری هواداران و اعضای مقاومت و در رأس آن از سرداران شهر اشرف تجلیل کرد.
سخنران دیگر این تجمع، خانم شارلوت سوردستروم، نویسنده و ژورنالیست سوئدی ضمن اعتراض به سرکوب گسترده زنان و جوانان ایران به‌مقایسه میان شرایط سوئد و ایران پرداخت و گفت: «در حالی که در کشور سوئد دولت درپی ایجاد پروژه هایی است که سلامت و تندرستی زنان و شهروندان خود را افزایش دهد، در ایران مردم توسط دولت روزمره تحت سرکوب و شکنجه قرار می گیرند».
در تجمع هواداران سازمان مجاهدین در میدان گوستاو آدولف یوتوبوری، نماینده انجمن زنان سوئد با قرائت پیامی، مقامات دولت سوئد را به حمایت از مردم ایران و مقاومت سراسری آن فراخواند و متذکر شد که سیاست مماشات دولتهای اروپایی دست رژیم آخوندی را برای سرکوب هر چه بیشتر باز می‌کند و همزمان منطقه را در بحرانهای فزاینده فرو خواهد برد.
هم‌چنین نماینده انجمن دانشجویان در سخنرانی خود، به سرکوب جوانان و دانشجویان توسط رژیم آخوندی در ایران پرداخت و افزود شدت سرکوب نشان می‌دهد که رژیم فاقد پایگاه مردمی است و با توسل به سرکوبیهای فزاینده می‌خواهد به عمر کوتاه خود بیفزاید.
در این مراسم چند تن از هواداران مقاومت با خواندن اشعار و اجرای قطعات موسیقی، همدردی خود را با جوانان و زنان ایران نشان دادند.
شهروندان سوئدی با امضای بیانیه علیه اعدامها، انزجار خود را از رژیم حاکم بر ایران نشان دادند.

یوتوبوری ـ سوئد

اطلاعیه‌های دبیرخانه شورای ملی مقاومت

۱۱ اعدام در ساوه، زاهدان، نقده و شیراز

۴زندانی در تهران به اعدام محکوم شدند

دبیرخانه شورای ملی مقاومت روز ۳۰مرداد، طی اطلاعیه‌یی اعلام کرد:
به گزارش رادیو رژیم، صبح روز ۳۰مرداد، دو زندانی در زاهدان، بدون ذکر نام، توسط رژیم آخوندی به‌دار آویخته شدند.
دژخیمان قضاییه آخوندی دو زندانی دیگر به‌نامهای علی قلندری و رسول گرد را در زندان نقده بدار آویختند.(روزنامه حکومتی ایران ۲۹مرداد).
به گزارش خبرگزاری حکومتی ایرنا (۲۸مرداد)، محمود مقیمی، محمد شارعی و داوود شارعی، که حکم اعدام آنها اعتراضات شدیدی را در میان مردم و خانواده های آنها برانگیخته بود، سرانجام در ملأعام در ساوه به‌دار آویخته شدند.
سایت تلویزیون حکومتی ۲۵مرداد اعلام کرد که یک زندانی دیگر بدون ذکر نام در زاهدان اعدام گردید.
روزنامه حکومتی جوان (۲۹مرداد) از حلق‌آویز قریب‌الوقوع ۴زندانی به‌نامهای امیر ـ ح، حسن، علی و ابوالفضل خبر داد.
همزمانی موج جدید اعدامها با تشکیل ارگانهای سرکوبگر جدید ازجمله «دادسرای ویژه امنیت» که به‌طور خاص رسیدگی به جرائم امنیتی را به‌عهده دارد، بیانگر اوج افلاس رژیم آخوندی در مواجهه با خیزشها و اعتراضات عمومی است. آخوندها تلاش می‌کنند تا مخالفان سیاسی خود را در پوش جرائم عادی به چوبه‌های دار بسپارند تا از عواقب سیاسی و بین‌المللی آن در امان بمانند.
مقاومت ایران یکبار دیگر توجه دبیرکل، کمیسرعالی حقوق بشر، شورای حقوق بشر ملل متحد و سایر سازمانها و مجامع مدافع حقوق بشر را به موج اعدامهای اخیر جلب می‌نماید و خواستار تعیین گزارشگر ویژه حقوق بشر برای نظارت مستمر بر وضعیت حقوق بشر در ایران می‌باشد.
دبیرخانه شورا در اطلاعیه دیگری که روز ۳۱مرداد صادر شد، اعلام کرد:
به‌گواهی منابع حکومتی طی هفته گذشته حداقل ۱۲زندانی در شهرهای مختلف ایران اعدام شدند.
به گزارش خبرگزاری حکومتی ایرنا (۳۱مرداد) دژخیمان قضاییه آخوندی دو زندانی به‌نامهای شکرالله کردی تمندانی و حسن چویی را در محوطه زندان زاهدان به‌دار آویختند.
همین خبرگزاری از حلق‌آویز زندانی به‌نام الله‌قلی.ق توسط رژیم در ملأعام در شیراز خبر داد.
موج اعدامهای خودسرانه که از اردیبهشت ماه گذشته به‌بهانه آخوندساخته «بدحجابی» و «مبارزه با ارادل و اوباش» توسط رژیم ضدبشری آخوندی به‌راه افتاده، بیانگر اوج ترس و وحشت رژیم از اعتراضات، اعتصابات، تظاهرات و خیزشهای مردمی در فاز اضمحلال و سرنگونی است.
مقاومت ایران از مجامع بین‌المللی مدافع حقوق بشر، کمیسر عالی حقوق بشر، دبیرکل و شورای امنیت ملل متحد خواستار محکومیت اعدامهای خودسرانه و اتخاذ تدابیر مشخص برای رویارویی با نقض وحشیانه و سیستماتیک حقوق بشر در ایران می‌باشد.

اخراج استادان و تدابیر سرکوبگرانه در دانشگاهها

به‌گزارش روزنامه حکومتی مردمسالاری (۲شهریور)، آخوند مزدور عباسعلی عمید زنجانی، گماشته پاسدار احمدی‌نژاد در دانشگاه تهران که عنوان ریاست دانشگاه را یدک می‌کشد، دستور اخراج شماری از اساتید دانشگاه ازجمله دکتر حسین بشیریه، دکتر هادی سمتی و دکتر سعید شاهنده را صادر کرده است.
حراست دانشگاهها که شعبه وزارت اطلاعات است، اخیراً طی یک بخشنامه سرکوبگرانه اعلام کرد: «اساتید دانشگاهها موظف شده‌اند تا هرگونه سفر خود به خارج از کشور را علاوه بر سفرهایی که به‌عنوان فرصت مطالعاتی یا سفرهای علمی و پژوهشی با هزینه دانشگاه به خارج از کشور انجام می‌دهند، به حراست دانشگاه متبوع خود، اعلام کنند. این سفرها، شامل سفرهایی است که با هزینه مؤسسات دیگر (غیر از دانشگاه) انجام می‌شود و حتی سفرهای سیاحتی، زیارتی و شخصی نیز در این زمره هستند».
لازم به ذکر است در راستای همین سیاست ضدفرهنگی، در ۳۱خرداد۸۵ آخوند عباسعلی عمید زنجانی، پس از انتصاب به سمت رئیس دانشگاه تهران، اولین وظیفه خود را تصفیه بیش از ۵۰تن از با سابقه‌ترین اساتید دانشگاه تهران دانست.
مقاومت ایران اتحادیه‌ها و سندیکاهای دانشجویان و دانشگاهیان و ارگانهای ذیربط بین‌المللی را به محکوم‌کردن اعمال فشار و سرکوب علیه دانشجویان و استادان و تحمیلات ارتجاعی و ضدفرهنگی در دانشگاههای ایران فرا می‌خواند و خواستار اتخاذ تدابیر جدی برای طرد فاشیسم مذهبی حاکم بر ایران از مجامع علمی و فرهنگی می‌باشد.

دبیرخانه شورای ملی مقاومت ایران
سوم شهریور ۱۳۸۶(۲۵اوت ۲۰۰۷)

صدور حکم اعدام برای ۱۲نوجوان زیر ۱۸سال

دستگاه قضاییه آخوندها حکم اعدام ۱۲نوجوان کمتر از ۱۸سال را صادر کرده است.
محمد مصطفایی، وکیل مدافع این نوجوانان، طی نامه‌یی به این احکام اعتراض کرد و نوشت: حکم مجازات مرگ نباید برای جرمهایی که افراد زیر ۱۸سال مرتکب شده‌اند صادر شود.
اسامی نوجوانانی که زیر اعدام هستند دررروزنامه اعتماد ملی ٤شهریور، درج شده که از این قرار است:
۱. سعید۱۷ساله، ۲. رضا ۱٦ساله، ۳. حسین ۱٦ساله، ٤. صفر ۱۷ساله، ۵.حسین ۱٦ساله، ٦.علی ۱۷ساله(همگی محبوس در زندان گوهردشت کرج).
۷. رضا ۱۷ساله، ۸. محمد ۱٦ساله، ۹. بهنام ۱۵ساله (زندانی در زندان عادل‌آباد شیراز)
۱۰. دل‌آرا ۱۷ساله، ۱۱. مهار ۱۷ساله(زندانی در زندان رشت).
۱۲. محمد ۱۵ساله زندانی در زندان ساوه.
از میان این افراد اجرای حکم بهنام ۱۵ساله ابلاغ شده و هر لحظه امکان دارد نامبرده به دار آویخته شود.

جنایت ضد انسانی رژیم آخوندی علیه زندانیان سیاسی

وزارت اطلاعات با همکاری بهداری زندانها قصد معتادکردن زندانیان سیاسی را دارد

گزارشهای دریافتی از زندانهای مختلف کشور حاکیست که، وزارت اطلاعات با همکاری بهداری زندانها با اجرای طرحی قصد معتادکردن زندانیان سیاسی را دارد. بر اساس این طرح، داروهایی که به عنوان مسکن به زندانیان سیاسی تجویز می‌شود حاوی در صد بالایی از مواد مخدر می‌باشد. به‌همین منظور به غذای زندانیان سیاسی مواد مخدر افزوده می‌شود.
بنا به همین گزارشها، دژخیم حسن زارع دهنوی معروف به قاضی حداد، پرونده تمامی زندانیان سیاسی را به‌منظور فشار بر آنها و خانواده‌هایشان در دست گرفته و گفته است ما بند کفشهایمان را محکم بسته‌ایم تا کار فعالان حقوق بشر را یکسره کنیم.
در زندان گوهردشت کرج، دژخیمان و شکنجه‌گران محدودیتهای جدیدی علیه زندانیان سیاسی به اجرا گذارده‌اند و جیره غذایی آنها را کاهش داده‌اند. آنان همچنین وسائل اهدایی خانواده‌های زندانیان سیاسی را گرفته ولی از دادن آنها به زندانیان خودداری می‌کنند.
در روزهای اخیر همچنین مأموران وزارت اطلاعات، خانواده زندانیان سیاسی را تهدید کرده‌اند که نباید اخبار مربوط به زندانیان سیاسی را مطرح کرده و در اختیار رسانه‌ها قرار دهند.
در زندان ارومیه نیز دژخیم فتحی، رئیس زندان این شهر، برای فشار بر زندانیان سیاسی، تماس آنها را با سایر زندانیان ممنوع کرده است.
وی به همراه فردی به نام فردین کردلر، رئیس جنایتکار حفاظت اطلاعات زندان ارومیه، وارد بند۱۲، محل نگهداری زندانیان سیاسی شده و با توهین و تهدید اعلام کرده است قصد دارد بند۱۲ زندانیان سیاسی را منحل کرده و زندانیان سیاسی را به بندهای دیگر منتقل کند. زندانیان سیاسی بند۱۲ نیز نسبت به این تصمیم سرکوبگرانه دژخیمان رژیم آخوندی در زندان اعتراض نموده و تهدید کرده‌اند در صورت عملی‌کردن این طرح دست به اعتصاب غذا خواهند زد.
همچنین بنا به گزارشهای دریافتی امنیت جانی یکی از زندانیان زندان اوین به نام محمد صدیق کبودوند، در خطر است. وی که در بند۲۰۹زندان اوین زندانی می‌باشد، در آخرین تماس به خانواده خود گفته است مأموران زندان، ۲مجرم خطرناک متهم به شرارت را به محل نگهداری وی منتقل کرده‌اند. وی از روز دهم تیر ماه به سلول انفرادی منتقل شده و تحت فشارهای شدید روانی قرار دارد.
در نقده نیز رژیم آخوندی یک زندانی به‌نام علی قلندری، معروف به رسول گرد را اعدام کرده است. در همین حال علی‌اکبر غفاریان، سردژخیم زندانهای استان مازندران، به‌دستگیریهای بی‌رویه در این استان اعتراف کرد و گفت: «زندانهای استان، ٤برابر ظرفیت موجود زندانی دارند».

شلاق‌زدن یک جوان در ملأعام در قزوین

به گزارش خبرگزاری رژیم(فارس) در روز ۳۱مرداد، مأموران جنایتکار رژیم در محله هادی‌آباد قزوین، یک جوان را در ملأعام وحشیانه شلاق زدند.
قاضی اجرای حکم بیدادگاه رژیم در قزوین این جوان را یکی از «اراذل و اوباش» معرفی کرد و گفت: «امنیت در هر جامعه مهمترین عامل رضایتمندی مردم است و دولتها خود را موظف به برقراری امنیت می‌دانند؛ از این رو نظام جمهوری اسلامی یکی از مهمترین وظایف خود را ایجاد امنیت و برخورد شدید و بدون گذشت با عوامل سلب‌کننده آرامش مردم می‌داند».

موج دستگیری و اعدام و سرکوب و تشدید شکنجه‌های وحشیانه در زندانها

خبرگزاری فرانسه: در سال جاری تا کنون حداقل ۱٦٦نفر در ایران اعدام شده‌اند

رژیم آخوندی حکم اعدام دو نفر را در تهران صادر کرد. یکی از این دونفر جوانی ۲۱ساله به‌نام محمدـ ع می‌باشد. یکی دیگر از محکومان ۳۵ساله است. بنا به‌خبر دیگری دیوان عالی رژیم آخوندی حکم اعدام جوانی به‌نام امیر را که به اتهام به هلاکت رساندن دژخیم جعفر پورقاضی دادگاه قرچک ورامین دستگیر شده بود، تأیید کرد(جوان ۳۱مرداد۸٦).
خبرگزاری فرانسه روز ۳۰مرداد گزارش داد: با اعدام دو زندانی در زاهدان در روز سه‌شنبه تعداد کسانی که در سال جاری تا کنون در ایران اعدام شده اند حداقل ۱٦٦نفر می‌باشند. اکثراً قربانیان به‌شیوه حلق‌آویز و اکثراً در ملأعام اعدام گردیده‌اند.
به گزارش سازمان عفو بین‌الملل، در سال۲۰۰٦ حداقل ۱۷۷تن اعدام شدند که این رقم رژیم را از لحاظ اجرای احکام اعدام در جهان، در مقام دوم بعد از چین قرار می دهد.

۳جوان در تهران به اعدام محکوم شدند

دستگاه قضاییه آخوندها حکم اعدام ۳جوان را در تهران صادر کرد. یکی از این ۳جوان علی نام دارد و ۲۱ساله می‌باشد.
حکم اعدام این جوانان به‌زودی اجرا می‌شود(جوان ٤ شهریور).

وعده اعدامهای بیشتر برای ارعاب مردم

سرکرده نیروی انتظامی رژیم در استان کرمانشاه اعلام کرد: در کرمانشاه و دیگر شهرهای این استان، به زودی شمار دیگری در ملأعام حلق‌آویز خواهند شد.
پاسدار امیر گراوند، سرکرده جنایتکار این نیرو، درحالی که جوانان را اراذل و اوباش می‌نامید، گفت: «تاکنون چند تن از اراذل و اوباش در ملأعام و در زندان اعدام شده‌اند و به زودی در کرمانشاه و دیگر شهرهای این استان، چند تن دیگر از اراذل و اوباش در ملأعام به‌دار مجازات آویخته خواهند شد. نیروی انتظامی در ادامه اجرای طرح دستگیری اراذل و اوباش، برای شکسته‌شدن ابهت این افراد در مناطق مختلف با گردانندن آنها توانسته است امنیت را افزایش دهد».
دادستان جنایتکار رژیم در مشهد نیز درحالی که جوانان را اراذل و اوباش می‌نامید، گفت: «حکم اعدام تعدادی از اراذل و اوباش در مشهد اجرا شده و به‌زودی هم حکم اعدام تعداد دیگری در مشهد اجرا خواهد شد. این برخورد قاطعانه و جدی با اراذل و اوباش و هشداری برای افراد دیگر است».
از سوی دیگر، فهیمی‌راد سرکرده انتظامی خراسان با اشاره به‌دستگیریهای گسترده در خراسان، گفت: «طرح ضربت به‌طور دقیق برنامه‌ریزی شد و پلیس مشهد و پاسداران یگان ویژه به‌مخفیگاه این افراد وارد شدند و ۳۰تن از اراذل و اوباش دستگیر شدند».
در فارس نیز پاسدار علی مؤیدی، سرکرده نیروی انتظامی این استان، صدور حکم ۱۵سال زندان برای برخی از بازداشت‌شدگان در طرح سرکوبگرانه موسوم به امنیت اجتماعی را کم دانست و خواستار اشد مجازات برای آنان شد. پاسدار احمدرضا رادان، سرکرده نیروی انتظامی تهران بزرگ نیز وعده سرکوب بیشتر را داد و گفت: ما بنا داریم بر شدت عمل خود با اراذل و اوباش بیفزاییم. وی که با روزنامه جمهوری اسلامی ٤ شهریور مصاحبه می‌کرد، برای زنان و دختران میهنمان خط و نشان کشید و اعلام کرد باید با زنان به‌طور مستمر برخوردهای انتظامی و قضایی کرد.

وضعیت دو روزنامه‌نگار کرد پس از چهل روز اعتصاب غذا وخیم است

دو روزنامه‌نگار کرد که در شکنجه‌گاههای رژیم آخوندی بیش از چهل روز است اعتصاب غذا کرده‌اند در وضعیت جسمی وخیمی بسر می‌برند. عدنان حسن‌پور و عبدالواحد بوتیمار (معروف به هیوا) به اتهام آخوندساخته محاربه و اقدام علیه امنیت ملی دستگیر شده و حکم اعدام آنها صادر شده است.
به گفته وکلای این دوزندانی سیاسی وضعیت جسمانی آنها کاملاً وخیم است. اما زندانبانان و دژخیمان رژیم از انتقال آنان به‌بیمارستان و رسیدگیهای پزشکی خودداری می‌کنند.
لازم به ذکر است که دبیرخانه شورای ملی مقاومت در روز ۱۰مرداد۱۳۸٦ طی اطلاعیه‌یی دستگیری و صدور حکم اعدام برای این دو روزنامه‌نگار ایرانی را محکوم کرد و از عموم سازمانها و مجامع مدافع حقوق بشر خواستار اقدام عاجل برای جلوگیری از اجرای این حکم گردید.

ابراز نگرانی سازمان خبرنگاران بدون مرز نسبت به‌وضعیت روزنـامه‌نـگاران زنـدانی در ایران

سازمان خبرنگاران بدون مرز، روز ۳شهریور با انتشار بیانیه‌یی، نسبت به‌وضعیت روزنامه‌نگاران زندانی در ایران ابراز نگرانی کرد. در بیانیه این سازمان، با اشاره به صدور حکم اعدام برای دو روزنامه‌نگار کرد آمده است، عدنان حسن‌پور و هیوا بوتیمار که بیش از ٤۰روز است در اعتصاب غذا بسر می‌برند، در سلولهای انفرادی نگهداری می‌شوند و از ابتدایی ترین حقوق خود محروم هستند. در بیانیه این سازمان، با اشاره به بازداشت مدیرمسئول هفته‌نامه توقیف‌شده صدای مردم کردستان توسط مأموران وزارت اطلاعات رژیم ایران، در دهم تیرماه گذشته و انتقال وی به بند۲۰۹زندان اوین، آمده است که این روزنامه‌نگار شدیداً تحت فشارهای روحی و جسمی قرار دارد.

یک خبرنگار برای تن دادن به اعتراف اجباری تحت فشار و شکنجه دژخیمان است

سازمان عفو بین‌الملل با انتشار بیانیه‌یی در روز اول شهریور، نسبت به شکنجه یک روزنامه‌نگار و فعال حقوق فرهنگی آذربایجان در زندان اوین ابراز نگرانی کرد.
در بیانیه این سازمان آمده است که سعید متین‌پور، در بند ۲۰۹ زندان اوین، که تحت نظارت وزارت اطلاعات قرار دارد، در بازداشت بسر می‌برد و زیر فشار قرار دارد تا به «اعترافات» تلویزیونی تن بدهد. سعید متین‌پور روزنامه‌نگار هفته‌نامه «یاریق» که به آذری منتشر می‌شود، روز ٤خرداد به همراه همسرش در زنجان دستگیر و به زندان اوین منتقل شده است. پیش از این وی در بهمن ماه سال گذشته نیز به علت شرکت در یک تظاهرات به‌مدت ۱۰روز بازداشت شده بود.

بیش از ۸۰۰معلم پس از اعتراضات سال گذشته معلمین دستگیر شده‌اند

اسماعیل گرامی مقدم، عضو مجلس رژیم، به دستگیری بیش از ۸۰۰تن از معلمان در جریان تجمعات اعتراضی سال گذشته اعتراف کرد. وی همچنین اذعان کرد علاوه بر این ۸۰۰نفر، دهها نفر دیگر تا پایان سال ۸۵ دستگیر شدند.(خبرگزاری رژیم ـ ایسنا ۲شهریور۸٦).

سنکجه خیابانی جوانان کرمانشاه

پاسدار امیر گراوند، سرکرده نیروی انتظامی در استان کرمانشاه، درحالی که جوانان را اراذل و اوباش می‌نامید، گفت: «نیروی انتظامی در ادامه اجرای طرح دستگیری اراذل و اوباش، برای شکسته‌شدن ابهت این افراد در مناطق مختلف با گرداندن آنها توانسته امنیت را افزایش دهد. تاکنون چند تن از اراذل و اوباش در ملأعام و در زندان اعدام شده‌اند، به‌زودی نیز در کرمانشاه و سطح شهرستانهای این استان، چند تن دیگر از اراذل و اوباش در ملأعام به‌دار مجازات آویخته خواهند شد(آفتاب یزد ۳شهریور۸٦).

اعتراض و افشاگـری یک جـوان خشمگین در یک اجتماع ۵۰۰نفره در دانشگاه تهران

در همایشی که توسط شهرداری تهران در تالار ابن‌سینای دانشگاه علوم پزشکی تهران برگزار می‌شد و حدود ۵۰۰نفر در آن شرکت داشتند، یک جوان خشمگین در حالی که سلاح کلاشینکف حمل می‌کرد، به‌ناگهان وارد سالن شده و طی سخنانی نیروی سرکوبگر انتظامی را مورد حمله قرار داد و شروع به توصیف وحشیگریهای این نیرو علیه جوانان و زنان کرد. خبرگزاری رژیم(فارس) در روز ۳۰مرداد این خبر را تحت عنوان گروگانگیری منعکس کرد و نوشت: یکی از اعضای ناراضی نیروی انتظامی در تالار ابن‌سینای دانشگاه علوم پزشکی تهران اقدام به گروگانگیری کرد. فرد گروگانگیر قبلاً عضو نیروی انتظامی بوده و در حین گروگان گیری گلایه‌هایی را از نیروی انتظامی بیان می‌کرده است. به گفته وی اسلحه فرد گروگانگیر کلاشینکف بوده و ظاهراً وی فقط قصد بیان مطالبی را برای شرکت‌کنندگان در تالار داشته است.

دانشجویان پلی‌تکنیک تهدید خانواده‌های دانشجویان، توسط مرتضوی دژخیم را محکوم کردند

دانشجویان دانشگاه پلی‌تکنیک، با صدور بیانیه‌یی، تهدید خانواده‌های دانشجویان، توسط مرتضوی دژخیم را محکوم کردند. در بیانیه دانشجویان آمده است: «اکنون بیش از ۱۰۰روز است که از بازداشت سه دانشجوی دانشگاه صنعتی امیرکبیر می‌گذرد و شرایط نگهداری دانشجویان در بند۲۰۹ زندان اوین سخت‌تر از گذشته شده و این دانشجویان به دستور شخص دادستان استان تهران، سعید مرتضوی، بار دیگر به سلول انفرادی منتقل شده‌اند سعید مرتضوی که سابقه سیاه او در سرکوب و برخورد با فعالین مدنی و اجتماعی ایران در سالیان اخیر به مثابه پلکانی جهت ترقی او در بخش تاریکخانه‌یی قوه قضاییه بوده و حضور پررنگ وی در پرونده قتل زهرا کاظمی در زندان تا ابد در یادها خواهد ماند، روز دوشنبه با بی‌شرمی که مختص شخصیت اوست در حضور خانواده زجرکشیده سه دانشجوی شکنجه‌شده دانشگاه پلی‌تکنیک عنوان می‌دارد که هنوز شکنجه نکرده است تا بدانند شکنجه یعنی چه!»
بنا به گزارش دیگری سه دانشجوی بازداشتی دانشگاه پلی‌تکنیک، مجدداً به بند انفرادی منتقل شده و تحت فشار قرار دارند و ملاقات این دانشجویان با خانواده‌هایشان نیز قطع شده است.

دو ماه پس از بازداشت دو دانشجو رژیم هیچ گزارشی از وضعیت آنها نداده است

با وجود گذشت یک ماه از بازداشت دو دانشجوی دانشگاه تهران به نامهای هدایت غزالی و صباح نصری، هنوز هیچ گزارشی از وضعیت آنها و علت بازداشت این دو دانشجو، توسط رژیم آخوندی اعلام نشده است.
این دو دانشجو، از دست‌اندرکاران نشریه دانشجویی روزامه در دانشگاه تهران بودند و ماه گذشته توسط مأموران سرکوبگر امنیتی، دستگیر شدند.

وزیر اطلاعات رژیم: دانشجویانی که قصد تخریب جمهوری اسلامی را داشته باشند به‌شدت با آنها برخورد می‌شود

آخوند اژه‌ای وزیر اطلاعات آدمکشان رژیم آخوندی تهدید کرد، دانشجویانی که قصد تخریب جمهوری اسلامی را داشته باشند به‌شدت با آنها برخورد می‌شود.
محسنی اژه‌ای برای توجیه اقدامات سرکوبگرانه رژیم علیه دانشجویان، اعتراضات آنان را به‌تحریک خارجی و مراوده با بیگانگان نسبت داد. وی گفت: با افرادی که با اسم دانشجو در حال‌حاضر نیز در خارج از کشور با دولتمردان کاخ سفید مراوداتی دارند، برخورد می‌کنیم، زیرا به اعتقاد ما این افراد دانشجو نیستند بلکه به‌دنبال تخریب نظام جمهوری اسلامی ایران هستند(خبرگزاری رژیم ـ مهر ٤شهریور۸٦).
خبرگزاری فرانسه در روز ٤شهریور۸٦، این اظهارات وزیر اطلاعات آخوندها را با عنوان هشدار رژیم ایران به دانشجویان مخابره کرد. این خبرگزاری نوشت: روز یکشنبه رژیم ایران هشدار داد که نسبت به دانشجویانی که در تماس با دولت آمریکا باشند و بخواهند حاکمان کشور را سرنگون کنند، دست به اقدام خواهد زد.

دریک درگیری در زاهدان ۱۱پاسدار کشته و ۹تن دیگر مجروح شدند

در یک درگیری بین افراد مسلح و نیروهای سپاه پاسداران رژیم در زاهدان ۱۱پاسدار کشته و ۸تن دیگر مجروح شدند.
به گزارش منابع خبری از داخل ایران، این درگیری در اطراف شهر زاهدان به‌وقوع پیوست دراین درگیری سپاه پاسداران رژیم از هلیکوپتر برای درگیری با افراد مسلح استفاده کرد اما در درگیری و آتش متقابل افراد مسلح ۱۱تن از پاسداران به هلاکت رسیدند(صدای آمریکا ۲۹مرداد۸٦).

دیلی‌تلگراف: سرکوب وحشیانه‌یی که رژیم ایران اعمال می‌کند، تلاشی مستأصلانه برای حفظ این رژیم غرقه در بحران است

دیلی‌تلگراف چاپ انگلستان، در شماره ۲شهریور خود، طی مقاله‌یی تصریح کرد وحشیانه‌ترین سرکوب که رژیم ایران اعمال می‌کند، تلاشی سرخورده و مستأصلانه برای حفظ این رژیم غرقه در بحران می‌باشد. این منبع باعنوان «جلادان رژیم ایران برای ساکت‌کردن مخالفان سرکوب را افزایش می‌دهند» نوشت: گویاترین نمود سرکوب جدید که ایران را فراگرفته است، موجی از اعدامها و شلاق‌زدنهاست که در تهران و مراکز استانها، طی هفته‌های اخیر صورت گرفته است و این تلاشی گستاخانه توسط رژیم ایران برای سرکوب مخالفان سیاسی است. این سرکوبها درست مشابه همان کاری است که خمینی انجام داد تا پایه‌های قدرتش را تحکیم بخشد. اکنون این احمدی‌نژاد است که تاکتیکهای مشابهی را در پیش گرفته تا این رژیم غرقه در بحران را نجات دهد. البته این تلاشی از سردرماندگی و استیصال است. گرچه ایران یکی از بالاترین شمار اعدامها را دارد، ولی تاکنون اکثر احکام اعدام در محدوده زندانهایی مانند مجموعه رسوای اوین انجام می‌شده است. اما در ماه جاری، دیپلوماتها در سفارتهای ژاپن و استرالیا در تهران، از این که اجساد دو محکوم به‌اعدام از جرائقالهایی درست در بیرون پنجره‌های دفاتر آنها آویزان بود، شوکه شدند. محل جرائقالها طوری انتخاب شده بود که نشان دهد رژیم تندرو احمدی‌نژاد کماکان بر سر قدرت است و این‌چنین به شهروندان عادی ایران پیام می‌دهد. دیلی‌تلگراف در قسمت دیگری از مقاله خود نوشت: گرچه مقامهای رژیم ایران اصرار دارند که این اعدامها صرفاً برای بهبود اخلاق عمومی است، اما دیپلوماتهای غربی در تهران بر این باورند که بسیاری از قربانیان که برای اعدام انتخاب شده‌اند، کسانی هستند که در ماه ژوئن علیه جیرمبندی بنزین اعتراض کردند. در زمینه اتمی نیز احمدی‌نژاد مصمم به ادامه غنی‌سازی است... با این وصف، بسیاری از دیپلوماتها توافق رژیم ایران با آژانس را یک ترفند می‌دانند تا این رژیم در عمل جاه‌طلبیهای اتمی خود را پیش ببرد.

اکونومیست: در «جمهوری اسلامی وحشت» اعدامها دو برابر شده است

هفته‌نامه اکونومیست چاپ انگلستان، در شماره ۲شهریور خود در مطلبی با عنوان «جمهوری اسلامی وحشت» نوشت: «در سال جاری، تعداد موارد اعدام در ایران به ۱۷۷مورد، یعنی دو برابر سال قبل، افزایش یافته است، به‌نحوی که رژیم ایران در میان کشورهای جهان دارای بالاترین میزان اعدام به نسبت جمعیت شناخته شده است».
اکونومیست افزود: «ایران در ماههای اخیر شاهد گسترده‌ترین تهاجم علیه آزادیهای مدنی از اوایل دهه۱۹۸۰ به بعد بوده است... از اول سال جاری، موج بازداشت گروههای مختلف، از مدافعان حقوق زنان گرفته تا دانشجویان، اعضای سندیکاها و روزنامه‌نگاران، زندانهای ایران را با چنان ازدحامی روبه‌رو کرده که پلیس ناگزیر شده است، ساختمانهای دیگری را برای این منظور مصادره کند». هفته‌نامه اکونومیست در ادامه با اشاره به بازجویی خیابانی از ۵۰۰هزار زن به‌بهانه بدحجابی نوشت: «این اقدامات، به هشدار، تشکیل پرونده و بازداشت زنان محدود نشده و دامنه آن به جوانان هم تسری پیداکرده است، در حالی که برخلاف سالهای گذشته که پس از چند هفته از شدت این گونه اقدامات کاسته می‌شد، این بار این عملیات نه تنها تمام نشده بلکه شدت بیشتری هم یافته است».
این هفته‌نامه افزود: «توسل به این‌گونه رفتارهای خشونت‌آمیز، حاصل ایجاد فضایی سرشار از بدگمانی بیمارگونه توسط رژیمی است که هرگونه مخالفت مدنی را به توطئه خارجی نسبت می‌دهد».

اطلاعیه دبیرخانه شورای ملی مقاومت

مریم رجوی نسبت به سیاست دفع‌الوقت رژیم آخوندی برای دستیابی به سلاح اتمی هشدار می‌دهد

خانم مریم رجوی، رئیس‌جمهور برگزیده مقاومت ایران، نسبت به سیاست دفع‌الوقت رژیم آخوندی برای دستیابی به‌سلاح اتمی هشدار داد و توافق این رژیم با آژانس بین‌المللی انرژی اتمی درمورد یک «جدول زمانی به‌منظور پایان‌دادن به‌نگرانیهای جامعه جهانی» را یک شگرد تکراری و مبتذل خواند که ربع قرن است ادامه دارد و هدفش به تأخیرانداختن تصویب تحریمهای بیشتر است. خانم رجوی شورای امنیت ملل متحد را به سرعت عمل در مقابل فاشیسم مذهبی حاکم بر ایران و تصویب بلادرنگ تحریمهای همه جانبه علیه این رژیم فراخواند و افزود: ممانعت از دستیابی رژیم ملایان به سلاح اتمی، تنها با اتخاذ یک سیاست قاطع و به‌دورافکندن سیاست مماشات و همه عوارض آن امکانپذیر است. این سیاست می‌بایست شامل تحریمهای همه‌جانبه تسلیحاتی، تکنولوژیک، نفتی و دیپلوماتیک از یکسو و برداشتن تمامی موانع و راهبندها در مقابل تغییر در ایران و به‌طورخاص حذف برچسب ناعادلانه تروریستی از سازمان مجاهدین خلق ایران باشد. حفظ این برچسب غیرقانونی که دادگاه عدالت اروپا نیز به لغو آن حکم داده است، نتیجه‌یی جز هارترشدن رژیم در سرکوب و اعدام و شکنجه و تشویق آن در ادامه پروژه‌های اتمی و صدور تروریسم و بنیادگرایی ندارد.

همزمان با مانور فریبکارانه رژیم آخوندی با آژانس بین‌المللی انرژی اتمی، پاسدار صادق محصولی مشاور احمدی‌نژاد به خبرگزاری رسمی رژیم گفت: «برغم مخالفت تمام قدرتها، جمهوری اسلامی ایران در زمینه هسته‌یی ایستادگی کرد و حقش را گرفت...» (خبرگزاری حکومتی ایرنا ۳۰مرداد).

دبیرخانه شورای ملی مقاومت ایران
اول شهریور۱۳۸۶(۲۳اوت۲۰۰۷)

خبرگزاری فرانسه: قدرتهای جهان به رژیم ایران هشدار دادند که گفتگوهای این رژیم با آژانس بین‌المللی انرژی اتمی به‌معنای گریز از مجازاتها به‌خاطر سرپیچی از توقف غنی‌سازی اورانیوم نیست

ادعای رژیم آخوندی در مورد همکاری با بازرسان آژانس بین‌المللی انرژی اتمی از سوی اعضای دائمی شورای امنیت ومحافل کارشناسی، به‌عنوان تاکتیکی لوزفته به‌منظور به‌تعویق‌انداختن تحریمهای شدیدتر ارزیابی شد.

رژیم سه‌شنبه ۳۰مرداد۸۶، پس از چند دور مذاکرات کارشناسی نمایندگان رژیم آخوندی و آژانس بین‌المللی انرژی اتمی اعلام شد که طرفین برسر یک جدول زمانبندی برای بازدید بازرسان از سایتهای هسته‌یی رژیم توافق کردند. این توافق میان اولی هاینونن، معاون دبیرکل آژانس بین‌المللی انرژی اتمی و جواد وعیدی، معاون بین‌الملل شورای عالی امنیت رژیم، صورت گرفته است.

خبرگزاری فرانسه در این‌باره گزارش داد: هیچ‌یک از طرفین جزئیات مشخصی در مورد این جدول زمانبندی ارائه ندادند. اما روز سه‌شنبه، قدرتهای جهان به رژیم ایران هشدار دادند که گفتگوهای این رژیم با آژانس بین‌المللی انرژی اتمی به‌معنای گریز از مجازاتها به‌خاطر شکست در انجام درخواستهای ملل متحد و سرپیچی از توقف فعالیتهای حساس مربوط به غنی‌سازی اورانیوم نیست...

دولت فرانسه گفت شکست رژیم ایران در تبعیت از درخواستهای مطرح شده در قطعنامه‌های قبلی تحریمها در زمینه توقف غنی‌سازی به این معناست که شورای امنیت باید «اقدامات قابل‌توجهی» را علیه این رژیم مورد بحث قرار دهد.

یکی از مقامات کاخ سفید در مورد توافق رژیم ایران با آژانس بین‌المللی انرژی اتمی گفت، تعیین جدول زمانبندی که رژیم ایران با آن توافق کرده است به‌تنهایی کافی نیست و تعهدات این رژیم را در زمینه همکاری کامل با قطعنامه‌های (شورای امنیت ملل متحد) و تعلیق غنی‌سازی برآورده نمی‌سازد. در نتیجه ما سومین دور از تحریمها را دنبال خواهیم کرد».

این مقام کاخ سفید اظهار داشت «برغم توافق رژیم ایران و آژانس، ما با ۵کشور اصلی دیگر که رژیم ایران را برای دست‌کشیدن از فعالیتهای هسته‌یی تحت فشار می‌گذارند، کار می‌کنیم.

گرگ شولت، سفیر آمریکا در آژانس بین‌المللی انرژی اتمی نیز به خبرگزاری رویتر گفت: «شورای امنیت سازمان ملل، رژیم ایران را ملزم به همکاری کامل با آژانس بین‌المللی انرژی اتمی و تعلیق فعالیتهای حساس مربوط به غنی‌سازی اورانیوم کرده است. همکاری مشروط با دادن وعده همکاری در آینده، مسأله‌یی را حل نمی‌کند. این رژیم باید در عمل نشان بدهد که حاضر به همکاری است.

گونزالو گایگوس، مدیر دفتر مطبوعاتی وزارت امور خارجه آمریکا نیز روز دوشنبه گفت رژیم ایران باید به‌طور کامل و بدون قید و شرط با آژانس بین‌المللی انرژی اتمی همکاری کند.

نیکولاس برنز معاون سیاسی وزیر امور خارجه آمریکا طی مصاحبه‌یی گفت، شاخص همکاری رژیم ایران با آژانس بین‌المللی انرژی اتمی این است که غنی‌سازی اورانیوم در نطنز را متوقف کند. اگر رژیم ایران این کار را نکند، قطعنامه سوم شورای امنیت در راه است.

وی افزود: کشورهای دنیا در برابر تلاش رژیم ایران برای دستیابی به بمب اتمی متحد شده‌اند، رژیم ایران مخالف هرگونه برقراری صلح در خاورمیانه است و دستیابی این رژیم به بمب اتمی برهم زننده امنیت منطقه است.

نماینده آمریکا در آژانس بین‌المللی انرژی اتمی: رژیم ایران باید از بازیچه قراردادن بازرسان آژانس دست بردارد

گرگ شولت، نماینده آمریکا در آژانس بین‌المللی انرژی اتمی، با اشاره به توافق رژیم ایران و آژانس بین‌المللی انرژی اتمی بر سر یک جدول زمانبندی برای پاسخگویی رژیم درباره پرونده هسته‌یی‌اش، گفت: رژیم ایران باید از بازیچه قراردادن بازرسان آژانس دست بردارد. گرگ شولت که روز ۳۱مرداد در یک کنفرانس مطبوعاتی در وین سخن می‌گفت، افزود: رژیم ایران آنگارا می‌کوشد توجه جامعه بین‌المللی را از توسعه مستمر توانایی‌اش در ساخت بمب هسته‌یی، منحرف کند. به‌نظر آمریکا، توافق یاد شده، دارای محدودیتهای زیادی، ازجمله خودداری رژیم ایران از اجرای پروتکل الحاقی و دادن اجازه به بازرسان آژانس بین‌المللی انرژی اتمی برای بازرسیهای سرزده از تأسیسات هسته‌یی این رژیم است.

نماینده آمریکا در آژانس بین‌المللی انرژی اتمی افزود، آمریکا به‌فعالیت خود برای تصویب سومین قطعنامه تحریم علیه رژیم ایران ادامه می‌دهد.

گرگ شولت گفت، رژیم ایران باید غنی‌سازی و فعالیتهای راکتورهای آب سنگین را به حالت تعلیق در آورد، ساختن بمب اتمی احتیاج به این فعالیتها دارد و نه به پروژه‌های صلح‌آمیز.

روزنامه واشینگتن تایمز نوشت: یک مقام بلندپایه وزارت‌خارجه آمریکا گفت برای موفقیت بسیج بین‌المللی علیه برنامه تسلیحات اتمی رژیم تهران، متحدان آمریکا باید روابط تجاری و انرژی خود را با این رژیم هرچه بیشتر قطع کنند. نیکولاس برنز معاون سیاسی وزارت‌خارجه آمریکا گفت حرکت برای تحریم اقتصاد رژیم ایران از طریق ملل‌متحد در شرایطی که متحدین در اروپا، ترکیه، هند، ژاپن و کره جنوبی به تجارت و معاملات پرسود و حتی دادن اعتبارات تجاری به این رژیم ادامه دهند تضعیف می‌گردد... ما بهای کافی را پرداخته‌ایم و زمان آن است که متحدین ما نیز بها بپردازند. واشینگتن تایمز افزود: ایالات متحده در نظر دارد دور سوم تحریمها علیه رژیم ایران را ماه آینده در شورای امنیت دنبال کند. این تحریمها به‌دنبال تبعیت‌نکردن رژیم ایران از تعلیق غنی‌سازی اورانیوم اعمال می‌شوند(واشینگتن تایمز ۳۰مرداد۸۶).

معاون وزیر خارجه آمریکا: ما تلاش خود برای تصویب قطعنامه را به‌دلیل مذاکرات رژیم ایران با نمایندگان آژانس بین‌المللی انرژی اتمی متوقف نمی‌کنیم

نیکولاس برنز معاون سیاسی وزیر امور خارجه آمریکا، دریک کنفرانس مطبوعاتی در روز ۲۹مرداد، گفت: ما گفتگوهای خود را با چین، روسیه، فرانسه، بریتانیا و آلمان برای تصویب قطعنامه دیگری که امیدواریم در ماه سپتامبر در شورای امنیت ارائه شود، هم‌چنان ادامه می‌دهیم، قطعنامه‌یی که بی‌شک رژیم ایران را در تنگنای بیشتری قرار خواهد داد. برنز افزود: ما تلاش خود برای تصویب قطعنامه را به‌دلیل مذاکرات رژیم ایران با نمایندگان آژانس بین‌المللی انرژی اتمی متوقف نمی‌کنیم. رژیم ایران دو سال و نیم فرصت داشته است که به پرسشهای مورد نظر آژانس پاسخ شفاف بدهد. وی هم‌چنین گفت: آمریکا به تمام کشورها در سراسر جهان توصیه می‌کند که روابط اقتصادی خود را با رژیم ایران که در پی دستیابی به سلاح اتمی و حمایت از گروههای تروریستی است هرچه بیشتر کاهش دهند.

رئیس‌جمهور فرانسه: برای من یک ایران مجهز به‌سلاح اتمی غیرقابل قبول است

نیکلا سارکوزی، رئیس‌جمهور فرانسه، اعلام کرد: فرانسه مصمم است تا مانع دستیابی رژیم ایران به بمب اتمی شود.

به گزارش خبرگزاری فرانسه در روز ۵شهریور۸۶، سارکوزی که در نخستین سخنرانی مهم خود درباره سیاست خارجی فرانسه در برابر ۱۸۰نفر از سفرای کشورهای مختلف سخن می‌گفت، تأکید کرد: برای من یک ایران مجهز به‌سلاح اتمی غیرقابل قبول است و فرانسه مصمم است تا مانع دستیابی رژیم ایران به بمب اتمی شود.

وی هرگونه راه‌حل نظامی برای بحران ایران را رد کرد.

در همین حال هفته‌نامه فرانسوی ژورنال دو دیمانش، در شماره ۲شهریور خود، نوشت: نیکولا سارکوزی، رئیس‌جمهور فرانسه، هنگام دفاع از قراردادهای نظامی فرانسه با لیبی، گفت : اجرای این قراردادها فرصتی است تا سومنیت مقاومهای کنونی رژیم ایران که خواهان دستیابی به تکنولوژی هسته‌یی نظامی هستند، به نمایش گذاشته شود.

وزارت خارجه فرانسه: رژیم ایران باید فعالیتهای هسته‌یی خود را به‌حالت تعلیق درآورد

وزارت خارجه فرانسه از رژیم ایران خواست تمامی فعالیتهای حساس هسته‌یی خود را به‌حالت تعلیق درآورد.

در کنفرانس مطبوعاتی روزانه این وزارتخانه که در سایت رسمی آن درج شده، یکی از خبرنگاران با اشاره به خبرهایی مبنی بر کسب یک توافق میان آژانس بین‌المللی انرژی اتمی و رژیم ایران، از سخنگوی وزارت خارجه فرانسه، پرسید: «...آیا شما در این احساس ایالات متحده شریک هستید که این توافق ناکافی است و بایستی مذاکرات را در شورای امنیت برای (اعمال) تحریمهای جدید علیه رژیم ایران ادامه داد؟».

سخنگوی وزارت خارجه فرانسه ازجمله، گفت: «باید به‌خاطر داشت که برقراری اعتماد، تنها از طریق افزایش بازرسیهای آژانس بین‌المللی انرژی اتمی صورت نخواهد گرفت. مطابق درخواستهای مکرر جامعه بین‌المللی، رژیم ایران باید تعلیق فعالیتهای حساس خود را پیذیرد، در غیر این صورت، جامعه بین‌المللی راهی جز حفظ رویکرد قاطعانه خود، ازجمله تصویب سومین قطعنامه تحریمهای شورای امنیت، نخواهد داشت»(سایت وزارت خارجه فرانسه ۳۱مرداد۸۶).

وزیر خارجه مصر: رژیم ایران تلاش می‌کند با سوءاستفاده از بحرانهای منطقه‌یی برنامه هسته‌یی خود را پیش ببرد

احمد ابوالغیط، وزیر خارجه مصر، تأکید کرد رژیم ایران تلاش می‌کند با سوءاستفاده از بحرانهای منطقه‌یی برنامه هسته‌یی خود را پیش ببرد. به نوشته روزنامه الوطن ۲شهریور، وی تلاشهای رژیم ایران برای تأثیرگذاری بر مشکلات کشورهای عربی را مسبب بروز عوارض منفی در صحنه این کشورها دانست و گفت هر کس این‌طور فکر نمی‌کند باید در برآوردش تجدیدنظر کند. وزیر خارجه مصر درباره تجدید رابطه با رژیم ایران گفت: مصر خواستهای در زمینه اوضاع امنیتی و شکل تفاهم منطقه‌یی دارد که دائماً با این رژیم مطرح کرده ولی هنوز تعیین‌تکلیف نشده‌اند!

در آستانه سومین قطعنامه تحریم رژیم توسط شورای امنیت:

حکومت آخوندی بر ادامه طرحهای اتمی خود تأکید می کنند

پاسدار احمدی‌نژاد بر ادامه فعالیتهای اتمی اصرار ورزید و گفت: ایران امروز در شمار کشورهای دارای فن‌آوری سوخت هسته‌یی است و بدخواهان دیگر قادر نیستند مانع پیشرفت ما شوند.

وی افزود: ما این آمادگی را داریم که دستاوردهای خود را در قالب دوره‌های آموزشی دراختیار دیگران قراردهیم(خبرگزاری رژیم ۳۰مرداد۸۶).

پاسدار احمدی‌نژاد در سخنان دیگری در روز ۳ شهریور، در حالی که رژیم آخوندی را ملت ایران می‌نامید، گفت: «مسیر حرکت ملت ایران در موضوع هسته‌یی بی‌بازگشت است».

رئیس‌جمهور ارتجاع که در جمع تعدادی از به اصطلاح نخبگان سخنرانی می‌کرد، مدّعی شد: «در موضوع هسته‌یی از همه گردنه‌ها عبور کردیم و امروز در ساحل آرامش هستیم و همه ایران هسته‌یی را پذیرفته‌اند. پاسدار احمدی‌نژاد هم‌چنین به درگیری باندهای درونی رژیم بر سر بحران هسته‌یی اذعان کرد و با حمله به باند رقیب گفت: «ما افرادی را در داخل داریم که منافع ملی را نمی‌فهمند و در اوج دعوا به دولت فشار می‌آوردند که دست از مقاومت بردارد. آنها می‌ترسیدند که جنگ شود، حتی برخی از داخل به دشمنان پیغام می‌دادند و خواستار تسریع فشارها در تصویب قطعنامه‌های شورای امنیت بودند(خبرگزاری رژیم ـ ایسنا ۳ شهریور).

مشاور احمدی‌نژاد: برغم همه مخالفتها به‌فعالیتهای هسته‌یی ادامه می‌دهیم و هرهزینه‌یی را در این رابطه می‌پذیریم

صادق محصولی، مشاور پاسدار احمدی‌نژاد اعلام کرد به‌رغم همه مخالفتها به فعالیتهای هسته‌یی ادامه می‌دهیم و هر هزینه‌یی را در این رابطه می‌پذیریم. پاسدار محصولی که روز ۳۰مرداد با خبرگزاری رسمی رژیم مصاحبه می‌کرد، افزود: «...خود را برای‌همه راهها آماده کردهایم... به‌رغم مخالفت تمام قدرتها، جمهوری اسلامی ایران در زمینه هسته‌یی ایستادگی می‌کند. این دریافت و سود با هیچ هزینه‌یی قابل‌قیاس نیست. ۱۰۰قطعنامه هم صادر شود، چیزی را از دست نداده‌ایم. دولت نهم، تأسیسات غنی‌سازی نطنز را ادامه داد و سانتریفیوژها از ۱۶۴ به‌تعداد مورد نیاز افزایش یافت و تولید صنعتی سوخت هسته‌یی آغاز شد».

خبرنگار از مشاور پاسدار احمدی‌نژاد پرسید: این روزها در بحث هسته‌یی میان طرفین سکوت حاکم است. برخی آن را آرامش قبل از توفان ارزیابی می‌کنند. نظر شما چیست؟ وی گفت: «اگر فرض بر این باشد که توفانی در کار باشد، ما آمادگی مقابله با هر نوع توفانی را از قبل داریم. چون این راه را انتخاب کردیم. ما خود را برای همه راهها آماده کرده‌ایم».

وی به نقش ولی فقیه در پیشبرد برنامه اتمی آخوندها اشاره کرد و گفت: موضوع هسته‌یی در زمره کلان سیاستها، با نظر مقام معظم رهبری هدایت می‌شود و نظرات ایشان توسط رئیس‌جمهوری و به تبع آن دبیر شورای عالی امنیت ملی اجرایی می‌شود. این‌طور نیست که هرکس حرفی بزند.

آخوند احمد جنتی دبیر شورای نگهبان ارتجاع در نمایش جمعه تهران بر ادامه فعالیتهای اتمی اصرار ورزید و گفت: «خیال می‌کردند، با چشم‌غره مخصوصاً در عرصه هسته‌یی عقب‌نشینی می‌کنیم. لذا، تهدید کردند، مذاکرات و بازیهای سیاسی کردند و فکر می‌کردند تیرشان به‌هدف می‌خورد. اما چنین نشد و امروز به‌نقطه‌یی رسیده‌ایم که هیچ قدرتی نمی‌تواند، نظام را از فناوری هسته‌یی بازدارد». آخوند جنتی بار دیگر دولت احمدی‌نژاد را به‌دلیل اجرای طرح ضدمردمی جیره‌بندی بنزین مورد تقدیر قرار داد و مدعی شد: «از کارهای دیگری که شجاعت می‌خواست، مسأله بنزین بود. همه می‌دانستند وضعیتی که در مورد مصرف بنزین و سوخت پیش آمده نظام و مملکت را متلاشی می‌کند»(خبرگزاری رژیم ۲ شهریور۸۶).

لاریجانی: در صورت تصویب قطعنامه پاسخ متناسب می‌دهیم

پاسدار علی لاریجانی، دبیر شورای عالی امنیت رژیم، در واکنش به تصویب قطعنامه بعدی شورای امنیت علیه رژیم به تهدید متوسل شد و گفت: «در صورت تصویب قطعنامه دیگری علیه ایران، پاسخ متناسب می‌دهیم».

وی که در یک کنفرانس مطبوعاتی سخن می‌گفت، افزود: «اگر به اقدامی دست بزنند، ایران را به عکس‌العمل وامی‌دارند و مسیرهایی که طی شده است برگشت می‌خورد...»(خبرگزاری رژیم ـ ایسنا ۲۹مرداد۸۶).

نماینده مجلس رژیم: صدور قطعنامه سوم جدی است

کاظم جلالی مخبر کمیسیون امنیت مجلس ارتجاع، گفت: صدور قطعنامه جدید شورای امنیت سازمان ملل علیه ایران یکی از برنامه‌های اصلی واشینگتن در آینده نزدیک است. وی در مصاحبه با سایت آفتاب افزود: «رایزنها برای صدور این قطعنامه در حال انجام است و بخشی از محورهایی که برای آن پیگیری می‌کنند محدودیت مسائل بانکی است، البته محدودیتهایی اعمال کرده‌اند که این محدودیت در پروازهای خارجی است که از این طریق محدودیت در مورد سفر برخی مقامات ما را نیز پیگیری می‌کنند. موضوع سوم قطعنامه، بازرسی از کشتیهایی است که به ایران می‌آیند که تلاش دارند این را حقوقی کنند و در قطعنامه شورای امنیت بگنجانند. در این صورت کشتیهایی که به ایران می‌آیند با هر پرچمی باشند کشورهای دیگر حق بازرسی آنها را پیدا می‌کنند».

جلالی سپس گفت: طبق شنیده‌ها، آمریکاییها در دو زمینه مشغول تلاش هستند، یکی آرایش نظامی و دیگر وارد کردن تجهیزات و نیروهای نظامی در منطقه که این باید مورد اعتراض دست‌جمعی کشورهای منطقه قرار گیرد(آفتاب ۳۱مرداد۸۶).

جلالی، صدور قطعنامه سوم علیه رژیم را بحثی جدی عنوان کرد و گفت: «پیش‌بینی می‌شد که در سپتامبر و یا ماه بعد از آن، آمریکا در رایزنی با دیگر کشورها به جمعبندی برسند و قطعنامه‌یی را علیه جمهوری اسلامی ایران صادر کنند».

وی افزود: «به‌نظر می‌رسد که آمریکاییها با کمک برخی از متحدان اروپایی خود تلاش می‌کنند تا پیش‌نویس قطعنامه تندی را فراهم کنند»(خبرگزاری رژیم ـ ایسنا ۲۹مرداد۸۶).

انزوای رژیم

درخواست رژیم برای شرکت در کنفرانس انرژی ات می مصر با پاسخ منفی این کشور روبه‌رو شد

مصر درخواست رژیم ایران، برای شرکت در کنفرانس انرژی اتمی در این کشور را رد کرد. این کنفرانس که از جانب کمیته ملی فیزیک وابسته به مرکز پژوهش علمی مصر برگزار می‌شد، روز ۳۰مرداد کارخود را درقاهره آغاز کرد. محمد الجوهری رئیس کمیته ملی فیزیک محیطی و رئیس این کنفرانس، گفت: رژیم ایران خواستار مشارکت در این کنفرانس شد، اما دستگاه امنیتی مصر با این درخواست مخالفت کرد(بازتاب ۳۱مرداد۸۶).

خودداری عربستان از صدور ویزا برای نمایندگان رسانه‌های خبری رژیم

دولت عربستان سعودی از صدور ویزا برای نمایندگان رسانه‌های خبری رژیم آخوندی خود داری کرد.

روزنامه اعتماد ملی ۳شهریور۸۶، در این‌باره نوشت: «در سومین نشست رؤسای خبرگزاریهای ۱۵کشور عضو سازمان کنفرانس‌اسلامی "ایسنا" در جده قرار بود نمایندگان خبرگزاریهای ایرنا، مصر و تیجریه به عنوان اعضای اصلی کمیته پیگیری مصوبات نشست اسفند ماه سال۸۵ نتایج کار خود را در این جلسه مطرح کنند اما عربستان برای نماینده ایرنا ویزا صادر نکرد. دولت عربستان برای نماینده صدا و سیمای جمهوری اسلامی که از وی جهت شرکت در اجلاس "ایسیو" دعوت شده بود ویزا صادر نکرده است».

ادعای رژیم مبنی بر ساخت بمب هوشمند بی‌اعتبار تلقی شد

خبرگزاری آسوشیتدپرس در روز ۳۱مرداد، درباره دعاوی جدید رژیم آخوندی در مورد ساختن بمبهای هوشمند، گفت: رژیم ایران بسیاری اوقات اعلام می‌کند که تسلیحات جدیدی ساخته است و یا این‌که تسلیحاتی را ارتقا داده است اما بسیار کم اتفاق می‌افتد که اطلاعات کافی در رابطه با آنها ارائه بدهد تا بتوان توانایی واقعی آن را بررسی کرد. البته روشن است که بسیاری از تسلیحات رژیم ایران منسوخ شده هستند. وزارت دفاع رژیم آخوندی روز ۳۱مرداد مدعی شده بود یک بمب ۹۰۰کیلوگرمی هدایت شونده، از نوع بمبهای «هوشمند» ساخته است.

بحران درونی رژیم

هشدار دری نجف‌آبادی دادستان کل رژیم، به باندهای حکومت آخوندی: ما همه اعضای یک خانواده‌ایم و در یک کشتی نشسته‌ایم و هرگونه آسیبی وارد آید به‌همه ما صدمه خواهد رسید

دری نجف‌آبادی، دادستان کل رژیم، به باندهای حکومت آخوندی هشدار داد و گفت: «ما همه اعضای یک خانواده‌ایم و در یک کشتی نشسته‌ایم و هر گونه آسیبی وارد آید به‌همه ما صدمه خواهد رساند. باید همه تلاش کنیم تا در برابر طوفان حوادث جهانی و توطئه‌ها و چالشها و نقشه‌های شیطان بزرگ و عمّال او این کشتی به‌ساحل نجات برسد و از فراز و فرودها سربلند بیرون آییم». وی به دفاع از اظهارات آخوند شاهرودی علیه پاسدار احمدی‌نژاد در جریان عزل وزیران پرداخت و افزود: «به‌کارگیری افراد یا ایجاد شرایطی که در آن منافع ملی و مصلحت مردم دچار مخاطره شود پذیرفتنی و توجیه‌پذیر نیست و تبعات نامطلوب آن به مرور زمان دامنگیر جامعه خواهد گردید که ممکن است این خود فسادی بسا بزرگتر باشد!»(خبرگزاری رژیم ۳مرداد۸۶).

عکاظ: مرگ علی مشکینی باعث بروز خلأیی خطرناک در نظام سیاسی حکومت ایران شده است

روزنامه عکاظ چاپ عربستان سعودی، در شماره ۳۰مرداد خود، نوشت: مرگ علی مشکینی رئیس مجلس خبرگان باعث بروز خلأیی آشکار و خطرناک در نظام سیاسی حکومت ایران شده است. تاکنون در مورد جانشین رئیس مجلس خبرگان که مسئولیت انتخاب و عزل رهبر رژیم ایران را برعهده دارد، گزارشهای مربوط به احتمال این که رفسنجانی، رئیس مجمع تشخیص مصلحت نظام، یا ابراهیم امینی، به ریاست مجلس خبرگان برسند، تأکید کرد در این مورد هنوز تصمیمی اتخاذ نشده است.

احمد خاتمی عضو مجلس خبرگان گفت ممکن است مصباح یزدی یا محمد یزدی را به‌ریاست مجلس خبرگان انتخاب کنند و جناح مخالف نیز رفسنجانی را برای این سمت کاندیدا می‌کند. هواداران احمدی‌نژاد مخالف ریاست رفسنجانی هستند.

ولی‌فقیه ارتجاع فرمانده نیروی دریایی ارتش تحت امر آخوندها را برکنار کرد

با اوجگیری بحران درونی رژیم، ولی‌فقیه ارتجاع، طی حکمی کوچکی فرمانده نیروی دریایی ارتش تحت امر آخوندها را برکنار کرد. بر اساس این حکم، «خامنه‌ای مزدوری به‌نام حبیب‌الله سیاری را به‌جای کوچکی گماشت. علت این عزل و نصب از سوی رژیم آخوندی اعلام نشده است. این روزها به‌دلیل بحرانهای درونی رژیم عزل و نصب مهره‌ها و گماشتگان ولی‌فقیه در ارگانهای مختلف ازجمله در کابینه پاسدار احمدی‌نژاد افزایش یافته است(خبرگزاری رژیم ـ ایسنا ۲۹مرداد۸۶).

قرارگرفتن نام سپاه پاسداران رژیم در لیست تروریستی

ساندی تلگراف: گنجاندن نام سپاه پاسداران در لیست تروریستی دست آمریکا را برای تحریم شدیدتر و حملات هوایی باز می کند

سایت ساندی تلگراف چاپ انگلستان در روز ۴شهریور، طی مقاله‌یی نوشت: گنجاندن نام سپاه پاسداران در لیست تروریستی دست آمریکا را برای تحریمهای شدیدتر و حملات هوایی علیه مراکز رژیم ایران باز می‌کند. رابرت پایر، یک مأمور بلندپایه در خاورمیانه، هفته گذشته گفت: افسران ارشد به وی گفته‌اند دولت آمریکا مشغول تدارک حملات هوایی به پایگاههای سپاه و احتمالاً تأسیسات اتمی طی ۶ماه آینده می‌باشد. توجیه این حمله نیز ارسال بمبهای نفوذکننده ضدزره علیه نیروهای آمریکا در عراق است. وی افزود: «احساس کلی در دولت آمریکا این است که ما باید، خیلی پیشتر با سپاه پاسداران برخورد می‌کردیم». به نوشته ساندی تلگراف این نامگذاری، حمله به فعالیتهای سودآور و معاملات مالی بین‌المللی سپاه پاسداران را تسهیل می‌کند. معاملاتی که باعث شده بسیاری از فرماندهان سپاه به میلیاردهای ایران تبدیل شوند.

اعتراف رژیم به نقش تروریستی و جنگ‌افروزانه سپاه پاسداران در منطقه

روزنامه کیهان ارگان ولی‌فقیه ارتجاع، در شماره اول شهریور خود، به نقش تروریستی و جنگ‌افروزانه سپاه پاسداران در منطقه اعتراف کرد و نوشت: «سپاه، روی خاکهای تفتیده عراق، دشتهای پهناور لبنان و شهرهای درهم‌فشرده فلسطین، با درنوردیدن مرزهای زمان و مکان در موقعیتی قرار گرفته، که آمریکا باید هر لحظه منتظر شگفتی جدید از جانب آن باشد. آمریکا به‌طور غیررسمی اعلام کرده است تام سپاه پاسداران را در فهرست گروههای تروریستی خود قرار خواهد داد. می‌گویند سپاه به گروههای تروریستی کمک می‌کند. مقصود از گروههای تروریستی هم حزب‌الله است و حماس و جهاد و چند گروه دیگر شیه اینها در گوشه و کنار خاورمیانه است».

سازمان مجاهدین خلق ایران جعل و تزویر مذبوحانه رژیم آخوندی را برملا کرد

● رژیم آخوندی و مزدورانش در عراق که در جنگ روانی و جوسازی حول پیگرد قضایی مجاهدین، با شکست مفتضحانه‌یی روبه‌رو شدند، تودهنیهای محکمی دریافت کردند و از فرط درماندگی و استیصال و با شتاب بسیار، به‌دستور مستقیم ولی‌فقیه ارتجاع، به‌جعل و انتشار خبر ابلهانه دیگری در باره جلب رهبری مقاومت ایران از سوی پلیس بین‌المللی (اینترپل) روی آوردند

● سخنگوی مجاهدین: ترهات رژیم آخوندی هم ابعاد ترس و نگرانی آن و هم ابعاد حیرت‌انگیز دروغپردازیهای آن را برملا می‌کند

سازمان مجاهدین خلق ایران جعل و تزویر مذبوحانه رژیم آخوندی در یک حکم ساختگی برای جلب رهبری مقاومت را که به‌دستور ولی‌فقیه درمانده ارتجاع صورت گرفته است، برملا کرد.

سخنگوی دفتر اروپایی مجاهدین در اسلو اعلام کرد:

رژیم آخوندی و مزدورانش در عراق در روزهای گذشته تودهنیهای محکمی از هموطنانمان و از جامعه بین‌المللی در مورد «اپیگرد قضایی» مجاهدان اشرف، دریافت نمود. جانشین فرمانده نیروهای چندملیتی نیز به ساکنان اشرف اطلاع داد که چنین اظهاراتی «هیچ پایه و مبنایی در واقعیت ندارد و تنها یک شایعه است و جنبه تبلیغاتی علیه مجاهدین دارد».

رژیم آخوندها که تمام سرمایه‌گذاری و خبرهای ساختگی و دروغپردازیهای خود در این رابطه را برباد رفته می‌دید، از فرط درماندگی و استیصال و با شتاب بسیار به‌دستور مستقیم ولی‌فقیه ارتجاع به انتشار خبر مجعول و ابلهانه دیگری در باره جلب رهبری مقاومت ایران از سوی پلیس بین‌المللی (اترپل) روی آورد. زیرا همزمان با اخبار مربوط به نامگذاری ولی‌فقیه سپاه پاسداران ارتجاع، ولی‌فقیه برای تسکین پاسداران روحیه‌باخته، به‌جعل چنین خبری در باره رهبری مقاومت به‌شدت نیاز داشت.

سخنگوی مجاهدین گفت: شیوه شناخته‌شده رژیم آخوندی برای جعل و شایع کردن خبرهای مورد نیازش علیه مجاهدین و مقاومت ایران، پیوسته چنین بوده است که ابتدا خبر را در رادیوهای فارسی زبان یا در یک روزنامه خارجی با پول کلان وارد می‌کندبا از مأموران وزارت اطلاعات تحت عنوان اعضای سابق مجاهدین، نقل قول می‌کند، سپس کلیه رسانه‌ها و سایتهای رژیم با آب و تاب و روغن‌داغ خبر مورد نیاز را منعکس می‌کنند.

قبل از شروع جنگ اخیر در عراق، رژیم آخوندی با همین شیوه در سراسر سال ۸۰ و ۸۱ از پنهان‌نمودن تسلیحات کشتارجمعی عراق در قرارگاههای مجاهدین و هم‌چنین از این که زندانهای عراق مملو از مجاهدان ناراضی است، خبر می‌داد. اما وقتی عراق به‌دست نیروهای آمریکایی افتاد محض نمونه حتی یک مورد از دعاوی رژیم در هیچ زمینه‌یی درست از آب در نیامد و تحقیقگران آژانسهای مختلف اطلاعاتی و قضایی و سیاسی از ابعاد دروغپردازی آخوندها حیرت می‌کردند.

سخنگوی مجاهدین گفت: اما این‌بار، چون هیچ رادیو یا تلویزیون یا روزنامه‌یی در سراسر جهان، حاضر نبود، خبر ساختگی جلب رهبری مقاومت ایران از سوی اترپل را منعکس کند، ولی‌فقیه ارتجاع ناگزیر به ارگان سپاه تروریستی قدس در عراق به‌نام «لینه الجدیده» بسنده کرد.

این روزنامه که به‌طرز واضحی با املا و انشای عامیانه سپاه تروریستی قدس در عراق منتشر می‌شود و تیراژ آن نیز چندصد نسخه بیشتر نیست، بر رویش نوشته «روزنامه سیاسی عامه» نقش بسته است.

به‌عنوان مثال در همین شماره ۲۱اوت (سه‌شنبه ۳۰مرداد۱۳۸۶) ۲۰اسم موهوم و مجعول از کسانی منتشر کرده است که گویا مجاهدین آنها را در سال ۱۹۸۳ در نجف و بصره و کوت و میسان کشته‌اند! پاسداران نویسنده این قبیل خبرها کاری به این ندارند که برای اثبات حرفشان به‌دلایل بیشتری از رجزدن اسامی موهوم نیازمندند!

ارگان سپاه تروریستی قدس در عراق در روز ۲۱اوت به‌نحو مضحکی با کلیشه‌کردن یک سند ساختگی از «صدور حکم دستگیری مریم رجوی و مسعود رجوی رهبران سازمان خلق ایران» از سوی اترپل خبر داد و افزود: «پلیس بین‌المللی این حکم را به سراسر دنیا صادر کرد!!

سخنگوی مجاهدین ادامه داد: متعاقباً صدر تا ذیل رژیم آخوندی و رسانه‌ها و سایتهای آن بر روی همین خبر ابلهانه سوار شدند تا هم‌چنان که ولی‌فقیه درمانده ارتجاع خواسته بود، آن را باد زده و روغن داغ بریزند!

ادامه داد: دقت در حکم جلبی که ولی‌فقیه ارتجاع مدعی است پلیس بین‌المللی صادر کرده است، منتهای در ماندگی و استیصال رژیم را بر ملامی‌کند.

اولاـ پلیس بین‌المللی هرگز و هیچ‌گاه نمی‌تواند حکم صادر کند، صدور حکم در جوامع متمدن مختص قاضی است.

ثانیاـ کشور خواهان جلب هم‌چنان که در بالای کلیشه آخوندساخته نیز دیده می‌شود، ایران یعنی رژیم ایران است.

ثالثاـ تاریخ این کلیشه‌سازی آخوندی عمداً پاک شده یا پاسداران مربوطه سواد این را نداشته‌اند که باید در برابر فرمهای پلیس بین‌الملل در سطر سوم بالا سمت چپ در مقابل عبارت تاریخ انتشار، تاریخ مشخصی را ذکر کنند.

رابعاـ معلوم نیست که ما باید حرف بازتاب نظام را باور کنیم (که خواب پنبه‌دانه‌یی بازداشت رهبر مقاومت را در آمریکا با عراق می‌بیند) یا هشدار زیر تصویر کلیشه را که می‌گوید: این شخص مسلح است!

خامساـ هر چند کلیشه ساختگی، واضح نیست، اما به‌نظر می‌رسد که در برابر عبارت «حاکم مجازات محتمل»، که معمولا در فرمهای پلیس بین‌الملل ذکر می‌شود، ولی‌فقیه ارتجاع به چند سال زندان در برابر یک میلیون و ۵۰هزار کشتی‌یی که بازتاب نظام گزارش کرده بود، رضایت داده است!

سخنگوی مجاهدین برای اطلاع هموطنانمان توضیح داد:

ـ اترپل که مخفف «سازمان بین‌المللی پلیس جنایی» است یک ارگان جهانی برای تسهیل همکاری بین پلیس کشورهاست که ۱۸۶کشور عضو آن هستند و مرکز آن در شهر لیون در فرانسه می‌باشد. شعبه اترپل در هر کشور از افراد پلیس همان کشور تشکیل شده است. در ایران پاسداران نیروی انتظامی به این کار مشغولند و فضیحت جعل وتقلبات آنها عالمگیر است.

پاسدار- سرتیپ نجفی، مسئول قبلی پلیس اترپل در نیروی انتظامی رژیم، در مراسم خداحافظی خود به هنگام تغییر شغلش در ۲۵دیماه۸۵ به‌نحو مضحکی بیلان می‌داد که «اسامی یکصد تن از منافقین جهت دستگیری به اترپل داده شده است». منظور پاسدار مزبور از دادن اسامی، پرکردن فرمهای اترپل توسط نیروی انتظامی و پست کردن آن برای پلیس بین‌الملل در شهر لیون فرانسه است و بس!

پلیس بین‌الملل یک نقش خط‌دهنده و کنترل‌کننده در رابطه با شعبات در کشورهای مختلف ندارد بلکه صرفاً به‌عنوان یک نقطه اتقال و پست مرکزی عمل می‌کند که همه نامه‌هایشان را در صندوق آن می‌اندازند و بعد از آن‌جا جهت اطلاع در دسترس همه اعضا قرار می‌گیرد. یعنی پاسداران نیروی انتظامی می‌توانند همچنان که در سالهای گذشته کرده‌اند، هرروز برای هزاران تن این فرمها را پر نموده و ارسال کنند.

سخنگوی مجاهدین افزود: اما مشکل در این‌جاست که خریدار و چاپ‌کننده‌یی جز الینه الجدیده یافت نمی‌شود!

به عبارت دیگر ترتیب آزدادن و نادادن به این فرمهای درخواست، بسته به تصمیم پلیس سایر کشورهای عضو می‌باشد. در عین این که پلیس یک کشور مشخص نیز حق صدور حکم ندارد بلکه باید نهایتاً به قاضی و دادگاه مراجعه کند.

سخنگوی مجاهدین همچنین برای اطلاع هموطنانمان توضیح داد:

در کشور عراق نیز هم چنان که ۱۲۰۰۰وکیل و حقوقدان عراقی و بسیاری از شخصیتها و نیروهای سیاسی و هم‌چنین کمیته بین‌المللی حقوقدانان برای دفاع از اشرف، به نمایندگی از ۸۵۰۰حقوقدان و وکیل اروپایی خاطرنشان کرده‌اند:

اولا ـ محکمه عالی جنایی، دادگاه ویژه‌یی است که بعد از جنگ توسط آمریکا صرفاً برای رسیدگی به پرونده مقامات رژیم سابق عراق تشکیل شد است. دفتر آمریکایی RCLO بر کار این دادگاه نظارت می‌کند.

ثانیاـ رژیم آخوندی همچنان که در گذشته از طریق نیروهای ائتلاف به بمباران قرارگاههای مجاهدین مبادرت کرد، به‌غایت تلاش کرده و می‌کند تا از طریق ایادی و مزدوران خود این محکمه را علیه اپوزیسیون خود به‌کار بگیرد. در شروع جنگ عراق، رژیم نیروهای ائتلاف را برای بمباران قرارگاههای مجاهدین مورد بهره‌برداری قرار داد و این را پاسدار سیزوار رضایی، گردانده سایت بازتاب و دبیر مجمع تشخیص مصلحت نظام آخوندی، رسماً و صریحاً در ۱۵مرداد۱۳۸۱ درخواست نمود. سابقه‌یی که طمع رژیم را برانگیخته اما تاکنون در مورد به‌کارگرفتن این محکمه علیه مجاهدین سرش محکم به سنگ خورده و توطئه‌هایش یکی پس‌ازدیگری افشا شده و سوخته است.

ثالثاـ برخی مقامات عراقی نیز من غیرمستقیم اذعان کرده‌اند که غیرقانونی از این محکمه است. علاوه بر صلیب سرخ بین‌المللی، برخی مسئولان ذیربط در دولت عراق صریحاً گوشزد کرده‌اند که: این کار غیرقانونی و استفاده از قضاییه برای تصفیه حسابهای سیاسی است و علیه منافع عراق است و ما نمی‌توانیم برخلاف قوانین بین‌المللی حرکت کنیم چرا که توسط ارگانهای بین‌المللی مورد حسابرسی قرار خواهیم گرفت و چه بسا که این موضوع روی سرخودمان خراب شود...

سخنگوی مجاهدین گفت: این‌جاست که شدت نیاز و عمق فضیحتی که ولی‌فقیه ارتجاع به آن دست یازیده است، برملا می‌شود. چرا که همزمان با خبرهای مربوط به واردکردن نام سپاه پاسداران در لیستهای تروریستی، و در پی تودهنی محکمی که رژیم از هموطنانمان و جامعه بین‌المللی در مورد پیگرد قضایی مجاهدین در عراق، دریافت کرده است، خامنه‌ای تلاش می‌کند به مصداق الغریق یتشبث بکل حشیش با چنگ‌زدن به الینه الجدیده، پاسدارانش را در حشیش خود سهیم نموده و آنها را با کلیشه‌کردن یک حکم جلب دست‌ساز تخدیر نماید!!

سخنگوی مجاهدین یادآوری کرد: این نخستین بار نیست که رژیم آخوندی با جعل اسناد به مقابله با اپوزیسیون خود روی می‌آورد. این رژیم در جریان ششمین اجلاس کمیسیون حقوق بشر ملل متحد در ژنو در اردیبهشت سال۱۳۸۳ نیز تلاش کرد با جعل اسناد علیه برخی از اعضای شورای ملی مقاومت ایران، با صدور احکام غیابی و احکام زندانهای موهوم برای آنها، مانع ورودشان به اجلاسیه شده و گریبان خود را از افشای جنایاتش در کمیسیون حقوق‌بشر خلاص کند. اما درست برعکس، آن توطئه به رسوایی دیگری برای استبداد مذهبی حاکم بر ایران تبدیل شد.

بیانیه شورای ملی مقاومت ایران به‌تاریخ ۳۰تیر۱۳۸۳ به بازی‌گرفتن اترپل را افشا نموده و در بند ۷بیانیه چنین می‌گوید:

از دیگر تشبثات مبالغ درمانده علیه مقاومت ایران، به‌بازی‌گرفتن مزورانه اترپل (پلیس بین‌المللی)، برای اعمال فشار و ایجاد محدودیت علیه اعضای مقاومت ایران در کشورهای مختلف است.

سال گذشته در ششمین اجلاس کمیسیون حقوق‌بشر ملل متحد، حکومت آخوندی تلاش کرد در یک بازی مسخره با اترپل و با ارائه یک «حکم جلب بین‌المللی» علیه اعضای هیأت مقاومت در کمیسیون حقوق بشر، جلو ورود آنها را به اجلاس کمیسیون بگیرد و مانع افشای جنایتهای ضد انسانی رژیم شود.

در این بازی بلاهت‌بار آخوندی که از سه سال پیش آغاز شده، نیروی انتظامی و قوه قضاییه رژیم ملاها، با جعل و دروغپردازی آشکار، فی‌المثل مدعی می‌شوند که نماینده شورا در کشورهای اسکاندیناوی و نمایندگان مقاومت در اجلاس کمیسیون حقوق بشر ملل متحد، که بیش از سیال است به ایران نرفته‌اند، به‌تازگی در روز فلان و در تاریخ فلان در فلان خیابان تهران با خمپاره چند غیرنظامی را کشته‌اند و مجازات آنها هم اعدام و حبسهای طویل‌المدت است!

به این ترتیب رژیم از اترپل متقاضی صدور حکم جلب بین‌المللی آنان می‌شود و اترپل همین تقاضاها را بین کشورهای عضو توزیع می‌کند. به‌طور معمول هیچ‌کس برای این تقاضاها، به‌ویژه از جانب رژیم حاکم بر ایران، ارزشی قائل نیست. اما رژیم در هر کجا که دستش برسد و نفوذ داشته باشد با استناد به‌همین تقاضاهای توزیع‌شده توسط اترپل، خواهان ایجاد محدودیت برای افراد موردنظر می‌شود.

دروغپردازیهای رژیم در ششمین اجلاس کمیسیون حقوق‌بشر، باعث رسوایی بیشتر شد و بیش از ۳۰سازمان غیردولتی مدافع حقوق‌بشر، با ارائه دو تومار خطاب به‌مدیرکل مقر ملل متحد در ژنو و خطاب به ریاست کمیسیون حقوق بشر، که برای سال جاری به‌عهده سفیر استرالیا در ژنو است، ترفند سخیف و کثیف رژیم ایران را تقبیح کردند.

ـ هم‌چنین ۱۴سازمان غیردولتی مدافع حقوق بشر، یک سخنرانی مشترک در دفاع از حقوق مسلم اعضای هیأت مقاومت ایران ایراد نمودند. این سخنرانی روز دوشنبه ۱۹آوریل (۲۴فروردین) توسط نماینده ۱۴سازمان، در جلسه رسمی کمیسیون حقوق بشرملل متحد قرائت گردید و رژیم آخوندی را در برابر هیأتهای دیپلوماتیک و مقامهای ملل متحد و نمایندگان سازمانهای بین‌المللی مفتضح کرد.

آقای پرویز خرایی، نماینده شورای ملی مقاومت ایران در کشورهای نوردیک که رژیم در یکی از همین فرمهای اترپل برای او درخواست دستگیری کرده بود، درهمان زمان طی مقاله‌یی نوشت:

ما سه نفر از اعضای اصلی هیأت مقاومت در سازمان ملل متحد هستیم...

شهربانی دولت آخوندی در این فرمها تقاضا کرده است که این نفرات دستگیرشده و به رژیم ایران تسلیم شوند تا توسط حکومت عدل آخوندی به مجازاتهایی که از پیش‌تعیین شده‌اند مفتخر گردند!

با توجه به این که از این فرمهای سفید اترپل به وضوح سوءاستفاده شده و در هرکدام از آنها نیز هم جعل، تهمت و تقلب صورت گرفته و هم تهدید به قتل و زندان گردیده است، مراتب در چند سطح تحت بررسی و پیگیری می‌باشد... این پرونده پشمالو اکنون چندهفته است که در بالاترین سطوح سازمان ملل متحد در دست بررسی است.

سخنگوی مجاهدین، جهت اطلاع هموطنان، برخی فرمهای ارسالی رژیم برای اترپل را که پلیس عراق به عربی ترجمه نموده و ساهامت روی دست رژیم بافمانده است در اختیار تلویزیون ملی ایران سیمای آزادی گذاشت و این تلویزیون این اسناد را پخش نمود.

رژیم آخوندی به‌شیوه کشیمنی ابتدا خلاصه اتهام را ذکر نموده و سپس مجموعه‌یی از اسامی را در زیر آن قاطی و ردیف نموده تا از آنها به این شیوه مضحک انتقام بگیرد.

سند اول:

خلاصه اتهام: اسامی زیر در تاریخ ۱۴مارس سال ۲۰۰۰ در داخل ایران در یک گروه مسلح به خمپاره‌انداز به یک مجموعه مسکونی تهاجم نمودند:

۱ مسعود رجوی
۲ فرشته یگانه
۳ زهره شفیعی
۴ مهوش سپهری
۵ مهناز سلیمان
۶ حکیمه سادات‌نژاد
۷ دولت نوروزی
۸ زهره مریخی
۹ نیکو خانفی
۱۰. مهری حاجی‌نژاد
۱۱ـ فاطمه داوران
۱۲ لیلا دشتی
۱۳ـ معصومه بلورچی
۱۴ فهیمه اروانی
۱۵ علی افشار
۱۶ مژگان پارسایی
۱۷ علیرضا امام‌جمعه
۱۸ امیر زارعی

سند شماره ۲:

خلاصه اتهام: اسامی زیر در ۵فوریه سال۲۰۰۲ در یک گروه مسلح با گلوله‌های خمپاره به یک چایخانه و مجتمع مسکونی حمله کردند، ۵مرد را کشتند و افراد دیگری را مجروح نمودند:

۱ مریم قاجار
۲ جلال گنجه‌ای
۳ سهیلا شعبانی
۴ پرنیان سرآمد
۵ سید محمد سید محدثین
۶ محمد حیاتی
۷ یزدان حاج‌حمزه
۸ پرویز خزایی
۹ محمد ابراهیم مازندرانی
۱۰ بهزاد نظیری
۱۱ عزیزالله پاکنژاد
۱۲ صالح رجوی
۱۳ آزاده رضایی
۱۴ حمیدرضا اسحاقی
۱۵ زهره عطارنفر
۱۶ محمود قاجار

خلاصه اتهام: اسامی زیر در ۵ اوت سال ۱۹۸۱ به‌عنوان عضو یک گروه مسلح بر روی یک شهروند ایرانی آتش گشودند و او را کشتند:

۱ شهرزاد صدر
۲ احمد شکرانی
۳ جعفر تهرانی
۴ قدسی خرازی
۵ فائزه خیاط حصاری
۶ فرهاد الفت
۷ـ عباسعلی داوری
۸ مهین ابریشمچی
۹ کبری طهماسبی

سند شماره ۴:

خلاصه اتهام: اسامی زیر در ۲۴اکتبر ۱۹۸۱ ضمن گروه مسلحی بودند که بر روی مردی آتش گشودند و او را کشتند:

۱ بهشته شادرو
۲ عذرا علوی طالقانی
۳ میترا باقرزاده
۴ بتول رجایی
۵ محمد عطایی کاریزی

سند شماره ۵:

خلاصه اتهام: اسامی زیر در تاریخ ۱۱سپتامبر ۱۹۸۱ ضمن گروه مسلحی بودند که بر ایرانیها آتش گشودند و ایرانیها را کشتند:

۱ ابراهیم ذاکری
۲ محمد فاخرزاده
۳ هادی روشن‌روان
۴ـ محسن سیاه‌کلاه
۵ محمدجواد قدیری مدرسی
۶ محسن رضایی
۷ محمد صدیقی اکباتانی

سند شماره ۶:

خلاصه اتهام: اسامی زیر در تاریخ ۲۳اوت۱۹۹۸ ضمن گروه مسلحی بودند که سه شهروند ایرانی را کشتند:

۱ سپیده ابراهیمی
۲ الهه عظیمی
۳ مریم حاج‌خائیان
۴ سیدمحمد صادق سعیدی
۵ـ علی خدایی‌صفت
۶ مهرافروز پیکرنگار
۷ زهره نکوگویان
۸ نادر اسماعیل‌زاده
۹ منوچهر ارسطوپور
۱۰ محمد قیبلی
۱۱ جمعه جهان‌نژاد
۱۲ فاطمه آدرسی
۱۳ علی نیکویی
۱۴ نسرین نظری
۱۵ عطیه امامی
۱۶ـ مریم فضل مشهدی

سند شماره ۷:

خلاصه اتهام: اسامی زیر در ۳۱اوت۱۹۸۱ در گروه مسلحی بودند که به‌قتل یک شهروند ایرانی مبادرت کرد:

۱ زهره سادات بنی‌جمالی
۲ سهیلا دیهیم
۳ گلناز جوهری ساعتچی
۴ سید محمد سادات دربندی
۵ احمد حنیف‌نژاد
۶ حسین ربوبی

رژیم آخوندی هم‌چنین فرمی با محورهای زیر در مورد آقای محمد محدثین، مسئول کمیسیون خارجه شورای ملی مقاومت، به تاریخ ۶ ژوئن سال۲۰۰۲ برای اترپل ارسال نموده است:

ـ کشور درخواست‌کننده ایران است

ـ طبق این سند مضحک آقای محدثین در روز ۵فوریه سال۲۰۰۰ (۱۶بهمن۱۳۷۸) در تهران در یک گروه مسلح به یک حمله خمپاره‌یی بر روی آقامنگاه ولی‌فقیه ارتجاع مبادرت کرده است که طی آن یک مرد کشته و بسیاری دیگر به‌شدت مجروح شدند. طبق این سند وی طبق ماده ۲،۷ قانون جزای رژیم ایران محاکمه و تا سقف ۱۵سال زندان محکوم خواهد گردید.

سخنگوی مجاهدین در پایان گفت: ترهات رژیم آخوندی هم ابعاد ترس و نگرانی آن و هم ابعاد حیرت‌انگیز دروغپردازیهای آن را برملا می‌کند. به گفته قرآن خطاب به آخوندها و جست‌وخیزهای عنترگونه رژیم در فاز انحلال و سرنگونی بسنده می‌کنیم که در برابر مردم ایران و مجاهدان آزادیستان، بوزینگانی سرافکنده باشید: کونوا قرده خاسئین

پخش خبر مجعول در برنامه‌های اصلی خبری تلویزیون رژیم به‌دستور خامنه‌ای

سابقه رسوایی حکومت آخوندی در دادن اسناد مجعول به انترپل در سال ۸۳ در کمیسیون حقوق بشر ملل متحد

رژیم ایران در کمیسیون حقوق بشر دست به «تحریف واقعیت» می زند

احکام جلب فرصت طلبانهٔ انترپل راه را بر مبارزین حقوق بشر می بندند

TRIBUNE DE GENÈVE

روزنامه تریبون دو ژنو، ۵فروردین ۸۳

اگر موضوعاتی که در این قضیه مطرح‌اند از اهمیت زیادی برخوردار نبودند، آدم دلش می‌خواست به این داستان بخندد. اما، در چهره بهزاد حاکم است، با احکام دستگیری که توسط رژیمهای مستبد صادر می شوند، با تردید و احتیاط برخورد می‌کنند. به این ترتیب، نه فرانسه و نه سوییس چنین

معیارهای حقوقی محکم

این پرونده در ابتدا برای اظهار نظر حقوقی به دفتر ملل متحد در نیویورک ارسال شده است . این دفتر ممنوعیت

حیرت و نگرانی عمیق سازمانهای غیردولتی در نامه به مدیر کل ملل متحد در ژنو

آیا در گذشته امکان داشت نگسون مانندلا را به‌یاد احکام دستگیری و یا ادعای ارتکاب اعمال تروریستی مورد ممنوعیت قرار داد؟

رسوایی بین المللی بی سابقه رژیم آخوندی در ششمین اجلاس کمیسیون حقوق بشر ملل متحد

ترفند سخیف رژیم علیه هیأت مقاومت ایران در کمیسیون حقوق بشر رسوایی بیشتری برای آخوندها به بار آورد

جانشین فرمانده نیروهای چندملیتی در عراق به ساکنان اشرف اطلاع داد: ادعای پیگیرد قضایی مجاهدین هیچ پایه و مبنایی در واقعیت ندارد و تنها یک شایعه است و جنبه تبلیغاتی علیه مجاهدین دارد

● جانشین فرمانده نیروهای چندملیتی در عراق به ساکنان اشرف اطلاع داد: «ما در نیروی چندملیتی، سفارت آمریکا در بغداد و دفتر آمریکایی نظارت و هماهنگی با دادگاه عالی جنایی عراق که روزانه با این دادگاه کار می‌کند، موضوع را دنبال کردیم. هیچ‌کس از اقدامی علیه مجاهدین در این دادگاه اطلاعی نداشت، لذا می‌توان نتیجه‌گیری کرد این اظهارات هیچ پایه و مبنایی در واقعیت ندارد و تنها یک شایعه است و جنبه تبلیغاتی علیه مجاهدین دارد.

● سخنگوی مجاهدین: هم رژیم حاکم بر ایران و هم دولت کنونی عراق، به‌خوبی می‌دانند که موضوع مجاهدین و ساکنان اشرف از لحاظ قوانین الزام‌آور بین‌المللی در حیطه دولت عراق نبوده و نیست. با این‌همه هرازگاهی رژیم آخوندی با فشار و تطمیع و وعده‌های فراوان و پول کلان، بخت خود را در برابر مجاهدین و مقاومت ایران به آزمایش می‌کشد

در پاسخ به سؤالات و شکایتها درباره دعاوی و اتهامات دیکته‌شده علیه مجاهدین از سوی رژیم آخوندی، جانشین فرمانده نیروهای چندملیتی در عراق به ساکنان اشرف اطلاع داد: «ما در نیروی چندملیتی، سفارت آمریکا در بغداد و دفتر آمریکایی نظارت و هماهنگی با دادگاه عالی جنایی عراق که روزانه با این دادگاه کار می‌کند، موضوع را دنبال کردیم. هیچ‌کس از اقدامی علیه مجاهدین در این دادگاه اطلاعی نداشت، لذا می‌توان نتیجه‌گیری کرد این اظهارات هیچ پایه و مبنایی در واقعیت ندارد و تنها یک شایعه است و جنبه تبلیغاتی علیه مجاهدین دارد».

یادآوری می‌کنیم که همزمان با سفر نوری مالکی به تهران، رژیم آخوندی یک جنگ روانی علیه مجاهدین تحت عنوان «پیگرد قضایی» به‌راه انداخت که وسیعاً توسط رسانه‌ها و مزدورانش به‌آن دامن زده شد.

این دعاوی در تظاهرات و آکسیونهای هموطنانمان در کشورهای مختلف جهان ادامه یافت و همزمان در عراق و در عرصه بین‌المللی مورد تنفر شخصیتهای سیاسی، حقوق بشری، پارلمانترها و احزاب سیاسی عراق، قرار گرفت. آنان در موضعگیریهای خود توطئه رژیم آخوندها را که با سوءاستفاده و سیاسی‌کردن قضاییه عراق همراه بود، اکیداً محکوم نمودند و حمایت خود را از مجاهدان اشرف اعلام کردند. همچنین نمایندگان کنگره آمریکا و پارلمانهای اروپایی طی نامه‌هایی به فرماندهان نیروهای چندملیتی و مقامات آمریکا در ایالات متحده و در عراق، نگرانی خود را ابراز کرده و خواهان پیشگیری از توطئه رژیم آخوندی شدند.

سخنگوی دفتر اروپایی مجاهدین در اسلو در این‌باره گفت:

با کمال تأسف نخستین اقدام آقای مالکی پس از نخست‌وزیرش، تن‌دادن به خواست تنگین و غیرقانونی رژیم آخوندی و صدور حکم اخراج مجاهدین از عراق و منع هرگونه ارتباط آنها با دوایر و مؤسسات و شهروندان عراقی در ۲۸تیر ماه۱۳۸۵ بود.

مالکی که از این پیشتر در آذر ماه۱۳۸۲ تجربه کرده بود که حکم اخراج اعضاشده از سوی مزدور عبدالعزیز حکیم، در مقام ریاست یک ماهه شورای حکومتی منحله عراق، مبنی بر اخراج مجاهدین از این کشور با ضرب‌الاجل سه هفته‌یی، راه به‌جایی نبرده و مجاهدین آن را در کمال شهامت و رشادت ماه مهلت قائل نشد تا مجاهدین عراق را ترک کنند.

اما مجاهدان شهر شرف، هم در سال۱۳۸۲ و هم در سال۱۳۸۵، در برابر توطئه‌های رژیم آخوندی و مزدوران این رژیم اعلام کردند که بر سر حقوق قانونی خود تا پای ایستاده‌اند و توطئه آخوندها و مزدورانش را درهم خواهند شکست.

رهبر مقاومت از این پیشتر کلیه نفرات اشرف را مخیر کرده بود که اگر توانایی و تحمل شرایط سخت را ندارند، به‌دنبال زندگی خود بروند.

خواهر مجاهد صدیقه حسینی، مسئول اول سازمان مجاهدین خلق ایران، در آبانماه ۱۳۸٤ اعلام کرد: «اشرف جای کسانی است که می‌خواهند تا به آخر در آن بمانند و به‌سو گند مجاهدی و رزمندگی خود تا آخرین نفس و تا آخرین قطره خون وفادارند. کسانی که ٤ده‌ه متوالی برای آزادی و حیات ملت خود، مرگ را با آغوش باز پذیرا شده‌اند. هیچ مبارزه‌یی ضروری‌تر و پرحاطرتر از آن‌چه در این‌جا، در دژ آزادی ملت اسیرمان جریان دارد نیست. این جا نقطه کانونی و استراتژیکی جنگ و جنگ‌شدن رژیم آخوندی با مقاومت سازمان‌یافته و آلترناتیو دموکراتیک است. کین‌توزی حیوانی دشمن ضدبشری با اشرف و مجاهدان پایدار و آزادی‌ستانش، آن‌چنان‌که بارها خود رژیم گفته، به این خاطر است که در آنها و در ارتش آزادی، صورت مسأله سرنگونی خود را می‌بیند. بی‌جهت نیست که اهتمام و متلاشی‌کردن شهر شرف و دژ دموکراسی و اسلام ضدارتجاعی در این منطقه از جهان، ورد زبان همه عوامل اطلاعاتی رژیم و همه مزدوران خودفروخته است. اما مجاهدین طبق سنت ٤٠ساله خود، کسانی نیستند که در خطر و سختی و فشار و محدودیت از جای خود بجنبند، بر پاشنه‌های خود بچرخند و یا قدمی به عقب بردارند. چرا که پرچم «هیهات مناالذله» را بر دوش می‌کشند».

سخنگوی دفتر اروپایی مجاهدین در اسلو ادامه داد:

اما نخست‌وزیر نابخته و تازه‌کار عراق، که مادون آگاهی نسبت به‌سابقه تاریخی و توان و ابعاد پایداری مجاهدین در برابر رژیم آخوندی بود، و از تجربه شیراک و نخست‌وزیر او رافارن، که به خواست رژیم آخوندی برای سرکوب و اخراج مجاهدین و مقاومت ایران تن دادند، درس نگرفته بود، در دام وعده‌های رژیم افتاد.

دولت عراق پس از ناامیدی از کلیه تمهیداتی که برای اخراج داوطلبانه مجاهدین چیده بود، از قبل قطع ارزاق و سوخت و دارو، به استفاده از اهرمهای مفتنه و قضاییه عراق روی آورد. اما بازهم پایداری پرشکوه مجاهدان آزادی، برای پیروزی و برای از هم گسستن بند از بند رژیم ضدبشری آخوندی، بر همه ترفندها و اهرمهای مرتجعان غلبه کرد. این تکبو پانک تا روز سرنگونی رژیم نامشروع ولایت‌فقیه و آزادی و حاکمیت مردم ایران ادامه دارد و در هر قدم اهریمنان حاکم بر میهنمان گامی به پس رانده می‌شوند.

سخنگوی مجاهدین با سپاس از تلاشهای خستگی‌ناپذیر رئیس‌جمهور برگزیده مقاومت برای احقاق حقوق ساکنان اشرف و هم‌چنین با قدردانی از تلاشها و تظاهرات و روشنگریهای هموطنانمان در کشورهای مختلف جهان، خاطرنشان کرد:

طبق قطعنامه ۱۷۷۰ شورای امنیت ملل متحد، دولت عراق ملزم و موظف است نقش و مأموریت نیروی چندملیتی را به‌رسمیت بشناسد و از آن حمایت کند. نیروی چندملیتی طبق موافقتنامه ژوئیه۲۰۰٤ اضمامه ازسوی ساکنان اشرف با فرماندهان مجاز آمریکایی، در رابطه با ساکنان اشرف مسئول حفاظت و مجری کنوانسیون چهارم ژنو در مورد افراد حفاظت‌شده تحت این کنوانسیون می‌باشد.

طبق بارگراف چهارم ماده٦٥ کنوانسیون که در اسناد رسمی مورد اذعان ایالات متحده آمریکاست، افراد حفاظت‌شده درهرحال و در هرشرایطی تا در خاک عراق هستند مشمول این کنوانسیون قرار می‌گیرند و در نتیجه نیروی چندملیتی درهرحال مسئولیت حفاظت از ساکنان اشرف را برعهده دارد.

بنابراین، هم رژیم حاکم بر ایران و هم دولت کنونی عراق، به‌خوبی می‌دانند که موضوع مجاهدین و ساکنان اشرف از لحاظ قوانین الزام‌آور بین‌المللی در حیطه دولت عراق نبوده و نیست. با این‌همه هرازگاهی رژیم آخوندی با فشار و تطمیع و وعده‌های فراوان و پول کلان، بخت خود را در برابر مجاهدین و مقاومت ایران به آزمایش می‌کشد.

پاسخ مجاهدین نیز بارها از زبان مسئول اول این سازمان خطاب به‌رژیم آخوندی اعلام شده است.

سخنگوی مجاهدین در پایان یادآوری کرد: اگر در سالهای گذشته فقط مقاومت ایران و رئیس‌جمهور برگزیده آن از دخالتها و جنایتها و مطامع رژیم آخوندی در عراق سخن می‌گفتند، اکنون جامعه بین‌المللی در این‌باره به اشراف رسیده است. موضعگیری ۵روز پیش سفیر ایالات متحده آمریکا در بغداد گواه آشکار این حقیقت است.

به گزارش رویتر، رایان کراکر سفیر آمریکا در عراق، پنجشنبه گذشته هشدار داد که بیرون کشیدن نیروهای آمریکایی از عراق می‌تواند در را به روی «پیشروی اساسی» رژیم ایران باز کند. حاکمان تهران درصدد تضعیف دولت عراق هستند تا بتوانند آن را تحت کنترل خود بگیرند.

کراکر گفت: «بر اساس آن‌چه که من در صحنه می‌بینم فکر می‌کنم که آنها به‌دنبال دولتی هستند که به‌وسیله این یا آن ابزار آن را کنترل کنند تا به‌نقطه‌یی برسد که بتوانند برنامه‌هایشان را (در عراق) پیش ببرند».

سفیر آمریکا گفت: «تهران به‌دنبال این است که نفوذ بیشتر و فشار بزرگتری روی دولت عراق داشته باشد»...

تجمع حقوقدانان مستقل عراق: براساس قوانین بین‌المللی محاکمه یا جابه‌جایی اجباری مجاهدین ممنوع و غیرمجاز بوده و به‌مثابه جنایت جنگی است

تجمع حقوقدانان مستقل عراق طی بیانیه‌یی دعاوی مربوط به محاکمه مجاهدین را به‌شیوه هزار بار تکرار شده رژیم خون‌آشام حاکم برایران دانست که از طریق دیکته‌کردن به مزدورانش در عراق مطرح می‌شود.

در این بیانیه که روز ۳۱شهریور منتشر شده، آمده است:

همه مراجع و صاحب نظران و فیلسوفان حقوق و قانون متفق‌القول هستند که اعمال جنایی در قانون جنایی بین‌المللی و قوانین جزایی کشورها، در کادر کیفری است و هیچ‌گاه نباید وارد اهداف و غرض‌ورزیهای سیاسی شود.

اظهارات مربوط به احاله پرونده سازمان مجاهدین به دادگاه جنایی ویژه با بهانه‌ها و دستاویزهای مختلف با توجه به این‌که برپایه هیچ سند و مدرک قانونی مستند نیست شک‌برانگیز است. به‌فرض این‌که این اظهارات را بخواهیم جدی بگیریم حتی یک عراقی پیدا نمی‌کنید که علیه مجاهدین شکایت کرده باشد واگر می‌بینید که به‌طور جنون‌آمیزی این اتهامات را مطرح می‌کنند که اعضای سازمان مجاهدین خلق علیه عراقیان اعمالی مرتکب شده‌اند، علت آن این است که رژیم خون‌آشام حاکم بر ایران، پشت آن است تا به‌صورت کورکورانه شایعه هزار بار تکرار شده را از طریق دیکته‌کردن به مزدورانش غرغره کند، تا سیاستهای خود را پیش ببرد.

تجمع حقوقدانان مستقل عراق با تأکید بر این که موضوع سازمان مجاهدین خلق در کادر احکام قوانین بین‌المللی قرار می‌گیرد افزود:

براساس قوانین بین‌المللی هم‌چنان‌که در کنوانسیون بین‌المللی پناهندگان سیاسی، در سال۱۹۵۱ به‌وضوح آمده است، محاکمه یا جابه‌جایی اجباری مجاهدین ممنوع و غیرمجاز بوده و به‌مثابه جنایت جنگی است.

استیصال و درماندگی رژیم در برابر محکومیتهای توطئه‌هایش علیه مجاهدین در عراق

افشاگری بی‌امان مداخلات تروریستی رژیم در عراق و انتشار انواع لیستهای فرماندهان و مزدوران رژیم در این کشور توسط مجاهدین

واحد مرکزی خبر در رادیو و تلویزیون رژیم آخوندی، از شدت استیصال و درماندگی در برابر محکومیتهای جهانی توطئه رژیم علیه مجاهدین در عراق، «از فرار چهار تن از مسئولان اصلی گروهک تروریستی منافقین از عراق» در اثر خطوشنان کشیدن مزدوران رژیم آخوندی در عراق، خبر داد.

واحد مرکزی خبرپردازی در رادیو و تلویزیون رژیم، به‌نقل از ارگان سپاه تروریستی قدس در عراق، روزنامه البینه الجدیده، خبر داد:

چند روز بعد از این‌که اعلام شد دستگاه قضایی عراق به‌زودی چند تن از سران گروهک تروریستی منافقین ایران را به‌اتهام جنایت علیه مردم عراق محاکمه می‌کند، امروز یک منبع آگاه امنیتی در عراق خبر داد: چهار مسئول اصلی گروهک تروریستی منافقین مستقر در پادگان اشرف ازجمله رحمانی، رئیس اطلاعات گروهک تروریستی به اردن گریختند...

سخنگوی دفتر اروپایی مجاهدین در اسلو در باره یاوه‌های واحد مرکزی خبر رژیم آخوندها و مجهولات مزدوران سپاه تروریستی قدس در عراق، گفت:

این‌جا جایی است که به جای شتر، باید گفت: شغال خواب بینده‌اتم می‌بینند!

سخنگوی مجاهدین گفت: داغ درمان‌ناپذیر رژیم آخوندی از اطلاعات مجاهدین به‌ویژه افشای تأسیسات و تجهیزات اتمی و افشای مزدوران رژیم در عراق با این چیزها تسکین یافتنی نیست.

سخنگوی مجاهدین افزود: همچنان که ارتش آزادیبخش ملی ایران در تنور جنگی خمینی از گل گرفت و او را وادار به خوردن زهر آتش‌بس نمود، اکنون نیز سازمان مجاهدین خلق ایران برای درهم‌شکستن خوابهای شوم و جنایتکارانه آخوندها در صدور تروریسم و ارتجاع که یک اهرم جدی حفظ نظام نگین آخوندی است، در کمال افتخار، با همکاری و خطربذیری هموطنان و منابع و هواداران پاکباز خود در داخل ایران، به افشای همه جانبه توطئه‌های این رژیم در عراق مبادرت کرده است. از جمله افشای لیست ۳۲هزار نفره مزدوران رژیم در عراق، همچنین افشای لیست ٦٩٢نفری مأموران وزارت اطلاعات آخوندها در عراق، افشای لیست ۳٤تن از اسامی مأموران اطلاعات در مقام فرماندهان عملیاتی سپاه ۹بدر، افشای ٤٩٧نماینده ولی‌فقیه ارتجاع در عراق، افشای ۵۳نوسه پوشتی سپاه تروریستی قدس و به‌خصوص گردآوری لیست ۸۳۳۱تن شخصیتها و اساتید و نظامیان عراقی در لیست تروریهای رژیم که آنها را در اختیار ارگانهای ذیربط بین‌المللی قرار داده است.

بنابراین رویآوردن واحد مرکزی دروغپردازی رژیم به جعل و یاوه‌گویی و نیز معرفی فرد موهومی تحت عنوان رئیس اطلاعات مجاهدین، دیگر اثر ندارد!

دفتر حقوق بشر یونامی اعلام کرد وضعیت ساکنان اشرف را تحت نظارت قرار داده است

دفتر حقوق بشر یونامی (هیأت ملل متحد برای کمک به عراق) وضعیت ساکنان اشرف را تحت نظارت قرار داده است.

دفتر کمیسر عالی حقوق بشر ملل متحد این موضوع را در نامه‌یی به آقای علی صفوی، از اعضای کمیسیون خارجه شورای ملی مقاومت ایران، اطلاع داد. در این نامه در پاسخ به نگرانیهای مربوط به‌وضعیت اشرف تصریح شده است: دفتر حقوق بشر هیأت ملل متحد برای کمک به عراق، فعالانه و از نزدیک وضعیت حقوق بشر در عراق، ازجمله وضعیت ساکنان اشرف را تحت نظارت گرفته است.

روزنامه البینه الجدیده به جریمه نقدی و سه بار عذرخواهی از دکتر عدنان الدلیمی محکوم شد

البینه الجدیده، متعلق به حزب‌الله عراق، توسط ابومجتبی سواری تحت امر قاسم سلیمانی سرکرده سپاه نیروی تروریستی قدس در تهران اداره می‌شود

سرکرده سپاه تروریستی قدس گفته است: ـ مهم نیست که دادگاه منافقین به نتیجه‌یی برسد یا نرسد. نفس سروصداکردن علیه منافقین برای ما خیلی مهم است. وقتی می‌گوییم آنها در وجهه منافقین را هرطور شده در بین مردم عراق خراب بکنیم

قتل‌عام شیعیان عراق شرکت داشتند برای افکار عمومی مردم بسیار مهم است و ما درآینده به این کار نیاز داریم و می‌خواهیم آنها را هرطور شده در بین مردم عراق خراب بکنیم

کنگره مردم عراق فاش کرد یک دادگاه عراقی روزنامه البینه الجدیده، ارگان دروغپردازی سپاه تروریستی قدس در این کشور را به پرداخت ۲۵۰میلیون دینار خسارت و سه بار عذرخواهی از دکتر عدنان الدلیمی در صفحه اول خود در سه روز پیاپی، محکوم کرده است.

دادگاه اعظمیه در اردیبهشت ماه گذشته مسئول تحریریه البینه الجدیده را به‌خاطر نسبت‌دادن اتهامات باطل و غیرواقعی، ازجمله ربودن سرلشگر ثامر سلطان مشاور وزیر دفاع، به دکتر عدنان دلیمی رئیس جبهه توافق عراق و رهبر کنگره مردم عراق، محکوم کرد. این دادگاه، ارگان سپاه تروریستی قدس را علاوه بر پرداخت ۲۵۰میلیون دینار و سه روز عذرخواهی پیاپی، به‌پرداخت مخارج دادگاه و حق‌الوکاله وکلا محکوم نمود.

البینه الجدیده، متعلق به حزب‌الله عراق، توسط ابومجتبی سواری تحت امر قاسم سلیمانی سرکرده سپاه نیروی تروریستی قدس در تهران اداره می‌شود. مقامات دست‌نشانده رژیم آخوندی در وزارت امنیت عراق نیز خبرهای مورد نظر رژیم را برای انتشار به این روزنامه می‌دهند.

ـ به قرار اطلاع، سرکرده سپاه تروریستی قدس در پاسخ به این سؤال که مطالبی که علیه مجاهدین منتشر می‌شود یا در تلویزیونهای رژیم برای محاکمه آنها در عراق پخش می‌شود چه فایده‌یی دارد، به‌افراد خود گفته است:

ـ مهم نیست که دادگاه منافقین به نتیجه‌یی برسد یا نرسد. نفس سروصداکردن علیه منافقین برای ما خیلی مهم است. وقتی می‌گوییم آنها در قتل‌عام شیعیان عراق شرکت داشتند برای افکار عمومی مردم بسیار مهم است و ما درآینده به این کار نیاز داریم و می‌خواهیم وجهه منافقین را هرطور شده در بین مردم عراق خراب بکنیم. چهره منافقین در عراق به لحاظ روحی و معنوی باید خراب شود.

برنامه‌یی که وزارت اطلاعات از شبکه تلویزیونی الکوثر چند ماه قبل علیه منافقین توسط بریده‌های آنها پخش کرد حتی اگر واقعی هم نبوده باشد، مهم نیست، بلکه مهم این است که این برنامه، رو به عراق و عربی است. به دستور خود آقا (خامنه‌ای)، آقای دری نجف‌آبادی دادستان کل جمهوری اسلامی مأمور شد کلیه شعبی که پرونده‌یی از منافقین دارند، پرونده‌ها را سرجمع کنند و بفرستند. بهره‌برداری از پرونده‌ها برعهده آقای رضایی کارشناس دادستان کل است که در نهایت خود ایشان روی جزئیات آن کار خواهند کرد.

فراخوانهای برکناری دولت مالکی در آمریکا

یک سناتور آمریکایی از پارلمان عراق خواست به برکناری نوری مالکی رأی بدهد

کارل لوین رئیس کمیته نیروهای مسلح سنای آمریکا خواهان برکناری نوری مالکی و کابینه وی شد.

روزنامه واشینگتن‌پست طی گزارشی با عنوان «یک سناتور به خلع ید از مالکی فرا می‌خواند ـ لوین از عراقیها می‌خواهد تا رهبران خود را جایگزین کنند»، نوشت: «رئیس پرنفوذ کمیته نیروهای مسلح سنای (آمریکا) دولت عراق را «ناکارآمد» توصیف کرد و گفت: «اگر نوری مالکی و کابینه وی طی چند روز آینده قادر به پیشرفت در زمینه مصالحه سیاسی با احزاب رقیب نباشد، پارلمان عراق می‌بایست آنها را برکنار کند».

سناتور کارل لوین در بازگشت از یک سفر سه روزه به عراق و اردن، گفت: «میدوارم مجلس عراق به کنار رفتن دولت مالکی رأی بدهد و خرد لازم را داشته باشد تا آن را با نخست‌وزیر و دولتی که کمتر تحت نفوذ اعتقادات فرقه‌یی قرار داشته و از توان بیشتری برای متحدکردن برخوردار باشند جایگزین کند.

به نوشته واشینگتن‌پست، موضعگیری لوین تاکنون «قویترین» فراخوان به تغییر رهبری کنونی عراق بوده است.

این روزنامه آمریکایی در ادامه افزود که سناتور کارل لوین و جان وارنر ـ نفر دوم جمهوریخواه در کمیته نیروهای مسلح ـ در بازگشت از عراق، بیانیه بدبینانه‌یی درباره آینده سیاسی این کشور صادر کردند.

در این بیانیه تأکید شده که دیدارهای کنونی مالکی با رهبران سیاسی عراق، «آخرین شانس دولت وی برای حل بحران سیاسی» این کشور است.

وارنر و لوین هشدار دادند که اگر گفتگوها میان رهبران احزاب مختلف عراق به شکست بینجامد، مجلس نمایندگان عراق و مردم عراق باید کارنامه دولت عراق را مورد قضاوت قرار داده و تصمیم بگیرند که طبق قانون اساسی این کشور، برای تشکیل یک دولت وحدت ملی واقعی، چه اقدامی باید صورت گیرد؛ دولتی که بتواند به مسئولیتهایش پاسخ بدهد.

واشینگتن‌پست در بخش دیگری از گزارش خود، نوشت: دموکراتها به‌آرامی شروع به بیان این دیدگاه کردهاند که مالکی باید برود؛ سناتور ریچارد دوربین گفت که هفته گذشته همین موضوع را به استفن هدلی، مشاور امنیت ملی کاخ سفید گفته است.(واشینگتن پست ۳۰مرداد۸٦).

روزنامه نیویورک تایمز نیز روز ۲۸مرداد، نوشته بود: نوری مالکی که حمایت بزرگترین احزاب شیعی، سنی و سکولار عراق را در پارلمان این کشور از دست داده است، از سوی عراقیها به عنوان یک فرد ناتوان و فرقه‌گرا توصیف می شود. برخی مقامات آمریکایی به‌طور خصوصی عنوان کرده‌اند که وی شکست سختی خورده است. او در دیدار اخیر خود با رهبران ارشد سنی و شیعی فراتر از وعده و وعید نرفته است. در غیبت یک آلترناتیو قوی است که مالکی توانسته مسند خود را حفظ کند. نیویورک تایمز افزود: رایان کراکر سفیر آمریکا در عراق اذعان کرده است که افکار عمومی از دولت مالکی به‌طور قابل‌توجهی سرخورده شده است.

هیلاری کلینتون خواهان برکناری مالکی شد

هیلاری کلینتون، کاندیدای اصلی حزب دموکرات برای ریاست‌جمهوری آمریکا، از پارلمان عراق خواست نوری مالکی را برکنار سازد. غیرگزاری فرانسه در روز اول شهریور۸٦، گزارش داد: هیلاری کلینتون، از پارلمان عراق خواست که خود را از دست نوری مالکی، نخست‌وزیری که زیر ضرب قرار دارد خلاص کند چرا که مالکی از عهده انجام این مسئولیت برنمی‌آید. هیلاری کلینتون بر ضرورت تشکیل یک دولت غیرفرقه‌گرا که در پی ایجاد آشتی ملی در عراق باشد تأکید کرد.

رئیس کمیته نیروهای مسلح سنای آمریکا خواهان برکناری مالکی شد

کارل لوین، رئیس کمیته نیروهای مسلح سنای آمریکا، خواهان برکناری نوری مالکی و کابینه وی شد. روزنامه واشینگتن‌پست در شماره ۳۰مرداد خود با عنوان «یک سناتور به خلع ید از مالکی فرا می‌خواند ـ لوین از عراقیها می‌خواهد تا رهبران خود را جایگزین کنند»، نوشت: «رئیس پرنفوذ کمیته نیروهای مسلح سنای (آمریکا) دولت عراق را «ناکارآمد» توصیف کرد و گفت: اگر نوری مالکی و کابینه وی طی چند روز آینده قادر به پیشرفت در زمینه مصالحه سیاسی با احزاب رقیب نباشد، پارلمان عراق می‌بایست آنها را برکنار کند».

سناتور کارل لوین در بازگشت از یک سفر سه روزه به عراق و اردن، گفت: «امیدوارم مجلس عراق به کنار رفتن دولت مالکی رأی بدهد و خرد لازم را داشته باشد تا آن را با نخست‌وزیر و دولتی که کمتر تحت نفوذ اعتقادات فرقه‌یی قرار داشته و از توان بیشتری برای متحدکردن برخوردار باشند جایگزین کند.

به نوشته واشینگتن‌پست، موضعگیری لوین تاکنون «قویترین» فراخوان به تغییر رهبری کنونی عراق بوده است.

این روزنامه آمریکایی در ادامه افزود که سناتورها کارل لوین و جان وارنر ـ نفر دوم جمهوریخواه در کمیته نیروهای مسلح ـ در بازگشت از عراق، بیانیه بدبینانه‌یی درباره آینده سیاسی این کشور صادر کردند.

در این بیانیه تأکید شده که دیدارهای کنونی مالکی با رهبران سیاسی عراق، «آخرین شانس دولت وی برای حل بحران سیاسی» این کشور است.

معاون ریاست‌جمهوری عراق: دولت نوری مالکی نتوانسته به‌تعهداتی که به جبهه توافق داده بود، عمل کند

طارق الهاشمی معاون ریاست‌جمهوری عراق در دیدار با شماری از نمایندگان کنگره آمریکا گفت: دولت نوری مالکی نتوانسته به تعهداتی که به جبهه توافق داده بود، عمل کند حتی به این تعهدات احترام هم نگذاشته است. طارق الهاشمی هم‌چنین بر مسلح کردن عشائر با هدف دادن نقش بیشتر به مردم در تأمین امنیت و ثبات درعراق تأکید کرد».(تلویزیون الحره ۲۹مرداد۸٦).

نماینده پارلمان عراق: ادامه دولت مالکی به معنای ادامه مصیبتها در زندانها و نقض حقوق بشر می‌باشد

ظافر العانی نماینده پارلمان عراق از جبهه توافق، گفت: ما وارد جبهه‌یی که بخواهد از دولت مالکی حمایت کند نخواهیم شد. ادامه دولت مالکی به معنای ادامه مصیبتها در زندانها و نقض حقوق بشر می باشد.

وی که روز ۲۸مرداد با تلویزیون الشرقیه مصاحبه می‌کرد، افزود: بسیاری معتقدند که جبهه معتدلین بر اساس یک معامله سیاسی درست شده و بهای آن ادامه دولت مالکی است، ما جزئی از این معامله نخواهیم بود چون معامله‌یی شکست خورده و بازنده می‌باشد و هدف آن چیزی جز تأمین منافع حزبی نیست. این دولت محدود به احزاب مذهبی و نژادی می‌باشد که تلاش می کند شکاف مذهبی و نژادی را در عراق تعمیق کند.

تلویزیون الشرقیه پرسید: دکتر عدنان دلیمی رئیس جبهه توافق عراق در مصاحبه با تلویزیون العربیه، گفت: دولت نوری مالکی در سطح داخلی و خارجی شکست خورده است. در سطح داخلی توازن برای مشارکت فعال طرفهای دیگر، مسأله نیروهای شبه‌نظامی و موضوعات دیگر لاینحل مانده‌اند. در سطح سیاسی هم عراق رابطه منفی با عمده کشورها به‌ویژه کشورهای عربی دارد. بنابراین ما از دولت خارج شدیم.

عبدالکریم سامرائی هم‌چنین تأکید کرد: انحصارطلبی نوری مالکی در حاکمیت و هم‌چنین حزب‌الدعوه را فقط ما نگفتیم. قبل از اعلام ائتلاف معتدلین متفق‌القول بودیم که عملاً انحصارطلبی در قدرت وجود دارد. در تصمیم‌گیری نیک روی است.

فاضل الربیعی نویسنده و روزنامه‌نگار عراقی درباره سفر نوری مالکی به سوریه، گفت: مالکی نیاز به حمایت سوریه دارد تا در راستای جلوگیری از سقوط به او کمک کند.

از وی سؤال شد که مالکی در رأس دولتی است که در بستر مرگ قرار دارد. موضع سوریه در قبال درخواستهای مالکی چیست؟ وی پاسخ داد: سوریه خواستار جدول خروج نیروهای آمریکایی از عراق است. سوریه هیچ کارت مجانی در اختیار این دولت که ضعیف است قرار نمی‌دهد».(تلویزیون الجزیره ۳۰مرداد۸٦).

رژیم ایران چندین دهکده مرزی عراق را توپ‌باران کرده است

- ژنرال ریک لینچ، از فرماندهان ارتش آمریکا: نیروهای سپاه پاسداران ایران، شبه‌نظامیان در عراق را برای انجام خشونت علیه شهروندان عراقی و سربازان آمریکایی آموزش و کمک می‌دهند
- سخنگوی شورای امنیت ملی آمریکا: رژیم ایران به ارسال بمبهای جهت‌دار نفوذ کننده ضد زره ـ ای اف پی ـ و کمک به شبه‌نظامیان عراق ادامه می‌دهد
- در یک محل اعدام متعلق به تروریستهای رژیم جمجمه‌های انسان، اجساد ازهم‌پاشیده و استخوانهایی که در لباسهای خونین پیچیده شده بود پیدا شد
- عضو ارشد سنای آمریکا: رژیم ایران در عراق، به هر کار ممکن برای تقویت منافع فرقه‌یی شیعیان وابسته به‌خود و آسیب‌رساندن به‌سنیها دست می‌زند

سفیر آمریکا در عراق: رژیم ایران از شبه‌نظامیان بنیادگرا در عراق حمایت می‌کند

رایان کراکر سفیر آمریکا در عراق، روز جمعه ۲اردیبهشت در گفتگو با تلویزیون العربیه گفت: رژیم ایران برخلاف ادعایی که می‌کند، نقش سازنده‌یی در عراق ندارد. این رژیم از شبه‌نظامیان بنیادگرا حمایت می‌کند. شبه‌نظامیانی که علیه عراقیان عمل می‌کنند.

جانشین فرمانده نیروهای چندملیتی در عراق: رژیم ایران طی ۳۰ تا ۶۰روز گذشته به حمایت خود از شبه‌نظامیان شدت بخشیده است

ژنرال ریموند اودیرنو، جانشین فرمانده نیروهای چندملیتی، طی مصاحبه‌یی با تلویزیون سی.ان.ان، گفت: ما قبل از هرچیز در عراق خواستار برقراری دولتی هستیم که بتواند امنیت و ثبات را به عراق بازگرداند، بتواند خدمات اولیه را برای مردمش فراهم کند و به مردم خدمت کند. این مهمترین چیز است. سی.ان.ان به گزارش ارگانهای اطلاعاتی آمریکا که روز اول شهریور منتشر شد اشاره کرد و به نقل از آن، گفت: «رژیم تهران که از قدرت گرفتن شورشیان سنی و تلاشهای آمریکا برای محدودکردن نفوذ خود در عراق نگران شده، طی یکسال آینده به حمایت از شبه‌نظامیان شیعی با دادن سلاح، پول و آموزش ادامه خواهد داد. رژیم ایران به حمایت مرگبار خود از شبه‌نظامیان شیعی عراق شدت بخشیده است».

سی.ان.ان پس ازاین توضیحات از ژنرال اودیرنو پرسید، نظر شما نسبت به کارهایی که رژیم ایران در حال حاضر در عراق انجام می‌دهد چیست؟

اودیرنو گفت: «برای من روشن است که رژیم ایران طی ۳۰ تا ۶۰ روز گذشته به حمایت خود از شبه‌نظامیان شدت بخشیده است. این افزایش حمایت در سه جهت بوده است. از یک سو آنها به حمایت تسلیحاتی از این شبه‌نظامیان ادامه می‌دهند شامل: مهمات، خمپاره و خصوصاً بمبهای نفوذکننده‌ای.اف.پی که کشنده‌ترین نوع بمبهای کنارجاده‌یی هستند. آنها هم‌چنین به حمایت مالی از برخی از گروههای شبه‌نظامی و هم‌چنین به آموزش افراطیون عراقی در خاک ایران به منظور اعزام آنها به داخل عراق و جنگیدن با آمریکا ادامه می‌دهند(سی.ان.ان و رویتر ۳شهریور۸۶).

یکی از فرماندهان ارتش آمریکا در عراق: دخالت رژیم ایران در عراق منبع اصلی خشونت در این کشور می‌باشد

ژنرال ریک لینچ، از فرماندهان ارتش آمریکا در عراق، گفت: جنگ واقعی که هم اکنون در عراق در جریان است، جنگی بر سر قدرت و نفوذ است و فاقد بارقه مذهبی می‌باشد و این ساده‌لوحانه است که فکر کنیم انواع خشونت در عراق ناشی از جنگ و تضاد بین شیعه و اهل سنت می‌باشد. ژنرال ریک لینچ اضافه کرد که با این حرف ژنرال جرج کیسی فرمانده سابق نیروهای چندملیتی در عراق موافق است که گفته بود انگیزه اصلی خشونت در عراق این است که چه کسی حاکمیت کشور را به دست خواهد گرفت؟»(تلویزیون الشرقیه اول شهریور۸۶).

سی.ان.ان: مشکل اصلی در عراق این است که تحت کنترل شبه‌نظامیان است و شبه‌نظامیان هم تحت کنترل رژیم ایران هستند

تلویزیون سی.ان.ان در روز ۳۱مرداد، در گزارشی در باره عراق گفت: مشکل اصلی در عراق این است که این کشور تحت کنترل شبه‌نظامیان است و شبه‌نظامیان هم تحت کنترل رژیم ایران هستند. انتقادها علیه نوری مالکی بسیار شدید است. او از سوی بسیاری در واشینگتن مورد انتقادات شدید قرار گرفته که نتوانسته به اغلب توافقات کلیدی و آشتی‌جویانه سیاسی دست یابد.

تلویزیون سی.ان.ان افزود: قدرت در دست یک ائتلاف شکننده میان شبه‌نظامیان و افراد با نفوذ است. به گفته مقامات آمریکایی همه آنها هم با رژیم ایران رابطه دارند و از سوی سپاه پاسداران و نیروی قدس آن حمایت می‌شوند. در نهایت باید گفت رژیم ایران خیلی بیشتر از آن‌چه که دولت آمریکا درآرزوهایش می‌پروراند، در دولت عراق نفوذ دارد. به همین خاطر بسیاری از ژنرالها و فرماندهان صحنه در عراق می‌گویند شاید روشی که انتخاب کرده‌ایم درست نیست... شاید مردم عراق بخواهند چیز دیگری را انتخاب کنند.

نماینده پارلمان عراق: نفوذ رژیم ایران در عراق عمیقاً جریان دارد و این رژیم سلطه خود را بر اوضاع عراق حاکم کرده است

اسامه نجفی، نماینده پارلمان عراق از فراکسیون العراقیه ملی نفوذ رژیم ایران در عراق را عمیق و دولت مالکی را فلج و فاقد ویژگی وحدت ملی دانست. وی که با تلویزیون الجزیره مصاحبه می‌کرد در مورد دولت مالکی گفت: انحطاط در تمامی زمینه‌های امنیتی، سیاسی و اقتصادی به‌چشم می‌خورد و یقیناً دولت مالکی در پایبندی به برنامه دولتی شکست خورده است. زندگی مردم عراق فلج شده و عمیقاً مجروح است. بیش از یک سال و نیم است که اوضاع در همه زمینه‌ها بدتر شده است. از نظر آمریکا، حضور نوری مالکی خسارت سنگینی به مردم عراق وارد می‌کند و کشور را بهست سرنوشت خطرناکی سوق می‌دهد. نفوذ رژیم ایران در عراق عمیقاً جریان دارد و این رژیم سلطه خود را بر اوضاع عراق حاکم کرده است و این امر غیرقابل قبول است. سیاستهای فرقه‌گرایانه دولت مالکی کشور را به بن‌بست کشانده است(تلویزیون الجزیره ۳شهریور۸۶).

بمباران مناطق کوهستانی شمال عراق توسط رژیم

رژیم آخوندی در پی چندین روز حمله به مناطق کوهستانی شمال عراق، با پخش اوراق تبلیغاتی در این مناطق اعلام کرده است که قصد گسترش این حملات را دارد. خبرگزاری فرانسه روز ۳۰مرداد طی گزارشی در این‌باره گفت: مقامات کردی در شمال شرقی عراق گفتند در حال تحقیق در مورد این اوراق هستند که به روستاییان هشدار می‌دهد تا این روستاها را پیش از تهاجم نظامی ایران تخلیه نمایند. صدها تن از روستاییان خانه‌های خود را در کوههای شمال شرقی عراق ترک کرده و عده‌یی نیز پس از چندین روز توپ‌باران این مناطق توسط رژیم ایران در غارها پنهان شده‌اند.

خبرگزاری رویتر در همین روز به نقل از مقامات محلی و شاهدان در منطقه کردستان عراق، اعلام کرد ارتش رژیم ایران چندین دهکده مرزی عراق را توپ‌باران کرده است. در جریان این توپ‌باران ایران قرار دارد، ترک کنند. شهردار شهر قلعه‌دیزه گفت توپخانه رژیم ایران مناطق کردی شمال عراق را به‌صورت متناوب طی سه روز گذشته گلوله باران کرد که منجر به‌مجروح شدن دو زن گردید(تلویزیون الجزیره ۲۹مرداد۸۶).

روزنامه گازتا چاپ مسکو نیز روز ۳۱ مرداد، نوشت: نیروهای امنیتی محلی در کردستان عراق قادر به متوقف‌کردن نیروهای نظامی رژیم ایران که به بمباران این منطقه و تهاجم به آن دست می‌زنند، نیستند. اکنون بدترین پیش‌بینیهای تحلیلگران پنتاگون، جامه عمل می‌پوشد و آمریکاییها مجبورند عملیات مقابل را انجام داده و ارتش رژیم ایران را از خاک عراق بیرون کنند. اکنون این سؤال پیش می‌آید که آیا پنتاگون به درگیری مستقیم با رژیم ایران تن خواهد داد؟ در غیر این‌صورت آیا برخی بخشهای عراق تحت کنترل ارتش این رژیم باقی خواهد ماند؟ تلویزیون کردست عراق نیز از لشکرکشی گسترده مزدوران رژیم آخوندی در منطقه سردشت و آماده‌سازی برای حمله به کردستان عراق، خبر داد. این منبع روز اول شهریور، گفت: شب گذشته نیروهای رژیم ایران یک لشکرکشی گسترده را از روستای «پ» در منطقه سردشت شروع کردند. این امکان وجود دارد که این لشکرکشی، برای حملات زمینی گسترده به‌داخل منطقه کردستان عراق و روستاهای مرزی شهرک بشدّر باشد. تلویزیون کردست عراق هم‌چنین گفت: رژیم ایران مرز «چومه‌سر» را در سلسله جبال «سورین» بمباران کرده است.

رئیس‌جمهور آمریکا: برکناری نوری مالکی به تصمیم مردم عراق بستگی دارد

به‌گزارش خبرگزاری فرانسه، جرج بوش، رئیس‌جمهور آمریکا روز سه‌شنبه ۳۰مرداد، نسبت به‌رهبران سیاسی در عراق ابراز سرخوردگی و یأس نمود و گفت: برکناری نوری مالکی به تصمیم مردم عراق بستگی دارد و اگر آنها بخواهند می‌توانند او را برکنار کنند.

بوش در واکنش به فراخوان یک نماینده ارشد کنگره از حزب دموکرات آمریکا، به برکناری مالکی در اجلاس رهبران کشورهای کانادا و مکزیک در مونته بلو، کانادا گفت: «نسبت به رهبری سیاسی در عراق سرخوردگی و یأس عمومی وجود دارد. سؤال پایه‌یی این است که آیا این دولت می‌خواهد به خواسته مردم عمل کند؟ واگر این دولت به خواسته مردم عراق عمل نکند، آنها او را برکنار خواهند کرد. تصمیم این اقدام برعهده مردم عراق است(خبرگزاری فرانسه ۳۰مرداد۸۶).

فراکسیون العراقیه ملی از دولت مالکی خارج شد

فراکسیون العراقیه ملی به رهبری ایاد علاوی، در اعتراض به عملکرد فرقه‌گرایانه دولت نوری مالکی از این دولت خارج شد.

ایاد جمال‌الدین، عضو پارلمان عراق، از فراکسیون العراقیه ملی به ریاست ایاد علاوی، با اعلام این خبر گفت: فراکسیون العراقیه ملی بادداشت خروج از دولت مالکی را در ابتدای هفته صادر خواهد کرد. وی افزود این تصمیم به علت عدم‌پاسخگویی دولت نوری مالکی به خواستهای فراکسیون العراقیه ملی برای پایان دادن به عملکرد فرقه‌یی صورت گرفته است«(تلویزیون الجزیره ۲شهریور۸۶).

هیأت علمای مسلمین عراق: ادامه دولت مالکی به‌معنای تضمین و گسترش فرقه‌گرایی است

محمد بشار الفیضی، سخنگوی هیأت علمای مسلمین عراق، گفت: ادامه دولت نوری مالکی به‌معنای تعمیق و گسترش فرقه‌گرایی و سهم‌بندی مذهبی درعراق می‌باشد. وی افزود: ادامه این دولت و ائتلاف حاکم به معنای گسترش بحران در عراق است(تلویزیون الرافدین ۲۹مرداد۸۶).

عبدالکریم سامرائی، از اعضای حزب اسلامی عراق، دولت مالکی را یک دولت شکست خورده و در آستانه سقوط توصیف کرد. وی روز ۲۸مرداد، در مصاحبه با تلویزیون الجزیره، گفت: دولت نوری مالکی در سطح داخلی و خارجی شکست خورده است. در سطح داخلی توازن برای مشارکت فعال طرفهای دیگر، مسأله نیروهای شبه‌نظامی و موضوعات دیگر لاینحل مانده‌اند. در سطح سیاسی هم عراق رابطه منفی با عمده کشورها به‌ویژه کشورهای عربی دارد. بنابراین ما از دولت خارج شدیم. سامرائی هم‌چنین تأکید کرد: انحطاطی نوری مالکی در حاکمیت و هم‌چنین حزب‌الدعوه را فقط ما نگفتیم. قبل از اعلام ائتلاف معتدلین متفق‌القول بودیم که عملاً انحطاطی در قدرت وجود دارد. در تصمیم‌گیری تک روی است.

فاضل الربیعی نویسنده و روزنامه‌نگار عراقی درباره سفر نوری مالکی به سوریه، گفت: مالکی نیاز به حمایت سوریه دارد تا در راستای جلوگیری از سقوط به او کمک کند.

از وی سؤال شد که مالکی در رأس دولتی است که در بستر مرگ قرار دارد. موضع سوریه در قبال درخواستهای مالکی چیست؟ وی پاسخ داد: سوریه خواستار جدول خروج نیروهای آمریکایی از عراق است. سوریه هیچ کارت مجانی در اختیار این دولت که ضعیف است قرار نمی‌دهد«(تلویزیون الجزیره ۳۰مرداد۸۶).

نیویورک‌تایمز: مالکی به‌اندازه سلفش ابراهیم جعفری، برای عراق فاجعه‌بار بوده است

روزنامه نیویورک‌تایمز ۲شهریور، نوشت: دولت مالکی محصول منطقی سیاستی است که اکثریت شیعی را در عراق به حاکمیت رسانده است، مشکل بتوان تصور کرد که هرگونه دولت شیعی دیگر متفاوت از آن‌چه تاکنون بوده عمل کند. البته تاجایی که به نوری مالکی نخست‌وزیر عراق مربوط می‌شود وی از همان روزی که به‌قدرت رسید به همان اندازه سلفش ابراهیم جعفری، برای عراق فاجعه‌بار بوده است. آمریکا به تلاشها برای برکناری جعفری کمک کرد اما تنها به این رسید که او رفت و مالکی به‌جایش روی کار آمد. نیویورک تایمز افزود: مالکی هم با ادامه همان سنت ابراهیم جعفری نیروهای امنیتی عراق را به‌صورت یک آلت‌دست سلطه شیعی حاکم و وسیله انتقامجویی افراداده است به‌طوری که تلاش می‌کند از یکطرف سربازان آمریکایی را از شبه‌نظامیان شیعی و مقر فرماندهی آنها منحرف سازد و از طرف دیگر مناطق سنی را در مقابل تروریسم فرقه‌یی بی‌دفاع قراردهد.

نیویورک تایمز در ادامه بر فرقه‌گرا بودن دولت نوری مالکی تأکید کرد و نوشت: فرقه‌گرایی عمیق دولت مالکی در این‌که تابه‌حال نتوانسته است یک قانون نفت را در مجلس به تصویب برساند تا مطابق آن درآمدهای نفتی به‌طور منصفانه‌یی به همه عراق تقسیم شود، آشکار شده است. هم‌چنین این‌که مالکی به‌خاطر حمایت از قوانینی که نگذارد سنیهای قشر متوسط به شغلهای حرفه‌یی برسند نیز، نشان دیگری از فرقه‌گرایی آشکار مالکی بوده است. مالکی برای ایجاد وحدت ملی کاری نکرده است. آخرین گزارش اطلاعاتی راجع به عراق نتیجه می‌گیرد که مالکی نمی‌تواند حکومت کند و طی ۶ماه تا یکسال آینده لرزانتر خواهد شد.

به این خاطر است که دیگر هیچ استدلال جدی برای این‌که باید به قیمت جان آمریکاییها و به قیمت جانهای بیشتری از خود عراقیها باز هم برای این دولت زمان خرید، باقی نمانده است.

۱۵۰ تروریست مسلح دستگیر شدند

در جریان عملیات امنیتی وسیعی که در مناطق مرزی عراق و ایران صورت گرفت، ۱۵۰تروریست مسلح و عناصر مشکوک دستگیر شده‌اند. تلویزیون العراقیه به نقل از منابعی در ارتش عراق ضمن اعلام این خبر گفت: نیروهای ارتش در سه روز گذشته دست به عملیات امنیتی وسیعی در مناطق ناحیه مندلی در جنوب بعقوبه که در مرز ایران قرار دارد، زده‌اند(تلویزیون العراقیه اول شهریور۸۶).

یکی از فرماندهان ارتش آمریکا در عراق: بیش از ۱۰۰ انبار مخفی سلاح ساخت رژیم ایران در عراق کشف و ضبط شده است

ژنرال ریک لینچ، از فرماندهان ارتش آمریکا در عراق، روز جمعه در جریان یک کنفرانس مطبوعاتی، گفت: بیش از ۱۰۰ انبار مخفی سلاح ساخت رژیم ایران در عراق کشف و ضبط شده است. وی تأکید کرد نیروهای سپاه پاسداران ایران، شبه‌نظامیان در عراق را برای انجام خشونت علیه شهروندان عراقی و سربازان آمریکایی آموزش و کمک می‌دهند. ژنرال ریک لینچ افزود: ما در سه زمینه با فعالیتهای رژیم ایران در عراق مواجه هستیم. سربازان آمریکایی با سلاحها و موشکهای کشنده که از ایران وارد عراق می‌شوند روم‌به هستند ازجمله این سلاحها، موشکهایی است که دارای چاشنی متمرکز می‌باشند. زمینه دیگر فعالیت این رژیم در عراق آموزش دادن شبه‌نظامیان شیعی برای مقابله با نیروهای آمریکایی می‌باشد. هم اکنون نزدیک به ۵۰عضو سپاه پاسداران در عراق حضور دارند. این نیروها به کسانی که در سال۲۰۰۷ در کربلا دست به عملیات بر ضد نیروهای آمریکایی زدند کمک کرده و آموزش داده‌اند.

در همین حال سایت نیروهای چندملیتی در عراق روز گذشته خبر داد که یک انبار مهمات و تجهیزات نظامی کشف شده است. در این انبار سلاحهای ساخت رژیم ایران ازجمله آر.پی.جی وجود داشته است (خبرگزاری فرانسه ۲شهریور۸۶).

سخنگوی شورای امنیت ملی آمریکا: رژیم ایران به ارسال بمبهای جهت‌دار نفوذکننده ضد زره ای.اف.پی و کمک به‌شبه‌نظامیان عراق ادامه می‌دهد

گوردون جاندرو، سخنگوی شورای امنیت ملی آمریکا تصریح کرد: رژیم ایران که سیاست دورویه‌یی در مورد عراق دارد، به ارسال بمبهای جهت‌دار نفوذکننده ضد زره ای.اف.پی و کمک به شبه‌نظامیان عراق ادامه می‌دهد.

گوردون جاندرو در گفتگو با خبرنگاران گفت: ما روشن ساختیم‌ایم که فعالیتهای رژیم ایران در عراق کمک‌کننده نبوده است. هربار که مقامات رژیم ایران با رایان کراکر سفیر آمریکا در عراق ملاقات می‌کنند، به‌طور آشکاری می‌گویند خواستار ایفای یک نقش سازنده در داخل عراق می‌باشند. اما مطابق آن‌چه که فرماندهان ما در صحنه می‌گویند، شاهد افزایش ارسال بمبهای جهت دار نفوذکننده در زره ای.اف.پی به عراق هستند.

سخنگوی شورای امنیت ملی آمریکا افزود، این سلاحها که توسط رژیم ایران در اختیار شبه‌نظامیان قرار می‌گیرند، عامل مرگ سربازان آمریکایی می‌باشند. هم‌چنین حمایت از این شبه‌نظامیان حمایت از عاملان مرگ عراقیان بی‌گناه است(خبرگزاری فرانسه ۲شهریور۸۶).

عضو ارشد سنای آمریکا: رژیم ایران در عراق، به هر کار ممکن برای تقویت منافع فرقه‌یی شیعیان وابسته به‌خود و آسیب‌رساندن به‌سنیها دست می‌زند

سناتور جان وارنر، عضو ارشد کمیته نیروهای مسلح سنای آمریکا، رژیم ایران را به‌دلیل افزایش دخالتهای تروریستی در عراق و تجهیز و تسلیح شبه‌نظامیان به‌شدت مورد حمله قرار داد.

سناتور جان وارنر که سه دوره ریاست کمیته نیروهای مسلح سنا را برعهده داشته، اخیراً به عراق و چند کشور خاورمیانه سفر کرد. وی پس از بازگشت از این سفر در روز ۳شهریور، در یک کنفرانس خبری شرکت نمود و نظرات خود را در مورد شکست دولت نوری مالکی و دخالتهای رژیم ایران در عراق، ابراز کرد.

وی گفت: نیروهای آمریکایی اکنون برای دولت شکست‌خورده نوری مالکی در عراق می‌جنگند. دولت عراق تحت ریاست این فرد، نیروهای ما را مأیوس ساخته است. مالکی بسیار فرقه‌گراست و اهل اتحاد و یکپارچگی نیست.

سناتور وارنر تنظیم‌کننده قانونی است که ۱۸معیار سنجش پیشرفت برای دولت تعیین کرد و دولت بوش را موظف کرد در نیمه ژوئیه و نیمه سپتامبر گزارشی از وضعیت پیشرفتها در عراق به کنگره ارائه دهد.

خبرنگاری پرسید: آیا افزایش نقش رژیم ایران در آموزش و تجهیز شبه‌نظامیان که در ارزیابی ارگانهای اطلاعات ملی آمریکا به آن پرداخته شده ممکن است به حمله نظامی آمریکا به این رژیم، منجر شود؟ سناتور جان وارنر پاسخ داد: «منافع امنیتی آمریکا همواره مورد حفاظت قرار خواهد داشت. جورج بوش و تیم امنیتی او، دست به اقدامات لازم در این باره خواهند زد». وی هیچ گزینه‌یی را در برابر رژیم ایران، از نظر دور نخواهد داشت.

سناتور وارنر گفت: رژیم ایران در عراق، به هر کار ممکن برای تقویت منافع فرقه‌یی شیعیان وابسته خود و آسیب رساندن به‌سنیها دست می‌زند.

در یک محل اعدام متعلق به تروریستهای وابسته به رژیم جمجمه‌های انسان، اجساد ازهم‌پاشیده و استخوانهایی که در لباسهای خونین پیچیده شده بود، پیدا شد

ارتش آمریکا اعلام کرد: طی عملیاتی ساختمانی را در جنوب بغداد کشف کرده که به‌عنوان محلی برای اعدام، توسط شبه‌نظامیان عراقی استفاده می‌شده است.

به گفته ارتش آمریکا، در این ساختمان که در منطقه جیور در جنوب بغداد قرار دارد، جمجمه‌های انسان، اجساد از هم‌پاشیده و استخوانهایی که در لباسهای خونین پیچیده شده بود را پیدا کردند. هم‌چنین در ساختمانی در نزدیکی این محل، لکه‌های خون و علائم دیگری را یافتند که نشان می‌داد اعدامها در آن‌جا صورت گرفته است.

خبرگزاری فرانسه که این خبر را مخابره می‌کرد، به‌نقل از ارتش آمریکا افزود: این عملیات به کشف یک کارخانه ساخت خودروهای بمبگذاری شده نیز منجر گردید. به‌گفته ارتش آمریکا در جریان این عملیات، ۴شبه‌نظامی مظنون دستگیر شدند(خبرگزاری فرانسه ۳شهریور۸۶).

لازم به ذکر است تاکنون شکنجه‌گاهها و قتلگاههای متعددی که توسط شبه‌نظامیان وابسته به رژیم ایران اداره می‌شده، در مناطق مختلف عراق پیدا شده است.

ایاد علاوی نخست‌وزیر پیشین عراق: زمان تغییر در رأس حکومت عراق فرا رسیده است

هر ماه ۲ تا ۳هزار عراقی به دست تروریستها و جوخه‌های مرگ فرقه‌یی کشته می‌شوند. دولتی که نتواند امنیت را تأمین کند مشروعیت ندارد. اضافه بر این لازم است که عراق به ایران بگوید که دخالتهایش در امور عراق را متوقف کند

ایاد علاوی، نخست‌وزیر پیشین عراق، در یک مصاحبه اختصاصی با تلویزیون سی.ان.ان. خواستار برکناری نوری مالکی شد. وی گفت: من به دلیل روند فرقه‌گرایی و حمایت دولت مالکی از شبه‌نظامیانی که قانون را در دست گرفته‌اند اعتمام را به این دولت از دست داده‌ام. بازگشت به این دولت برای من دیگر امکان‌پذیر نیست. سیستمی که دولت عراق را اداره می‌کند، بر پایه فرقه‌گرایی استوار است و نمی‌خواهد در میان اقشار ملت عراق آشتی ملی ایجاد کند.

علاوی گفت: من یک طرح خش مادیی را اعلام کرده‌ام که با حمایت آمریکا می‌توانیم عراق را نجات دهیم... در دولت نوری مالکی هیچ نشانه‌یی از این که بخواهد از شر شبه‌نظامیان خلاص شود، یا به‌شاخصهایی که تعیین شده برسد، وجود ندارد. این دولت به هیچ‌وجه به آشتی ملی نزدیک نشده است. این دولت هیچ سیاستی را در راستای قطع نفوذ رژیم ایران در امور داخلی عراق، انتخاب نکرده است. به‌همین جهت به نظر من آمریکا باید استراتژی خود را مورد تجدیدنظر قرار دهد. عراق در مسیر قبلی نتیجه‌اش تنها به سوی ویرانی و خشونتهای بیشتر روانه می‌شود.

ایاد علاوی در ادامه مصاحبه خود با سی.ان.ان گفت: نظرسنجیها نشان می‌دهد ما در داخل عراق و در منطقه از حمایت زیادی برخوردار هستیم. ما از یک روابط بسیار سالم با جهان عرب و اسلام در منطقه به استثنای رژیم ایران برخورداریم. ما باید برای ایجاد ثبات در عراق به تلاش خود ادامه دهیم.

ایاد علاوی در پاسخ به این سؤال که آیا وی خواستار برهه‌ه‌گرفتن پست نخست‌وزیری عراق می‌باشد، گفت: من حاضر به پذیرش این مقام، در صورتی که یک دولت فرقه‌گرا باشد، نیستم. ولی می‌خواهم نقش خود را در برقراری صلح و ثبات در منطقه ایفا کنم. لذا از هر موضعی که این اهداف را برآورده کند، دوری نخواهم کرد.

ایاد علاوی در پایان مصاحبه خود گفت هفته آینده از طریق کردستان عراق به بغداد بازخواهد گشت. وی افزود: "ما برای کشورمان خواهیم جنگید. ما به موفقیت روند سیاسی در عراق اطمینان داریم. ما از آمریکا می‌خواهیم تا به حمایت خود از عراق ادامه دهد تا بتوانیم صلح را در این کشور و منطقه برقرار کنیم(سی.ان.ان ۵شهریور۸۶).

ایاد علاوی، هم‌چنین در مقاله سیاسی مهمی در واشینگتن‌پست، اعلام کرد: زمان تغییر در رأس حکومت عراق فرا رسیده است. بگذارید به صراحت بگویم. مسئولیت آشفته بازار حاضر در عراق در درجه اول به گردن حکومت عراق است. تحت تسلط حکومت فرقه‌یی مالکی هیچ‌گونه آشتی پایدار ملی صورت نخواهد گرفت. هر ماه ۲ تا ۳هزار عراقی به دست تروریستها و جوخه‌های مرگ فرقه‌یی کشته می‌شوند. دولتی که نتواند امنیت را تأمین کند مشروعیت ندارد. اضافه بر این لازم است که عراق به ایران بگوید که دخالتهایش در امور عراق را متوقف کند.

علاوی نوشت: قدرت دادن به شبه‌نظامیان یک راه‌حل پایدار نیست. من پیشنهاد می‌کنم که در بغداد و باقی مناطق درگیری، وضعیت اضطراری اعلام شود و نیروهای امنیتی عراقی تجدید سازمان شوند.

نخست‌وزیر پیشین عراق در واشینگتن‌پست تصریح کرد: مالکی از تصویب قانون تغییر بعث‌زدایی که در ماه مارس ارائه شد ممانعت به‌عمل آورده است.

چهار سال پس از صدام حسین، عراق کشوری شکست خورده است که قادر نیست پایه‌یی‌ترین خدمات امنیتی را برای مردمش تأمین کند و در گسترش بحران خاورمیانه سهیم است. برق و آب در بهترین حالت ۵ تا ۶ساعت در روز فراهم است. بغداد که روزی مصداق گوناگونی فرهنگی، قومی و مذهبی عراق بود، امروز شهری از نواحی مسلح، فرقه‌یی و محاصره شده بسیار شبیه بیروت در دهه ۸۰ می‌باشد.

من با همکارانم در پارلمان کار می‌کنیم تا یک ائتلاف اکثریت و غیرفرقه‌یی بسازیم که از طرح آتی ۶ماده‌یی برای «دورانی جدید» در عراق حمایت کرده و حکومت فعلی را از راههای دموکراتیک جایگزین می‌کند. عراق می‌بایست در ایجاد یک طرح امنیتی که منجر به عقب‌نشینی اغلب نیروهای آمریکایی طی ۲سال آینده شده و قبل از آن به‌طور تدریجی نقش رزمی ایالات متحده را اساساً کم کند با آمریکا به شراکت فعال بپردازد. ما نیاز به یک استراتژی دیپلوماتیک منطقه‌یی داریم که به‌طور فزاینده‌یی سازمان ملل و جهان عرب را در امنیت عراق و بازسازی آن دخیل می‌کند. واشینگتن نباید این مسئولیت دیپلوماتیک را آن‌طور که تا به الان کرده است به‌تنهایی به دوش بکشد. مالکی اعتبار عراق در صحنه سیاسی عربی را بر باد داده است و نمی‌تواند آن را احیا کند. اضافه بر این لازم است عراق به ایران بگوید که دخالتهایش در امور عراق را متوقف کند و در قاع‌کردن سوریه که نقش سازنده‌تری در عراق بازی کند، جسورتر باشد.

مذهب می‌بایست در کشور ما نیرویی متحدکننده و نه تفرقه‌انگیز باشد. اما وقتی فرقه‌گرایی مذهبی برسیاست حکمفرماست، تروریستها و افراطگرایان به‌عنوان تنها برندگان سربرمی‌آورند. آشتی ملی مستلزم تعهدی مبرم به اعتدال و پایان بخشیدن به‌خشونت فرقه‌یی و واردکردن تمامی عراقیان به‌پروسه سیاسی است. ما می‌بایست سهم اکراد و حکومت منطقه‌یی کردستان در آینده دموکراتیک عراق را به‌رسمیت بشناسیم. آشتی، مستلزم مشارکت فعال رهبران سیاسی و مذهبی برجسته شیعی و سنی عراق است. مالکی از تصویب قانون تغییر بعث‌زدایی که در ماه مارس ارائه شد، ممانعت به‌عمل آورده است. این طرح می‌بایست بلادرنگ تصویب شود. اقتصاد عراق در نتیجه فساد و فقدان امنیت کافی از کار افتاده است. ما می‌بایست روی ترمیم پایه‌یی‌ترین زیرساختها متمرکز شویم. بدون الکتریسیته، آب جاری آشامیدنی و خدمات بهداشتی، پایه توسعه و رشد اقتصادی پایدار وجود نخواهد داشت. در درازمدت عراق می‌بایست یک اقتصاد بازار آزاد با نقشی برجسته برای بخش خصوصی بسازد. زمان تغییر در رأس حکومت عراق فرا رسیده است. بدون این کار هیچ استراتژی نظامی آمریکایی یا عقب‌نشینی منطقی موفق نخواهد شد و عراق و منطقه در آشوب رها خواهند شد.

عدنان دلیمی: هیچ امیدی به دولت مالکی نیست

دکتر عدنان دلیمی، رهبر جبهه توافق عراق، طی مصاحبه‌یی با تلویزیون بغداد، تصریح کرد ما با دولت نوری مالکی به بن‌بست رسیده‌ایم، این دولت به هیچ‌کدام از خواستهای مردم پاسخ نداده و هیچ امیدی به آن نیست. همه مردم از دست این دولت می‌نالند، بیکاری بیداد می‌کند، زندانها پرشده است. نزدیک به هشتاد هزار نفر در زندان هستند ولی خودشان می‌گویند که چهل هزار نفر بیشتر نیستند. ولی مگر ۴۰هزار نفر کم است. هرکدام از اینها خانواده دارند. یعنی نزدیک به ۲۰۰هزار عراقی بی‌خانمان هستند. هرج و مرج در همه مناطق عراق وجود دارد. دعوا بر سر نفت و فساد اداری و مالی در کشور بیداد می‌کند. تعداد عراقیانی که به خارج مهاجرت کردند، به دو ملیون رسیده است اینها کسانی بودند که در عراق عزت و کرامت داشتند. در داخل نیز بیش از این تعدادی آواره هستند. دولت کجاست؟ و چکارکرده است؟ ما به این دلیل از دولت بیرون کشیدیم. عدنان دلیمی در مورد حضور شبه‌نظامیان، گفت: اگر فکر می‌کنی که این شبه‌نظامیان تنها به سنیها تهاجم می‌کنند در اشتباه هستی، آنها به همه تهاجم می‌کنند. اینها فساد می‌کنند، ما از همه عراقیان دفاع می‌کنیم وسنی و شیعه برای ما فرقی ندارد. در منطقه الحربه ۵هزار خانواده سنی بودند ولی درحال حاضر کسی در آن منطقه باقی نمانده است، مساجد ما در مدینه‌الصدر چه شد؟ همه را تصرف کردند و منهدم کردند. به‌رغم این ما از همه عراقیان دفاع می‌کنیم، از شیعه و سنی دفاع می‌کنیم از ترکمن و یزیدیه دفاع می‌کنیم.

فرمان «اسلامی» کردن مجدد نظام بانکی ایران، به چه منظور صادر شده است؟ (۲)

یزدان حاج‌حمزه

بخش دوم (هدفگذاری مرحله‌یی و نهایی)

الف ـ هدفگذاری مرحله‌یی

دولت پاسداران تحول نظام بانکی را یکی از الزامات مدیریت امنیتی اقتصاد ایران تلقی می‌کند، به این تحول چشمداشت امنیتی خاص دارد و در این راستا، هدفهای مرحله‌یی زیر را دنبال می‌کند:

۱ـ قبضه بازار پول ایران

برای تحقق این منظور، قدرتهای پولی موازی دولت باید متمرکز شوند و تحت کنترل بانک مرکزی و از این طریق تحت کنترل دولت درآیند. «سازمان اقتصاد اسلامی» که برموجودی حدود ۱۴۰۰صندوق قرض‌الحسنه بزرگ و سابقه‌دار، سلطه و مدیریت دارد، مهمترین قدرت پولی غیردولتی است که باید به زیر مهمیز دولت احمدی‌نژاد درآید. این سازمان به‌گواهی عملکرد ۲۸سال گذشته‌اش تا به‌حال در بازار پول ایران، با بانک مرکزی و دولتهای گذشته درگیر بوده است. نشانه‌هایی دلالت برآن دارند که پاسداران حاکم، با حمایت و وساطت خامنه‌ای رهبر رژیم و احتمالاً به شرط مشارکت این سازمان در تشکیل «بانک قرض‌الحسنه»، توانسته‌اند «سازمان اقتصاد اسلامی» را به برچیدن صندوقها و تمرکز آنها در یک یا چند بانک قرض‌الحسنه، وادار کنند. میرمحمد صادقی، یکی از مدیران اصلی «سازمان اقتصاد اسلامی» روز ۲۹مرداد۸۶، در مصاحبه با روزنامه سرمایه بر این واقعیت صحّه می‌گذارد و در پاسخ به‌سؤال این روزنامه که خواستار «عقیده وی درباره تأسیس بانک قرض‌الحسنه» است، می‌گوید: «کاملاً موافقم، شرایط تأسیس این بانک در اساسنامه آمده است و هیچ اشکالی بر نظارت بانک مرکزی نیست؛ این طرح می‌تواند به عنوان الگویی در کشورهای مختلف قرار گیرد، فقط نباید فراموش کنیم که قرض‌الحسنه برای نیازمندان است و در جهت راه‌اندازی بانک قرض‌الحسنه تلاش کنیم. سازمان اقتصاد اسلامی هم به‌عنوان سرمایه‌گذار و بنیانگذار اصلی بانک، آمادگی خود را اعلام کرده است».

با تمکین «سازمان اقتصاد اسلامی»، که کانون تشکل مالی بازاریان شریک در حاکمیت است، مانع اصلی قبضه بازار پول در دست دولت پاسداران برطرف می‌شود. حل مسأله «نیروهای انتظامی» شامل بسیجیان، که به گزارش روزنامه همشهری (۱۳ بهمن۸۱) تا این تاریخ، گردانده ۲۰۰۰صندوق قرض‌الحسنه ریز و درشت بوده‌اند ساده‌تراست. دولت احمدی‌نژاد می‌تواند موجودی صندوقهای قرض‌الحسنه متعلق به این نیروهای تحت امر سپاه را، با دادن سهم به‌آنها در «بانکهای قرض‌الحسنه»، تحت کنترل خود درآورد. آنها، توان مقاومت در مقابل خواست دولت پاسداران را از دست می‌دهند و بدین‌ترتیب راه برتمرکز قدرتهای پولی غیردولتی و حسابهای قرض‌الحسنه بانکهای دولتی در «بانکهای قرض‌الحسنه» تحت کنترل دولت، هموار می‌شود.

۲ـ فرمانبری بی‌چون و چرای مدیریت بانک مرکزی از رئیس دولت

قبضه قدرت پولی بانکهای قرض‌الحسنه در دست دولت، مستلزم آنست که مدیریت بانک مرکزی، که این بانکها را تحت کنترل می‌گیرد، از رئیس دولت پاسداران فرمانبری بی‌چون و چرا داشته باشد. پاسدار صادق محصولی، میلیاردر تازه به‌دوران رسیده‌یی که عنوان مشاور اصلی احمدی‌نژاد را با خود یدک می‌کشد، عزل و نصبهای مکرر دولت احمدی‌نژاد را ناشی از کندی کار کارگزاران برکارشده و این‌که به «سرعت قانونی احمدی‌نژاد نمی‌رسند»، می‌داند! با این تعبیر می‌خواهند جلو تعللها و چون وچراهای اداری و تخصصی مدیریت بانک مرکزی را بگیرند، تا فرامین «رئیس‌جمهور» به سرعت اجرا شود و دیگر کند کاریهایی نظیر آن‌چه در ماجرای کاهش دستوری نرخ بهره بانکی، توسط شیانی رئیس فعلی بانک مرکزی و «شورای پول و اعتبار» اتفاق افتاد، تکرار نگردد. در این صورت بین مدیریت بانک مرکزی و دولت، رابطه نظامی فرمانبری و فرماندهی برقرار می‌شود.

در این راستا «شورای پول و اعتبار» را منحل کرده‌اند و به گزارش خبرگزاری فارس (۳۰مرداد۸۶) قرار است شیانی را از ریاست بانک مرکزی بردارند و به آن‌سوی اقیانوسها یعنی «نمایندگی ایران در بانک جهانی» تبعید کنند! روزنامه سرمایه روز ۳۰مرداد۸۶ درموردِ تاریخ اعلام نام گمانه مورد نظر احمدی‌نژاد برصندلی رئیس کل بانک مرکزی خبرمی‌دهد که «یک مقام مسئول در سیستم بانکی اعلام کرد که رئیس کل بانک مرکزی در همایش بانکداری اسلامی که روزهای ۱۳ و ۱۴شهریور ماه به مناسبت روز بانکداری اسلامی (۱۰شهریور ماه) برگزار می‌شود، رسماً معرفی خواهد شد». انتظار می‌رود دولت احمدی‌نژاد تحولات بانکی مورد نظر خود را، پیش از سرفصل انتخابات مجلس هشتم (اسفند ماه۸۶) به اجرا درآورد تا این دولت بتواند، بلافاصله، این تحول مهم را به تصویب مجلس هشتم، یعنی مجلسی که پاسداران برای تصرف اکثریت کرسیهای آن بسیج شده‌اند، برساند.

ب ـ هدفگذاری نهایی فرمان

تجمیع سپرده‌های بدون بهره قرض‌الحسنه در بانکهای قرض‌الحسنه، قدرت پولی متمرکزی را به‌وجود می‌آورد که شرکای حکومت و دولت می‌توانند از این قدرت، هم بهره‌برداری مالی داشته باشند وهم بهره‌برداری سیاسی. تا آن‌جا که به دولت پاسداران برمی‌گردد، این دولت می‌تواند پرداخت وام بدون بهره ازطریق بانکهای قرض‌الحسنه را به خدمت هدف سیاسی زیر بگیرد:

ـ تبدیل «خطر» فقر به «فرصت» ترویج بنیادگرایی!

مناسبات جنگ‌گونه‌یی که دولت پاسداران با جامعه جهانی و جامعه ایران برقرار کرده، ناشی از مأموریت اجتناب‌ناپذیری است که این دولت برای حفظ نظام ولایت‌فقیه به‌عهده گرفته است. این سیاست به‌موجودیت رژیم گره خورده و از این روی، تا رسیدن به تعادل قوای موردنظر رژیم، تغییری در آن متصور نیست. اعمال و ادامه این سیاست در مدیریت اقتصادی دولت پاسداران، چنان‌که کارنامه دوساله این دولت نشان می‌دهد، خواه وناخواه، فقر و محرومیت جامعه ایران را با سرعتی بیش ازپیش گسترش می‌دهد. مادامی‌که این سیاست تعدیل نشود، از دید امنیتی، سرکوب و اختناق به‌تنهایی نمی‌تواند «خطر» خیزش جامعه فقیر و محروم را رفع کند. از دید فاشیستهای حاکم بر ایران، فقر گسترده را می‌توان به فرصتی تبدیل کرد برای وابسته‌سازی مالی گسترده فقرا و محرومان به «بانکهای قرض‌الحسنه» و ازآن طریق به دولت و حاکمیت! سودای آن دارند که با استفاده از اهرم واگذاری مشروط وام بدون بهره بانکی (قرض‌الحسنه)، در شرایطی، راه دیگری هم برای مهارمسأله سیاسی فقر باز کنند. قصد آن دارند «امهای بدون بهره بانکی را به نیازمندان حقیقی و حقوقی بدهند که در ازای برخورداری از این امتیاز، به نوعی، عدم مخالفت خود با رژیم ولایت‌فقیه را اثبات کرده باشند و یا به آن متعهد شوند(تعهد عملی وقلبی به ولایت‌فقیه). البته طراحان این حیله به این حد اکتفا نخواهند کرد و چشم به آن دوخته‌اند که بر زمین و زمینه مستعد فقر و محرومیت مردم ایران، بذر بنیادگرایی مذهبی را در ایران برویانند و در کشورهای اسلامی بارور کنند. تا در راستای جاه‌طلبیهای سیاسی که این رژیم دارد، ازاین نظر نیز ایران را به «امالقرای جهان اسلام» تبدیل کنند. اعلام تفاهم میرمحمد صادقی، مدیر کارکشته «سازمان اقتصاد اسلامی» با دولت، مبنی براین‌که «این طرح [بانک قرض‌الحسنه] می‌تواند به عنوان الگویی در کشورهای مختلف قرار گیرد» حکایت از آن دارد که طرح دولت پاسداران اهدافی فراتر از محدوده مرزهای ایران دارد. دستگاههای خبری دولت پاسداران نیز دراین مورد تبلیغات مشکوکی را آغازکرده‌اند. دستگاه دولتی «واحد مرکزی خبر» روز ۱۰ اوت۲۰۰۷ خبری را منتشر کرد مبنی براین‌که «میزان فروش اوراق قرضه اسلامی [توسط مدیران بانکهای اسلامی] طی ۶ ماه اول سال۲۰۰۷ میلادی، ۷۵درصد افزایش یافته و به ۳۴میلیارد دلار رسیده است»! این منبع اضافه کرد که «میزان فعلی اوراق قرضه اسلامی در جهان ۲۵۰میلیارد دلار است و بیشترین فروش اوراق قرضه اسلامی در مالزی و منطقه خلیج فارس بوده است». نغمه این سیاست تبلیغی در شرایطی ساز می‌شود که احمدی‌نژاد فرمان «اجرای سهل‌تر احکام نورانی اسلام در بخش بانکی و پولی» و «ایجاد تسهیلات لازم به‌منظور حذف سود تسهیلات بانکی» را صادرکرده و به لحاظ سیاسی درحال و هوای گسترش بنیادگرایی در کشورهای اسلامی و سلطه‌گری نظام ولایت‌فقیه به‌سر می‌برد. تجربه چگونگی تسلط فاشیسم هیتلری بر جامعه فقیر آلمان بعد از جنگ جهانی اول و بحران فقرآفرین سال۱۹۲۹، می‌تواند الهام‌بخش سیاست دولت پاسداران در کار تبدیل «خطر» فقر به«فرصت» سلطه بنیادگرایانه برفقرای ایران و منطقه باشد!

البته، بازاریان شریک در حاکمیت و نیروهای انتظامی و بسیجها که گردانده اصلی صندوقهای قرض‌الحسنه کنونی هستند، ضمن تفاهم امنیتی با دولت پاسداران درمورد تجمیع این صندوقها در بانکهای قرض‌الحسنه، از منافع مالی خود غافل نیستند و به شرط حفظ این منافع به تشکیل «بانکهای قرض‌الحسنه» رضایت داده‌اند. مؤسسات تحت مدیریت این شرکای تجارت‌پیشه حاکمیت، ممکن است به‌عنوان شخصیتی حقوقی به سهامدار و مالک اصلی برخی از بانک قرض‌الحسنه تبدیل شوند. در این صورت می‌توانند، با هماهنگی بانک مرکزی، از پول هنگفتی که بدون پرداخت بهره در این بانکها متمرکز می‌شود، بهره‌برداری مالی بیشتری داشته باشند و اهرم پولی کارآتری را در بازار پول، بازار بورس و بازار کالا، به‌کار اندازند.

عارضه بانکی ناشی از اجرای فرمان

برخورد سیاسی ـ امنیتی مدیریت اقتصادی دولت پاسداران با مقوله اقتصادی حساسی نظیر پول، و ریخت وپاش امنیتی پول بی‌بهره‌یی که در بانکهای قرض‌الحسنه متمرکز می‌شود، می‌تواند بحران مطالبات معوقه «متکوک الوصول» و به عبارت بهتر «غیرقابل وصول» بانکها را به‌شدت دامن بزند و میزان نقدینگی تورم‌زای بخش خصوصی را بیش ازپیش افزایش دهد. درحال‌حاضر در بازار آزاد پول ایران نزول و بهره پول، به تبعیت از نرخ ۲۵درصدی تورم، به حدود ۴۰درصد رسیده است. در این شرایط وصول و بازپرداخت وام بی‌بهره به بانک واهمدهنده، هیچ تضمین مادی نمی‌تواند داشته باشد. شاهد مثال افزایش شدید مطالبات معوقه با نکهایی است که به وام‌گیرنده‌های مورد نظر دولت، وام با بهره حدود ۱۲درصد می‌دهند. روزنامه سرمایه روز۲۹ مرداد۸۶، به‌نقل از حسابداران بانکی می‌نویسد: «۲۵هزار میلیارد تومان از وامهایی که با بانکها پرداخت کرده‌اند را وجود آن‌که سررسید بازپرداخت آنها منقضی شده، وصول نشده است و این رقم را باید به حساب مطالبات معوقه بانکها منظور کرد(حدود ۲۰درصد رقم کنونی «نقدینگی بخش خصوصی»). بیشتر افراد و شرکتهایی که بانکها، به سفارش دولت ویا گرفتن ضمانت، به آنها وام با بهره حدود ۱۲ درصد داده‌اند جزو وام گیرندگانی هستند که بابت وام سررسید شده خود، علاوه بربهره بانکی، جریمه دیرکرد نیز می‌پردازند. اما ازبازپرداخت اصل وامهایی که ازبانک گرفته‌اند خودداری می‌کنند (رئیس دیوان محاسبات مجلس رژیم، رقم بدهی بانکی سررسید شده برخی ازاین افراد را ۱۵۰ و برخی از شرکتها را ۳۵۰ میلیارد تومان اعلام کرده است).

با این حساب، می‌توان پیش بینی کرد که دراین بازار آشفته پولی، میزان غیرقابل وصول شدن پرداخت وامهای بدون بهره توسط بانکهای قرض‌الحسنه، به مراتب بیشتر از میزانی شود که درحال حاضر پرداخت وام با بهره‌وری دست بانکها گذاشته است.

نتیجه‌گیری

تشکیل «بانک قرض‌الحسنه»، در دیدگاه امنیتی دولت پاسداران، اهرم مالی لازمی‌است، برای کشت بنیادگرایی در زمین مساعد فقر. دراین دیدگاه، بنیاد گرایی اسلامی زیرساخت و ملاّ ذهنی لازم برای بقای رژیم ولایت فقیه است. پاسداران این نظام مأموریت دارند «به هرقیمت» به تدارک این الزام وسایر الزامات حفظ نظام بپردازند. به لحاظ مالی، ریخت وپاش پول نفت و منابع بودجه دولت تکافوی هزینه عملیات مربوطه را نمی‌دهد. می‌خواهند منابع بانکی وسپرده‌های پولی مردم را نیز به خدمت پیشبرد این مأموریت بگیرند. با مسائلی که این اقدام دربازار پول ایران به وجود می‌آورد، فعلاً کاری ندارند. زیان حال پاسداران حاکم این است «المأمور معذور»! برماست که جلو مأموران رنج و عذاب جامعه ایران را بگیریم.

اعتراضات

کمبود گاز در زاهدان با اعتراض شدید مردم روبه‌رو شد

کمبود گاز مانع در ایستگاههای عرضه سیلندر گاز در شهر زاهدان، باعث تشکیل صفهای چند کیلومتری و اعتراض شدید مردم به آخوندهای غارتگر شده است. برخی شهروندان که ساعتها وقت خود را برای تهیه سیلندر ایران‌گاز و پرسی‌گاز در صفها می‌گذراندند می‌گویند با وجود انتظار ۱۰ساعته قادر به دریافت گاز نیستند.

آنان کمبود سیلندرهای گاز و توزیع نامناسب را از علل بروز این مشکل می‌دانند. در بازار آزاد هر سیلندر گاز با قیمت ۱۵۰۰ تا دو هزار تومان عرضه می‌شود. کارگزاران رژیم به جای توزیع سیلندرها از طریق ایستگاههای رسمی، آنها را روانه بازار سیاه می‌کنند.

اعتراض کارگران ایران خودرو در ساری

کارگران ایران خودرو در ساری تجمع اعتراضی برگزار کردند. این تجمع در اعتراض به تعطیلی تعمیرگاه مرکزی این کارخانه صورت گرفت(کیهان ۳۰مرداد۸۶).

آژانسهای تاکسی تلفنی به‌حالت نیمه تعطیلی درآمده‌اند

آژانسهای تاکسی تلفنی به دلیل طرح ضدمردمی جیره‌بندی بنزین به‌حالت نیمه تعطیلی درآمده‌اند.

تاکسی تلفنی لاله به علت این که رژیم سهمیه لازم بنزین را به آن نمی‌دهد درحال حاضر با مشکل جدی روبه‌رو شده و رانندگان آن از ۱۵نفر به ۴نفر کاهش یافته است.

آژانس تاکسی تلفنی آسمان نیز با گذشت دو ماه از جیره‌بندی بنزین هنوز سهمیه ویژه را دریافت نکرده و در آستانه تعطیلی است.

در این آژانس از ۲۵راننده تنها دو تا سه راننده آن مشغول کار هستند.

مشکلات ناشی از تعطیلی آژانسهای تاکسی تلفنی مردم بیرجند را در تنگنا قرار داده است.

تجمع اعتراضی معلمان حق‌التدریسی مقابل مجلس رژیم

معلمان حق‌التدریسی برای دومین روز پیاپی در مقابل مجلس رژیم تجمع اعتراضی برگزار کردند.

تجمع‌کنندگان با در دست داشتن پلاکاردهایی خواستار استخدام رسمی در آموزش و پرورش بدون برگزاری آزمون شدند.

معلمان تجمع‌کننده گفتند: «با وجود بیش از ۴۰هزار معلم حق‌التدریسی وزارت آموزش و پرورش قصد دارد تنها ۵هزار معلم حق‌التدریسی را استخدام کند که این اقدام وزارت آموزش و پرورش، نادیده‌گرفتن حقوق معلمان است».

اعتراضات اقشار مختلف مردم علیه رژیم

اعتراضات اقشار مختلف علیه وضعیت وخیم معیشتی و فشارهای ناشی از سیاستهای غارتگرانه رژیم آخوندی در شهرهای مختلف ادامه دارد.

در سوادکوه ۷۵تن از کارگران سد البرز در اعتراض به‌پرداخت‌نشدن حقوقشان دست از کار کشیدند.

آنان خواستار پرداخت چهار ماه حقوق عقب‌افتاده و بن کارگری سال ۸۵ شدند.

در استان کرمان، کارگران کارخانه کک‌کشازی و قطران زرند در اعتراض به پرداخت‌نشدن حقوق، تجمع کردند.

این تجمع روز سه‌شنبه از ساعت ۷صبح در مقابل کارخانه صورت گرفت. معترضان گفتند: حقوق و مزایای ما را به موقع پرداخت نمی‌کنند به‌همین‌دلیل در وضعیت معیشتی سختی به‌سر می‌بریم و از تأمین هزینه زندگی خود و خانواده عاجز هستیم.

در زرند کرمان هم‌چنین رانندگان خودروهای سواری بین شهری نیز در اعتراض به‌وضعیت جیره‌بندی بنزین و کاهش کرایه‌ها در میدان جهاد این شهر تجمع کردند.

در بندرعباس رانندگان آژانسهای مسافربری در مقابل استانداری رژیم در هرمزگان تجمع کردند.

این رانندگان جیره‌بنزین ۶ماه خود را در مدت دو ماه مصرف کرده‌اند.

آنان که از میزان کم جیره بنزین به‌شدت ناراضی هستند خواستار آن شدند که روزی ۱۵لیتر بنزین دریافت کنند.

در خرم‌آباد، رژیم آخوندی ۴۰۰ تن از کارگران قراردادی کارخانه پارسیلون را اخراج کرد و به این وسیله تنها منبع امرار معاش این کارگران و خانواده‌هایشان رافقع نمود. حسین صابری استاندار رژیم در لرستان ضمن اعلام این خبر، گفت: این افراد به‌دلیل نوسازی ماشین‌آلات فرسوده، کارخانه اخراج شدند. به‌گفته وی برخی از کارگران قراردادی که اخراج شدند دارای ۱۵سال سابقه کار بودند.

در قزوین کارگران کارخانه قوه پارس در اعتراض به پرداخت‌نشدن حقوقشان در مقابل این شرکت تجمع کردند.

در شهرهای شیراز، خوی، مشهد، آزادشهر و ورامین، کارگران، رانندگان، پرستاران و سایر اقشار مردم علیه سیاستهای رژیم آخوندی دست به اعتراض زدند.

در شیراز رانندگان خودروهای تاکسی موقت در مقابل استانداری رژیم تجمع کردند.

تجمع‌کنندگان ضمن اعتراض نسبت به طرح جیره‌بندی بنزین نسبت به اتمام مهلت استفاده از حواله‌های سوخت بنزین ابراز نگرانی کردند و گفتند اگر سوخت آنان تأمین نشود، با مشکلات جدی برای امرار معاش خود و خانواده‌هایشان روبه‌رو می‌شوند.

در خوی کارگران کارخانه نساجی در اعتراض به پرداخت‌نشدن حقوقشان روز جمعه ۲شهریور، در مقابل فرمانداری رژیم در این شهر تحصن کردند.

براساس گزارشهای دریافتی ۶۰۰کارگر زحمتکش این کارخانه مدت سه ماه است که حقوق نگرفته‌اند.

در مشهد پرستاران بیمارستان امام رضا در مقابل ساختمان دفتر این بیمارستان تجمع کردند.

آنان نسبت به اخراج خود توسط رژیم آخوندی اعتراض کردند.

در آزادشهر شماری از کارگران خدمات شهری شهرداری در اعتراض به‌پرداخت‌نشدن حقوقشان تجمع کردند. آنان هم‌چنین علیه اخراج بی‌دلیل تعدادی از همکارانشان اعتراض کرده و خواستار بازگشت آنان به سرکار شدند.

در ورامین تعدادی از کارگران اخراج شده نسبت به پرداخت‌نشدن حقوق ضایع شده‌شان در مقابل فرمانداری رژیم تجمع کردند. معترضان گفتند حدود ۴۰ماه از اخراج آنان می‌گذرد و به‌رغم اعتراضات مکرر هنوز هیچ پاسخ به‌خواستهایشان داده نشده است.

کارکنان بیمارستان پاستور بم گفتند به علت فقدان بنزین، آمبولانسهای اورژانس این بیمارستان قادر به انتقال بیماران نیستند و همین موضوع باعث شده است طی ماه گذشته شماری از بیماران اورژانس به علت دیر رسیدن به بیمارستان، جان خود را از دست بدهند.

اخبار اقتصادی

سومین بانک مهم آلمان به مروادات خود با رژیم ایران پایان می‌دهد

بانک درسدنر (Dresdner) آلمان در چارچوب تحریمهای بین‌المللی علیه رژیم ایران، تصمیم گرفت که به مرادوات خود با این رژیم پایان دهد. سخنگوی بانک درسدنر گفت: ما قصد داریم به بانکهای دیگر آلمان که از ایران خارج شده‌اند، بپیوندیم.

خبرگزاری فرانسه روز ۳۰مرداد ضمن مخابره این خبر افزود: بعد از این‌که بانک درسدنر به‌طور فیزیکی از ایران خارج شود، معاملات موجود را تا آن‌جا که به لحاظ قانونی امکان‌پذیر باشد کم می‌کند. وام سال۲۰۰۶ بانک درسدنر به‌رژیم ایران که به چند صد میلیون یورو کاهش یافته امسال به یک مبلغ دو رقمی کاهش خواهد یافت.

این خبرگزاری افزود: دولت آمریکا می‌گوید رژیم ایران از گروههای تروریستی حمایت می‌کند. آمریکا سالهاست تلاش می‌کند مرادوات مالی بین‌المللی با رژیم ایران را قطع نماید.

لازم به یادآوری است پیش از این، بانکهای کامرز و دویچه بانک، دو بانک مهم آلمان هم معامله با رژیم ایران را محدود کرده‌اند. در ماه ژوئیه، بانک دویچه تمام حسابهای شخصی و تجاری این کشور را با رژیم ایران بست.

روزنامه سرمایه اول شهریور، با درج این خبر نوشت: زمان مشخصی برای پایان تعلیق مرادوات تجاری این بانک با ایران اعلام نشده است. سخنگوی درسدنر گفت: «ما فعالیت خود با ایران را قطع می‌کنیم زیرا هزینه‌های فعالیت با ایران بسیار افزایش یافته است».

واکنش بانک مرکزی رژیم

روزنامه سرمایه در ادامه به واکنش بانک مرکزی رژیم پرداخت و نوشت: «مجرد، معاون ارزی بانک مرکزی در گفتگو با نشریه فیناننشال تایمز به بانکها و شرکتهای اروپایی هشدار داد که نسبت به اقدامات خود هوشیار باشند و تأکید کرد: «اگر آنها فعالیت خود با ایران را متوقف کنند هیچ تضمینی برای بازگشت آنها به روزهای خوب وجود ندارد».

قطع معاملات نفتی و تجاری دو شرکت ایتالیایی با رژیم

دو شرکت ایتالیایی، معاملات نفتی و تجاری خود با رژیم ایران را متوقف کردند.

پائولو اسکاروئنی مدیرعامل شرکت ملی نفت ایتالیا ـ ئنی ـ در یک کنفرانس مطبوعاتی که روز ۲۹مرداد برگزار شد، اعلام کرد: درحال‌حاضر به هیچ‌وجه قصد نداریم حضورمان در ایران را گسترش دهیم و برنامه‌یی نیز برای آینده در دست نداریم.

هم‌چنین شرکت نوواَیوبه که قرار بود کارخانه‌یی برای ساختن توربینهای مورد استفاده در حفاریهای نفتی و گازی در ایران احداث کند، از سرمایه‌گذاری صرفنظر کرده و کلیه قراردادهایش با رژیم ایران را فسخ کرده است.

اخبار اجتماعی

زندانهای استان مازندران ۴برابر ظرفیت زندانی دارند

سردژخیم زندانهای استان مازندران، به دستگیریهای بی‌رویه در این استان اعتراف کرد و گفت:

«زندانهای استان، ۴برابر ظرفیت موجود زندانی دارند».

علی اکبر غفاریان که در جمع دژخیمان زندانهای استان مازندران سخنرانی می‌کرد، با اشاره به وجود ۵هزارو ۲۰۰زندانی در این زندانها افزود: «با افزایش هزار و ۲۰۰نفری آمار زندانیان استان در مقایسه با سال گذشته، زندانهای استان ۴برابر ظرفیت موجود زندانی دارند».(خبرگزاری رژیم ـ فارس اول شهریور۸۶).

برخی مشکلات روزمره مردم محروم

برخی کسبه مشهد به‌دلیل جیره‌بندی بنزین در حال ورشکستگی هستند.

روزنامه خراسان ۳شهریور، از قول یک هموطن محروم، به بیان برخی مشکلات مردم پرداخت و نوشت:

از دولت و نمایندگان مجلس ممنونیم که وقت و پول مردم را صرف مصوبات بدیهی مانند تغییر ساعت رسمی کشور می‌کنند!

راجع به مبالغ سرسام‌آور قبضهای برق و نحوه محاسبه میزان برق مصرفی گزارشی تهیه کنید.

تکلیف کسانی که تازه می‌خواهند مسافرکش شخصی بشوند چیست.

کسبه اطراف حرم مطهر امام رضا به دلیل کمبود مسافر که ناشی از سهمیه‌بندی بنزین است در حال ورشکستگی هستند.

شهرستان سرخس باتوجه به جمعیت بالا از داشتن پلیس ۱۰محروم است ومردم باید۲۰۰کیلومترتا مشهد بیایند تا مثلاً یک آدرس کارت سوخت را اصلاح کنند.

اگر۴۰۰ هزار تومان درآمد، مرز فقر است چرا از ۳۳۰هزار تومان درآمد به بالا باید مالیات پرداخت کنیم.

اگر واقعاً دولت راست می‌گوید و ۵هزار میلیارد تومان در سهمیه‌بندی بنزین صرفه‌جویی کرده نیاز نیست لایحه جدید به مجلس بیاورد، همان لایحه خدمات کشوری که به گفته خودشان به خاطر ۵هزار میلیارد تومان سه سال است بر زمین مانده، اجرا کنند.

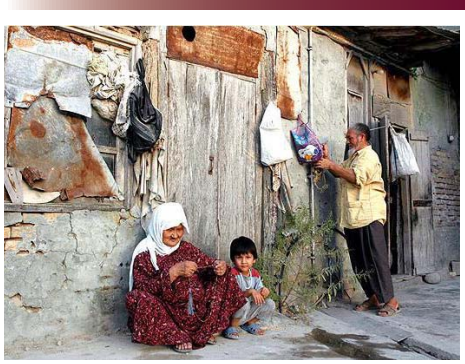

رژیم با کسری بودجه زیادی در سال۸۶ روبه‌روست

رضا عبداللهی، رئیس کمیسیون برنامه و بودجه مجلس ارتجاع، اعتراف کرد بودجه سال ۱۳۸۶ رژیم با کسری زیادی روبه‌روست. تنها درپخش آموزش و پرورش ۲۵۰۰میلیارد تومان کسری بودجه داریم. وی روز ۳۰مرداد، گفت: دولت تا یکی دو ماه دیگر ناچار است برای کسر بودجه بنزین یک و نیم تا دو میلیارد دلار لایحه متمم بودجه برای واردات بنزین به مجلس ارائه کند.

اعتراف رئیس کل دیوان محاسبات رژیم به وجود حسابهای مخفی بانکی مقامها رژیم

رئیس کل دیوان محاسبات رژیم به وجود حسابهای مخفی بانکی توسط مقامها و ارگانهای حکومت غارتگر آخوندی اعتراف کرد. محمد رضا رحیمی روز ۳۰مرداد، گفت: حسابهای پنهان حسابی است که مجوز بانک مرکزی را جهت فعالیت دریافت نکرده که البته خود این کارخیر قانونی است اما این بدان معنا نیست که پول موجود در این حسابها همگی صرف کارهای غیر قانونی می‌شود. وی به‌منظور پرده‌پوشی ابعاد این حسابها مدعی شد: درخصوص وجود حسابهای بانکی پنهان در وزارتخانه‌ها اطلاعات غلط به مردم داده شده است.

رئیس کل دیوان محاسبات رژیم به یک فقره اختلاس میلیاردی هم اذعان کرد و گفت: در استان کردستان تخلف چشمگیری گزارش نشده به جزتخلف ۳۶میلیاردی بیمه که در حال پیگیری آن هستیم.

یادداشت روز روزنامه
یادداشت روز الکترونیکی‌مجاهد۳شهریور۸۵

از افتخارات بنده!...

هوشنگ امیراحمدی:«به‌طور رسمی ثبت‌نام کردم که می‌خواهم رئیس‌جمهور بشوم، می‌خواستم در تاریخ ایران ثبت بشود که در آن نقطه عطف تاریخی امیراحمدی جزء تحریمیها نبود»

نگاهی به سیلاب چرکین «افتخارات بنده»ی درگاه ولایت خامنه‌ای

یکی از ویژگیهای مرحله پایانی رژیم این است که هم آخوندها و هم طرفهای مختلف مرتبط با آخوندها، حرفهای آخر خودشان را بر زبان می‌آورند، چرا که همه تحولات به آخر خط خود رسیده و نوعی شفافیت ناگزیر به‌وجود آورده است. به‌همین اعتبار، آنچه را که احمدی‌نژاد در مورد «احمدی‌نژادی‌شدن دنیا» یا «نابودکردن و به آتش‌کشیدن کشورهای اسلامی وکشورهای منطقه» و حتی ازمیان‌برداشتن ایرقدرتهای عالم می‌گوید، نباید به‌حساب بلاهت وی گذاشت. واقعیت این است که در این مرحله او ناگزیر است همین‌طور و در همین مایه‌ها حرف بزند. به‌عبارت دیگر، رژیم آخوندی به‌جایی رسیده که چنین رئیسی را می‌طلبد. در سطح جهانی هم، طرفهای مماشاتگر حکومت آخوندها، ناگزیر می‌شوند که حفظ ظاهر را کنار بگذارند. مثلاً شورای وزیران اتحادیه اروپا به فضاحت‌بارترین صورت حکم دادگاه عدالت اروپا را پایمال می‌کنند یا کسی مثل ژاک شیراک در اواخر دوران ریاست‌جمهوریش جواز دستیابی رژیم آخوندها به دو سه بمب اتمی را صادر می‌کند.

حالا بعد از این مقدمه، می‌رویم سراغ یک نمونه به‌اصطلاح وطنی (البته از نوع تقلبی) به نام هوشنگ امیراحمدی که در این هفته در تلویزیون صدای آمریکا از یک طرف خودش را یک «آمریکایی» بسیار صلح‌دوست معرفی می‌کرد و ازطرف دیگر، هم در حرف و هم در عمل، خدمت‌رسانی به فاشیسم جنگ‌افروز مذهبی را افتخار خودش می‌دانست.

حالا بعد از این مقدمه، می‌رویم سراغ یک نمونه به‌اصطلاح وطنی (البته از نوع تقلبی) به نام هوشنگ امیراحمدی که در این هفته در تلویزیون صدای آمریکا از یک طرف خودش را یک «آمریکایی» بسیار صلح‌دوست معرفی می‌کرد و ازطرف دیگر، هم در حرف و هم در عمل، خدمت‌رسانی به فاشیسم جنگ‌افروز مذهبی را افتخار خودش می‌دانست.

«تصادفاً» در روز منحوس ۲۸مرداد در این برنامه بر زبان آورده‌است:

ـ بنده اسمم رو گذاشتم به‌عنوان کسی که می‌خواستم رئیس‌جمهور بشم. به‌طور رسمی ثبت‌نام کردم که می‌خوام رئیس‌جمهور بشم و مخصوصاً این کار رو کردم برای این‌که می‌خواستم در تاریخ ایران ثبت بشه که در اون نقطه عطف تاریخی، امیراحمدی جزء تحریمیها نبود»!!

ـ «افتخار می‌کنم که شورای ما تحریم را از روی فرش و از روی مواد غذایی و از روی کمکهای انسانی برداشت.

ـ از افتخارات شورای ماست که خانم آلبرایت را آورد از ملت ایران به‌خاطر کودتای۱۳۵۳ عذرخواهی کرد.

ـ شورای ما افتخار می‌کند که نگذاشته ایران، عراق دیگری بشود. «من افتخار می‌کنم که صلح‌طلبم» و... «بنده جزء افتخارات من است که در سال۲۰۰۲ سعی کردیم این جریان معامله بزرگ را که به‌نام گرندبارگن معروف شد بعدها ما این را مطرح کنیم بین دو تا دولت [رژیم آخوندها و دولت آمریکا] که شاید بتوانیم سر برخورد با عراق، بین دو تا کشور یک همکاری ایجاد بشود و بعد از آن، شاید تبدیل بشود به ایجاد حل تمام مشکلات دو کشور که به آن می‌گوییم، گرند بارگن، معامله بزرگ. بله از افتخارات بنده است که بنده هم آرشیتکت این جریان بودم و هم درش فعال بودم و دولت آمریکا توش نقش اساسی داشت. دولت ایران توش بود و خیلی جریان رسمی و خوبی بود. متأسفانه شکست خورد»!!

ـ من افتخار می‌کنم. ۷۰درصد ملت ایران طرفدار موضعی است که من دارم...».

در این جا مجری برنامه می‌پرسد: «خوب دکتر امیراحمدی، همین ۷۰درصد که می‌فرمایید یک ایمیل داریم که سؤالشان این است که این ۷۰درصد مردم ایران که رابطه با آمریکا را خواهانند در قالب این رژیم است و یا این‌که روابط ایران و آمریکا را از بین‌رفتن این رژیم می‌دانند؟»، و امیراحمدی جواب می‌دهد: «در قالب همین رژیم هست»!

خوب است یادآور شویم که هوشنگ امیراحمدی در خرداد و تیرسال۸۴ طبق قانون آخوندی و با تعهد «التزام عملی و اعتقاد قلبی به ولایت‌فقیه خامنه‌ای» قصد داشت که به‌جای محمود احمدی‌نژاد رئیس‌جمهور رژیم آخوندها بشود و به‌همین دلیل، در برنامه تلویزیون صدای آمریکا، مجری برنامه می‌پرسد: «آقای امیراحمدی قبل از این‌که به تلفنها بپردازیم یکی از ایراداتی که به‌شما وارد می‌شد آن‌موقع این بود که با ثبت‌نام خودتان، در واقع، التزام خودتان رو به ولایت‌فقیه، نشان دادید؟» و هوشنگ امیراحمدی جواب می‌دهد که «نخیر بنده فقط می‌خواستم التزام رو به ملت ایران نشون بدم»!!

و بالاخره نوبت می‌رسد به تلفنهای تماشاکنندگان برنامه که یکی از آنها از آلمان می‌گوید: «از آقای امیراحمدی خواستم بپرسم، آیا شما وقتی خودتان به‌عنوان همکار رژیم، جرأت نمی‌کنید به ایران بروید، ترس می‌شناسند که البته ایشان با پنتاگون خیلی روابط نزدیکی داشتند و دست آخر جاسوس دم جوابه در آمد و من یادم است رادیو بی.بی.سی برنامه‌یی داشت که با اطلاعات غلطی که

سؤال یکی از تماشاکنندگان برنامه تلویزیونی صدای آمریکا از ایران:

«من یک سؤال از آقای امیراحمدی داشتم کاری نداشتم به اون خیانتهایی که شاید شورای ایشان به ایران کردند به ملت ایران ولی شورای ایشان و خود شخصی به‌نام احمد چلبی که آقای امیراحمدی حتماً ایشان را خیلی خوب می‌شناسند که البته ایشان با پنتاگون خیلی روابط نزدیکی داشتند و دست آخر جاسوس دم‌جوابه در آمد و من یادم است رادیو بی.بی.سی برنامه‌یی داشت که با اطلاعات غلطی که به پنتاگون می‌داد،آمریکا را درگیر کردند با جنگ عراق که بدون اینکه جمهوری اسلامی یک گلوله کلاشینکوف هزینه کند ، صدام حسین را دولت آمریکا برداشت به بزرگترین دشمن جمهوری اسلامی بود»

شما برای منافع شخصی خودتان این کار را می‌کنید آیا این‌طور نیست؟» تماشاکننده دیگری هم از ایران پرسید: «من یک سؤال از آقای امیراحمدی داشتم کاری نداشتم به اون خیانتهایی که شاید شورای ایشان به ایران کردند به ملت ایران ولی شورای ایشان و خود شخصی به‌نام احمد چلبی که آقای امیراحمدی با نقشی که آقای چلبی داشتند و می‌شناسند که شورای خودشان داشتند و درگیرکردن جنگی که آمریکا داشت در عراق؟» ناگفته معلوم است که جواب این سؤالات باز هم سیلاب چرکینی است از «افتخارات بنده»ی درگاه ولایت خامنه‌ای!

اما جواب واقعی، همان است که در اول این یادداشت یادآورشدیم: در مرحله پایانی دیکتاتوری مفلوک آخوندی، همه طرفها، از حامیان مماشاتگر خارجی تا پادوهای مواجب‌بگیر به‌اصطلاح وطنی، شغل شریف نفت مشغول است. در سال۱۹۹۲ توسط اف.بی.آی دستگیر و مدتی به‌جرم قاچاق مواد نفتی در زندان بوده‌اند. ایشان آن‌قدر خاطرش برای رژیم ایران عزیز است که چندی پیش یکی از دادگاههای تهران حکمی صادر کرد که محل سابق سفارت آمریکا در تهران در خیابان روزولت را بفروشند، پول ساختمانش را به‌خاطر زجرهایی که حسین علیخانی در زندان آمریکا کشیده به ایشان بدهند...

در مورد جنگ‌طلبی خیلی جالب است که [امیراحمدی] تقسیم می‌کنند مردم ایران را به دو دسته. عده‌یی مثل من که طرفدار جنگیم، عده‌یی هم مثل آقای امیراحمدی که طرفدار صلحند. پس اجازه بدید من یک مقدار مسائل را روشن کنم. اتفاقاً برعکس. مردم ایران، در کلیت خودشان همه طرفدار صلحند. طرفدار رابطه با تمام دنیا هستند اما رژیم ایران و دوستانش، به‌خصوص در آمریکا ازجمله آقای امیراحمدی در طی سالیان گذشته یعنی از سال۹۳ که ایشان شروع به‌کار کردند تاکنون همواره با حمایتهای بیدریغ از رژیم ایران، کمک کردند که کار به جایی رسیده اکنون که رژیم ایران در آستانه دستیابی به‌بمب اتمی در آستانه تسلط کامل برخاورمیانه با افکار ارتجاعی است و همین است که باعث جنگ خواهد شد. برای من خیلی جالب است که دلایل جنگ‌طلبی من را ایشان بگویند اما من می‌توانم برعکس بگویم، همان کنگره‌سمنی (نمایندهٔ کنگره‌یی) که از طرف شورای ایشان، شورای آمریکایی- ایرانی در سال۲۰۰۰، جایزه مخصوص گرفت، یعنی بابتی که هم اکنون به‌جرم رشوه‌خواری در زندان به‌سر می‌برد و به ایران رابطه داشته است. همین شخص در سال۲۰۰۳ وقتی که آمریکا می‌خواست وارد جنگ با عراق بشود، اگر یادمان باشد، بعضی کشورهای اروپایی مخالفت می‌کردند، در آمریکا به این سیب‌زمینی سرخ کره‌یی که با ساندویچ می‌خورند می‌گویند french frieze یعنی سرخ کرده فرانسوی. فرانسه با جنگ مخالف بود. این آقای بابتی، یعنی دوست آقای امیراحمدی ایشان یک شویی راه انداخت در رستورانهای واشنگتن، اسم french frieze را کرد freedom frieze. یعنی رژیم ایران، رژیم ایران به طور مشخص با دادن پیامهایی، با کمک چلبی‌هایی که وابسته به ایران بودند، با کمک بابتی‌ها و بخصوص دوستان آقای امیراحمدی، آمریکا را بکشد به عراق، با مقالات متعددی که در مورد همکاریهای آینده رژیم ایران با آمریکا در عراق می‌نوشتند، آمریکا را به جنگ کشاندند...

نمونه‌هایی از سوابق خدمات امیراحمدی و دیگر پادوهای حکومت آخوندی

سابقه به‌کارگیری هوشنگ امیراحمدی و بنیاد فیر توسط حکومت آخوندی علیه‌مجاهدین

نقل از نشریه مجاهدشماره۳۶۱
۲ آبان ۱۳۷۳

دلالی هوشنگ امیر احمدی برای رژیم آخوندی در آمریکا

امیراحمدی برای راه‌اندازی یک کنفرانس در زمستان سال۷۱، ۴۰هزار دلار دستمزد از رژیم گرفته بود

نقل از نشریه مجاهدشماره۳۰۶
۱۴تیرماه ۱۳۷۲

هفته گذشته دفتر مطبوعاتی مجاهدین در پاریس طی اطلاعیه‌یی از توطئه رفسنجانی برای تدوین گزارش برضد مقاومت، پرده برداشت و اعلام کرد: «از مدتها پیش رفسنجانی و کمال خرازی، سفیر رژیم در نیویورک، طرح گسترده‌یی را به‌منظور صد و ریک گزارش مغرضانه از سوی وزارت خارجه آمریکا علیه مجاهدین و مقاومت ایران طراحی می‌کرده‌اند.

رژیم خمینی پس از تصویب الحاقیه لایحه بودجه وزارت خارجه، که از دولت آمریکا می‌خواهد گزارشی در مورد مجاهدین به‌کنگره ارائه کند، دست به‌کار این توطئه شده است. به‌همین منظور رفسنجانی، ابراهیم یزدی، وزیر خارجه سابق و نماینده سابق خمینی درآمریکا در دهه۱۹۷۰ را یک ماه پیش به آمریکا فرستاد.

خرازی، با به‌کارگرفتن یزدی، مهدی نوربخش، هوشنگ امیراحمدی و بیژن سپاسی، رئیس بنیاد فیر(FAIR)، لابی تمامیهای متعددی با سیاستمداران سابق و متخصصان طرفدار سیاست ایران‌گیت و مماشات با رژیم، تلاش می‌کند تا اتهامهای رژیم آخوندی علیه مقاومت ایران را برای وزارت خارجه تکرار کند.

آنها می‌خواهند این اتهامها را، در قالب یک بیانیه مشترک، به امضای متخصصان مزبور برسانند، اتهامهایی از قبیل استفاده مجاهدین از «تروریسم و خشونت سیاسی»، «فقدان دموکراسی در درون مجاهدین»، «عدم پایگاه اجتماعی مجاهدین در داخل ایران» و «تهدید ایرانیان خارج از کشور» و...

اطلاعیه دفتر مجاهدین می‌افزاید: «طبق گزارش واصله به دفتر رفسنجانی، خرازی گفته است امضاکنندگان این بیانیه، ازجمله عبارت خواهند بود از: جیمز بیل، ریچارد کاتم، گری‌سیک، یرواند آبراهامیان، روح‌الله رمضانی، نستا رمضانی، بهمن بختیاری، محمدجعفر محلاتی (نماینده کماکان در آمریکا به‌سر می‌برد و با پیروان خط ایران‌گیت ارتباطات گسترده‌یی دارد. محسن میلانی از فلوریدا، فرهاد کاظمی از نیویورک، و شیخ‌اسلام نیز که ارتباطات گسترده‌یی با خرازی دارند، در همین راستا سخت در تلاشند تا با ارتباطات خود سابق رژیم در سازمان ملل، در نیویورک)، هوشنگ امیر احمدی،بیژن سپاسی و...»

دفتر مطبوعاتی مجاهدین خلق ایران هم‌چنین طی اطلاعیه‌یی در تاریخ ۲۹مهر۷۳ اعلام کرد: «با به گزارشها، یزدی وزیر خارجه سابق خمینی و نماینده او در آمریکا، در سالهای هفتاد، که یک‌ماه قبل برای این‌کار از سوی رژیم خمینی به آمریکا فرستاده شده بود، با محافل آمریکایی، دست وزارت خارجه آمریکا را برای یک گزارش کاملامنفی پر کنند».

هم‌چنان‌که ملاحظه کردید، رژیم خمینی برای گنجاندن یک مضمون مغرضانه از سوی وزارت خارجه آمریکا علیه مجاهدین و مقاومت ایران، با خرج مبالغ هنگفتی، دست به یک بسیج همه جانبه زده است و در این مسیر از ساواکیهای منفور شاه گرفته تا بلندگوهای استعماری و تا مزدوران و آلت‌فعلهایش در خارج کشور را به مدد فراخوانده و آنها نیز در آخرین تلاش مأیوسانه خود برای آخوندها و خط ایران‌گیت دُم می‌جنبانند. اما آخوندها و تمام پاسداران و بسیجیان سیاسی‌اش در خارج کشور هیچ حرف جدیدی علیه مجاهدین و مقاومت ایران ندارند. آنها دروغهای رنگ‌باخته و زنگ‌زده ساواک آخوندی را که پس از قضایای بحران کویت نیز علم شد و نهایتاً رسوای خاص و عام گردید، یک‌بار دیگر علم کرده‌اند. جالب این جاست که آخوندها از فرط بلاهت و خالی‌بودن دستشان علیه مقاومت، همان مزدوران و آلت‌فعلهای سوخته و آبروباخته را در خط «ایران‌گیت جدید» مورد مصرف قرار می‌دهند...

خرازی، با به‌کار گرفتن یزدی، مهدی نوربخش، هوشنگ امیراحمدی و بیژن سپاسی، رئیس بنیاد فیر(FAIR)، لابی رسمی رژیم در واشینگتن، طی تماسهای متعددی با سیاستمداران سابق و متخصصان طرفدار سیاست ایران‌گیت و مماشات با رژیم، تلاش می‌کند تا اتهامهای رژیم آخوندی علیه مقاومت ایران را برای وزارت خارجه تکرار کند

یاوه‌های یک مأمور منفور وزارت اطلاعات علیه «عمادجان»

هزینه‌های کلان آخوندها برای انتشار اطلاعات دروغ علیه مجاهدین

فلور صدودی(رام)

در شرایطی که رژیم آخوندی جز اعدام، شکنجه، سنگسار، فقر و فلاکت، اعتیاد و کشتن روح و روان مردم، برای ایرانیان ارمغانی نیاورده است و کشتار روزانه جوانان بیداد می‌کند، مردم به‌جان آمده ایران در اقصی نقاط با خشم و اعتراضات گسترده خود مرحله پایانی این رژیم را رقم می‌زنند، درهمین‌حال این رژیم برای ادامه حیات ننگینش تنها چاره را ضربه به مقاومت مردم ایران یافته و با به‌صحنه‌فرستادن مزدوران شناخته‌شده‌اش سعی در مخدوش‌کردن چهره مقاومت دارد.

هرچند که مردم آزاده ایران در وقت مناسب جواب این‌گونه افراد را خواهند داد اما امروز من به‌عنوان همسر زنده‌یاد عماد رام، ناگزیر هستم جواب یکی از این افراد به‌نام علیرضا نوری‌زاده را بدهم که نه یک‌بار بلکه چندبار وقاحت را به حد اعلا رسانده و با انتساب دروغ و نشر جعلیات، سعی می‌کند چهره هنرمندان مردمی را مخدوش و به ترور شخصیت آنها بپردازد.

البته حرفهای او اعتبار و ارزشی ندارد. اعتقادات و عواطف عمادجان نسبت به شورای ملی مقاومت (که عضو آن بود) و مجاهدین، احتیاجی به‌توضیح ندارد. او بارها و بارها در مصاحبه‌هایش ارادت و علاقه قلبی خود را نسبت به مجاهدین ابراز می‌کرد. او به‌خصوص مرادش از در آرای رجوی یافته بود و بارها برای دوستانش از ایشان سخن می‌گفت. عماد جان و من معتقد بودیم و من هم‌چنان بر این حقیقت گواهی می‌دهم که امروز نظیر مجاهدین خلق نداریم، انسانهایی بااین‌همه فداکاری، مردم‌دوستی، ازخودگذشتگی و صداقت.

نوری‌زاده بین پناهندگان خارج از کشور، به مزدور اجاره‌یی آخوندها معروف است ولی به‌نظر من او از مرحله مزدور اجاره‌یی عبور کرده است و باید به‌عنوان یک عنصر خطرناک و خبیث وزارت اطلاعات که برای حفظ رژیم جنایتکار و پا به‌گور آخوندی از هیچ شناعتی روی‌گردان نیست در نظر گرفته شود. انتساب این‌همه دروغ و افترا به سبک و سیاق آخوندی، آن‌هم نسبت به عماد جان که تا آخرین لحظه حیاتش در پیکار با آخوندها لحظه‌یی درنگ نکرد فقط از چنین عنصری ساخته است. البته از این به‌قول شاملو «گند گاو چاله دهان» و رسوای آبروباخته چه انتظاری جز این می‌توان داشت.

ولی راستی چرا این همه دروغ و ذرائل آن هم درمورد عماد جان؟

عمادی که تا آخرین دقایق حیات پرافتخارش به‌یاد بچه‌های اشرف بود و همه‌ای به سرنوشت آنها در آتشی که هیزم بیارش آخوندها بودند فکر می‌کرد.

برای پی‌بردن به عمق رذالت و شیادی نوری‌زاده باید به کارنامه درخشان هنری و سیاسی همسرم عماد رام از زمان پیوستن به مقاومت ایران به‌خصوص آثار جاودانه او در بزرگداشت رزم و حماسه قهرمانان ارتش آزادیبخش اشاره کنم.

او دو سال قبل از ابتلا به بیماری لاعلاجش چند اثر ارزشمند هنری از خودش باقی‌گذاشت یکی به‌نام «ستارگان» که به بزرگداشت خاطره قهرمانان قتل‌عام سال۶۷ اختصاص داشت و در اجلاس رسمی شورای ملی مقاومت آن را به مسئول شورا آقای رجوی تقدیم کرد.

اثر دیگر، «سربداران» است که به احترام پاکبازیهای شهدای نوری‌زاده را در هر لباسی افشا کنند و اجازه ندهند این حامیان تروریسم آخوندی که در برخی رسانه‌ها لانه کرده و برای حفظ رژیم ضد ایرانی آخوندی تمام نیروشان را علیه مبارزان راه آزادی بسیج کرده‌اند، به این عمل ننگین ادامه دهند.

من امیدوارم هرچه زودتر ایران عزیز و مردم دربندمان از بند تمام وجودم امیدوارم شایستگی همرزمی در کنارآنها را داشته باشم و تا آزادی مردم ایران عزیز، دمی از پای نخواهم نشست.

توصیه دوستانه و صادقانه من به‌هموطنان شریف و آگاه ایرانی که دغدغه آزادی میهن را دارند و به این خاطر رنج غربت را به‌جان خریده و در کمال افتخار آوارگی را پذیرفته‌اند، این است که عوامل کثیف وزارت اطلاعات هم‌چون نوری‌زاده را در هر لباسی افشا کنند و اجازه ندهند این حامیان تروریسم آخوندی که در برخی رسانه‌ها لانه کرده و برای حفظ رژیم ضد ایرانی آخوندی تمام نیروشان را علیه مبارزان راه آزادی بسیج کرده‌اند، به این عمل ننگین ادامه دهند.

من امیدوارم هرچه زودتر ایران عزیز و مردم دربندمان از بند تمام وجودم امیدوارم شایستگی همرزمی در کنارآنها را داشته باشم و تا آزادی مردم ایران عزیز، دمی از پای نخواهم نشست.

به‌عنوان نماینده دیدبان حقوق‌بشر با وساطت خواجه‌نوری در کلن با تعدادی از مأموران اطلاعات ملاقات کرد. در این ملاقات الهه هیکس گفته بود شما تمام حرفهایتان متعلق به قبل از ۹۳ می‌باشد و جدید نیستند شما باید افراد و حرفها و فاکتهای جدید ارائه کنید تا بتوان آنها را آتشی نمود». وی می‌افزاید: «یکی دیگر از طرحهای وزارت اطلاعات در این سالها ارائه اطلاعات دروغ علیه مجاهدین و طرح شکایات موهوم علیه آنان به مقامات و مراجع قانونی کشورهایی بود که مجاهدین در آن فعالیت داشتند. علت این بود که اسنادی که مجاهدین از فعالیتهای تروریستی رژیم به‌دادگاههای کشورهای اروپایی از جمله دادگاه مبکونوس ارائه می‌کردند کار را برای رژیم بسیار سخت می‌کرد. از همین رو رژیم درصدد بود با طرح شکایات موهوم و پرونده‌سازیهای دروغین جنایی علیه مجاهدین به‌اعتبار آنها لطمه بزند».

حکومت آخوندی که تهدید اصلی موجودیت خودش را مجاهدین و مقاومت ایران می‌داند، هزینه‌های هنگفتی را برای انتشار اطلاعات دروغ ایران اختصاص می‌دهد.

درمرداد ماه سال۸۱ همزمان به‌تحولاتی که به جنگ در عراق منجر شد، محمود مسعودی، طی نامه روشنگرانه‌یی به کمیسر عالی ملل متحد در امور پناهندگان «تجربه ۱۵سالهٔ ارتباط با مأموران و مزدوران وزارت اطلاعات و مشاهده توطئه‌ها علیه مجاهدین و مقاومت ایران در خارج کشور» را منتشر نمود و ازجمله نوشت که در آمریکاخواجه‌نوری با کمک افرادی نظیر محمد برقعی و هوشنگ امیراحمدی لایبیهای شناخته‌شده رژیم اقدام به معرفی گسترده مأموران رژیم تحت‌عنوان جداشدگان مجاهدین به‌مجامع حقوق بشری در آمریکاازجمله دیدبان حقوق‌بشر کرد. در همین خصوص خانم الهه هیکس وادجین حق رای هم بالا می‌زند، رو کرده‌اند!!

هوشنگ امیراحمدی هم‌چنین با تأکید بر این‌که این آخرین شانس رفسنجانی است، کوشید که در حرفهایش آمریکا را به‌کارآمدن با این دیکتاتوری پوسیده و منفور ترغیب کند. در همین رابطه با پیشکش‌کردن منابع ایران گفت: «من اعتقاد دارم آن‌چه که بین ایران و آمریکای می‌گذرد همه‌اش تضاد و مشکلات و مسائلی از این دست نیست، بلکه یک سری منافع مشترک هم این و دو کشور را به هم نزدیک می‌کند، مثل تجارت نفت، ثبات در مسائل سیاسی منطقه و غیره... هدف کنفرانس بعدی این است که روی این قسمت منافع مشترک یا منافع دوجانبه تکیه بیشتر داشته باشند».

شایان ذکر است که امیراحمدی مزدور برای راه‌اندازی کنفرانس قبلی ۴۰هزار دلار دستمزد از رژیم گرفته بود. البته از آن کنفرانس هیچ آبی برای رژیم گرم نشد دلالهای رفسنجانی از جمله ابراهیم یزدی که از ایران فرستاده شده بودند، با خفت و خواری و دست از پا درازتر بازگشتند.

درحالی‌که آمریکا رژیم منفور خمینی را به‌عنوان سردمدار صدور تروریسم طرد می‌کند، رژیم در گل مانده خمینی، بار دیگر یکی از دلالان و مأموریت احاله‌شده از سوی رفسنجانی کرده تا تلاش و تقلای دیگری به‌منظور آویختن به‌دامن آمریکا به‌عمل بیاورد.

این مزدور که هوشنگ امیراحمدی نام دارد، پنجشنبه ۳تیرماه در مصاحبه با رادیو آمریکا ضمن اشاره به این‌که اخیراً در ایران بوده، اظهار داشت که قرار است در ادامه کنفرانسی که در زمستان سال گذشته همراه با ابراهیم یزدی در آمریکا به‌راه انداخته بود (همان مأموریت احاله‌شده از سوی رفسنجانی که قبلا در نشریات مجاهدین افشا شده است) در هشتم سپتامبر (۱۷شهریورماه) آینده نیز یک کنفرانس دیگر در آمریکا ترتیب بدهد. وی گفت: «هدف (این است) که می‌خواهیم ببینیم که مسائلی که بین ایران و آمریکا هست، چی هست، دقیقاً این مسائل را بشکافیم و ببینیم دو کشور چطور می‌توانند با هم همزیستی مسالمت‌آمیز داشته باشند».

دلال بقایای خمینی در همین مصاحبه تلاش کرد موقعیت به‌شدت ضعیف رفسنجانی را که در نمایش انتخاباتی رژیم بر ملا گردید، رفع و رجوع کند و در همین رابطه با جعل آشکار و کم‌کردن حدود ۵میلیون نفر از شمار دارندگان حق رأی در ایران شمار دارندگان حق رای را ۷/۲۸میلیون نفر قلمداد کرد و گفت: «۵۹درصد از جمعیت رأی‌دهنده رأی دادند و این رقم خوب قابل‌ملاحظه بود. در کشوری مثل آمریکا هم که همه مردم پای صندوقهای رأی نمی‌روند، همین حدود معمولاً رأی می‌دهند»! دجال‌بازی این مزدور معلوم‌الحال در شرایطی است که رسانه‌های خبری جهان تقریباً بالاتفاق، نمایش انتخاباتی رژیم را یک «کمدی افشا شده» و «یک نمایش مسخره» نامیده‌اند و اغلب ناظران تصریح کرده‌اند که همان تعداد آرای ریخته شده به صندوقها نیز به‌خاطر مُهرخوردن شناسنامه‌ها و ترس فشارهای بعدی رژیم بوده است. بگذریم که آمار قلابی و رأی‌سازیهای رژیم خمینی آن‌قدر، رسوا و مفتضح است که گاه باندهای درونی رژیم تناقضات عجیب و غریبی ازجمله این‌که در فلان حوزه شمار آرا از شمار

اینجا کسی است پنهان، چون جان و خوشتر از جان...

اسامی تعدادی از شهیدان مجاهد خلق از دبیرستان دکتر هوشیار

۱- امیر اسدیان متولد سال ۱۳۴۲ در فروردین سال ۶۱ درگیری با مزدوران رژیم در خیابان گرگان تهران به شهادت رسید.
۲- سید محسن صفوی‌نیک متولد۱۳۴۳ در سال ۱۳۶۰ به طور نامشخصی به شهادت رسید.
۳- مجید صفایی متولد۱۳۴۳ در سال۶۶ در اوین تیرباران شد
۴- جعفر پورمجیب متولد۱۳۴۴ در ۲۰بهمن ۱۳۶۰ در اوین تیرباران شد.
۵- حسین موسوی متولد۱۳۴۲ در ۵مرداد۶۷ در عملیات فروغ جاویدان به شهادت رسید.
۶- حسین شریفی متولد۱۳۴۲ در جریان قتل‌عام زندانیان مجاهد در مرداد۶۷ در گوهردشت حلق‌آویز شد

به یاد کارگر قهرمان، مجاهد خلق نصرالله زربر

مجاهد شهید نصرالله زربر

مجاهد شهید نصرالله زربر در سال ۱۳۳۶ در منطقه نارمک تهران در یک خانواده تهیدست متولد شد. او از همان کودکی با رنج و محرومیت بزرگ شد و برای تأمین بخشی از مخارج تحصیل خود ناچار بود که تابستانها با تلاش بسیار کار کند.

تلاشها و زحمتهایی که در کودکی کشید در او روحیه‌یی بسیار فعال در مسائل مختلف اجتماعی به وجود آورد.

او با سخت‌کوشی تحصیلات متوسطه خود را ادامه داد و به علت علاقه به مسائل فنی بعد از سال سوم متوسطه به هنرستان فنی نارمک رفت.

دراولین سال هنرستان یک بار ساواک مادرش را به دفتر مدرسه احضار کرد. مادر در مراجعه به ساواک نصرالله را هم آنجا در حالی که به شدت کتک خورده بود، می‌بیند. ساواکیها توضیح می‌دهند که نصرالله با خودکار روی عکس شاه تصاویری کشیده و با بازیهای شیطنت‌آمیز دیگران را وادار کرده است که به شاه توهین کنند.

هرچند مادر موفق می شود که نصرالله را به خانه بازگرداند اما این آغاز راهی بود که نصرالله با جدیت انتخاب کرده بود.

نصرالله به هنرستان بازگشت و برای ادامه فعالیتهای سیاسی خود وارد مجامع مذهبی و ضدنظام سنمشاهی شد. بیشترین علاقه او رفتن به میان مردم بود. رفتن به حلبی‌آبادها از جمله مشغولیتهای او بود که در زندگی‌اش هیچگاه ترک نشد. او یا به کوه می‌رفت یا به مناطق محروم و هرگاه که از نزد مردم محروم بازمی‌گشت با حرارت بسیار از آنها سخن می‌گفت و در جستجو بود تا پاسخی برای رهایی آنها از فلاکت چنین زندگی دردناک بیابد.

فشار اقتصادی فزاینده، نصرالله را از ادامه تحصیل بازداشت و او مجبور به ترک تحصیل شد. نصرالله برای تأمین هزینه زندگی خانواده در یک چاپخانه واقع در خیابان دماوند تهران مشغول به کار شد.

به زودی به خاطر داشتن خصلتهای مردمی مورد اعتماد کارگران و زحمتکشان آن‌جا قرار گرفت.

از اوائل سال۵۶ بود که نصرالله به صورتی غیر مستقیم در ارتباط با سازمان مجاهدین خلق قرار گرفت. و همین ارتباط باعث دمیدن روح جدیدی در فعالیتهای سیاسی و اخلاق و مناسبات اجتماعی او گردید. از این پس بود که نصرالله در تظاهرات و فعالیتهای مردمی در مبارزه با دیکتاتوری شاه بسیار فعال و پرشور شرکت می‌کرد.در آن ایام حیاط خانه نصرالله مملو از الزامات تظاهرات و اعتراضهای مردمی بود. هر نقطه‌یی در تهران، از خیابانها گرفته تا بهشت‌زهرا و نقاط دیگر تجمع مردم نصرالله حضور داشت و دوستان و یاران و اعضای خانواده و فامیل را همراه خود می‌برد و با شوری زائدالوصف به افشاگری علیه ساواک و مأموران سرکوبگر رژیم می‌پرداخت.

در شب پیروزی انقلاب نصرالله از جمله افرادی بود که به پادگان نیروی هوایی در فرح‌آباد حمله و آن‌جا را تسخیر کردند. در ادامه نصرالله در درگیریهای سی‌متری نارمک بسیار فعال بود و بالاخره روز ۲۷بهمن بود که به دانشکده علوم نزد هواداران سازمان رفت. این روز در زندگی نصرالله نقطه عطفی بود. آن روز وقتی که به خانه بازگشت نصرالله دیگری بود. از شادی سر از پا نمی‌شناخت و گویی که گمشده‌یی را پیدا کرده بود. او چیزی را یافته بود که از آن پس هرگز از دست نداد. برای اطرافیانش طوری از «مسعود» سخن می‌گفت که انگار سالهای سال است او را می‌شناسد و یا در جستجوی او بوده است. از آن پس نام و عشق مسعود رجوی عامل حرکت او بود.

ارتباط او با مجاهدین روز به روز قویتر و مستحکمتر می‌شد. زندگینامه شهیدان مجاهد خلق را به خانه می‌آورد و برای اعضای خانواده و دوستان و آشنایانش می‌خواند.

یکی از برجسته‌ترین ویژگیهای نصرالله توانایی او برای استفاده از امکانات مختلفی بود که در اطراف خود داشت. یکی از این امکانات، چاپخانه‌یی بود که در آن کار می‌کرد. او با برخوردهای فعال و مردمی‌اش توانست تا آخرین روز از دوران فعالیتهای سیاسی محل کارش را به عنوان یک مرکز فعال و مؤثر برای فعالیتهای انتشاراتی سازمان حفظ کند. بسیاری از جزوات و کتابهای منتشره سازمان در آن ایام توسط نصرالله در چاپخانه محل کار او به چاپ رسید. او با دقت و شوق بسیار وظایفش را پی می‌گرفت. اما آن‌چه که از نصرالله یک مجاهد مصمم و جدی می‌ساخت پای‌بندی او به مناسبات و ارزشهای متعالی مجاهدین بود. او با خصائل انسانی‌اش دیگران را به شدت تحت تأثیر قرار می‌داد.

پس از شروع مبارزه مسلحانه با رژیم دمدمش آخوندی نصرالله در ایفای مسئولیتهایش یک لحظه نیز درنگ نداشت و به صورت عاشقانه به مرحله جدید مبارزه با ارتجاع مذهبی حاکم روی آورد. تا این که سحرگاه یکی از روزهای شهریور۶۱ پایگاه محل اقامتش به محاصره پاسداران درآمد. درگیری و نبرد تا آخرین گلوله ادامه یافت و نصرالله و یاران مجاهدش ساعتها مقاومت کردند و در این نبرد حماسی بود که نصرالله با گلوله دژخیمان به خاک افتاد.

یادش گرامی و راهش پر رهرو باد.

پدری «بی‌غم» که به «مهران»ش پیوست

بهزاد نظیری

آخرین بار که از بروکسل برمی‌گشتم گفت : «آقا دفعه دیگر که آمدی یک نوار سخنرانی برادر مسعود در امجدیه را برایم بیاور». می‌گفت: «هیچ‌وقت از دیدن این نوار سیر نمی‌شوم و هر بار که آن همه جوش و خروش مسعود را می‌بینم منقلب می‌شوم». این منقلب شدن پدر عباس منحصر به دیدن نوارهای مسعود نبود. هربار که از او حرف می‌زد اشک چشمانش را پر می‌کرد.

در تمام سالهایی که با او بودم و حرف زدم و شاهد زندگی‌اش بودم به خوبی می‌فهمیدم که پدر عباس با «مهران»ش شب و روزش را می‌گذراند و داغ او هرگز از دلش زدوده نشده است. اما چیزی که بیشتر انگیزانده بود و در پدر عباس درخشش خاصی داشت این بود که هیچگاه «مهران»ش را از «مسعود» جدا ندید. بقای آرمان مسعود، برایش دوام راه مهران بود.

در و دیوار و تاقچه اتاقش عکسها، یادگارها و نسخه‌هایی از نامه‌هایی بود که مهران در آن سالهای اسارت از قزلحصار برای پدر و مادرش یا خواهر و برادرش نوشته بود. در آن روزهای دور وقتی که بلندگوی بند اسم امیر مهران بی‌غم را صدا می‌زد، تصور نمی‌کردم که در آنسوی دیوارهای بند و زندان، مرد صبوری که در انتظار دیدار فرزندش بی‌تابی می‌کند، که سالهای بعد نه تنها خانه و کاشانه‌اش که قلب و تمام هستی‌اش مأمن مجاهدین می‌شود.

بسا شبها که مجاهدی خسته و از راه رسیده در ساعت دیر وقت جایی جز اتاق پدر بی‌غم نمی‌یافت. برای پدر واقعاً فرقی نمی‌کرد. در هر ساعتی که می‌رسیدم برایم چای دم می‌کرد و بعد تمام خستگی خودش و من در می‌رفت. من هربار خوب می‌فهمیدم که پدر از همسفره شدن با آنهایی که خون مهران و مهرانها در رگهایشان جاری است چه لذتی می‌برد. می‌گفت همه شما را «مهران» می‌بینم و وقتی که به جای «عباس آقا» او را «پدر» صدا می‌زدیم صفا می کرد.

کارمند زحمتکشی که عمر و جوانی را در شرکت ملی نفت سپری کرده بود، می‌گفت من از اول مصدقی بودم و از آخوندها کینه داشتم . مهران را هم در راهی که انتخاب کرده بود تشویق می‌کردم. در خارج کشور، در هر تظاهراتی که داشتیم همیشه او را صفوف مقدم می‌دیدی. با وجود کهولت و بیماری سر حال و استوار و پر جوش و خروش بود. می‌گفت: حتی وقتی خسته می‌شوم نمی‌نشینم تا تظاهرات به سرانجام برسد. سردی و گرمی بسیار از روزگار دید ، اما خود را همیشه با محبت به مجاهدین گرم نگهداشت. بالاتر از آن با گرمی خودش خلیلها را هم گرم کرد. قلبش همیشه به روی نه تنها مجاهدین که همه ایرانیانی باز بود که در مسیر مبارزه با آخوندها قرار داشتند. خود را پدر همه می دانست و چنان سعه صدری داشت که بسیار دست و پاگیرش بود. اما او هرگز حاضر نبود از بزرگواری و مناعت قدمی کوتاه بیاید.

من همیشه او را به عنوان یک سرمایه بزرگ و خاموش مقاومت می‌دیدم. و حالا که پدر به سوی مهران پر کشیده فکر می کنم نه تنها او که همه پدرها (و مادرهایی) مثل او، که در سالهای سیاه و خونین حاکمیت آخوندی پا به پای فرزندان مجاهدشان چه در ایام اسارت و چه آن هنگام که بر طناب دار بوسه زدند، استقامت ورزیدند و شرافت خود را در دفاع از آرمان و راه فرزندان مجاهد خود بازیافتند، از سرمایه‌های خاموش این مقاومت خونبارند.

در مرداد۶۷ مهران فرزند دلبند پدر به فتوای دجال جماران به شهادت رسید. مهران و هزاران مجاهد چون او در ابتلائی که خمینی بر سر راهشان گسترده بود، گرفتار آمدند و سرافرازانه توطئه را درهم شکستند. شهیدان قتل‌عام شده در سال۶۷ قیمت دفاع از حرمت کلمه مجاهد خلق را- که حامل بارگران ارزشهای ماراثانی یک تاریخ است- با جانهای پاکشان پرداختند. آرزوی پدر این بود که روزی محل دفن مهران را بیابد و اشکی بر خاک پاکش بیفشاند. دست تقدیر، پدر را زودتر به دیدار او نائل کرد. غم هجران مهران برای پدر بی‌غم به سر آمد، اما بر ماست که راه مهرانهای پدر را تا به آخر ادامه دهیم و روزی قاتلان شریفترین نسل انقلابی تاریخ ایران را در دادگاهی بین‌المللی به دست عدالت بسپریم.

دو یار پرشور و پایدار

به یاد شهادت مجاهدین شهید قاسم ثقفی و مرتضی آذرنیا

مجید محمودی توانا

روز ۳۰ خرداد طبق سنت همیشگی در ارتش آزادیبخش و مجاهدین مراسم ۳۰ خرداد و اینیهای ویژه به این مناسبت برگزار می‌شود امسال وقتی برای برگزاری مراسم می‌رفتیم در راه یاد روز تاریخی ۳۰ خرداد افتادم و لحظات آن روز از جلوی چشمانم عبور کرد.

آن‌روز حدود ساعت۲ بعد از ظهر بود که به چهارراه طالقانی ـ مصدق رسیدیم. ابتدا گروهها و اکیپهای میلیشیا در حوالی چهارراه پراکنده بودند. مزدوران و چماقداران و فالانژهای رژیم با چماق و چاقو و سلاح سرد به تعدادی از خواهران... حمله‌ور شدند و با کشیدن روسری و چادر آنان به مضروب کردن و مجروح کردنشان پرداختند. طبق فرمان داده شده ما نمی‌بایست وارد می‌شدیم. فقط باید صبر پیشه می‌کردیم و خشم را فرو می‌خوردیم. کاری بسیار دشوار.

از درگیری با چماقداران و تیغ‌کشان. چند بار به قاسم (ثقفی) که فرمانده اکیپمان بود مراجعه کردم و با اعتراض از او پرسیدم پس تا چه وقت باید صبر کنیم؟ اما او هربار با طمأنینه می‌گفت صبرکن.

نزدیک ساعت ۴بعد از ظهر بود که به یکباره سیل خروشان جمعیت از خیابان مصدق وارد خیابان طالقانی شد و تظاهرات تاریخی ۳۰خرداد آغاز شد. وقتی سیل جمعیت به راه افتاد دیگر همه از هم جدا شدیم. البته قرار بعدی مشخص بود، اما بعدها هرگز او را ندیدم. آخرین باری بود که مسئول شجاعمان، قاسم، را دیدم وفردای آنروز قاسم سر قرار نیامد و همان‌روز متوجه شدم که قاسم در تظاهرات در میدان فردوسی دستگیر شده است.

قاسم ثقفی متولد سال۱۳۴۲ و از فرزندان مردم دلیر اراک بود. قاسم تحصیلات متوسطه خود را در تهران، دبیرستان دکتر هوشیار در نزدیکی دانشگاه صنعتی شریف ادامه می‌داد.

در سال۱۳۶۰ او دانش‌آموز سال چهارم و از چهره‌های بسیار محبوب دبیرستان بود. او فعالیت سیاسی خود را از سال۵۷ همزمان با اوجگیری مبارزات ضدسلطنتی مردم آغاز کرد و در تمام اعتراضات و تظاهرات ضددیکتاتوری شاه شرکت فعال داشت. او در دبیرستان در میان دانش‌آموزان و کادر اداری مدرسه از احترام بسیار بالایی برخوردار بود . بعد از پیروزی انقلاب قاسم از جمله دانش‌آموزانی بود که بلافاصله جذب سازمان مجاهدین شد و فعالیتهای خود را با بخش دانش‌آموزی سازمان و جنبش معلمین شروع کرد. او از بنیانگذاران انجمن دانش‌آموزان و مسئول انجمن و تشکیلات دبیرستان خود بود.

او در انجام مسئولیتها و وظایف انقلابی خویش سر از پا نمی شناخت. به همین دلیل به سرعت در تشکیلات رشد کرده و به رودی به یکی از مسئولان فعال دانش‌آموزی غرب تهران تبدیل شد. او در برخورد با فالانژها و چماقداران رژیم آن‌چنان قاطع و با صلابت بود که هرجا حضور می‌یافت صحنه‌های درگیریها را می‌چرخاند و باعث قوت قلب همه بچه‌ها می‌شد. همه ما از او و عزم راسخش در دفاع از آرمانهای مجاهدین روحیه و انرژی می‌گرفتیم .

از سوی دیگر قاسم به شدت مورد کینه پاسداران و کمیته‌چیهای جنایتکار بود. مزدوران رژیم در صدد بودند او را مورد تهاجم قرار داده و مضروب و مجروح کنند.

یک‌بار در اردیبهشت سال۶۰ فالانژهای «چادر وحشت» جلو دانشگاه تهران، همراه با عناصر کمیته منطقه۸ تهران با چاقو و قمه و زنجیر به مدرسه دکتر هوشیار حمله کرده و به ضرب و جرح هواداران پرداختند. در این درگیری تعدادی از بچه‌ها مجروح شدند و ۴نفر را، که خودم نیز در میان آنان بودم در حالی‌که مجروح بودیم دستگیر کرده و به کمیته بردند. در آن‌جا بود که متوجه شدیم همه این توطئه فقط به قصد دستگیری قاسم بود.

در اوایل تیرماه از یکی از همکلاسیهای قاسم، به نام مرتضی آذرنیا شنیدم قاسم دستگیر شده و با نام «قاسم برزی» در کمیته بهارستان است. چند روز بعد من هم به اتفاق چند هوادار دیگر توسط فالانژهای مدرسه در خیابان دستگیر شده و به مسجد علی اکبر در خیابان هاشمی برده شدیم. کمیته‌چیها به صورت وحشیانه‌یی کتکمان زدند. به طوری که هرکداممان ۳ـ۴دندانمان شکست. آنها از همان ابتدای دستگیری فقط یک سوال از ما داشتند. «قاسم کجاست؟» یکی از فالانژها می‌گفت که همه کمیته‌ها و اوین را چک کرده و او را ندیدیم‌م. بدین ترتیب خیال ما راحت شد که او را نشناخته‌اند.

تا این که روز اول دی۶۰ در سالن ۶ اوین خبری را از رادیو شنیدم که خشکم زد. در ساعت ۵ بعدازظهر اخبار استان در حال پخش بود. مجری می‌گفت: مرتضی آذرنیا به ... و اسامی حدود ۱۵نفر دیگر را هم اعلام کرد. بدین ترتیب مزدوران جنایتکار قاسم، این فرمانده میلیشیای پرشور و مصمم را به شهادت رساندند. ما هیچگاه نفهمیدیم که مرتضی آذرنیا، یار و همکلاسی شجاع قاسم چگونه دستگیر شد و بر سرش چه آمد. اما همین که همین تعداد هم در مقابلشان نشستند. از هر گروه یک نفر با توجه به حالات دست و چهره در افراد مقابل دستها را پوچ می‌کرد.

دینو و کلودیو و پیرمردها هم در این برنامه مهیج شرکت کردند. هرکس با روانشناسی خاصی تلاش می‌کرد محل گل را پیدا کند. این بازی هم با اصطلاحات خاص خودش که برایم جدید بود، در آن لحظه صفایی داشت، به‌خصوص وقتی از زبان کلودیو و دینو بیان می‌شد:

- خالی کن بازی کن،
- چپت پوچ،
- بریز تو اون دست،
- خالی بازی،
- داشی بالا،
- شما جار نفر راستون پوچ،
- شما، شما، شما کف بزنین،
- یعنی چه؟ یعنی داشی بالا... رکب قبول نیست...

سعید مرادی و رضا فلاح‌پور بعد از ظهر رسیدند. سعید گفت:

- اسم همه را برای دادگاه خوندن. رفتیم طبقه بالای دادسرا، محمدرضا هم اونجا بود. میشری و گیلانی تو شعبه‌های مختلف دادگاه بچه‌ها رو به دقیقه‌یی محاکمه میکنن. مث ریگ آدم میکنن. بیشرف مث آب خوردن حکم صادر میکنه.

با لبخندی صمیمی و معصومانه رو به من کرد بچه‌ها ضمن قدم‌زدن در جستجوی سیخی، میخی، تکه چوب یا وسیله‌یی برای سلول بودند و دورادور هر کس با نگاهش کنارهای دیوار و لای درزها را بدون آن‌که جلب توجه کند، می‌جست. صدای نعره پاسدار بند که آرامش چند دقیقه‌یی‌مان را برهم زد، علامت پایان وقت هواخوری بود. قرار گذاشته بودیم در مسیر برگشت، چند نفر، پاسدار بند را مشغول کنند تا بقیه بتوانند خرت و پرتهای کنار پله (در راهروی ورودی بند) را بردارند. من موفق شدم کیسه نایلون سیاهی که چند چشمبند داخلش بود را زیر پیراهن گشادی که به تن داشتم جابدهم و به‌سلول برسانم.

با شور و اشتیاق خاصی از خار و خاشاک و تکه‌های چوب و پارچه و نایلون، جاسواکی و گلدان و آینه و چند ساک دستی کوچک درست کردیم. با این حساب، ظرف چندساعت از کیسه‌های نان ماشینی، ساک دستی، از خرده‌چوب و قوطی خالی خمیر دندان و برگ خشک شده، گلدان و از نایلون سیاهی که پشت شیشه نصب کردیم، آینه درست شد و چند طرح در برنامه روزهای بعد قرار گرفت.

عدس‌پلوی ناهار، هر چند کم، بی‌مزه و خشک بود ولی خیلی چسبید. بعد از ناهار، آقای مشتاق صدایم کرد و گفت:

- چرا این‌قدر وسط غذا آب می‌خوری؟
- از بچگی عادت کردم با هر قاشق به لیوان آب می‌خورم.
- یه‌سری بیماریها هست که مخصوص زندونه، زندانی سیاسی همیشه به‌دلیل کمبود آفتاب، اکسیژن و هوای تازه، کمبود کلسیم و ویتامین‌ها... و سوءتغذیه در معرض بیماریهای معده، کلیه، کولیت، پوکی استخوان، خرابی دندان، میگرن و سردردهای نوبه‌یی و... قرار داره. هر کدوم از اینا می‌تونه انرژی‌هامون رو قفل و ذهنمون‌رو درگیر کنه. حالا فکرشو بکن اگه هر کی فقط دو تا از این مشکلات رو داشته باشه این‌جا همه‌مون باید دنبال دوا و درمون باشیم.
- ببین آقای مشتاق، هر کاری بگی می‌کنم ولی آب وسط غذا رو چون عادت کردم ترک نمی‌کنم. تازه، ما که قرار نیست زندونی بمونیم. از همه اینام که بگذریم مگه نه این‌که ترک عادت موجب مرضه؟
- ببین آب وسط غذا، تو این شرایط برای معده از سم خطرناکترم.
هنوز با لحن شوخی حرفهایش را رد می‌کردم ولی او با صبر و شکیبایی توضیحاتی در مورد همه تهدیدات جدی زندان و زندانیان می‌داد و دست آخر هم گفت:
- روحیه مقاوم و بالا و سرزندگی شرط اصلی مقابله با همه کمبودها و فشارها و محدودیتهای زندانه..

۱۷

صبح، محمدرضا لاچین‌پور را همراه با چند نفر دیگر برای بازجویی صدا کردند. او که عفونت زخم پایش اندکی بهبود یافته بود، با لبخندی که نگرانی صورتش را میپوشاند، از سلول خارج شد. محمد(ح) به آرامی گفت:
- دیگه از جونش چی میخواین! این بندهخدا که قبول کرده چند تا پاسدار کشته تا زودتر بکشنش...

ساعتی بعد رضا فلاح‌پور و سعید مرادی را هم صدا زدند. سنگینی فضا بعد از اضطراب و بیخوابی دیشب و ترکیب نفرات بازجویی تا اندازه‌یی طبیعی بود. در زمزمه و پچ‌پچهای چند نفره، نگرانی موج می‌زد:
- هر ۳تاشون اعدامین.
- محمدرضا که چند ماه پیش خبر اعدامش رو چاپ کردن. سعید و رضا فلاح‌پور هم که پنج مهریانه...

بیژن و محمد(ر) با پهن کردن بساط گل یا پوچ و حضور اکثر بچه‌ها در برنامه، که هر لحظه مهیجتر هم میشد، فضا را تا حدی تغییر داد. چیزی نگذشت که ۲۰ تا ۳۰نفر یک طرف و همین تعداد هم در مقابلشان نشستند. از هر گروه یک نفر با توجه به حالات دست و چهره در افراد مقابل دستها را پوچ می‌کرد.

دینو و کلودیو و پیرمردها هم در این برنامه مهیج شرکت کردند. هرکس با روانشناسی خاصی تلاش می‌کرد محل گل را پیدا کند. این بازی هم با اصطلاحات خاص خودش که برایم جدید بود، در آن لحظه صفایی داشت، به‌خصوص وقتی از زبان کلودیو و دینو بیان می‌شد:
- خالی کن بازی کن،
- چپت پوچ،
- بریز تو اون دست،
- خالی بازی،
- داشی بالا،
- شما جار نفر راستون پوچ،
- شما، شما، شما کف بزنین،
- یعنی چه؟ یعنی داشی بالا... رکب قبول نیست...

سعید مرادی و رضا فلاح‌پور بعد از ظهر رسیدند. سعید گفت:
- اسم همه را برای دادگاه خوندن. رفتیم طبقه بالای دادسرا، محمدرضا هم اونجا بود. میشری و گیلانی تو شعبه‌های مختلف دادگاه بچه‌ها رو به دقیقه‌یی محاکمه میکنن. مث ریگ آدم میکنن. بیشرف مث آب خوردن حکم صادر میکنه.

و آرام گفت:
مفسد فی الارض و محارب با خدا.
رضا فلاح‌پور ادامه داد:
- خیلی خرتوخره، هیچی حالیشون نیست، فقط میخوان هر شب چهارصد نفر بکشن. به نفر که تو کیفرخواستش تظاهرات شهر اومده بود هر چی میگفت بابا من به ماه قبل از شهر دستگیر شدم کسی گوش نمی‌کرد. آخرم آخونده گفت فرقی نمیکنه بدون پنجمهم حکمت اعدامه، هر چی این بنده خدا تلاش کرد بگه دیگه آخه من چیزی تو پرونده نیست واسه چی حکمم اعدامه، فایده نداشت. آخر سر، آخونده که احتمالاً گیلانی بود،گفت خفه شو اگه شهر بیرون بودی میرفتی.

هنوز حرفهایش تمام نشده بود که در باز شد و محمدرضا لاچین‌پور وارد شد. پرسیدم:
- چرا دیر اومدی مگه صبح نرفتی دادگاه؟
- بعدش رفتم بازجویی.
- بازجویی! واسه چی؟
- تو کیفرخواستم بازجو ده پونزده تا اسم ردیف کرد که من اونها رو کشتم. حاکم شرع گفت تو رو باید زجرکشت کنیم. منم گفتم کسی رو نکشتم این اسمها رو واسه این گفتم که دیگه کابل نخورم. اونم عصبانی شد و گفت سگ منافق به نظام تهمت می‌زنی؟ حالتو جا میارم. بعد هم به چیزی در گوش بازجو گفت و از اتاق بیرونم کرد. چن دقیقه بعد به طبقه پایین اومدیم و بازجویی دوباره شروع شد.
- از بقیهٔ بچه‌ها چه خبر؟ حسن و بهروزم با تو بودن؟
- آره اونام اونجا بودن، حسن قبل از من رفت. وقتی هم به شعبه رفتم دیدم اونم بنشش به تخت. ولی بهروز فکر می‌کنم تو دادگاه‌هم قبول کرد پاسدارا رو کشته تا زودتر بزننش راحت شه.
- بازجویی تو چی شد؟
- هیچی بابا! من که میدونستم اعدامم‌ون میکنن دوباره قبول کردم تا زودتر تموم شه.
- یعنی کیفرخواست برات نخوندن؟
- چرا یه‌سری اسم که خودشونم میدونن واقعیت نداره رو بهعنوان مقتول خوندن، هرچی هم بازجو به ذهنش میزد تو کیفرخواست آورده بود. آخرش گفت مفسدفی‌الارض و محارب با خدا...
کمی نزدیکتر شد و با صدای پایینتری ادامه‌داد:
- ببین محمود! احتمالا فردا پس فردا م رو میبرن، تو چیز زیادی ازت ندارن احتمالاً یکی دو سال دیگه آزاد میشی. میخوام حتماً بری به صحبتی با مامانم بکنی.
- کاشکی منم دادگاه رفته بودم خیالم راحت بود. تو خوب امشب فکراتو بکن فردا هر چی وصیت مصیت داری بهم بگو. تازه من اگه آزادشم اول میرم خونه مادر بهروز. مادرشو دیده بودی؟ میدونی بهروز تنها بچه خونشون بود. مادرش واقعاً میمیرستیدش. رابطه قشنگی با هم داشتن...
به‌خودم آمدم. دیدم به‌جای آن‌که فضای محمدرضا را باز کنم فضا خودم هم بهم ریخت. به همین خاطر جهت صحبتها را عوض کردم.
- راستی محمدرضا! هر طوری شده من باید دریچهٔ سلول بغلی رو باز کنم و بهروز و حسن رو ببینم. فردا که اون پاسدار جیغ جیغو درو واسه دستشویی باز کرد تو به دقیقه سرشو گرم کن، مثلا به چیزی ازش بپرس یک نفرم میذاریم اینطرف، به دقیقه دریچه سلولشونو باز میکنم ببینمشون.
- باشه فردا ظهر خوبه چون به‌خاطر ظرفشویی وقت بیشتری داریم.
اول صبح حسین پروانه را برای بازجویی صدا کردند. قبل از رفتنش گفتم:
- امیدوارم مثل اونفعه که گفتی بازجو تو شعبه دنبالت می‌گشت خبرش رو برام نیاری.
- دارم میرم دادگاه.
در که بسته شد به‌سمت پنجره رفتم و از لای نردههای افقی روی پنجره که فقط نواری ۳ سانتی از آسمان دیده می‌شد، به سمت آسمان خیره شدم. سعید که توجهش به من جلب شده بود، نزدیک شد و گفت:
- به‌نظر میاد به کم نگرانی.
- راستش خداحدا میکنم امروز به بازجویی نرم، چون فکر می‌کنم محمدرضا و دوستامون رو همین روزا میبرن، میخوام به‌هر قیمتی شده امروز دریچه سلولشون رو باز کنم ببینمشون.
- میدونن تو اینجایی؟
- نه خبر ندارن. دیروزم که محمدرضا اونا رو تو دادگاه دیده تونستن صحبت کنن.
- اگه قرار بود بری بازجویی همون اول صبح با "حسین" میبردنت.
بعد از ناهار همین که پاسدار به‌سمت توالتها رفت، محمدرضا مشکل کمبود بماند برای با و کمرش و ا مطرح کرد. سعید هم حواسش به‌سمت زیر هشت بود. صبر کردم تا همه بچه‌ها از سلول خارج شدند، آرام دریچه سلول را باز کردم. با یک نظر چشمم به حسن افتاد که مشغول درسکردن وسیله‌یی بود برق ریشی که در چاهنهای جواته زده و گودی چشمهایش را می‌پوشاند لحظه‌یی مرا به شک انداخت. صورتش زرد و کبود، بدنش لاغر بود. با یک نظر سلول را دور زدم تا بهروز را ببینم. بسیاری از چهره‌ها شبیه هم بود چند نفر از پشت یا نیمرخ مثل بهروز می‌نمودند.

ادامه دارد

آفتابکاران

جلد اول: دشت آتش

اوین (شهریور تا آذر-۱۳۳۷)

خاطرات زندان

محمود رؤیایی (۱۲)

هواداران مقاومت ایــران چه می‌گوینــد و چه می‌خواهنــد؟

رحمان کریمی

نخستین پرسش این‌که آیا بر ملک و ملت ما «مشقت به حد نهایت» رسیده است یا نه؟ پاسخ دردمندان، دردآشنایان، آزادیخواهان میهن‌پرست و بشردوست هر چند عاری از عمل و بیرون از میدان مبارزه و مقابله با مهیب و مرتجعترین حاکمیت استبدادی باشند اما با به یک وجدان سالم و بیدار بغایت‌گیر پاسخ خواهند داد که آری، دیرگاهی‌ست که کارد تا آن سوی مغز استخوان رفته است. می‌ماند پاسخ بی‌پاسخانی که سالهاست استعداد خود را در لوث کردن حقایق و واقعیتها به چنان تجربه کم‌نظیری گذارده‌اند که چه بخواهند و نخواهند، مقبول طبع ملایان حاکم واقع شده و به اذهان بیدار تفهیم و تجسیم کرده‌اند که کبریت بی‌خطر یعنی چه؟ این آحاد از ادعا حجیم و این گونه طیفهای مشابه تورهای جهانگردی می‌توانند چونان گذشته به حساب خودشان جواب لای چرخ مقاومت ایران و لاجرم تحول درایران باشند و کخشان هم نگذرد که ما می‌دانیم رگ غیرتشان به‌قدر سیاهرگ گردنشان است! اما امروزه هر خوش‌غیرتی باید لااقل به قلب خود، به وجدان خود بگوید که از دیدن عملکرد دستجمعی به‌دار آویختگان میادین شهرهای ایران، از چهره شاداب مجید کاووسی‌فر در حلقه طناب دار به‌عنوان یک ایرانی، یک انسان چه احساسی به او دست می‌دهد؟ یک جوان آرزومند هنگام که میرغضبان می‌خواهند چهارپایه را زیر پای او بکشند، فریاد می‌زند: «انتقام ما را بگیرید»! چه کسی، چه کسانی، باید انتقام این به ناحق از کف‌رفتگان را بگیرد؟ بقال و بزازهای سرگذر یا دانش‌آموختگان و روشنفکرانِ سیاسی‌نمایش که همیشه و به هر دلیل نسخه‌پیچ دردهای جامعه و مبلغ بلیغ آزادی و دموکراسی بوده و هستند؟ پرسش ما این است که اگر صرفاً با حرف و خطابه و وعظ چیزی به‌طور بنیادی عوض نمی‌شود پس چه باید کرد؟ با عمل؟ لب مریزاد! ما نیز همین می‌گوییم. می‌ماند اختلاف بر سر چگونگی عمل. عملکرد در دورن رژیم؟ که شکست مختوم این پروژه موهوم و ایده‌آلیستی بر همگان آشکار شده است. پس به حکم تجربه، عمل باید بیرون از تمامیت رژیم و علیه تمامیت آن جرثومه فساد و خونریزی صورت بگیرد. سیاسیون مخالف مقاومت ایران یعنی در حقیقت مخالف مسعود و مریم و سازمان مجاهدین خلق از پس رنج قرن تجربه‌ها، تلخکامیها و توقعها به ما هواداران بگویند و درحیطه عمل به اثبات برسانند که از چه راهی می‌توان شاخ غول را شکست؟ ما فرض می‌گیریم که رهبران مقاومت ایران به خطا می‌روند!! شما که راه راست‌شناس هستید اکنون به کجا رسیده‌اید و در چه نقطه لااقل خطرناکی برای رژیم حاکم، ایستاده‌اید که ما ببینیم ملایان از شما نیز بیمناک و در هراسند و این‌جا و آنجا می‌زنند تا بلکه حامیان پر و بال شما را قیچی کنند یا ببندند. ما هواداران در یک چیز مطمئن و مشترک هستیم و آن ضدیت تمام‌عیار و آشتی‌ناپذیر با دشمنان و قاتلان بیرحم ملت ستمدیده‌مان. ما می‌خواهیم کاری کنیم. نقشی در مبارزه داشته باشیم. ما به حرف زدن در این نشریه یا آن جزوه به اصطلاح تئوریک، و سخن‌پراکنی در این بوق یا آن بوق؛ قانع نمی‌شویم. هرچند بررسی و سبک سنگین کردن بسی از آن سخن‌پراکنیها که نهایتاً معلوم نیست توکه یکانشان به کدامین سو است، خود بحث مفصل جداگانه‌یی طلب می‌کند که در این نوشتار جای آن نیست. اما مطمئن هستیم که برای نسلهای آینده با توجه به تاریخ امروز ایران و جهان مجموعه آن‌همه سخن‌پراکنیهای یافت و بی‌عمل و بعضاً مشکوک و بودار و بعضاً گندیده آبهای به آسیاب خونین آخوندها ریخته شده؛ مایه اعجاب و حیرت و مسلماً تأسف عمیق خواهد بود.

مقاومت ایران در دستگاهی بد می‌زند؟ خب، شما بردارید در دستگاهی خوش بزنید تا بلکه دراین ایام تلخ و بس ناخوش، آب خوشی از گلوی تشنه ما و مردم ایران فرو رود. دست بر قضا ملایان حاکم و اوباشان تا بن‌دندان‌مسلح آنها هم از بد زدن رهبران جنبش ما خوشنان نمی‌آید. و همه می‌دانیم که خوش‌ذوقتران آخوند جماعت مخصوصاً اگر در حاکمیت باشد و برمسند نشسته باشد در کره ارض پیدا نخواهد شد. وجه مشترک البته به مخرج مشترک نیز، نازمند است. به جای آموزش طرز رنگ کردن مو به دوشیزگان و بانوان آنهم برای یکبار هم طرز شیره مالیدن سر آخوندها را یاد بدهید. آدم اسم خودش را بگذارد مبارز و خط رژیم و آنوقت هی یقه فعالترین بخش اپوزیسیون رژیم را بگیرد. چیهه سراسر هولناک حاکمیت را یکدستی بگیرد و تمام حواسش را جمع کند که بلکه در تغار بزرگ مجاهدین خلق، تار مویی پیدا کند.

ما می‌گوییم اعدام شدگان در ملأعام ایام اخیر، با آن همه خونسردی و دهن‌کجی به عیسفتر گشتاپوی ملایان حاکم؛ پیامی روشن اما بس عبرت‌آموز برای هر ایرانی باغیرت و مسئول داشته و دارد. این پیامها که در قاب شادابی و خندانی چهره‌ها نشسته، پیام درون پرحوش و تب و تاب امروز ایران است و بیانگر این واقعیت که ملت ایران حاضره جوانان درحال تکان و چاره‌جویی نهایی هستند، بیانگر یک عصیان، به تنگ‌آمدن و خیزش است. ما عاشق انقلاب نیستیم. این انقلاب است که تولد دگرباره خود را به ما اعلام می‌کند. انقلاب یک سنتز ناگزیر و حتمی‌ست اگر حاکمان چار کوتاه نیایند، اگر همه درهای فرج و گشایش به روی مردم بسته شود، اگر مردم به تغییر از درون نظام ناامید شوند، ضدانقلابیون یعنی طرفداران مبارزه مسالمت‌آمیز با رژیمی که فقط زبان زور می‌فهمد و لاغیر. آخر ما هم که مرض نداریم. سرمان هم برای دردسر درد نمی‌کند. ما هم مثل همه آدمهای طبیعی از دیدن خون یک پرنده هم ناراحت می‌شویم. این جبران حاکم‌اند که بستر انقلاب را می‌گسترانند. وقتی رژیم غیرقابل مصالحه روز به روز به اعمال خشونت بیشتر دست می‌یازد یک تزی است که باید حذف شود. آنتی‌تز این تز، مردم و نیروی پیشاهنگ مبارزاتی مردم است. نتیجه اصطکاک این دو نیروی متضاد و متعارض خواه ناخواه با انقلاب است یا قیام یا شورشی همگانی و این را سنتز می‌گویند. رژیم همواره از آنتی‌تز خود در بیم و هراس بسر می‌برد و چاره را در سرکوبگری هرچه بیشتر جستجو می‌کند. رژیمهای استبدادی برای دوام و بقای حاکمیت نکبت‌بار خود سوای سرکوبگری، به تولید قرمهای راوانگردان و خواب‌آور هم دست می‌زنند تا مردم به ویژه نیروی دینامیک جامعه یعنی جوانان را از حیز انتفاع و حرکتهای اعتراضی بازدارد. تبلیغات عظیم و وسیع و همه‌جانبه و هر روز و هر ساعت و نیز پیاده کردن فرهنگ سازش، انزواطلبی، بدبینی به یکدیگر و سرانجام خالی کردن عققده‌ها بر سر هم؛ همان مصداق قرمهای دگردیسی را دارد. آنان که در سواحل امن خارج از کشور نشسته‌اند و خود را سیاسی و اپوزیسیون می‌پندارند خوب است که اعمال و گفتار خود را بدین محک به سنجش بگذارند که چه میزان در بیداری ملت خود نقشی ایفا کرده‌اند و چه میزان خواسته یا ناخواسته به بار تبلیغات خواب‌آور رژیم در سطوح مختلف اعم از سیاسی، فرهنگی، هنری مدد رسانده‌اند. باید به ملت ایران و تاریخ سراسر رنجبار این ملت صاحب عزت به ذلّت افتاده پاسخ بدهند که افراد و گروههای مدعی آزادیخواهی خاصه اگر خود را صاحب قلم یا هنر می‌دانند در برابر فاشیسم آلوده به خشترین نوع سادیسم به‌طور روشن و شفاف و قاطع چه وظیفه‌یی را به‌عهده دارند. آیا آنان باید پشت دکه‌های سیاسی‌شان رجزخوانی و فلسفه‌بافی کنند یا در میدان عمل نقشی هرچند کوچک ایفا نمایند؟ دیگر سالهای کرکری خواندن و یا یکی به میخ و یکی به نعل کوبیدن سپری شده است. باید مواضع و جبهه‌ها در قبال رژیم، مرزهای مخدوش مصنوع نداشته باشد. چکش حرفها که بالا می‌رود ما می‌پاییم که به کجا فرود می‌آید؟ برفرق ملایان یا بر استخوانهای استوار ایستاده در پیکار ملایان؟ آیا مشکل مدعیان، مجاهدین خلق هست یا سردمداران خونخوار حاکمیت فاشیستی –مذهبی؟ ما می‌دانیم و به تجربه دریافته‌ایم که مزدوران و بی‌شرمان جلشته‌خور و کیسه‌اندوز از رو نخواهند رفت و سیلی نقد را بر حلوای شرف، اعتبار و داوری فردا ترجیح می‌دهند. چرا؟ چون برخلاف پز و زمنهای دیپلوماتیکشان، آدمهای حقیر و بخیل و ذلیلی بیش نیستند. سرمایه آنان وقاحت و پررویی‌شان می‌باشد که همواره با بروز ملایان وقیح به مسابقه وقاحت و دیدگی می‌گذارند. یک خوش‌غیرت و یا معرفت پرشرم و حیای این جماعت آمیبی و انگل حیات که حقیقتاً زادهٔ پول و شهرت و بازاریابی‌ست همواره عمر پربهای خود را صرف سیاه کردن مجاهدین خلق کرده و می‌کند. برای شهدای این سازمان و رزمندگان جان برکف شهر شرف اشرف اشک تمساح می‌ریزد. اصلاً مسأله او ایران و ملت ایران و سرنوشت آن نیست. اوقات خواب و بیداری او در کابوس مسعود و مریم می‌گذرد. طرف که در بلندگوها کوچه را خالی دیده هرچه غیظ و عقده دارد بر سر رهبران سازمان مجاهدین خلق خالی می‌کند. او باورش شده که خیلی زرنگ است. صاحب این قلم همین چند مدت پیش طی مقاله‌یی به او پیشنهاد کرد که در یک کانال تلویزیونی یا رادیویی خودشان به بحث بنشینند ومهارت مغلطه و سفسطه‌کاری و قلب واقعیتها کردن خود را به محک بگذارد. من بار دیگر این دعوت را به‌عنوان یک هواداز ساده این جنبش پرافتخار تکرار و تکرار می‌کنم. سالروز عملیات فروغ جاویدان می‌شود، هوار بومی‌دارند، یقه‌درانی می‌کنند، اشک می‌ریزند که اگر این حمله صورت نگرفته بود ملایان دست به قتل عام زندانیان سیاسی نمی‌زدند. ما می‌پرسیم بعد از استقرار خمینی درایران بلازده بنا به کدام عملیات نظامی، محمد رضا سعادتی، شکری پاکنژاد و سعید سلطانپور به دست دژخیمان به ناحق و ناروا به شهادت رسیدند؟ زنده‌یاد دکتر کاظم سامی به خاطر کدام حمله نظامی به بیرحمانه‌ترین شکل به شهادت رسید؟ داریوش و پروانه فروهر، دوست عزیز ودیرینم محمد مختاری و نیز محمد پوینده که توفیق دیدارش را نداشته‌ام به حکم کدام عملیات مجاهدین خلق به شهادت رسیدند؟ اگر بخواهیم لیست زورها و سربه نیست کردنهای رژیم را ردیف کنیم، لیست بالابلندی خواهیم داشت. آخر حجالت هم بد چیزی نیست. با این ماهیت و جوهره ساددیسی و خونخواری که ملایان و اجام و اوباش مسلح آنها روز به روز به نمایش می‌گذارند، کدام عقل سلیم و وجدان پاک می‌تواند باور کند که ملایان اجازه می‌دادند که جمعیت قابل‌ملاحظه‌یی از مجاهدین خلق و مبارزان برسر موضع از زندانها بیرون بیایند وبه مبارزه خود علیه حاکمیت ادامه دهند؟ مگر جلاد اوین لاجوردی خون و کف برلب آورده بارها و بارها به آن فرزندان دلیر و جان برکف ایران زمین نمی‌گفته است که حتی یک نفر از شما عمودی از اینجا بیرون نخواهید رفت؟ یعنی شما را خواهیم کشت.

این کیف و جیب‌شناس بی‌قلب برای چهارهزار رزمنده شهر اشرف سینه می‌زنند و هوار می‌کشند که بچه‌های مردم را از عراق نجات دهند! عین داد و بیداد رژیم با نام انجمن نجات. باید به اینها که ذره‌یی عاطفه و علاقه به ملت ایران ندارند، مگر به ریا و تزویر و سوژه‌یی لق لق زبان برای بازارگرمی، گفت که چرا دلتان برای یک بار هم شده برای فوج فوج جوانانی که از فرط بیکاری و بی‌فرهنگی طعمه سیاه و بسیج می‌شوند و بعد از مدتی آموزش آزارسرسای به مردم خود به خیابانها می‌آیند، بس بیحس و بیرحم. چرا فریاد نجات کسانی را می‌زنید که با شعور و اراده و تصمیم خود با قبول هر مخاطره‌یی خود را به اشرف رسانده‌اند تا وظیفه ملی و تاریخی خویشتن را در نهایت ایثار به انجام رسانند؟ سالهاست که کار این جماعت توهین به شعور انسان ایرانی که در کار مبارزه است؛ می‌باشد. هواداران مقاومت ایران مسیر این ریاپلهایی را که آخرین ایستگاه آنها، وزارت اطلاعات و جنایات رژیم ملایان است؛ دنبال کرده و خوب می‌شناسد. هواداران مقاومت ایران همچون ملت ایران خواهان سرنگونی تمام عیار رژیم دهمنش ملایان حاکم هستند. خواهان آزادی و دموکراسی، عدالت اجتماعی و حکومت قانون و نیز حق حاکمیت ملی هستند. هواداران مقاومت خواهان صلح برای ایران، منطقه و جهان هستند و این اهدافی است که ما را به سازمان مجاهدین خلق و شورای ملی مقاومت نزدیک کرده است. ما به یقین دریافته‌ایم که جدایی دین از دولت تنها یک شعار و ادعای تبلیغاتی نیست بلکه برخاسته از جوهر وجودی مجاهدین خلق است که چهار دهه برای آزادی و احقاق حق ملت تحت ستم ایران رنجها کشیده و قربانیها داده‌اند. اگر بنا بر صرف قدرت‌طلبی می‌بود، خمینی و دیگر دنبالچه‌هایش به استقبال اولین شخصیتی که می‌رفتند همانا آقای مسعود رجوی بود. مسعود در برابر خمینی و خمینیسم ایستاد به خاطر امر آزادی برای مردم ایران. چقدر باید کوردل و خبیث بود که این حقیقت به تجربه مردم ایران و وارونه کرد. خیالها راحت باشد، در این وارونگیها لقمه از گلوی رژیم خوش فرو نخواهد رفت. به طبع آدمخواران، دستگاه را وارونه می‌نوازید، اما مقاومت ایران صدایی بس رسا‌تر و حقتر و صمیمی‌تر دارد. این همان صدایی‌ست که هم شمایان از آن در رنجید و هم سرکردگان رژیم از آن در عذاب الیم. ما دراین شرایط حساس و تعیین‌کننده امروز از افراد و طیفهایی که مرزبندی جدی با استبداد حاکم دارند می‌خواهیم که نه تنها به معلوم‌الحالها و مشکوکان نزدیک نشوند بلکه صرف نظر از اختلاف دیدگاهها به خاطرتقویت جبههٔ مبارزان و تضعیف جبههٔ شوم، نکبت‌بار و خونریز فاشیستهای حاکم بر جان و هستی یک ملت دردمند؛ این خائنان یک شعار و ادعای تبلیغاتی نباشند بلکه برخاسته از جوهر وجودی مجاهدین خلق حق ملت تحت ستم ایران رنجها کشیده و قربانیها داده‌اند. اگر بنا بر صرف قدرت‌طلبی می‌بود، خمینی و دیگر دنبالچه‌هایش به استقبال اولین شخصیتی که می‌رفتند همانا آقای مسعود رجوی بود. مسعود در برابر خمینی و خمینیسم ایستاد به خاطر امر آزادی برای مردم ایران. چقدر باید کوردل و خبیث بود که این حقیقت به تجربه مردم ایران و وارونه کرد. خیالها راحت باشد، در این وارونگیها لقمه از گلوی رژیم خوش فرو نخواهد رفت. به طبع آدمخواران، دستگاه را وارونه می‌نوازید، اما مقاومت ایران صدایی بس رسا‌تر و حقتر و صمیمی‌تر دارد. این همان صدایی‌ست که هم شمایان از آن در تحت اسارت ایران. هیچ نظام دیکتاتوری بنا به طبیعت غیرطبیعی خود تپایده، مسلماً بدترین و ارتجاعی‌ترین و بیرحم‌ترین نوع آن یعنی نظام فاشیستی مذهبی ملایان نیز نخواهد پایید. فرداست که به یمن خروش مردم و پیشتازی نیروی مقاومت این مردم با برچمداری رزمندگان سلحشورش، ایران فصل نوینی در صلح و رشد با ملل منطقه و جهان آغاز خواهد کرد. ما تا آن روز –دیر یا زود – با مقاومت ایران همراه و همگام خواهیم بود.

سلام می‌کنم به مادرم، ایران

رحمان کریمی

کبوتر پیک سفر را
پرواز خواهم داد
تا برنشیند بر کدامین بام منتظر.

ای پرندهٔ خونین بال
برق جنون هزاران صیاد در راهت
گر با گدازان پرفروغ بالهایت، سبز
دررسیدی به منزل معبود
سلام این پیر پیر تعبیدی را
برسان به مادرم، ایران
برگو که خسته ام اما ز پا نیفتاده ام هنوز.
هرچند دو چشمه ام خشکیده شد زاشک
اما
در دره ها و راههای فروبسته جهان
سیلاب سیلابیم هنوز.
شکسته دل و تنگ طاقتم ولی
خانه گرفته ست، پلنگی سینه ام
شکار ماه نمی‌رود مگر برستیغ البرز
بیشه نمی‌گیرد مگر به بیشه زار تو.

تنها نیستم مادر، دل خوش دار!
یاران من در حیرت بی حسی زمان
هم توفانند، هم سیلاب وهم رعد وبرق.
تا نشکند طلسم و فرونریزد قلعهٔ جادو
مرگ را به خانهٔ پیرپورتو
فرصت دیدن نمی‌دهم.

۲۳ اوت ۲۰۰۷

فاشیسم آخوندی در فاز شکست و بن‌بست (۹)

مهیار برومند

الف ـ لیست تروریستی

حرف آخر:

آن‌چه با در نظرهای قبلی گفته‌ایم نهایتاً در این سؤال ودر این بخش می‌توان به کمال معنا رساند. آیا مقاومت در برابر دیکتاتوری و فاشیسم ضدبشری و قرون‌وسطایی آخوندی، وحق انسانی دفاع از آزادی وحاکمیت ملت ایران و انسانیت در برابر دشمن اصلی مردم و آزادی و سعادت و استقلال ایران و ایرانی مشروع است یا خیر؟ اگر آری پس بقیه داستان کمی است، ولو این‌که در این مسیر، افت وخیز واقعی هم مشاهده شود که خود نشاندهنده دینامیسم وحرکت رو به‌جلو مقاومت است. و اگر پاسخ به این ضرورت حیاتی منفی است، پس تاریخ تمدن بشری و تکامل آن یک توهم بیش نیست. این همان نقطه مبنایی وسرچشمه مرزبندی با رژیم و پرهیز از هرگونه رابطه با فاشیسم آخوندی است ولاغیر! چه در وجهه مذهبی آن وچه در وجهه غیرمذهبی و ناسیونالیستی و... حقیقتی که در این روزها اثبات شده اینست که اگر مقاومت تمام‌عیار مردم ومجاهدین خلق ایران کمترین رگه ویا رابطه‌یی با یک دیدگاه و انگیزه ماجراجویانه وغیرمسئولِ وخشونتگرا ویا تندروانه و.... داشت اولاً خیلی زودتر از قنوای به رگیاربستن مردم عادی توسط خمینی در سی خرداد شصت در ایران، می‌بایستی دست به عمل می‌زد. آن هنگامی که حذف فیزیکی سران تروریست و آدمکش امروزی آخوندی، در برابر تحمل چماق و شکنجه و «کمانه‌کردن» تیرهای ژ-۳ کمینه‌چهای آن روز، آستانِ وکمپهاترِ ازفعالیت علنی، دموکراتیک و افشاگری مربوط به چماقداران خامنه‌ای، رفسنجانی، بهشتی و حزب جمهوری اسلامی و شرکت در انتخابات مجلس و ریاست جمهوری بود، چه از جنبه داخلی وچه بین‌المللی-کما این‌که مجاهدین در هیچ نقطه‌یی از جهان حتی یک سنگ‌ریزه به مراکز وابسته به رژیم و دیپلوماتِ‌تروریستهای رژیم آخوندی ویا وابستگان علنی و یا لوفرته و اثبات شده نظام ملایان در طول مدت حضورشان در خارج از مرزها پس از کشتار سی خرداد سال ۶۰، پرتاب نکردند چه رسد به عملیات نظامی و تلافی‌جویانه و...حتی در عراق، قبل وبعد از اشغال آن!

ثانیاً، یقین کنید که اگر رهبری و سازمان محوری مقاومت ذره‌یی از ماهیت و اندیشه تروریسم آخوندی را با خود حمل می‌نمودند به‌گواهی موارد دیگر تاکنون در رژیم آخوندی ذوب می‌شدند و بنا به اصل تعادل قوا جذب طرف حاکم و قطب قوی وغالب و منشأ اصلی تروریسم یعنی نظام آخوندی می‌گردیدند. نه این‌که هر روز که می‌گذرد مرزبندی و تضاد میان این دو قطب متخاصم عمیقتر گردد. در همین جا باید اشاره نمود که مقاومت مردم ایران با استبدادی چنگ در چنگ است که اساس کارش در خفا، تاریکی و با کشیدن پرده سیاه جلوی چشم بقیه همراه است. یعنی ویژگی رژیم آخوندی درجالگری و دروغ‌گویی و سفید را سیاه و روز را شب قلمداد کردن است. لذا در برابر مجاهدین و مردم ایران دستگاه سرکوب وحشیانه و علنی خود را با استفاده از همان دجالیتش سعی می‌کند که وارونه جلوه دهد. هدف هم اینست که با دجالیت جای ظالم ومظلوم ویا جلاد وقربانی را در انظار مردم و دنیا جابه‌جا کند و وارونه جلوه دهد. قراردادن نام مقاومت ایران در لیست سیاه تروریستی هم تا جایی‌که به آخوندها برمی‌گردد دقیقاً از همین ویژگی و نیاز دجالانه برای استمرار حیاتشان در حق مردم ومقاومت ایران، در چنین پرده‌یی سیاه ودر تاریکی مطلق نشأت گرفته است. اما درجبهه مقابل یعنی مقاومت سازمانیافته مردم ایران، ما شاهد منطق و نگرشی کاملاً متضاد با آخوندها هستیم. مقاومت ایران به‌دلیل برخورداری از یک رهبری تمام‌عیار و ذیصلاح که محصول یک کار عظیم جمعی وپیوهرمندی از تجارب مبارزات یکصد سال گذشته مردم ایران است، موفق گردید که نه تنها گذشته را چراغ راه آینده نماید ومسیر را تا جایی که به اصول وپرنسیپهای اثبات شده ودستاوردهای علمی وتجربه نسلهای قبل بر می‌گشت در فرازی نوین به کمال حضور ارتقا داده وروشن نماید، بلکه هرجا که در طول مسیر و پیمودن راه صعود به قله‌های بالاتر در سرفصلی جدید ضرورت طرح ویرنامه‌یی نو و راهگشا به‌میان آمده، با شمع وجود خویش مسیر را روشن نگاه داشته وآجازه ندادند که آخوندهابا تیره و تار کردن شرایط و اوضاع به هدف خود برسند. خوشبختانه امروز شفق شفافیت وطلوع خورشید حقیقت تابیدن آغاز نموده و آخوندها چون خفاش شب سرگشته وهراسان خود را به در و دیوار می‌زنند و پنه خیلی از جنایاتشان روی آب افتاده و روشدن ماهیت ضدبشری و تروریستیشان عالمگیر شده است. به‌صراحت می‌توان دید که مقاومت ایران چه مسیر پرمخاطره، پرریسک وپردرد و رنجی را در شیهای تیره وتار آخوندی وظلمت استبداد مذهبی تروریستی نظام ولایت فقیه طی نموده است وحالا که در روشنایی صبح از بالای ارتفاعات تسخیر شده به‌دست مقاومت به مسیر طی شده نگاه می‌کنیم در جای جای آن صحنه‌های نبردی غرورآفرین وپادوارهایی از پایداری و مقاومت تمام وکمال انسان آزاده و شرافتمند ایرانی و مجاهد را مشاهده می‌کنیم که ظلمت سیاه آخوندی را با فدای حماکثر و مقاومتی سترگ وبی‌نظیر در هم شکسته و تک به‌تک مواضع آخوندی را ویران و آن را به لبه پرتگاه تاریخی، سیاسی و فرهنگی کشانده‌اند که نامش مرحله اضمحلال وسرنگونی فاشیسم مذهبی تروریستی آخوندی است.

آری نبرد نهایی به روز کشیده واین پاشنه آشیل و ضعف بنیانی جبهه متفرق و وارفته ملایان است چیزی که از آن خیلی هراس داشتند و تمام تلاششان این بوده که کارزار به روز نکشد و مجاهدین ومقاومت مردم ایران را در همان تاریکی شب وبه صبح نکشیده سر بریده و نابود کنند. با این نگاه به کلیت دستگاه و تابلوی نبرد آزادیبخش مردم ایران وجبهه همبسته وضدبنیادگرایی وتروریسم آخوندی در عراق و دیگر نقاط جهان، به‌ساده‌گی می‌توانیم تعریف و دلیل روشنی در برخورد به گنجاندن نام مقاومت ایران در لیست سیاه آخوندخواسته تروریستی پیدا کنیم. آنهایی‌که مقاومت ایران را با مارک تروریسم در لیست مربوطه قرار دادند، همان جبهه متحد آخوندها هستند که مطلقاً «مقاومت در برابر دیکتاتوری وفاشیسم ضدبشری و قرون‌وسطایی آخوندی، وحق انسانی دفاع از آزادی وحاکمیت ملت ایران و انسانیت در برابر دشمن اصلی مردم و آزادی و سعادت و استقلال ایران وایرانی...» را مشروع ندانسته وآن را تماماً نفی می‌کنند و آیا سر دسته این جریان غیر از آخوندها کسی دیگر می‌تواند باشد؟ پس لیست تروریستی یکی از همان پرده‌های سیاهی بوده است که آخوندها برای ادامه اعدام وشکنجه وگسترش تروریسم و جنگ و خونریزی در داخل و خارج از ایران به آن نیاز حیاتی داشتند و باید آن را درسیاه چنین بنا وپی‌ریزی کنند. آن کس که برای مردم ایران حق مسلم آزادی و سعادت و امنیت ورفاه و... را بدرسمیت می‌شمارد هیچ‌گاه وجود نام مقاومت ایران در لیست تروریستی را برنتابیده و نمی‌پذیرد.

ادامه دارد

آب در خوابگه مورچگان بیت‌العنکبوت!

محمد قرایی

از قدیم و ندیم گفته‌اند که در مثال مناقشه نیست و گرنه برای عنوانی که دربالا آورده، بهتر بود می‌نوشتم آب در لانه مور و ملخهای بیت جماران، لانه کفتاران و شغالان ویا گرگان و ددان!

بحث روز، جای گرفتن سپاه درجایگاه واقعی خویش است. البته هم‌چنان‌که رئیس‌جمهور برگزیده مقاومت گفته‌اند، با سالها تأخیر فاز. دراین زمینه هنوز نه وزارت خارجه و نه کاخ سفید هیچ‌کدام موضع رسمی‌اتخاذ نکرده‌اند، با این وجود به دلیل اهمیت خبر و جاروجنجالی که در اقصی نقاط جهان وبه‌ویژه در لانه شغالان ایجاد کرده، پرداختن به آن، خالی ازفایده نخواهد بود.

سپاه پاسداران، نیروی ایدئولوژیک–نظامی!

درست پس از انقلاب ضدسلطنتی ۵۷ و سرقت انقلاب توسط آخوندها، بنا به فرمان خمینی، طرح تشکیل و تأسیس یک نیروی نظامی –ایدئولوژیک برای حفاظت ازانقلاب ملاخورشده و دستگاه عریض و طویل آخوندها مطرح شد.

شورای به‌اصطلاح انقلاب آخوندها، درتاریخ دوم اردیبهشت ۵۸ با تصویب اساسنامه‌یی وظایف این نهاد ضدمردمی را در ۱۱ بند، ۹ ماده و ۹ تبصره مشخص کرد. کمی بعد، مجلس آخوندساخته خبرگان درتاریخ ۳۰ مهر ۵۸ نقش سپاه در نگهبانی از انقلاب و دستاوردهای آن را مورد تصویب و تأکید قرارمی‌دهد و سرانجام در۲۶ شهریور ٦٤ دستورتجهیز سپاه به سلاحهای سنگین و تشکیل نیروهای دریایی، زمینی و هوایی که از طرف فرماندهی کل –خمینی– صادر وبه مورد اجرا گذاشته می‌شود. در مقدمه قانون اساسی آخوندبسیم وظیفه سپاه نه تنها حفظ و حراست از مرزها، بلکه بار رسالتی مکتبی یعنی جهاد در راه خدا و مبارزه در راه گسترش حاکمیت قانون خدا درجهان اعلام می‌شود. بعدها با تشکیل واحدهایی مانند قرارگاه خاتم‌الانبیا و نیروی قدس به منظور صدور بنیادگرایی و ارتجاع ناب گسترش می‌یابد.

پاسداران، سپاه سرکوب، شکنجه واعدام!

آن‌جان‌که جسته وگریخته ازگفته‌ها ونوشته‌های ایدئولوگهای اولیه سپاه، مانند سازگارا و حجاریان پیداست، پس ازاین‌که تیغ سرکوب و شکنجه کمیته‌چهها، برایی خودش را ازدست داد واحدهایی درسپاه تحت عنوان اطلاعات وضداطلاعات شکل گرفت که بعدها هسته اولیه وخشت بنای وزارت بدنام اطلاعات روی این بنا، پی‌ریزی شد.

بسیاری از هموطنان وبه‌خصوص زندانیان از بندرسته به‌خوبی به‌یاد دارند سپاه تباهی وجنایت در دستگیری، شکنجه واعدام، دست همه ارگانهای ضدخلقی ملاها را ازپشت بست.

این باند تازه‌نفس دررقابت با لمپن شکنجه‌گران کمیته‌چی وبقایای ساواکها که به‌سرعت کمر خدمت به‌معلوم‌الحالها و مشکوکان نزدیک نشوند بلکه صرف نظر از اختلاف دیدگاهها به خاطرتقویت جبههٔ مبارزان و تضعیف جبههٔ شوم، نکبت‌بار و خونریز فاشیستهای حاکم بر جان و هستی یک ملت دردمند؛ این خائنان یک شعار و ادعای تبلیغاتی نباشند بلکه برخاسته از جوهر وجودی مجاهدین خلق حق ملت تحت ستم ایران رنجها کشیده و قربانیها داده‌اند. اگر بنا بر صرف قدرت‌طلبی می‌بود، خمینی و دیگر دنبالچه‌هایش به استقبال اولین شخصیتی که می‌رفتند همانا آقای مسعود رجوی بود. مسعود در برابر خمینی و خمینیسم ایستاد به خاطر امر آزادی برای مردم ایران. چقدر باید کوردل و خبیث بود که این حقیقت به تجربه مردم ایران و وارونه کرد. خیالها راحت باشد، در این وارونگیها لقمه از گلوی رژیم خوش فرو نخواهد رفت. به طبع آدمخواران، دستگاه را وارونه می‌نوازید، اما مقاومت ایران صدایی بس رسا‌تر و حقتر و صمیمی‌تر دارد. این همان صدایی‌ست که هم شمایان از آن در

درایران باره می‌گوید: فقط درسال ۸۳، پانزده میلیارد تومان کالای قاچاق درفرودگاه پیام کشف شد. بسیاری از کالاها بدون حصول مأموران گمرگ و با ارزشگذاری بسیار پایین‌تر، ترخیص شده‌اند. دریک کلام آنها از نفت و گاز گرفته تا مرغداری و زنبورداری را قبضه کرده‌اند.

درهمین رابطه علیرضا جعفرزاده طی یک کنفرانس مطبوعاتی در واشینگتن، به افشای شرکتهای پوششی سپاه پاسداران پرداخت.

سپاه پاسداران، سپاه ترور و وحشت!

سپاه ملاها درماهیت و در اساس یک سپاه ترور و وحشت بوده و هست. چنان‌که دراساسنامه و اهداف پیدایش سپاه هم به آن اشاره شده است. هدف اصلیش در داخل حفظ نظام وبرخورد با مخالفین و در خارج از مرزها هم صدور بنیادگرایی وبازهم تروربرمخالفین می‌داند. دراین باره احتیاج به استاد زیادی نیست چراکه بارها فرماندهان سپاه، ویژه‌ها وبازنشستگان سپاه وبسیاری ازمقامات رژیم دراین باره سخن‌پراکنی کرده وبه‌صورت عمد و یا غیرعمد نکاتی را افشا کرده‌اند. ازآن جمله ترور ناجوانمردانه دکترکاظم رجوی و قتل و کشتار رهبران کرد ایرانی و... را می‌شود نام برد. درمورد انفجار پایگاه آمریکایی درخبر عربستان، سفارت اسرایل در آرژانتین و... هم اخبارموثقی از اعمال تروریستی دست‌اندرکاران سپاه قدس بدست آمده است.

سالها قبل، محسن رضایی سر کرده سابق سپاه در رابطه با انفجار تنگذاران آمریکا دیریورت گفته بود که این عملیات هم ایدئولوژی و هم مواد انفجاریش از ایران تحت حاکمیت آخوندها ارسال شده بود. این روزها نیز دخالت نیروی قدس سپاه پاسداران درعراق بحث روز نیروهای ائتلاف و مردم سنمدیده عراق دوبار اشغال‌شده است. خلاصه این که خوراوها سند و مدرک دراین باره موجود است. باقی می‌ماند چیشهسنت مماشاتگران و حامیان سنتی ملاها وخرده‌جربانهای مزدور داخلی و خارجی آنها.

سپاه پاسداران، درانتظار لیست تروریستی!

قریب به سه دهه ازتأسیس این سپاه سرکوب و ترور دررداخل وخارج می‌گذرد وبه رغم انبوه شواهد و اسناد متقن، جهان آزاد به دلایل اقتصادی وسیاسی وامنیتی چشمان خودشان را آنکارا به این فاجعه گسترش‌یابنده بسته بودند. اخیراً به یمن رنج و شکنج مردم واعضای مقاومت، زمزه‌های قرارگرفتن نام سپاه در لیست سپاه آمریکا، به‌گوش می‌رسد.

–روزنامه واشینگتن تایمز–۲۸ مرداد: دولت با نامگذاری تروریستی سپاه پاسداران، گام غیرمستقیم دیگری علیه تهدید اتمی‌ایران برداشته است.

– مجله تایم آمریکا: گنجاندن نام سپاه پاسداران درلیست تروریستی آمریکا، پیام به شرکتهایی است که روابط اقتصادی با رژیم ایران دارند.

بقیه در صفحه۱۵

تطهیر ناپذیری حاکمیت آخونـدی و تـلاش بیهوده غسالان

جمشید پیمان

«می‌خواهم به همه شما در هر کجا و در هر شرایطی که هستید، این ملاک و معیار و این خط قرمز و این حصار حیاتی و مرزبندی مقدس ملی و میهنی و ضرورت نگاهبانی از آن را یادآوری کنم. در برخورد و تنظیم رابطه با همه افراد، اگر با دشمن مردم ایران و هلاک کننده حرث و نسل این میهن خط قرمز و مرز سرخ دارد، قدمش به روی چشم. از دادن جان هم برای او دریغ نکنید. اما اگر با این رژیم، که پلیدی و نحوست اول و آخر است، مرز سرخ ندارد! اگر با این رژیم، به‌نحوی درهم و هم‌جهه و هم‌خط و هم‌موضع شده و مرزبندی و روزنهٔ ملی و میهنی دربرابر این رژیم را ولو به‌اندازه یک قطره یا یک گرم و به اندازه یک قدم یا یک قلم شکسته باشد؛ هر کس که می‌خواهد باشد، در هر رده و مقام و مرتبت و مسئولیتی هم که بوده، خائن و خیانت‌پیشهٔ حقیری بیش نیست.»

از پیام دوازدهم تیر ۱۳۸۶ رهبر مقاومت «مسعود رجوی».

این چهره در کدام حجاب پنهان می‌ماند؟

تابستان سال شصت و هفت را در نظر بیاورید. خمینی تازه جام زهر آتش‌بس را سر کشیده و برای جلوگیری از قیام مردم، فرمان قتل‌عام زندانیان سیاسی را صادر کرده است. در پی صدور این فرمان، هزاران زندانی مجاهد، و البته دیگر آزادیخواهان زندانی، به قتل رسیدند. همه این زندانیان در راه آزادی جان باختند. اما خمینی و رژیمش، همه گردانندگان و حافظان رژیمش، این جانباختگان را به قتل رساندند. آری مرتکب چندین هزار فقره قتل، طی دو ماه مرداد و شهریور آن سال، شدند. خمینی در همان ایام در عرصه‌یی دیگر نیز جنایتی بس عظیم را علیه بشریت مرتکب شد و فتوای قتل سلمان رشدی، نویسنده انگلیسی هندی‌تبار، را صادر کرد. در همان هنگام، هم آن کشتارها و هم این فرمان قتل سلمان رشدی، با اعتراض میلیونها انسان در سراسر جهان روبه‌رو شد. در میان این معترضان، نام بسیاری از شخصیتهای برجسته علمی‌ادبی، هنری، سیاسی و اجتماعی به چشم می‌خورد. خمینی و اصحابش اما بی‌توجه به این اعتراضها، روی ریل جنایت، باشتابی فزاینده می‌راندند. در ایران و درسایر کشورهای جهان، به‌ویژه درکشورهای اروپایی، جوخه‌های ترور جمهوری اسلامی، سخت دست‌اندر کار کشتار فعالان سیاسی و مخالفان نظام آخوندی بودند. در سوئیس کاظم رجوی را به رگبار مسلسل بستند. در وین دکتر قاسملو را کشتند، در پاریس دکتر بختیار و دکتر یورومند را مثله کردند. در ترکیه زهرا رجبی و همرزمش را به ضرب گلوله به قتل رساندند. در مکه چند صد زائر خانه خدا را در آتش توطئه تروریستی خود سوزاندند، در حرم امام رضا بمب گذاشتند، کشیش مسیحی را دزدیدند و کشتند. و از این دست جنایات، بسی مرتکب شدند وهنوز و هم‌چنان مرتکب می‌شوند.

غسل، فقط ترتیبی و ارتماسی نیست

آیا می‌شود رژیمی را با سابقه‌یی هزاران برابر زشت و پلیدتر از آن چه که نشان داده شد، توجیه کرد؟ هر انسان با شرفی، هر کسی که وجدانش منجمد نشده باشد و ذره‌یی از نیکی و پاکی، در وجودش داشته باشد، آیا می‌تواند از این همه جنایتی را که خمینی و وارثانش علیه بشریت مرتکب شده‌اند، آگاه باشد و باز هم به توجیه رژیم آخوندی بپردازد؟

سکوت در برابر جنایات رژیم را درعین حال که ممکن است به عنوان علامت رضا به شمار آورد، می‌توان به حساب ترس و وحشت از خونخواران حاکم بر کشورمان نیز گذاشت. من البته فکر می‌کنم بزرگترین و تاثیرگذارترین علت بخش بزرگی از این سکوت، فقط به خاطر ترس از گردانندگان جنایتکار رژیم جمهوری اسلامی‌است. ویس. این نوع سکوت را می‌شود فهمید. آخر، نه همه قهرمانند و نه همه تاب و توان تحمل شکنجه‌های طاقت‌سوز دژخیمان رژیم را دارند. بنا بر این از سر ناچاری، زخم دردناک سکوت را بر دلها و لبهایشان می‌نشانند. اما توجیه‌گران این نظام را چه می‌شود نامید؟ چگونه می‌توان تشریحشان کرد؟ شما هم یقیناً آفتابه به‌دستانی را که از بام تا شام دنبال این رژیم سراپا پلیدی و پلشتی راه می‌افتند و قدم به قدم به شست و شوی جای پای جنایتهایش می‌پردازند، می‌شناسید. شما هم با کسانی که از سیاتهای ایران برباده و وضد مردمی و ایرانی‌ستیز نظام آخوندی، در پوشغهای گوناگون و با هزاران ترفند زبانی و قلمی، دفاع می‌کنند، برخورد کرده‌اید. شما با این غسالان و کیسه کشان هزار چهره، آشنایید که سخت دست‌اندر کار زدودن چرکهایی از وجود رژیم جمهوری اسلامی هستند که باآب زمزم و کوثر و با هفتاد هزار بار غسل در هفت دریا هم نمی‌توان به اندازه سر سوزنی از آنها را پاک و یا حتی پنهان کرد.

آفتابه‌دارهای عرصه لیبرالی متمایل به چپ!

شما حتماً با کسانی روبه‌رو شده‌اید که در کسوت مدرس این و آن دانشگاه اروپایی و آمریکایی، با مزد و بی‌مزد، عملا در خدمت حاکمیت آخوندی هستند. اینها در نشریات مختلف، قلمها درباب فوائد دموکراسی و حقوق بشر می‌فرسایند و برای دفاع از زندانیان سیاسی در ایران، سمیناراها می‌گذارند و تظاهرات بر پا می‌دارند. اما همینها سر بزنگاه و آنجا که می‌شود با و پایه نظام آخوندی را ولو برای اندکی لرزاندو، همه سوابق دشمنی رژیم با حقوق بشر، همه بگیر و ببندهای دانشجویان و معلمان و زنان به‌وسیله دژخیمان رژیم را در بوته اجمال می‌افکنند. به خاطرشان خطور نمی‌کند که قانون اساسی رژیم غیردموکراتیک است و در رأس نظام یک دیکتاتور فاسد به اسم ولی فقیه، تسمه از گرده هفتاد میلیون ایرانی کشیده است. به روی خودشان نمی‌آورند که شورای نگهبانی هست که روزنهای فیلترش حتی نزدیکترین کسان به نظام را اگر هم نخواهد، اجازه عبور نمی‌دهد. آن وقت و با اشراف نسبت به همه این اوضاع و احوال، تئور انتخاباتی رژیم را می‌تابانند. یک دفعه در فلان برنامه تلویزیونی مثلا صدای آمریکا یا رادیو فردا و دیگرانی از این دست، بعضی از این خوش‌خدمتان ظاهر می‌شوند و تقاضاهای خود برای شرکت در مضحکه‌های انتخاباتی حاکمیت آخوندی را که کتباً به وزارت کشور یا سفارت رژیم در فلان کشور تسلیم کرده‌اند، روحانی می‌کنند. این گونه هیزم به تنور نظام آخوندی ریختن، سابقه‌یی طولانی دارد و بیشتر اسباب دست و روش کسانی است که لیبرال نمایند و اگر هم بخواهند رنگی از چپ عرضه کنند، گفگاه از الوان رقیق سوسیال دموکراسی بر رخساره می‌سایند.

چپهای دو آتشه آخوندپسند!

از دیگر اصحاب آفتابه‌دارنظام آخوندی، کسانی هستند که ملبس به لباس چپ هستند و آن‌قدر دو آتشه می‌نمایند که مارکس و انگلس و لنین باید سر از خاک بیرون آورند و چیگری را از ایشان بیآموزند. این جماعت انتخابات رژیم را اگر پایش بیفتد، تحریم هم می‌کنند؛ با هر گونه اعدامی هم مخالفند، اینجا و آنجا هم اگر با بدهد از مبارزه مسلحانه توده‌یی دفاع می‌کنند و از برجسته‌ترین خصیصه‌هایشان نفرت‌انگیزشان نسبت به مذهب و دین و خداست.

اینها و اینجا را داشته باشید و سری به لبنان بزنید. در این کشور جریانی به‌نام حزب‌الله لبنان وجود دارد که سالها پیش و طبق رهنمود خمینی و به‌وسیله سپاه پاسداران ایجاد شده است و بزرگترین وظیفه‌اش پیشبرد اهداف نظام آخوندی در منطقه خاورمیانه است. این جریان مسلح مذهبی ارتجاعی، یک سالی می‌شود که در جریان درگیریهای منطقه، به شدت مورد حمایت همسو و مشترک جمهوری اسلامی و همان چپهایی‌ست که ذکرشان رفت که هم به‌صورت انفرادی و هم در قالب اسامی دهان‌پرکن تشکیلاتی، خود را معرفی می‌کنند. در فلسطین، مشابه همین کنش و واکنش را در رابطه با درگیریهای دو سازمان حماس و فتح می‌بینیم. بعضی از این چپهروان دست چپ و راست خویش گم کرده، در دفاع از حماس و توجیه عملیات آن نه تنها همسویی و همراهی شگفت‌انگیزی با رژیم آخوندی بروز می‌دهند، بلکه در باب توجیه و دفاع از حماس، چندین کیلومتر از گردانندگان حاکمیت آخوندی نیز پیش می‌افتند. چنین است مواضع این جماعت در رابطه با مسأله اتمی‌رژیم. نظام آخوندی در جریان تلاشهایش برای دستیابی به سلاح اتمی که نه صلاح مردم ایران در آن منظور است و نه عافیت بشریت، بشّث شعار «الرّزی هستیی حق مسلم ماست»، عده‌یی را به درون این خم رنگرزی فرو برده است. رژیم بنادگرا و تروریستی و توسعه‌طلب جمهوری اسلامی، با آن سابقه زشت و کثیف جرم و جنایت علیه بشریت، که همه را در روزگار بی‌بالی مرتکب شده است، دنبال دستیابی به پر و بال بمب اتمی و سلاحهای کشتار جمعی است. توجه بفرمایید که این گربه مسکین که در عصر بی‌بالیش بیش از صدو بیست هزار آزادیخواه ایرانی را قتل‌عام کرده است و هزاران زندانی سیاسی را به جوخه اعدام سپرده است و هزاران عملیات تروریستی در چهار گوشه جهان ترتیب داده است وهم اکنون در عراق و فلسطین و لبنان و افغانستان به جنایت مشغولست، اگر روی شانه‌هایش بالهای اتمی‌هم بروید دیگر چه خواهد کرد؟ گردانندگان این رژیم تا همین جا هم اسباب روسفیدی جنایتکاران پر آوازه تاریخ را فراهم آورده‌اند، وای به وقتی که بیمی‌از هیچ پوزند و ترمزی هم نداشته باشند. در چنین هنگامه‌یی ملاحظه می‌کنید که فلان فرد یا فلان گروه چپ، طوری به دفاع از برنامه اتمی‌رژیم می‌پردازد و آن را در بیفتد، تحریم هم می‌کنند؛ با هر گونه اعدامی هم مخالفند، اینجا و آنجا هم اگر با بدهد از مبارزه مسلحانه توده‌یی دفاع می‌کنند و از برجسته‌ترین خصیصه‌هایشان نفرت‌انگیزشان نسبت به مذهب و دین و خداست.

از اصلاحات آخوندی تا مصالحه، راهی نه دو و نه پر پیچ و خم

توپ اصلاحات که در رفت، بلافاصله عده‌یی در گرد و غبار ناشی از آن، یا به توهم و یا از سر فرصت‌طلبی و به اصطلاح، نان به نرخ روز خوری، شروع کردند به دام‌گستری و یا در دام افتادن. هر چه ارباب معرفت فریاد برآوردند که خبری نیست و در باغ سبز آخوندی فقط و فقط به جهنم باغ می‌شود، به گوش این متوهمان خودفریب، فرو نرفت که نرفت. هر چند حساب آن نان به نرخ روزخوری دم علم کرده پشت خم کرده، در نشنیدن فریادهای بیدار باش، البته از متوهمان جداست، اما در عمل، هم متوهمان و هم فرصت‌طلبان، آب یک چشمه را در کوزه حاکمیت آخوندی ریختند و برای خزش توام با خیزش به زیر عبای آخوند خائنی، به تکاپو افتادند. وقتی خائنی‌رئیس جمهور آخوندها شد، مسأله روابط بین‌المللی، سخت گریبان رژیم را گرفته بود. نماد این کلافگی و نفس‌تنگی را در رأی دادگاه معروف به میکونوس شاهد بودیم. دادگاه رأی داده بود که فلاحیان وزیر اطلاعات رژیم، رهبری و هدایت اجرای کشتار ایرانیان در رستوران میکونوس را بر عهده داشته است. دادگاه همزمان اعلام داشته بود که خامنه‌ای و رفسنجانی و ولایتی به‌اتفاق فلاحیان، آمران دست اول ترورهای رژیم در خارج از کشورند. آخوند خائنی با هوا کردن فیل یادکنکی گفت و گوی تمدنها موضوع میکونوس را، البته با چشم بر هم‌نهادن عمدی غریبان طرف معامله، به‌طور موقت به حاشیه راند. داستان وجود گروه خودسر و غده چرکین به سرکردگی دژخیم سعید امامی در وزارت اطلاعات را هم پس از ترور چندین نویسنده و فعال سیاسی و به‌خصوص به‌دنبال بریدن سرو سینه پروانه و داریوش فروهر، ساختند تا گلی بر روی هزاران توروی که رژیم انجام داده بود بپاشند.

خائنی با سردست گرفتن علم گفتگوی تمدنها برای دریوزگی راه افتاد به دور دنیا، و به خیال خودش و هم بالگهایش در رژیم، می‌کوشید تا سر جهان را شیره بمالد. او البته در راه خدمت به رژیمش حق داشت که چنین و چنان کند و عده‌یی را بخرد و تعدادی را با وعده‌های شیرین بفریبد و با ریسان این و آن کشور از در تضرع و التماس در آید. اما آنان که صابون رژیم به تنشان خورده بود چرا او را و اذا و اطوارهایش را باور کردند؟ پذیرفتنش از جانب رئیسان کشورهایی مثل فرانسه و ایتالیا قابل فهم است. آنها به خاطر منافع کشورشان با شیطان هم دست می‌دهند. اما پذیرفته شدن این آخوند شیاد از جانب عده‌یی ایرانی زندانی کشیده و متواری و ضدرژیم، چه معنایی دارد؟ حتی کسانی که خائنی و یاراتش تاج را از سر پدرشان ربوده بودند و آنها را به حق با تاحق آواره و در به در کرده بودند، نیز، موفقیت آخوند خائنی را آرزو کردند. از این بیشترش را هم دیدیم. کسانی که سالها با رژیم مبارزه کرده بودند و بارها و بارها شنیده بودند که افعی کبوتر نمی‌زاید، با علم شدن خائنی، دچار خطای دید شدند و باورشان شد که بلی، فضا باز شده است و باید از این فضا بهره برد و مبارزه را تعمیق بخشید! چنین شد که بسیاری از این باورمندان به اصلاحات، یا سرخورده گشتند و درجاه خموشی غلتیدند و یا از میخانه اصلاحات آخوندی، یک سر به حوض کوثر مصالحه با رژیم افتادند.

آری، افعی کبوتر نمی‌زاید!

آقای مسعود رجوی، رهبر مقاومت بارها و به مناسبتهای گوناگون، به دوست و دشمن، به ایرانی و غیر ایرانی گفته است و هشدار داده است که افعی کبوتر نمی‌زاید. از سی سال پیش تا کنون این افعی، بسیار بچه زاییده است. اما هر فرزندی از فرزند قبلی افعی‌تر و خطرناکتر و آدمی‌خوارتر بوده است. وقتی رفسنجانی دولت مهر و پراگماتیستی راه انداخت، عده‌یی به خوش‌خوشان مبتلا گشتند و برای این آخوند جنایتکار آینه‌پردازی کردند. حتی فردی مانند علی امینی، اعلامیه داد که در آن شرایط وظیفه هر ایرانی میهن‌پرستی است که از هاشمی‌رفسنجانی پشتیبانی کند. نمی‌دانم آن موضعگیری را بگذارم به حساب عوارض کبر سن یا انجام وظیفه؟ گروهی از کسانی که خود را جمهوریخواه می‌دانستند و می‌خواستند یک جمهوری بی‌پیشوند و پسوند تأسیس کنند، در یک نامه سرگشاده به رفسنجانی، از وی عاجزانه تقاضا کرده بودند شرایطی فراهم سازد که آنها بتوانند در انتخابات مجلس آخوندی شرکت کنند و در جمع ملزمان به ولی‌فقیه، به خدمتگزاری بپردازند. این بندگان خدا وقتی که آن نامه سرگشاده را می‌نوشتند نمی‌توانستند ندیده باشند یا بی خبر باشند که همان رفسنجانی چه خفت و خواریهایی بار نهضت آزادی و «ملی ـ مذهبیها» می‌کند که هزار مرتبه به رژیم نزدیکتر و وفادارتر از اینانند. اینها می‌خواستند از قبل آخوند رفسنجانی وارد مجلس شوند که حتی یکی از اعضای نهضت آزادی، برای ورود به آن، صلاحیت مورد نظر رژیم را کسب نکرده بود. راستی اینان خوش خیال بودند؟ ممکن است. ولی آیا فقط خوش خیال بودند؟ هشت سال گذشت تا دوره بازیهای مدرگرایی به سر رسید و نوبت اصلاحات شد. حدیث اصلاحات بسیار مفصل است. بهتر است به همین اندازه بسنده کنیم که خود آخوند خائنی در باب تعریف اصلاحات و اصلاحاتچی آخوندی، شرط اول را سر سپردگی به ولی‌فقیه و تکیه به این عمود خیمه نظام، اعلام کرده است. و درهمان حال آقای مسعود رجوی به جمیع متوهمان و غیر متوهمان،صریحاً گفته است که شرط اول و اساسی اصلاحات، نفی ولایت‌فقیه است. البته هیچ کس هم بهتر از خود خائنی برای موقعیت خودش در هشت سال به اصطلاح اصلاحات، تعریف ارائه نکرده آنجا که گفته است در این همه مدت او فقط و فقط نقش یک تدارکچی را داشته است و بس.

در این میان سخن اول و آخر و کلام متین و محکم را در رابطه با رژیم، باز هم باید از مسعود رجوی بشنویم که از روز اول این نظام و دم و دستگاهش را کاملاً شناخت و آن را به افعی مانند کرد که خاصیت کبوترزایی در وجودش نیست. و نتیجه این هم گرونه نزدیکی با این رژیم جنایتکار و عوامل رابابد تنها و تنها در شمار مساعدت به افعی همیشه آبستنی آورد که جز افعی نخواهد زایید.

حسن نایب آقا

در باتلاق آخوندی

شـادیـها و غمـهای دو مـلـت بـزرگ و قهرمان

فوتبال ایران تحت حاکمیت ملاها، بیش از آن که برروی چمن سبز ظاهر شود و به‌دنبال تکنیک، تاکتیک و مدیریت و فوتبال علمی و مدرن باشد، در جنگ و دعواها و معاملات و کلاهبرداریهای میلیاردی خود را نشان می‌دهد. بی‌دلیل نیست که طی دوران ملاها حتی یک جام جوانان یا نوجوانان یا جام ملتهای آسیا یا شرکت در بازیهای المپیک نصیب فوتبالیستهای شایستهٔ ایرانی نگردیده است

اگر می‌خواهید خوب به‌ماهیت، گذشته و چشم‌اندازهای آیندهٔ رژیم آخوندی پی ببرید، نگاهی به‌اوضاع ورزش ملاها و به‌خصوص وضعیت فوتبال ایران بیندازید. گو این‌که پروندهٔ این رژیم جهنمی از ابتدای روی کارآمدن در سال ۱۳۵۷، سراسر سیاهی و تباهی و کشتار و شکنجه و بدبختی برای مردم ایران بوده است و بس.

تبلیغات و جنجالهای این رژیم پوسیده، به‌علت تاراج سرمایه‌های عظیم ملت ایران، که صرف پرکردن جیبهای کمپانیها و دولتهای بزرگ جهانی می‌شود، درونی متعفن و گندیده را سرپوش می‌گذارد. درست مانند پهنهٔ سیاسی که به‌یک رژیم درمانده و محنتور و ضدتاریخی، به‌لطف سیاست شم‌اور ممامات، عمر ننگین و چهرهٔ قدرتمند می‌بخشند تا چندصباحی دیگر به‌چپاول هست و نیست مردم ایران ادامه دهند. هیهات که در صحنه ورزش چنین دجالگریهایی کارساز نیست. زیرا ورزش عمیقاً با مسألهٔ آزادی و مردم‌سالاری عجین است و این رژیم به‌غایت ضد آزادی و ضدمردمی، جایی در فوتبال آسیا و جهان پیدا نمی‌کند.

درک این حقیقت با نگاهی به‌سابقه و نتایج ربع قرن اخیر فوتبال ایران، چندان مشکل نیست. از زمان روی کارآمدن این رژیم منحوس تاکنون، تیم ملی فوتبال ایران هیچ‌گاه در یک رویداد جدی فوتبال آسیا و جهان به‌پیروزی نرسیده است. تیمی که در زمان قبل از حاکمیت آخوندها قهرمان بلامنازع فوتبال آسیا و اقیانوسیه بود، اینک از نحسی رژیم آخوندی حتی یکبار در جام ملتهای آسیا به‌جایی نرسیده است. حتی یکبار نتوانسته به بازیهای المپیک راه یابد. تیم ملی جوانان ایران که همیشه قهرمان آسیا بود، حتی یکبار در این دوران مزه شیرین قهرمانی را نچشیده است. در تمام این سالها، در سطح نوجوانان و جوانان و در سطح تیم ملی امید و تیم ملی ایران، ما هیچ موفقیت چشمگیری نداشته‌ایم و حتی همان روزهای موفق گذشته هم تکرار نشده است. زیرا به‌جای یک حکومت مردمی و مترقی با رژیمی قرون‌وسطایی و وحشی و بیرحم مواجه هستیم که ورزش ایران را نیز در سیاهچالها فروبرده است.

از قضا در آخرین رویداد فوتبال آسیا، تیم ملی فوتبال عراق، به‌شایستگی تمام بر تیم گرجستونی و عربستان پیروز شد و برای اولین بار در تاریخ فوتبالش جام ملتهای آسیا را برد. شرمساری فراوان برای آخوندهای چپاولگر و خونریز، که به‌رغم درآمدهای بزرگ نفتی و حتی غارت منابع نفتی ملت مظلوم عراق نتوانستند بر تیم اسید کره جنوبی غلبه کنند و با شکست روانهٔ تهران شدند. اما عراقیهای قهرمان، با پیروزی بر تیمهای استرالیا، کره جنوبی و عربستان، لبخندها را بر لبان یک ملت ستمدیده و جنگ‌زده جاری ساختند و شادی را برای آنها به‌ارمغان بردند.

اما در تهران، طبق معمول، جنگ گرگها از سرگرفته شد. سردمداران پلید رژیم آخوندی، هنوز امیر قلعه‌نویی در هواپیما بود که بوق برکناری وی از سرمربیگری تیم ملی را به‌صدا درآوردند. پیش از این نیز آنها به‌جای بیان حقایق، کاسه و کوزه را بر سر امثال حسن حبیبی، ایویچ، برانکوویچ و ویه‌را می‌شکستند. دست برقضا در جام چهارده‌م، زوروان ویه‌را، مربی ۶۵ساله برزیلی، تیم ملی عراق را به‌مقام قهرمانی آسیا رساند. اما فدراسیون فوتبال آخوندها، یک ویه‌را‌ی دیگر از برزیل را که در سال ۱۹۹۸ تیم ملی ایران را به‌جام جهانی رهنمون شد، عذرش را خواست و پولش را هم بالا کشید تا او از ایران فرار کرد.

این بار هم روزنامه‌های رژیم به‌علت باخت تیم ملی، هیچ فرصتی را برای تصفیه حساب با یکدیگر و زمینه‌سازی برای منافع و دزدیهای آینده از دست ندادند. حجم انبوه و بی‌سابقه مطلب در مورد تیم ملی، سرمربی آن و کمیته انتقالی فدراسیون فوتبال، در تاریخ ورزش ایران سابقه نداشته است. به‌محض این که پای قلعه‌نویی به‌تهران رسید، او را برای پاسخگویی به‌مجلس ملاها

جام قهرمانی فوتبال آسیا بردستهای کاپیتان تیم ملی عراق

احمدی‌نژاد، رئیس‌جمهور جنایتکار آخوندها و دلقک‌بازیهای مشمئزکننده‌اش چیزی جز شکست برای ورزش و فوتبال ایران به همراه نداشته است

بردند تا تحت عنوان «مناظره منتقدان با سرمربی تیم ملی در مجلس» شلاق کشش کنند. مأموران رژیم در پایان این جلسهٔ محاکمه، اعلام کردند «عملیاتی نشدن انتقادات و پیشنهادات همچنان یکی از اصلیترین دغدغه‌های کارشناسان دعوت شده به‌این نشست می‌باشد» (ایران ورزشی، ۱۸مرداد).

در میان به‌اصطلاح کارشناسان دعوت‌شده نیز نام جلال یحیی‌زاده، امیدوار رضایی، مهدی محمدنبی و... به‌چشم می‌خورد که یکی از دیگری جنایتکارتر و پس‌مانده‌تر بودند و جز لات و لمپنهای اطرافشان کسی آنها را نمی‌شناخت و هنری جز بازجویی در چنته نداشتند.

از اوضاع تیم ملی فجیع‌تر، وضعیت دو باشگاه بزرگ فوتبال ایران، استقلال و پرسپولیس است. بحران این دو باشگاه بزرگ، چندسالی است که تیشه به‌ریشهٔ فوتبال ایران زده است. آکواریومی از سوءمدیریت، کلاشی، چپاول، حقه‌بازی و مردم‌فریبی و اعمال زور و سرکوبی در محبوبترین باشگاههای ایران. مدیریت این دو باشگاه مانند پاندولی میان جناحهای مختلف حاکمیت به این طرف و آن طرف می‌رود و هر از چند صباحی یکی رسمان این دو باشگاه را در دست می‌گیرد و هرلایی می‌خواهد سر بازیکنان و مربی آنها می‌آورد و سپس آنها را رها کرده و جای خود را به‌دیگری می‌سپارد.

اکنون فتح‌الله‌زاده، که معلوم نیست از کدام غاری خود را به‌لطف مزدوری آخوندها، به‌ریاست این باشگاه رسانده است، با عنوان برطرماق رئیس هیات مدیره و مدیرعامل، دوباره به‌استقلال بازگشته است. چندبار طی این ربع قرن این مأمور ملاها به‌باشگاه استقلال رفته و برگشته خدا می‌داند. این هم از قحط‌الرجال رژیم که چند بازیکن یا شخصیت ورزشی معتبر و محبوب ندارد که به‌ریاست این باشگاهها بگمارد، تا از دردسرهای بی‌شمار تماشاگران و طرفداران آنها خلاص شود. سرکردگان رژیم راه چاره را در گماشتن یک پاسدار جنایتکار به‌ریاست این باشگاهها و ریخت‌وپاشهای نجومی از جیب ملت ایران می‌بابند.

اما هربار سرشان به‌سنگ می‌خورد و سرانجام نیز با شورش و اعتراض تماشاگران فوتبال مواجه می‌شوند. ایران ورزشی در هفته گذشته از این اوضاع حیرت‌انگیز چنین یاد می‌کند: «مدیران فوتبال ما بیشتر از آن که مدیر تئوری و عملگرا باشند مدیر هزینه هستند. آنها اگربودن هزینه های میلیاردی تیمی برای قهرمانی بستند آن وقت می توانیم به داشتن آنها افتخار کنیم! این فرضیه برای نصف به علاوه یک مدیران فوتبال ما که امروزه در رأس باشگاههای ورزشی ما قرار دارند مصداق دارد. آنها با اتکا به منابع دولتی در اوایل فصل آنقدر ریخت و پاش می کنند که تمام هواداران به وجد می آیند اما در اواسط کار با بالا رفتن انتظارات متوجه می شوند امیدهای آنها از جنس پوشال بوده و آرزوی قهرمانی میلی دست‌نیافتنی است. با مرور عملکرد مدیران فعلی استقلال و پرسپولیس به راحتی یی به این مسأله می‌بریم که استفاده از منابع دولتی به آنها این امکان را داده که هر قدر که مورد دلخواهشان است بریز و بپاش کنند»

استقلال در همین فصل جاری با خرید ۱۲بازیکن به قیمت ۲میلیارد تومان رکوردی عجیب از خود به‌جای گذاشت. فتح‌الله‌زاده خویی یک میلیارد دیگر هم برای امیرحسین صادقی، وحید طالب‌لو، پیروز قربانی، سعید لطفی و بقیه نفراتی که قراردادشان تمام شده بود پرداخت تا رقم هزینه‌های این باشگاه به ۳میلیارد تومان برسد. این درحالی بود که تیم استقلال در سال گذشته تنها با ۱۰۰میلیون تومان توانسته بود تیمش را تکمیل کند.

پرسپولیس برای آن که کلاهش از دزدیهای سردمداران ورزش رژیم بی‌کلاه نماند، نوای اعتراض سرداد که سازمان تربیت‌بدنی باید برای حل مشکلات این باشگاه سرکیسه را شل نماید. همتای واپسگرای فتح‌الله‌زاده در پرسپولیس، که او هم بویی از ورزش و فوتبال نبرده است، حبیب کاشانی است. یک پاسدار جنایتکار دیگر که تنها برای کنترل به‌اصطلاح رئیس باشگاه پرسپولیس شده است. وی در جلسه سه‌شنبه شب هفته گذشته هیات مدیره پرسپولیس از سازمان تربیت‌بدنی آخوندها گله کرد که چرا همانند استقلال میلیاردها تومان در اختیارش قرار نمی‌دهد تا صرف به‌قول ایران ورزشی «بریز و به‌پاش» و چپاول کند. کار این پاسدار- مدیران رژیم آخوندی در باشگاههای بزرگ تصفیه و بیرون ریختن یک گروه و آوردن یک گروه دیگر برای دزدیهای آینده است. مدیریت باشگاه پرسپولیس در دو ساله گذشته همانند توپ پینگ‌پنگ مدام از این جناح به آن جناح دست به‌دست شده است، تا تیم پرآوازه تهرانی، جایی در قهرمانی فوتبال ایران نداشته باشد.

به‌این ترتیب است که رنج و تلاش، ثبات مدیریت، کار جمعی و همبستگی تیمی و فوتبال علمی و مدرن عنصری کیمیا در فوتبال ایران شده است.

در میان چنین شلمشوربای به‌اصطلاح ورزشی اعلام می‌شود که شرکت نفت و ورزشگاه شرکت واحد به‌تیم پرسپولیس اجازه داده‌اند تا تمرینات خود را در این زمینها برگزار کنند. عجب! هرسال میلیاردها تومان از قبل فوتبال و معاملات و زدوبندهای مربوطه به‌جیب سردمداران رژیم آخوندی سرازیر می‌شود و بعد سازمان تربیت‌بدنی جنایتکار آخوندها که مالکیت باشگاههای استقلال و پرسپولیس را در ۲۸سال گذشته غصب کرده است، حتی یک زمین برای بزرگترین باشگاه ایران اختصاص نداده است؟

یک سر دیگر پرسپولیس، در بحبوحهٔ جنگ گرگها و دعواهای سردمداران رژیم برسر مالکیت باشگاه پرسپولیس، چندی پیش از آن جدا شد و به‌یک دکان تازه تأسیس روی آورد. علی پروین سرانجام از پرسپولیس رفت و به‌تیم تازه تأسیس استیل آذین پیوست. سرمایه‌داران چپاولگر رژیم، که هرازچند سالی یک تیم این چنینی را با تبلیغات کرکننده راه می‌اندازند، این بار تیمی به‌نام استیل آذین را با هزینه‌های نجومی به‌بازار روز آخوندها وارد کرده‌اند. با خریدهای میلیاردی و به‌خدمت گرفتن بازیکنانی مانند میرزاپور، محمدی، انصاریان، کاویانپور، سیدعباسی و... و مدیرانی همچون پروین و مهاجرانی، استیل‌آذین پاداُور تیم بهمن و پورا و بانک سپه می‌باشد. که مانند علفهای هرز ناگهان می‌رویند و به‌سرعت پژمرده می‌شوند تا فوتبال ایران در دوران آخوندها هم‌چنان بی‌ریشه و بی‌هویت باقی بماند. استیل آذین هنوز تأسیس نشده و به‌رحاشیه و انشعاب و جنجال گذاشته است.

این وضعیت بزرگترین و محبوبترین باشگاههای فوتبال ایران است. وضعیت بقیه نیز به‌مراتب از این وخیمتر است و هیچ منبعی جز کمکهای ناچیز دولتی که میلیارد میلیارد می‌دزدد اما ذره‌یی نم پس نمی‌دهد، ندارند.

فوتبال ایران تحت حاکمیت ملاها، به‌راستی بیش از آن که برروی چمن سبز ظاهر شود و به‌دنبال تکنیک، تاکتیک و مدیریت و فوتبال مدرن باشد، در جنگ و دعواها و معاملات و کلاهبرداریهای میلیاردی خود را نشان می‌دهد. بی‌دلیل نیست که طی دوران ملاها حتی یک جام جوانان یا نوجوانان یا جام ملتهای آسیا یا شرکت در بازیهای المپیک نصیب فوتبالیستهای شایستهٔ ایرانی نگردیده است.

امیــد خجسته مشترک و تمام بشــری

جلال گنجه‌ای

امام زمان، مهدی(عج)، امیدی درخشان و ترسیم‌کننده چشم‌اندازِ رهایی محتوم انسان و انسانیت است. امیدی شبیه به شور و امید «خداپرستی» که از عواطف نیروبخش انگیزانند و محبت شاداب‌کننده صمیمی‌سرشار است. به‌جای خویش روشن است که چنین شوربه‌گی و امیدواری، برآمده از تجربه علمی و کنکاش فلسفی نیست و آن را در اساس مرهون خودش هستیم که خود اینگارِ بشارت‌دهی آغاز کرد و پیامبرانش با به آموختن ما برگماشت تا بر جهانی از شعف و رضامندی معنوی چشم گشودیم. و این چنین بشارتها، تنها محدود به برداشتن پرده و حجاب از ذات الهی نبوده و نیست، بلکه دنیای پرفروغ مینوی بهشتی نیز به همین ترتیب شناسانیده و بشارت داده شد و همین منت و نعمت خداوندی را در بشارت و ابلاغ روزگاران مهدی موعود و «جامعه بی‌طبقه توحیدی» از منان مهربان شاهدیم.

لذا و نظر به این که موضوع مهدی(عج) تماماً روزگاری که عدل و آزادی با ظهور مهدی موعود(عج) خبر می‌دهد، ماهیت این بحث در تمامیتش یک مطالعه دینی خالص است و از این روی، تنها می‌تواند و باید از دو بابت ذیل مورد رسیدگی قرار بگیرد: یکم، از بابت ادلهٔ اثباتی این امید و احراز این بشارت که از محمد(ص) رسیده است. و دوم، فهم محتوا و دامنه این امید است که البته بسیار مهم و ظریف است چرا که تنها با درکی روشن از عوامل و دامنه بشارتهای واصله، دنیای معنوی مخاطبان مؤمن از شور و انگیزه سرشار شده و انرژیهای آستانبان جوشیدن خواهد گرفت. فراتر از این دو مبحث، این انبوه بگومگو و تشکیک که از دیرباز در پیرامون این امید موعود سابقه دارد، به‌کلی فاقد اهمیت است.

بشارتهای حضرت محمد(ص)

یادآوری می‌کند که اهمیت یک بشارت در باره آینده، خواه دور یا نزدیک، که از پیامبر اسلام(ص) رسیده باشد، تنها یک خبر و اقدام متعلق به آینده و آیندگان نبوده و روزگاری هست، چرا که «بشارت» و «آینده‌گویی»، فراتر از آن‌که خبری از فرداها باشد، در واقع، یک اقدامه به شروع پراتیک و ساختن و راه‌اندازی مخاطبان آموزوی و آینده به منظور تحقق همان مژده و بشارت آینده است و همین است که این سری آینده‌گویی بخش و رکن مهمی از گامهای ضروری در ایفای مؤثر رسالت و مأموریت عظیم پیامبری محمد(ص) و پیشوایی دین و جنبش اسلام بوده است.

وقتی موارد و نمونه‌ها را مطالعه می‌کنیم، آشکارا می‌بینیم که بازگفتن این رویدادهای آینده توسط حضرت محمد(ص) و اعلام موضع پیشاپیش نسبت به آنها، بخشی از اثرگذاری آن حضرت بر تحولات و مسیر تاریخ بوده و چنین شده است. برای مثال و نمونه می‌توان هشدار پیامبر(ص) به «زبیر» صحابی نامور و یکی از سه رأس جنگ جمل برضد حضرت علی(ع) را مثال آورد، (۱)که موجب شد او درست در روز تعیین تکلیف جنگ مزبور از مصاف دادن بر ضد علی(ع) کناره بگیرد و جبهه اضداد علی(ع) را با فقدان مشروعیت مواجه کند که به‌طور رزمی هم دچار شکست کامل شدند. بگذریم که این اثرگذاری پیامبر(ص) که از حدود ۳۰سال پیش صورت گرفت، مورد‌ی منحصر به فرد در جنگ باشد، نه نبود. شبیه همین بود، خبر و موضعگیری آن حضرت برضد قتل حضرت(ع) که به فاصله بیش از نیم قرن از فاجعه صورت داد.(۲) و اسلامی‌اشاره داشته باشیم:

ستم همه‌گیر و عدالت فراگیر

در بشارت مهدی موعود(ع)، پایان گرفتن و جایگزین شدن ستم با عدالت فراگیر، یک امر محوری است: «به‌دست او، خداوند زمان را سرشار از عدل و داد خواهد کرد، در پی آن‌که انباشته از ستم و تعدی شده بود».(۸) اما ستم همه‌گیر به چه معنی است و چرا اسلام بدین حد روی آن حساس است؟ منظور آیا افزایش آمار جرایم و تخلفات یا گناه و گناهکاران است؟ آیا چنین افزایشی واقعیت دارد و در طی این قرنها، بشر یا مسلمانان برخلاف ناموس تکامل هستی و تاریخ، دستخوش انحطاط شدیدتر از نظر اخلاقی، انسانی و اجتماعی هستند؟ در این باب، تا آنجا که به دین اسلام و حضرت محمد(ص) برمی‌گردد، به ابهام برگزار نکردند و روی چند عنوان مشخص تمرکز دارند که در متون موجود شیعه یا سنی، به صورتی روشن و آموزنده بیان شده است. در این متون، جدا از عبارات کلی، از قبیل «فتنه کور»، «دشمنی آشکار»، «دشمنی ناشی از فتنه» و... مفهوم «ستم همه‌گیر» بدین قرار توضیح داده شده است:

«هنگامی که هرج و مرج (قتل و نا امنی) باشد و فتنه‌ها بروز کند و راهها به بن‌بست بکشد و یک‌دیگر را غارت کنند».(۹) «وای بر این امت از دست زمامداران جبار که چگونه می‌کشند و رعب‌افکنی می‌کنند به‌جز نسبت به فرمانبران مشخص خود، آنقدر که مؤمنان تقوی‌پیشه هم به زبان اظهار دوستی پیش بگیرند».(۱۰) «مهدی خروج نمی‌کند مگر در وضعیتی که شمایان به روی یک‌دیگر (از شدت دشمنی) تف کنید».(۱۱) «به روزگار فتنه‌یی وخیم که شخص شبانگاه ایمان دارد اما فردا صبح کافر باشد و صبحگاهان مؤمن بوده اما به کفر شب کند».(۱۲)

اگر به همین چهار بیان نمونه نگاه کنیم، روشن می‌کند که منظور از «فتنه کور»، «دشمنی آشکار»، «دشمنی ناشی از فتنه» و خلاصه، همان «ستم همه‌گیر»، عبارت است از: رواج قتل و غارت در زیر تسلط زمامداران مستبد جبار، و به خصوص «فقدان راه حل»، که در نتیجه، به شدت دشمنی مردمان و قربانیان ستم با یک‌دیگر شدت گرفته و چون راه حل در دسترسشان نیست، تزلزل شدید فکری و اعتقادی دامنه می‌گیرد. و به عبارت کوتاهتر، «ستم همه‌گیر» در آخر الزمان، همانا رسیدن به «بن‌بست» در برابر استبداد غارت و استثمار است. شر و بلایی که البته در برابر آن، بقیه خلائق و گناهان خرده‌ریز و معلول و فرعی هستند.

بنا بر این، مشاهده می‌کنیم که معنی دینی و اسلامی» «آخر الزمان» و رسالت «امام زمان(عج)»، شکستن بن‌بست در فرا راه مبارزه با استثمار و استبداد است. همان که – متأسفانه– پیشرفتهای غیرقابل انکار بشریت در زمینه‌های مختلف زندگی، هرچند ژرف و گسترده، اما روی این هدف متمرکز نبوده و فاقد علامتهای امید آفرین است. و افزون بر همه دردها، کنمان و حقپوشی سودا‌گران دینفروش را هم داریم که متافعشان مغلطه کردن و واژگونه نمایی موضوع است.

نظر به پیان مختصر بالا در مفهوم «ستم همه‌گیر»، معنی و اساس وضعیت جایگزین، جایگزین مهدی موعود(عج)، چنین خلاصه بشاره داده شده است: «در زمان او تمامی امت در اثر نیکوکاران تا گناهکاران، آن‌چنان برخوردار نعمتها شوند که هرگز نبوده‌اند».(۱۳) و این بشارت، به صراحت بدین معنی است که رسالت او حمایت از عموم مردم و فارق از اعتبارات دینی و معنوی کسان خواهد بود.

متناقض با خشک اندیشی و ارتجاع

متون مورد استناد بالا که گوهر و ماهیت ظهور مهدی(ع) را به صراحت توضیح می‌دهد، هیچ‌کدام تک نمونه نیستند و در مجموع به صدها حدیث خواه در منابع اهل تشیع و اهل تسنن، بالغ می‌شوند. این یعنی آنچه که حضرت محمد(ص) شخصاً و گسترده مژده و آموزش داد، بشارتی عمیق و معرفی یک اقلاب اجتماعی برای برخورداری توده‌های مردم از مواهب زندگی، آن هم به مقیاس عدل و برابری بود. برای نمونه: «در امت من مهدی خروج خواهد کرد و خداوند او را به عنوان پناه مردم بر می‌انگیزد تا همه امت برخوردار شده و حق زیست چارپایان نیکو باشد و زمین به خوبی گیاهانش را برویاند و او اموال را به‌طور برابر عطا خواهد کرد».(۱۴)

این یعنی که خروج مهدی هیچ شباهتی با دعاوی آخوندی مدعی نیایش ندارد، یعنی همانندان خمینی که هدف از حکومت و دین خود را اعمال اجباری چیزهایی می‌دانند که خودشان «احکام شرعی» می‌نامند. و این، تازه جدا از دعاوی دروغین امثال خمینی و اتباع وی که هیچ‌گاه در همان دین ادعایی نیز صادق نبوده و هرگز در اغتصاب و حفظ حاکمیتشان از ارتکاب گسترده جنایات و گناهان کبیره روی برنتافته و جز به همین تبهکاریها و گناهان اتکا نداشته و ندارند. این مرتجعان دینی از خمینی یا غیر خمینی، هرگز در سراسر فقه ادعایی خود، کمترین بحثی اندر «برابری» نداشته و نیاوردند و هرگز، نه برابری مالی و نه برابری اجتماعی را روا دانسته‌اند و بلکه رسماً با برچسب جعلی دین، بر انواع تبعیضهای شوم خونی، نژادی، جنسی و مرامی‌پافشاری کردند.

برابری در نتیجه تکامل دینی

باید به یادداشت که ناسازگاری آشتی‌ناپذیر دیانت حنیف اسلام با دینفروشی خمینی و همگنان، محدود به تناقض ریشه‌یی میان «برابری» با «تبعیض» نیست، بلکه در یک جداسازی دیگر ضریب می‌خورد که عبارت است از اصل پویایی و تکامل دینی در اسلام محمدی(ص) و آرمانهای مهدی موعود(ع). این در متون مبحث مهدی(عج) و به‌طور مکرر آمده است که: «پرداخت و توزیع اموال به‌دست او چنین باشد که پول را مانند ریگ بیحساب به دامن مراجعه کننده بریزد و منکشلن یافتن کسانی باشد که از سوی پول پذیرنده، و این به‌خاطر گشایش و فراوانی ثروت است که نصیب مردم خواهد شد».(۱۵)

برای توضیحی مختصر، می‌دانیم که قسمتهای مهمی از «فقه» و «شرع» آخوندها که آن را «احکام تغییر ناپذیر خداوند» می‌دانند، عبارت است از احکام فقر و نداری. تمامی مسائل خمس و زکات و کفارات تا عبادات استیجاری و تا بخش عمده احکام مهریه و نفقات، بیع و شراء، ربا، ارث، رشوه، مضاربه و... بر ارزش و قدرت پول در جامعه‌یی فقیر مبتنی است و لذا، تمامی اینها بایستی با کاسته شدن از شدت فقر، به دور ریخته شوند. برای مثال، آیا در شرایط تأمین حد اقل زندگانی برای مردم، باز هم شما کسانی را خواهید یافت که برای سیر کردن خود و کسانش به دنبال دریافت کفاره‌های روزه‌خواری است و آن باشد؟ این‌جاست که باید از حضرات فقیهان پرسید که احکام از سکه افتاده شرعشان را در کدام گوره جاسازی خواهند کرد؟ در این باب، مثالهای بسی جدی و حساس فراوان است. و چنین است که حتی با گوش غیرمسلح می‌توان صدای فروریختن «شرع کهنه» را به آشکاری شنید. چنین است که در بیانات حضرت محمد(ص) در مورد روزگار مهدی(عج) تصریح و تکرار شد: «خداوند به‌دست او دین را به پایان کمال می‌رساند به همان ترتیبی که گشودن آن را توسط من محقق کرد».(۱۶)

مفهوم عدالت فراگیر

به اقتضای داده‌های بالا، شگفتی ندارد که ارتجاع دینی به واژگونه‌نمایی پیامها و آموزشهای دینی در مفهوم و پیام «انتظار» مهدی موعود(ع) روی بیاورد که آورده است. چنین بود که در مورد پیام مهدی موعود(ع) با یکی از دردناکترین نمونه‌های خیانت دینفروشان مواجه هستیم. چرا که هرگز برایشان قابل قبول نبود که چشم پیروان اسلام بدین پیام و ارزش باز باشد که شایسته انسان و آرمان اسلام، تنها و تنها «عدالت فراگیر» است و نه «خلاف» ارتجاعی سرتاپا قابل و یا «ولایت فقیه» مشئی شیاد شریعت‌پناه، خمینی و همانداشان، هیچ ربطی به موضوع ندارند. و چه خطرناکتر برایشان که چشمهای مردمان گشوده می‌شد که مطابق نوید اسلام، هرچه از این نوع خلافت و ولایت جور که در زمین وجود دارد، گویه که نام اسلام و شیعه، محکوم به زوال و فنا است و «وما‌نطور که در متن قرآن نیز تصریح شده، «و العاقبة للمتقین»(۱۷) و «ان الارض یرثها عبادی الصالحون»(۱۸)، سرنوشت جهان بایستی به‌دست نیکان پرهیزکار، پرولیپنه و شایسته کار بیافتد.

در بالا اشاره به معنی پرشدن جهان از ظلم و جور پرداختیم که در یک کلام عبارت بود از: بن بست» و «فقدان راه حل». بر این پایه، پایه اصلی امید و فرجام نیک به‌دست حضرت مهدی، عج، آینده بشری در نوعی بلوغ تاریخی مشخص است، که ظرفیت رهگشایی و نایل آمدن به «جهان انباشته از عدل و داد» فراهم آمده باشد.(۱۹) و این یعنی که تمادِ و سیمای مهدی موعود(ع)، که طبق منطق قرآن، مشروط به تغییر و بلوغ نوینی در انسان و انسانیت است(۲۰)، در گرو افزایش و فراوانی جور نیست (که در سر گذشت تیره بشری، اغلب فراهم بود)، بلکه شرط بلوغ تاریخی و انسانی بود که باید در آینده بدان نایل آید و نایل خواهد آمد.

از عدالت گستری تا حاکمیت انحصاری

مضمون عدل فراگیر برای جهان و جایگزینی آن با ستم و جور فراگیر، همان که مضمون بشارت مهدی(عج)، اساساً یک تغییر عمیق مناسبات بشری را مژده می‌دهد که لاجرم به مجاهدت و رهگشایی نیرو و راهبری پیشتاز انقلابی متکی است. بر این پایه، ماهیت رسالت مهدی(ع) از نوع پیشتازی در مبارزه و جهاد است که البته طبق نوید حضرت محمد(ص) تا پیروزی محتوم با موفقیت قرین خواهد بود و به ثمر خواهد نشست. چنین رسالت و مأموریتی به معنی دستیابی به قدرت سیاسی و حکومت انحصاری نیست، گو که لاجرم به چتر سیاسی و حکومتی متناسب خویش خواهد انجامید. لیکن باید روشن باشد که در دین و متون دینی، هیچ طرح قبلی و از پیش اعلام شده وجود ندارد که ماهیت و ساختار آن حکومت را، تا چه‌برسد به هویت حاکمانش را، مشخص کرده باشد. و باید بر این واقعیت دقت کرد که مشهورترین منتهای بشارت محمدی(ص) از قبیل: «یملأ الأرض قسطا کما ملئت جورا و ظلما» (زمین را پر از عدالت خواهد ساخت همان گونه که از جور و ستم پر شده بود)، بر پرچمداری آنحضرت و مباشرت او در عدالت‌گستری صراحت دارد و فاقد کلمه‌یی دارای مفهوم زمامدار و فرمانروای سیاسی و حکومتی است. و اگر کسی از این عبارت به استنباط «فرمانروایی و زمامداری سیاسی» می‌رسد، مبتنی بر دیدگاه خاصی است که عقیده دارد: عدالت‌گستری مانند اجرای تمامی موازین پسندیده دیانت، مشروط به‌تصرف قدرت سیاسی است. و می‌دانیم که این دیدگاه، یکی از پایه‌های «گانه نظریه ارتجاعی و غیردینی «ولایت فقه» خمینی است.

مفهوم نوعی ولایت فقیه جهانی

از دیرباز، تصور اینهمانی میان منزلت «امام» و پیشوا در عقیده شیعیان با موقعیت حاکم و زمامدار و یا –به عبارتی– «خلیفه»، پنداری بوده که بعدها در نوعی تشیع عامیانه رواج یافت. اما محتوای صحیح فکر شیعه را –برای نمونه– بایستی در کلام حضرت علی(ع) خواند که دلیل قبول زمامداری توسط خود را به «حضور الحاضر» (همان درخواست مصرانه عمومی‌که حضرتش با آن موافجه شد) ذکر فرمود با این تصریح که اگر نبود این، «حکومت» را به حال خود رها می‌کرد تا چه‌رسد که بر سر آن منازعه و جنگ کند. می‌دانیم امرای که علی(ع) در باره آن چنین سخن می‌گوید، بر می‌گردد به آن‌چه پس از قتل عثمان، سومین خلیفه راشدین، در سال ۳۵هجری پیش آمد(۲۱). حال آن‌که هیچ فرقه و متفکر شیعی عقیده ندارد که منزلت «امامت» برای امام علی(ع)، اولین امامان شیعه و اهل‌بیت رسول‌الله(ص)، به این تاریخ و این رویداد ربطی داشته باشد.

بی‌شک، حکومت جهان در روزگار «عدالت فراگیر»، از تبار استبداد مذهبی نخواهد بود که مبتنی بر سرکوب مذهبی، استثمار و به‌خصوص زن‌ستیزی است. و نمی‌تواند چنین حکومتی باشد چرا که آن‌گاه، در ماهیت خویش نادعادلانه و عدالت‌ستیز خواهد بود که –به اصطلاح اهل منطق– «قضیه سالبه باتفاه» موضوع؟ است. راستی که آیا، یک جهان عادلانه، آنهم «عدالت فراگیر» را می‌توانند با آرمانهای اسلام که مدافع آزادی مذهبی، تحکیم برابری انسانی و نفی تبعیض جنسی است، آیا نیازی به حاکمیت واحد متمرکز دارد؟

آب در خوابگه مورچگان بیت‌العنکبوت

بقیه از صفحه۱۳

پاسداران در لیست تروریستی به آمریکا کمک می‌کند تا روباه و کشورهای دیگررا از معامله با سپاه همانند القاعده و سایر گروههای تروریستی بازدارد.

– روزنامه تایمزلندن: قراردادن نام سپاه در لیست تروریستی، تنش بین واشینگتن –تهران را تشدید خواهد کرد.

– روزنامه الحیات لندن: گنجاندن نام سپاه دریلیست، نشانه لبریزشدن کاسه صبرآمریکا ازنقش رژیم ایران در منطقه است.

– نیویورک تایمز: گنجاندن نام سپاه، نشانه بی‌صبری آمریکا درقبال سازمان ملل متحد است.

– خبرگزاری آسوشیتدپرس: تصمیم به گنجاندن نام سپاه دریلیست، رویارویی تهران–واشینگتن را تشدید خواهد کرد.

آه وفغان مزدوران رژیم، درآستانه قرارگرفتن نام سپاه دریلیست!

– حسن فیروزآبادی رئیس ستاد کل نیروهای مسلح: درداخل آمریکا عدد‌یی دیوانه وبی‌عقل دست‌اندرکار جنگ روانی جدیدی شده‌اند و آن اینست که بی‌جهت سپاه را تروریست معرفی کنند.

– رحیم صفوی فرمانده قعاله سپاه: در آینده آمریکا ضربه محکمتری می‌خورد. ما هرگز درمقابل فشار آمریکا ساکت نمی‌نشینیم و از قدرت خود در مقابل آنها استفاده خواهیم کرد.

– حزب اعتماد ملی کوریی: ایالت متحده آمریکا بداند ملت ایران هیچ‌گاه رشادت فرزندان سپاهی خویش را در دفاع از میهن اسلامی فراموش نخواهد کرد.

– سایت دولتی سزیعلی: توطئه سپاه پاسداران عمیقتر از تحریم آمریکاست.

– دفترسیاسی جبهه مشارکت: سپاه پاسداران از ارکان قانون اساسی و در کنار ارتش حافظ امنیت و تمامیت ارضی کشور است.

– حداد عادل رئیس مجلس ارتجاع: سپاه فرزند برومند انقلاب است.

اگر سپاه نبود، کشورنبود!

هموطنانی که مستقیم وغیرمستقیم پای صحبت خمینی دجال بوده‌اند، حتماً برخی جملات خاص این جرثومه دجالیت را در خاطر دارند، از جمله این‌که «اقتصاد مال خراست»، «منافقین بدترازکفارند» «صلح دفن اسلام است»، «خدا هم کارگربود» کذا وکذا...

بازهم حتماً که به کرات درمورد بازوی تبهکار آخوندیسم درهمه زمینه‌ها یعنی سپاه، از او بسیار شنیده بودند که به دفعات گفته بود‌که اگر سپاه نبود اسلام نبود، اگرسپاه نبود انقلاب نبود وبا این‌که اگرسپاه نبود کشورهم نبود. خمینی دجال دراین مورد راست گفته بود. با این توضیح کوچک که «اسلام» «انقلاب» «کشور» نام مستعار نظام سرتا پا فساد آخوندها بوده ویرای بقایای اوهم همین معانی قلابی‌فهم بوده وهست. ولی‌فقیه پوشالی درته خط، مجبور به خراطی نظام شد و سرانجام گمانشه پاسداران را به تخت نشاند. پاسدار تیرخلاص‌زن برای اجرای اوامر ولی امر مسلمین خاج ازمیهن! درسلوحه برنامه‌هایش از جمله اعلام جنگ به مردم ایران وجهان را قرار داد.

طبیعی بود که برای اجرای این پروژه، احتیاج به پاسداریزه کردن تمامیت حاکمیت بود. در مدت دوسال و اندی که از ریاستش می‌گذرد، توانست با حمایت همه‌جانبه خامه‌ای اکثریت نفرات کلیدی قوه مجریه وقانونگذاری را با سپاهیان جایگزین نماید. به‌طوری که امروز بیش از ۱۴ تن از اعضای دولتش ازفرماندهان سابق سپاه هستند. بنا به افشاگری علیرضا جعفرزاده درکنفرانس اخیرش در واشینگتن، ۴۰ تن ازسفرای جدید رژیم از فرماندهان سابق سپاه یا مسئولین وزارت اطلاعات هستند.

بنا به اخبارموثق دیگر، هفتاد درصد از معاونین وزارتخانه‌ها از اعضای سپاه هستند. وبیش از هشتاد درصد از نمایندگان فعلی مجلس ارتجاع، ازسپاهیان تشکیل می‌شوند.

نتیجه این‌که، دولت وحاکمیت فعلی پاسداریزه شده است و قراردادن نام سپاه دریلیست تروریستی فقط یک نیروی نظامی را نشانه نمی‌رود، بلکه کلیت نظام وحاکمیت، درمعرض قضاوت عملی جهان قرار خواهد گرفت. با این توضیحات، ضجه و ناله و فریاد وفغان گله‌های پاسداران وتمامی‌جناحهای رژیم اعم ازجناح غالب واصلاح‌طلبان قلابی کاملاً مفهوم است. درصورت عملی‌شدن این طرح، دومین ضربه اساسی پس ازضدورد قطعنامه درشورای امنیت برفرق عمامه‌بسران تهران فرود خواهد آمد.

ساندی تلگراف: امپراتوری اقتصادی و لوکس سپاه پاسداران در لیست تروریستی قرار می‌گیرد

هفته‌نامه ساندی تلگراف چاپ انگلستان، طی مطلبی درباره قراردادن نام سپاه پاسداران در لیست تروریستی، نوشت: برای بسیاری از فرماندهان سپاه پاسداران نیروی که دستور حمله به مولتهای انگلیسی و نیروهای آمریکا در عراق را می‌دهد، زندگی لوکس‌تر از آن است که به‌نظر می‌رسد. در پشت صحنه یک زندگی به‌اصطلاح زاهدانه و سادورسته‌تاه، آنها در ویلاهایی انحصاری در شمال تهران زندگی می‌کنند، و آخرین مدلهای بی.ام.و یا مرسدس بنز را در گاراژ خانه دارند، قالیهای لوکس دستباف روی زمین خانه‌شان پهن است، کمدهایشان مملو از لباسهای آخرین مدل است، و گنجینه‌هایی پر از جواهرات الماس و طلا دارند. این افراد که در داخل مشغول اعمال مقررات مذهبی و در خارج مشغول صدور انقلاب هستند، نقش عظیمی در اقتصاد ایران یافته و به ثروتهای بزرگی رسیده‌اند. از دفعات نفت و گاز گرفته تا مزارع تولید مرغ و عسل در کنترل این نیروست. سپاه پاسداران از قدرت و زور نظامی خود برای به‌کنترل‌درآوردن این زمینه‌های اقتصادی و کاری استفاده کرده است.

ساندی تلگراف افزود: اکنون که امپراتوری اقتصادی تازه سپاه پاسداران رونق یافته کاخ سفید آن را در کانون توجه قرار داده تصمیم دارد این گارد ویژه ۱۲۵هزار نفری را یک «سازمان تروریستی» بخواند. واردکردن سپاه پاسداران در این لیست باعث می‌شود که حسابهای بانکی و معاملات مرتبط با آن مسدود یا بلوکه شوند. گرچه تأثیر بلافاصله این اقدام محدود خواهد بود اما این کار اثر خود را خواهد گذاشت مخصوصاً اگر دیپلماتهای آمریکایی بتوانند کشورها و کمپانیهای اروپا را تشویق کنند تا همین راه را دنبال نمایند و آنها را متقاعد سازند که تجارت با رژیم ایران یعنی تجارت مؤثر با سپاه پاسداران را ملغی کنند. ساندی‌تلگراف افزود پاسدار رحیم صفوی در همین رابطه به‌طور گستاخانه‌یی جواب داد که «آمریکا ضربه سنگین‌تری ازسپاه در آینده دریافت خواهد کرد». شورای ملی مقاومت ایران، جنبش اپوزیسیون در تبعید که وجود برنامه سری اتمی ایران را در سال ۲۰۰۲ افشا کرد دارد که این پولها خرج عملیات نظامی پنهان، مانند حمایت از شبه‌نظامیان شیعی عراق، ارسال تسلیحات برای شبه‌نظامیان حزب‌الله لبنان و یا برنامه زیرزمینی اتمی این رژیم شوند. مجتمع بحث‌انگیز دستگاه امنیت و اطلاعاتی آن می‌باشد... حامیان مقاومت ایران می‌گویند گنجاندن نام این مقاومت در لیست تروریستی نتیجه یک مصالحه موقت کلینتون با حامیان ملاها برای نزدیکی به این رژیم بوده است.(ساندی‌تلگراف ۲۸مرداد۸۶)

روزنامه لس‌آنجلس تایمز چاپ آمریکا نیز در شماره ۴شهریور خود، قراردادن نام سپاه پاسداران در لیست تروریستی را امری ضروری دانست و تأکید کرد که تنها در این صورت است که تحریمهای بین‌المللی علیه رژیم ایران اثرگذار خواهد بود.

لس‌آنجلس تایمز به حدود ۱۲میلیارد دلار سرمایه‌گذاری سپاه پاسداران تنها در پروژه‌های ساختمانی در ایران اشاره کرد و نوشت: این رشد اقتصادی چشمگیر سپاه پاسداران، روشن می‌سازد که چرا دولت جرج بوش، به فکر افتاده است تا سپاه پاسداران را در لیست تروریستی بگنجاند زیرا تنها با چنین کاری است که تحریمهای اقتصادی می‌توانند تا عمق سرمایه‌گذاریها و اعتبارات رژیم ایران تأثیرگذارند.

لس‌آنجلس تایمز با اشاره به سرمایه کلانی که در دست سپاه پاسداران قرار دارد، افزود: به گفته ایوزیسیون ایران احتمال دارد که این پولها خرج عملیات نظامی پنهان، مانند حمایت از شبه‌نظامیان شیعی عراق، ارسال تسلیحات برای شبه‌نظامیان حزب‌الله لبنان و یا برنامه زیرزمینی اتمی این رژیم شوند. مجتمع بحث‌انگیز امید همکاری میان آمریکا و رژیم ایران در عراق بر بادرفته است.

پوزش و تصحیح

با پوزش از خوانندگان، در شماره ۸۶۵مجاهد، پاراگرافهای زیر از آخرین قسمت کتاب *ارزنده تاریخ ایران زمین ـ انقلاب مشروطه*، نوشته آقای عبدالعلی معصومی چاپ نشده بود که در زیر می‌آید و بدین ترتیب چاپ این کتاب به پایان می‌رسد.

یک سال پس از پیروزی انقلاب مشروطه، در روز ۱۴مرداد۱۲۸۹، گردانتگان «دولت انقلاب» برای خلع سلاح ستارخان و یاران پاکبازش به پارک اتابک، پایگاه استقرار آنها یورش بردند.

تلاشهای بسیار ستارخان، برای جلوگیری از درگیری به جایی نرسید. «دولت انقلابی کابینه مستوفی الممالک خرسندی نداشت شکار را از دست همین و از فرصتی که برای پرداختن یک مرد دلیر به نام پیداکرده بود، سودجوی نمایاد» (تاریخ هیجده ساله، ج ۱، ص ۱۴۲).

زدوخورد با ستارخان و یاران مجاهدش راه قوای بختیاری زیر فرمان سردار اسعد، آغاز کردند. آنها پس از چهار ساعت نبردارن پیاپی یکی از اتابک منزلگاه سردار ملی و کشتن و مجروح کردن بیش از ۶۰ مجاهد مدافع حریم آزادی، این نبرد نابرابر دشمن‌شادکن را به پایان بردند. در این یورش وحشیانه، ستارخان، سردار ملی، زخمی شد و چند سال بعد، در اثر همان زخم جانکاه درگذشت.

تهران، به قول سردار اسعد، از «متمردین» (مجاهدین) پاک شد: «فردای آن روز در کوچه‌های تهران مجاهدی دیده نمیشد. مردم تهران از پیشامد، سخت، افسردگی داشتند و همگی دلسوزی مینمودند و با آن که دولت حکومت نظامی برپا و سخنگری آغاز کرده بود، بازارها را باز نمیکردند... (تاریخ هیجده ساله آذربایجان، ج ۱، ص ۱۴۳).

ستارخان چندسال بعد، در اثر زخم تیری که به پایش خورده بود، در انزوا و تنهایی جان باخت و جنبشی که با پایداری و رزم خونبار او و یاران پاکبازش جان گرفته بود، در نیمه راه از پای و پویه افتاد و باردیگر خودکامگی بر ایران چیره شد.

پانویس:

۱– این جنگ در سال ۳۶هجری در منطقه بصره، جنوب عراق کنونی روی داد. جدا از نقش جدی بی‌امیه، سردمداران مهم جنگ عبارت بودند از «ام‌المؤمنین عایشه و طلحه و زبیر، دو صحابی معروف پیامبر(ص)» که خواهان مزایایی از حکومت علی(ع) بودند و چون آن حضرت زبیرار، نرفت، او را متهم به «حمایت از قاتلان عثمان، خلیفه سوم، کرده و به «دستاویز «خونخواهی عثمان» خروج کرده و برای جنگ، خود را به عراق رسانیدند. اما زبیر بر اثر یادآوری هشدار پیامبر به وی، در روز اصلی جنگ کناره گرفت و عازم مدینه شد. پیامبر(ص) به وی هشدار داده بود: زبیرار از روزی که به نبرد باعلی برخیزی که او برحق و تو به باطل خواهی بود. (تلخیص مضمون).

۲ – برخی اطلاعات در این زمینه، به مناسبت عید مبعث‌امام حسین (سال ۱۳۸۳)، در مجاهد چاپ شده بود.

۳- تاریخ طبری و منابع مشابه تاریخی

۴- طبری و به‌طور مشروحتر در الپهوف سید بن طاووس

۵- همان طبری و الپهوف و منابع مشابه

۶- از اورمن نامهای دانشمندان، راویان، کتابها و جزئیات دیگر به ضرورت اختصار این نوشته ناگزیر می‌گذریم.

۷- امام‌السیوطی، جلال الدین، عبدالرحمان بن ابی‌بکر، وفات۹۱۱هجری، دانشمند اهل سنت با اثار بسیار از جمله، تفسیر ارجمند «الدر المنثور».

۸- متن کلام معروف پیامبر(ص): «یملأ الأرض قسطا کما ملئت جورا وظلما» در صدها روایت از جمله مکرر در کتاب «العرف الوردی فی أخبار المهدی»، تألیف سیوطی.

۹- متن کلام از پیامبر(ص): «إذا صارت الدنیا هرجا و مرجا وتظاهرت الفتن وتقطعت السبل وأغار بعضهم علی بعض» از همان کتاب سیوطی. به نقل از: «المعجم الکبیر» تألیف «طبرانی»، امام محدث شهیر اهل سنت، الحافظ ابوالقاسم سلیمان بن احمد بن ایوب اللخمی، وفات ۳۶۰هجری.

۱۰- متن کلام از پیامبر(ص): «ویح هذه الأمة من ملوک جبارة کیف یقتلون ویخیفون المطیعین إلا من اظهر طاعتهم فالمؤمن التقی یصانعهم بلسانه ویقومهم بقلبه» همان کتاب سیوطی. نقل از ابونعیم اصفهانی، «حلیة الاولیاء و طبقات الاصفیاء»، وفات۴۳۰هجری.

۱۱– متن کلام از پیامبر(ص): «لا یخرج المهدی حتی یبصق بعضکم فی وجه بعض» همان کتاب. نقل از ابونعیم

۱۲– متن کلام از پیامبر(ص): «شر فتنة یمسی الرجل مؤمنا ویصبح کافرا ویصبح مؤمنا ویمسی کافر» همان. نقل ابو نعیم

۱۳– متن کلام از پیامبر(ص): «تنعم أمتی فی زمانه نعیما لم ینتعموا مثله قط البر والفاجر» از همان. نقل ابو نعیم

۱۴– پیامبر(ص): «یخرج المهدی فی أمتی یبعثه الله غیاثا للناس تنعم الأمة وتعیش الماشیة وتخرج الأرض نباتها ویعطی المال صحاحا» از همان. نقل از: ابو نعیم.

۱۵– متن کلام از پیامبر(ص): «یکون عطاؤه للناس أن یأتیه الرجل فیحثی له فی حجره یهمه من یقبل منه صدقة ذلک المال لما یصیب الناس من الفرج» از همان. نقل از: ابن عساکر. امام محدث و مورخ معروف اهل سنت، مؤلف «تاریخ دمشق»، وفات۵۷۱هجری

۱۶– متن کلام از پیامبر(ص): «یختم الله به الدین کما فتح بنا» از همان. نقل از: ابو نعیم»

۱۷– سورهٔ اعراف(۷) آیه۱۲۸.

۱۸– سورهٔ انبیاء(۲۱)، آیه۱۰۵.

۱۹– اصطلاح فرانی مستضعفین به همین معنی است و نه فقر و مسکنت مادی. طبق قرآن، ایناند که وارث زمامداری زمین خواهند بود: منت و ترجمه: «وَنُرِیدُ أَن نَّمُنَّ عَلَی الَّذِینَ اسْتُضْعِفُوا فِی الْأَرْضِ وَنَجْعَلَهُمْ أَئِمَّةً وَنَجْعَلَهُمُ الْوَارِثِینَ» (و اراده داریم که بر تضعیف‌شدگان زمین منت نهاده و آنان را پیشوایان مقرر داشته و به میراثداری بگماریم). سورهٔ قصص(۲۸)، آیهٔ۵.

۲۰– متن و ترجمه: «إِنَّ اللَّهَ لا یُغَیِّرُ مَا بِقَوْمٍ حَتَّی یُغَیِّرُوا مَا بِأَنْفُسِهِمْ...». (به‌طور مؤکد، خداوند وضعیت هیچ مردمی را دگرگونی ندهد تا هنگامی‌که مگر وضعیت خودایشان را دگرگون کنند). سورهٔ رعد(۱۳)، آیهٔ۱۱.

۲۱– بخشی از خطبهٔ سوم نهج البلاغه که به «خطبهٔ شقشقیه» معروف است. متن و ترجمه: «إِنَّ لا حُضُورَ الْحَاضِرِ وَ قِیَامَ الْحُجَّةِ بِوُجُودِ الْحَاضِرِ وَ مَا أَخَذَ اللَّهُ عَلَی الْعُلَمَاءِ أَلاَّ یُقَارُّوا عَلَی کِظَّةِ ظَالِمٍ وَ لاَ سَغَبِ مَظْلُومٍ لَأَلْقَیْتُ حَبْلَهَا عَلَی غَارِبِهَا وَ لَسَقَیْتُ آخِرَهَا بِکَأْسِ أَوَّلِهَا وَ لَأَلْفَیْتُمْ دُنْیَاکُمْ هَذِهِ أَزْهَدَ عِنْدِی مِنْ عَفْطَةِ عَنْزٍ» (اگر نبود مردمان که چنان گرد آمدند و این که با وجود یاری این یاوران بر من آتمام حجت شده بود، و اگر نبود که خداوند از بندگان دانا و آگاه تعهد گرفته که برگرسنگی مظلومان و سیرخواری ظ

نشریه مجاهدین خلق ایران
شمارهٔ ۸۶۶
Mojahed 866
دوشنبه ۵شهریور ۱۳۸۶
۱۳شعبان ۱۴۲۸
August 27 2007
2US$ 1.5Pounds 3SFR 3C$ 2€

صدور حکم اعدام برای ۱۲نوجوان زیر ۱۸سال

جنایت ضدانسانی آخوندهای دینفروش

دستگاه قضاییه آخوندها حکم اعدام ۱۲نوجوان کمتراز ۱۸سال را صادر کرده است.

رژیم ضدبشری آخوندها یک نمونه منحصربفرد در اعدام نوجوانان در جهان معاصر است و بارها از سوی مجامع بین‌المللی محکوم شده است.

در صفحه۵

نیمه شعبان (۷شهریور) میلاد خجسته امام زمان(عج) پرچمدار و فاتح جامعه بی‌طبقه توحیدی عیدستمدیدگان آغاز تاریخ حقیقی انسان و پایان همه اشکال استثمار

در صفحه۱۵

فراخوان بین‌المللی مریم رجوی علیه موج اعدامها در ایـــران

خانم مریم رجوی، رئیس‌جمهور برگزیده مقاومت ایران، وجدانهای بیدار جامعه جهانی را به محکوم‌کردن و مقابله با موج اعدامهای دستجمعی و خیابانی که در هفته‌های اخیر ابعاد بی‌سابقه‌یی به خود گرفته، فرا خواند و گفت: پرونده رژیم ملایان به‌خاطر اعدام ۱۲۰۰۰۰زندانی سیاسی، ازجمله قتل‌عام ۳۰۰۰۰زندانی سیاسی در تابستان۱۳۶۷ و اعمال شکنجه‌های وحشیانه علیه صدها هزار زندانی سیاسی دیگر، اعدامهای جمعی و مجازاتهای قرون‌وسطایی، باید برای اتخاذ تصمیمات لازم‌الاجرا به شورای امنیت ملل متحد ارجاع گردد.

ملایان که رژیمشان در یک بحران وخیم گرفتار شده و خیزشهای فزاینده اجتماعی، به‌خصوص قیام سراسری مردم در روزهای ۴ و ۵تیرماه (۲۵ و ۲۶ژوئن) گذشته در اعتراض به جیره‌بندی بنزین، زنگ خطر را برای آنها به صدا در آورده، تنها چاره را در افزایش اعدامهای جمعی خیابانی یافته‌اند.

خانم رجوی در فراخوان خود تأکید کرد در دوران احمدی‌نژاد دست‌کم ۶۰زندانی به اتهام فعالیت سیاسی اعدام شده‌اند و عده کثیری از زندانیان ازجمله ۶۰۰تن در زندان گوهردشت در نوبت اجرای حکم اعدام به‌سر می‌برند، هزاران جوان و دانشجو و کارگر و معلم دستگیر و روانه زندان شده و تحت شکنجه‌های وحشیانه قرار دارند و شماری از شرکت‌کنندگان در حرکتهای اعتراضی، بر اثر شلیک نیروهای سرکوبگر به‌قتل رسیده‌اند.

رئیس‌جمهور برگزیده مقاومت ایران، گفت: کشورهای غربی در چارچوب سیاست مماشات، آخوندهای حاکم بر ایران را که شایسته محاکمه به جرم جنایت علیه بشریت هستند با مشوق و مذاکره و معامله، در ارتکاب جنایت جری می‌کنند. وی افزود ابقای غیرقانونی سازمان مجاهدین خلق ایران در لیست تروریستی اتحادیه اروپا در ۷ تیر۸۶ (۲۸ژوئن ۲۰۰۷)، که نقض آشکار رأی دادگاه عدالت اروپا بود، برای ملایان به مثابه چراغ سبزی برای نقض وحشیانه حقوق بشر و تسریع کشتار زندانیان عمل کرده است.

دبیرخانه شورای ملی مقاومت ایران
۵شهریور۱۳۸۶(۲۷ اوت۲۰۰۷)

سازمان مجاهدین خلق ایران توطئه جعل و تزویرمذبوحانه‌رژیم آخوندی را برملا کرد

ـ رژیم آخوندی و مزدورانش در عراق که در جنگ روانی و جوسازی حول پیگرد قضایی مجاهدین با شکست مفتضحانه روبه‌رو شدند و تودهنیهای محکمی دریافت کردند، از فرط درماندگی و استیصال و با شتاب بسیار به‌دستور مستقیم ولی‌فقیه ارتجاع به جعل و انتشار خبر ابلهانه دیگری درباره جلب رهبری مقاومت ایران از سوی پلیس بین‌المللی(انترپل) روی آوردند

ـ سخنگوی مجاهدین: همزمان با خبرهای واردکردن نام سپاه پاسداران در لیست تروریستی، ترهات رژیم آخوندی هم ابعاد ترس و نگرانی آن و هم ابعاد حیرت‌انگیز دروغپردازیهای آن‌را برملا می‌کند

در صفحه۷

شـرکتهای پوششی سپـاه پاسـداران فاش شـد

علیرضا جعفرزاده: سپاه پاسداران با استفاده از شرکتهای پوششی مشغول نقض تحریمهای شورای امنیت ملل متحد برای کسب تجهیزات و تدارکات برای برنامه تسلیحات اتمی است

روز چهارشنبه، ۳۱مرداد، در یک کنفرانس بزرگ مطبوعاتی در واشینگتن، شرکتهای وابسته به سپاه پاسداران رژیم آخوندی که با استفاده از پوششهای تجاری به خرید وسایل ضروری جهت برنامه تسلیحات اتمی رژیم مشغول هستند و تحریمهای ملل متحد را نقض می‌کنند، فاش شد.

در این کنفرانس که با شرکت حدود ۵۰ تن از نماینده‌های رسانه‌های جمعی برگزار گردید، علیرضا جعفرزاده با استناد به مدارک و اطلاعات دقیقی که از طریق شبکه هواداران سازمان مجاهدین خلق ایران از داخل کشور به‌دست آمده روشن نمود که سپاه پاسداران از این طریق به نقض قطعنامه‌های۱۷۳۷ و ۱۷۴۷ شورای امنیت پرداخته است.

در صفحه۳

جانشین فرمانده نیروهای چندملیتی در عراق به ساکنان اشرف اطلاع داد:ادعای پیگرد قضایی علیه مجاهدین هیچ پایه و مبنایی در واقعیت ندارد و تنها یک شایعه است و جنبه تبلیغاتی علیه مجاهدین دارد

ـ جانشین فرمانده نیروهای چندملیتی در عراق به ساکنان اشرف اطلاع داد: ما در نیروی چندملیتی، سفارت آمریکا در بغداد و دفتر آمریکایی نظارت و هماهنگی با دادگاه عالی جنایی عراق که روزانه با این دادگاه کار می‌کند، موضوع را دنبال کردیم. هیچ‌کس از اقدامی علیه مجاهدین در این دادگاه اطلاعی نداشت، لذا می‌توان نتیجه‌گیری کرد این اظهارات هیچ پایه و مبنایی در واقعیت ندارد و تنها یک شایعه است و جنبه تبلیغاتی علیه مجاهدین دارد.

ـ سخنگوی مجاهدین: هم رژیم حاکم بر ایران و هم دولت کنونی عراق به‌خوبی می‌دانند که موضوع مجاهدین و ساکنان اشرف از لحاظ قوانین الزام‌آور بین‌المللی در حیطه دولت عراق نبوده و نیست. با این همه هرازگاهی رژیم آخوندی با فشار و تطمیع و وعده‌های فراوان و پول کلان، بخت خود را در برابر مجاهدین و مقاومت ایران به آزمایش می‌کشند.

در صفحه۸

وزارت اطلاعات آخوندها با اجرای یک طرح ضدانسانی که با همکاری بهداری زندانها صورت می‌گیرد، قصد معتاد کردن زندانیان سیاسی را دارد

در صفحه۵

رضا اولیاء در دیدار با نخست‌وزیر ایتالیا خواستار محکوم کردن اعدامهای وحشیانه در ایران شد

دیدار آقای رضا اولیا ، مجسمه‌ساز و هنرمند عضو شورای ملی مقاومت با نخست وزیر ایتالیا، روماتو پرودی در روز سه‌شنبه ۲۴مرداد در روکامباره در استان توسکانا صورت گرفت.

در صفحه۳

کنفرانس مطبوعاتی نمایندگی شورای ملی مقاومت در کشورهای نوردیک در اعتراض به اعدامهای وحشیانه در ایران

روز پنجشنبه اول شهریور در یک کنفرانس مطبوعاتی در اسلو، نماینده شورای ملی مقاومت ایران در کشورهای نوردیک موج فزاینده اعدامهای وحشیانه و سرکوب مردم ایران توسط رژیم ضدبشری آخوندی را محکوم کرد.

در صفحه۴

مأموران جنایتکار رژیم یک جوان را در قزوین در ملأعام وحشیانه شلاق زدند

به گزارش خبرگزاری رژیم(فارس) در روز ۳۱مرداد، مأموران جنایتکار رژیم در قزوین، یک جوان را در ملأعام وحشیانه شلاق زدند.

در صفحه۵

باب فیلنر، نماینده کنگره و تام تانکردو، کاندیدای ریاست‌جمهوری در آمریکا حمایت خود را از اعتراضات حامیان مقاومت علیه اعدامهای وحشیانه در ایران اعلام کردند

گروه پارلمانی حقوق بشر و دموکراسی کنگره آمریکا که ریاست آن‌را باب فیلنر، نماینده کنگره از حزب دموکرات و تام تانکردو، نماینده کنگره از حزب جمهوریخواه به‌عهده دارند از آژانسهای دولتی، سازمان ملل متحد، سازمانهای مدافع حقوق بشر و شهروندان آمریکایی خواست که از تظاهرات اعتراضی ایرانیان حمایت کرده و در جهت تحقق آرزوهای آنان و رساندن صدای مردم ایران به جهان کمک نمایند

در صفحه۴

فراخوانهای برکناری دولت مالکی در عراق و آمریکا

ـ هیأت علمای مسلمین عراق: ادامه دولت مالکی به معنای تضمین و گسترش فرقه‌گرایی است.

ـ طارق‌الهاشمی، معاون رئیس‌جمهور عراق: دولت نوری مالکی نتوانسته است به تعهداتی که به جبهه توافق داده عمل کند.

ـ عدنان دلیمی: هیچ امیدی به دولت مالکی نیست.

ـ دکتر صالح مطلق رهبر جبهه گفتگوی ملی عراق: وقت آن رسیده است که عراقیان سرنوشت خود را از طریق پارلمان تعیین کنند.

ظافرالعانی، نماینده پارلمان عراق: ما وارد جبهه‌یی که بخواهد از دولت مالکی حمایت کند نخواهیم شد.

ـ سناتور وارنر، عضو ارشد کمیته نیروهای مسلح سنای آمریکا: دولت عراق تحت ریاست مالکی نیروهای ما را بسیار مأیوس ساخته است.

ـ هیلاری کلینتون از پارلمان عراق خواست خود را از دست نوری مالکی خلاص سازد.

ـ کارل لوین، رئیس کمیته نیروهای مسلح سنای آمریکا از پارلمان عراق خواست به برکناری نوری مالکی رأی بدهند.

در صفحه۸

Bahram Alivandi

نمایشگاه نقاشی استاد بهرام عالیوندی در اتریش تحسین دیدارکنندگان را برانگیخت

"Kunst im Exil"

نمایشگاه نقاشی بهرام عالیوندی هنرمند سرشناس عضو شورای ملی مقاومت ایران در استان نیدراسترایش اتریش با استقبال دیدارکنندگان رو به‌روشد. این نمایشگاه روز ۲۴خرداد۸۶افتتاح گردید.

در این برنامه گوارنت زهی مدرسه موسیقی ینهوون نیز با شرکت برنده جایزه اول رشته ویولن، قطعاتی از آثارآرنولد شونبرگ آهنگساز بزرگ اتریش را در فاصله سخنرانیهای شورانگیز مقامات اجرا نمود که مورد توجه بسیارقرارگرفت. لازم به‌ذکراست که شونبرگ اضافه برآن‌که در زمره اولین و مهمترین پایه‌گذاران موسیقی مدرن جهان می‌باشد، نقاشی بسیار برجسته نیز بوده وتابلوهای متعدد نقاشی از او بر جای مانده است. نامبرده دردوران تسلط فاشیسم هیتلری بر اتریش ناچار به مهاجرت به آمریکاگردید. موضوع این نمایشگاه نیز با توجه به هجرت اجباری هنرمند ایرانی به‌خارج از کشور ـ و از آن‌جا که عالیوندی نیزازجمله پیشکسوتان نقاشی مدرن درایران است ـ با توجه به سبک ویژه و نوآوریهایش در این رشته از هنر، «نمردرتبعید» انتخاب شده و مسئول گالری نیز طی سخنان افتتاحیه خود با دید عمیق هنری و احساس فردی زیبایی‌شناسی نسبت به آثارعالیوندی، به تعبیر مدرنیسم از دیدگاه هنری پرداخت وضمن صحبتهای مفصل و بسیارجالبی به ترسیم پلی فلسفی ـ هنری میان مدرنیسم در نقاشی و موسیقی و تشابه زندگی دوهنرمند در تبعید پرداخت که توجه بسیاری از بازدیدکنندگان رابرانگیخت. خانم ناهید همت‌آبادی نیز طی سخنان کوتاهی از برگزاری نمایشگاه و سخنرانان تشکر نموده و با یادآوری نمایشگاهی که استاد بهرام عالیوندی حدود بیست سال پیش در این شهر هنری برگزار نموده بود و همچنین با اشاره به شرایط اختناق و سرکوب هنری تحت حاکمیت ملایان که ازجمله علل فرارهنرمندان از ایران می‌باشد، آرزونمود که مدعوین وبازدیدکنندگان نمایشگاه روزی نه‌چندان دور در ایران آزاد فردا شاهد برپایی چنین نمایشگاهی باشند. در دو گالری شهرداری مجموعاً ۷۳اثرنقاشی از عالیوندی شامل آبرنگ، رنگ روغن روی بوم وکاغذ، آثارگرافیک سیاه و سفید و رنگی روی بوم در ابعاد گوناگون از ۲۰×۳۰ تا ۱۵۰×۲۰۰ سانتیمتر به‌نمایش درآمده که بزرگترین آنها تابلوی رنگ روغنی ازعیسی مسیح بر صلیب است با جادوی رنگ سرخ درخشان و فلسفهای درهم پیچیده که نمایشگر سبک ویژه نقاشی و قدرت تکنیک عالیوندی است و زیبایی خیره‌کننده شیشه‌های رنگی کلیساها را تداعی می‌کند. این تابلوکه تصویر رنگی آن زینت‌بخش پوستر و دعوتنامه‌های مربوط به نمایشگاه می‌باشد، شگفتی و تحسین بسیار دیدارکنندگان را برانگیخته ومسئول گالری نیز طی مراسم افتتاح نمایشگاه در بخشی از سخنان خود یادآوری وتأکید نمود با آن‌که کاربرد رنگ سرخ دراین گونه نقشها مستلزم مهارت تکنیکی، شناخت فراوان وحساسیت بسیاردر به‌کارگیری این رنگ است، اماعالیوندی در این تابلو، رنگ سرخ رابرای ترسیم خون جاری ازجسم عیسی مسیح باچنان قدرت وتسلط برشناخت جادوی زیبایی این رنگ تصویرکرده است که نه تنها موجب هیچ احساس نامأنوس یا ناطبوعی در تماشاگر نمی‌شود، بلکه با ظرافت ومعصومیت بی‌همتا، بسیار دل‌انگیز و چشم‌نواز است. وی همچنین براساس گفته‌های عالیوندی اشاره نمودکه عیسی مسیح از دیدگاه آرمانی وبشردوستانه نقاش، فراسوی جنسیت (زن یامرد)، انسانی بس جسور و نمونه‌یی بسیار برجسته است که برای برپایی عدالت به‌پا می‌خیزد، بار رنجهای بشر را به‌دوش می‌کشد و اگرچه او را بیگناه به قربانگاه می‌برند اما با تحمل انواع رنجهای جسمی و روحی مافوق طاقت انسان، سمبل نسلهای معصوم معاصر، ارواح بزرگ وانسانهای عدالتخواه یگانه‌یی می‌گردد که بافدا و مرگ جسمی خویش، زندگانی سرشار و نامیرا برای بشر به‌ارمغان می‌آورند. درقسمتی از بروشور نمایشگاه نیز با استناد به زندگینامه نقاش آمده است:

«...عالیوندی ۲۰سال در تهران به تعلیم نقاشی وآشنا ساختن شاگردان خود با هنر قدیم ایران در موزه‌ها پرداخت. تا آن‌که حدود ۲۲سال پیش به‌علت سرکوب و سانسور فعالیتهای فرهنگی و هنری ازسوی ملایان، ناچار به ترک میهن گردید. اینک آثار عالیوندی که پیش از این در سراسر دنیا به‌نمایش درآمده بودند، در ایران ممنوع‌النمایش و مفقودالاثر شده‌اند. وی که ازجمله مخالفان رژیم می‌باشد امروزه درزمره ارزنده‌ترین نقاشان معاصر ایران محسوب می‌شود. استاد عالیوندی با تسلط به تکنیک نقاشی غرب، شناخت عمیق هنر و فرهنگ شرق و تلفیق این دو باهم ضمن کار مداوم سخت وکسب تجارب دائم، موفق به خلق سنتری گردیده که براساس آن زبان ویژه هنری خود را یافته است. بدین ترتیب سبک خاص نقاش به‌علت برخورداری وی ازدوگونگی دانش هنری ـ بدون تقابل هر یک با دیگری ـ تبدیل به پلی روحی و فرهنگی بین شرق وغرب گردیده است. دوران جوانی عالیوندی نیز مانند بسیاری هنرمندان دیگر ریشه درآب وخاک فرهنگی سرزمین خویش دارد که با فلسفه، مذاهب ازجمله اسلام، زرتشت، صوفی گری ومیتولوژی ایران آشنا گردید که این‌همه البته زمینه‌ساز بیان و زبان زیبای هنری نقاش عالیوندی است

زنده باد ارتش آزادیبخش ملی بازوی استوار و پراقتدار خلق قهرمان ایران